

جزوه سوالات تألیفی و نهایی فلسفه پایه دوازدهم سال تحصیلی ۴۰۲-۴۰۳

سیدرحیم موسوی نسب: سرگروه فلسفه و منطق استان خوزستان

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

درس یک: هستی و چیستی

- ۱- موضوع دانش فلسفه است و فلسفه مسائل بنیادین و اساسی پیرامون «.....» را بررسی می کند وجود- وجود
- ۲- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم و و تعیین نسبت میان آنهاست هستی و چیستی (وجود و ماهیت)
- ۳- این دو مفهوم و از کاربردترین مفاهیم میان انسانها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند. هستی- چیستی
- ۴- ما انسانها می دانیم که اشیاء و موجوداتی پیرامون ما دارند و می توانیم به آنها علم پیدا کنیم. وجود- علم
- ۵- کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به حیوانات پی برده است. وجود
- ۶- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو جنبه می یابد، بودن و داشتن موجود- چیستی
- ۷- وجود وجه موجودات و ماهیت وجه آنها مشترک- اختصاصی
- ۸- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان و توجه ویژه ای کرد. وجود- ماهیت
- ۹- ابن سینا بیان کرد که وقتی می گوئیم و دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده اند. هستی- چیستی
- ۱۰- از نگاه فلسفی آب موجودی واحد است که ، دو معنا و دو مفهوم مختلف (آب) و (وجود داشتن) را از همین یک موجود به دست می آورد. چیستی- هستی
- ۱۱- دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» حمل بر «انسان» با حمل «.....» کاملاً متفاوت است. وجود- حیوان ناطق
- ۱۲- در عبارت «انسان حیوان ناطق است» انسان ، به وسیله «.....» تعریف شده است. حیوان ناطق
- ۱۳- در عبارت «انسان حیوان ناطق است» ، انسان به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است؛ یعنی «.....» و «.....» از اجزای تعریفی انسان هستند و چیستی او را تشکیل می دهند. حیوان - ناطق
- ۱۴- در عبارت «انسان حیوان ناطق است» ، انسان به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است؛ یعنی حیوان و ناطق از اجزای تعریفی انسان هستند و چیستی او را تشکیل می دهند و بیان کننده انسان هستند. ذات- حقیقت
- ۱۵- این دو مفهوم (انسان و حیوان ناطق) از یکدیگر؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است. جدایی ناپذیرند
- ۱۶- چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به نیاز ندارد. دلیل
- ۱۷- برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم ، نیازمند هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان است». دلیل- موجود
- ۱۸- برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم ، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است» حال ممکن است این دلیل از طریق و تجربه شناسایی شود یا از طریق حس- عقل محض
- ۱۹- مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی ها با مفهوم وجود است و رابطه میان آنها برقرار نیست. مغایر- ذاتی
- ۲۰- مفهوم «انسان» به عنوان یکی از با مفهوم وجود مغایر است و رابطه میان آنها برقرار نیست. چیستی ها- ذاتی
- ۲۱- فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در است. تفکر اسلامی
- ۲۲- این نظریه (مغایرت وجود و ماهیت) پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان نیز می باشد. وجوب و امکان
- ۲۳- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد. توماس آکوئیناس

- ۲۴- او (توماس آکوئیناس) همچون ابن سینا این نظر (مغارت وجود و ماهیت) را پایه برهان های خود در قرار داد. پایه گذار مکتب فلسفی در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است. خداشناسی - تومیسیم
- ۲۵- توماس آکوئیناس فلسفه ای در اروپا پایه گذاری کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های و تاحدودی بود. ابن سینا- ابن رشد
- ۲۶- همین امر (گسترش اصل مغایرت و جود و ماهیت ابن سینا در اروپا) فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق ف مجددا با فلسفه ارتباط برقرار کنند. ارسطویی
- ۲۷- همین امر (گسترش اصل مغایرت و جود و ماهیت ابن سینا در اروپا) فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های فلسفی و عقلی و آشنا شوند و از این طریق مجددا با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند. ارسطویی
- ۲۸- همین امر (گسترش اصل مغایرت و جود و ماهیت ابن سینا در اروپا) فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب با اندیشه های و ابن سینا و ابن رشد آشنا شوند و از این طریق مجددا با فلسفه ارسطویی ارتباط برقرار کنند. فلسفی و عقلی

سوالات نهایی

- ۱- توماس آکوئیناس که با فلسفه ابن سینا آشنا بود نظریه ... را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده بود (دی ۹۹) **فرق وجود و ماهیت**
- ۲- نام یکی از فلاسفه بزرگ اروپا که با فلسفه ابن سینا آشنا بود نظریه فرق وجود و ماهیت را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد بوده است (شهریور ۹۹) **توماس آکوئیناس**
- ۳- همه موجودات از نظر وجود با هم اشتراک دارند و اختلاف آنها از جهت ... می باشد (دی ۹۹) **ماهیت (چیستی)**
- ۴- کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که از اشیاء آگاه است. (شهریور ۱۴۰۰) **وجود (هستی)**
- انتخاب گزینه صحیح و سوالات کوتاه پاسخ
- گزینه صحیح را انتخاب کنید؟
- ۱- کدام اصل پایه برهان وجوب و امکان ابن سینا قرار گرفته است (خرداد ۹۹)
- (۱) مغایرت وجود و ماهیت (۲) تقدم علت بر معلول **جواب: مغایرت وجود و ماهیت**
- ۲- فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد مجدداً با فلسفه (۱) افلاطون (۲) ارسطو آشنا شد. (دی ۹۹) **ارسطو**
- ۳- در قرن ۱۳ میلادی فلاسفه غرب ، از طریق ابن سینا و ابن رشد ف مجددا با فلسفه (۱: افلاطون ۲: ارسطو) آشنا شدند (خرداد ۱۴۰۰) **ارسطو**
- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.**
- ۲۹- موضوع دانش فلسفه ماهیت است و فلسفه مسائل بنیادین و اساسی پیرامون «ماهیت» را بررسی می کند . غ
- ۳۰- یکی از مباحث اولیه فلسفه، درک دو مفهوم «هستی» و «چیستی» (و کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به «ماهیت» حیوانات پی برده است؟ غ
- ۳۱- کودک با استفاده از کلمه «این» یا «آن» نشان می دهد که به «وجود» حیوانات پی برده است اما از «ماهیت» و «چیستی» آنها آگاه نیست؟ ص
- ۳۲- ویژگی مخصوص حیوانات که آنها را از دسته دیگر موجودات متفاوت و متمایز می کند در منطق و فلسفه ، ذاتیات یک شیء هم می گویند؟ ص
- ۳۳- ماهیت و چیستی هر شیء بیان کننده عرضیات آن شیء است؟ غ
- ۳۴- پرکاربرد ترین مفاهیم میان انسان ها « علت و معلول » هستند. غ
- ۳۵- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند ، دو جنبه می یابد : جنبه موجود بودن و جنبه عدم وجود غ
- ۳۶- وجود وجه اختصاصی موجودات، و وجه مشترک آنها ماهیت است. غ

- ۳۷- فارابی فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح کرد. ص
- ۳۸- از نظر ابن سینا «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند که بدین معناست که آنها دو جزء از یک موجودند که باهم ترکیب یا جمع شده اند. غ
- ۳۹- از نگاه فلسفی، آب، موجودی واحد است که انسان، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می آورد. ص
- ۴۰- «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود نیستند. غ
- ۴۱- ابن سینا نتوانست برای این نظر خود «مغایرت وجود و ماهیت» دلایلی ذکر کند. غ
- ۴۲- ابن سینا می گوید در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر انسان تفاوتی ندارد. غ
- ۴۳- در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان، به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است. ص
- ۴۴- تعریف انسان به حیوان ناطق، یعنی «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چیستی او را تشکیل داده و بیان کننده ذات و حقیقت انسان می باشند. ص
- ۴۵- در تعریف انسان به حیوان ناطق، «حیوان» و «ناطق» بیان کننده ذات و حقیقت اویند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست. ص
- ۴۶- دو مفهوم «انسان» و «حیوان ناطق» از یکدیگر جدایی ناپذیرند یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و حیوان ناطقی انسان است. ص
- ۴۷- چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» نیست حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد. غ
- ۴۸- برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است». ص
- ۴۹- مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی ها با مفهوم وجود مغایر نیست و رابطه ذاتی میان آنها برقرار است. غ
- ۵۰- فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است. ص
- ۵۱- مغایرت وجود و ماهیت پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب و امکان» قرار گرفت. ص
- ۵۲- یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «دکارت» که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، اصل مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد. غ
- ۵۳- توماس آکوئیناس اصل مغایرت وجود را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت و گوهای فراوانی در آنجا شد. ص
- ۵۴- توماس آکوئیناس همچون ابن سینا نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد. ص
- ۵۵- پایه گذار مکتب فلسفی «تومیس» توماس آکوئیناس است. ص

سوالات نهایی

- ۵۶- میان انسان به عنوان یک ماهیت و وجود رابطه ذاتی برقرار است (دی ۹۹) نادرست
- ۵۷- وجود و ماهیت در خارج از ذهن، دو امر جداگانه هستند و مغایرت دارند (دی ۹۹) نادرست
- ۵۸- وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها می باشد (شهریور خرداد ۹۹) نادرست
- ۵۹- حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز دارد (دی ۹۹) نادرست
- ۶۰- در عالم خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم و آنها دو مفهوم مختلف از یک موجود واحدند (شهریور ۴۰۰) درست
- ۶۱- حمل «جسم بر ممداد و خودکار» به دلیل نیاز دارد (خرداد ۱۴۰۰) نادرست
- ۶۲- مفهوم «وجود» بر هر ماهیتی از جمله انسان، نیازمند دلیل است. خرداد ۱۴۰۱ درست
- ۶۳- گزینه صحیح را انتخاب کنید

۶۴- در کدام قضیه، محمول از اجزاء ذاتی موضوع است؟ **خرداد ۴۰۲** ۱- آهن ، فلز است ۲- آب، شور است. **جواب:** آهن فلز است.

سوالات کوتاه پاسخ

- ۶۵- موضوع دانش فلسفه چیست؟ وجود
- ۶۶- فلسفه مسائل بنیادین و اساسی پیرمون چه چیزی را بررسی می کند؟ وجود
- ۶۷- یکی از مباحث اولیه فلسفه چیست؟ درک دو مفهوم هستی و چیستی
- ۶۸- چرا یکی از مباحث اولیه فلسفه ، درک دو مفهوم « هستی » و « چیستی » (وجود و ماهیت) است؟ زیرا این دو مفهوم از پرکاربرد ترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.
- ۶۹- اینکه ما از همان کودکی برای رفع گرسنگی سراغ غذا می رویم و موقع تشنگی سراغ آب می رویم این رفتار طبیعی بیانگر چه حقیقتی است و کدام اصل فلسفی را در خاطر می آورد؟ بیانگر واقعی بودن چیزهای اطراف ما است و توانایی شناخت آنها
- ۷۰- کودکی که بادیدن حیوانات باغ وحش با استفاده از کلمات « این » و « آن » به آنها اشاره می کند به چه چیزی پی برده است؟ به وجود آنها
- ۷۱- کودکی که بادیدن حیوانات باغ وحش با استفاده از کلمات « این » و « آن » به آنها اشاره می کند و به وجود آنها پی برده است از چه چیزی درمورد آنها آگاه نیست؟ ماهیت و چیستی آنها
- ۷۲- ویژگی های مخصوص حیوانات (مثلاً در باغ وحش) که آنها را سایر موجودات متفاوت و متمایز می کند در منطق و فلسفه چه نامیده می شوند؟ ذاتیات یک شیء
- ۷۳- ماهیت و چیستی هر شیء بیان کننده چه چیزی از آن شیء هستند؟ ذاتیات
- ۷۴- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، چند جنبه می یابد؟ دو جنبه : جنبه موجود بودن و جنبه چیستی داشتن
- ۷۵- وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات در چیست؟ وجود- ماهیت
- ۷۶- اولین فیلسوف مسلمانی که به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم ، نکاتی را مطرح نمود کیست؟ فارابی
- ۷۷- کدام فیلسوف مسلمان بیان کرد که وقتی می گوئیم « هستی » و « چیستی » دو مفهوم از یک چیزند ، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که با هم ترکیب یا جمع شده اند ؟ ابن سینا
- ۷۸- آب از نگاه فلسفی چگونه موجودی است؟ موجودی واحد است که انسان ، دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن) را از همین یک موجود به دست می آورد.
- ۷۹- باتوجه به عقیده ابن سینا ، چرا حمل « حیوان ناطق » بر انسان ، به دلیل نیاز ندارد؟ چون « حیوان ناطق » همان حقیقت و ذات « انسان » است یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما « حیوان ناطق » را بر « انسان » حمل کنید.
- ۸۰- منظور این جمله که : در عبارت « انسان حیوان ناطق است » ، انسان به وسیله « حیوان ناطق » تعریف شده است ، چیست؟ یعنی « حیوان » و « ناطق » از اجزای تعریفی انسان هستند و چیستی او را تشکیل می دهند و بیان کننده ذات و حقیقت انسان می باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان « حیوان ناطق » نیست.
- ۸۱- اینکه دو مفهوم « انسان » و « حیوان ناطق » از یکدیگر جدایی ناپذیرند به چه معنی است؟ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.
- ۸۲- چرا حمل « وجود » بر « انسان » نیازمند دلیل است؟ تا بتوانیم بگوئیم « انسان موجود است »
- ۸۳- برای حمل « وجود » بر « انسان » به چه دلایلی نیازمند هستیم؟ دلیل حس و تجربه یا از طریق عقل محض
- ۸۴- ماهیت ها و چیستی ها نسبت به مفهوم « وجود » به چه دلایلی نیاز دارند؟ دو دلیل: حس و تجربه و دلیل عقلی محض
- ۸۵- مفهوم « انسان » به عنوان یکی از چیستی ها با مفهوم وجود چه نسبتی دارد و چه رابطه ای میان آنها برقرار است؟ مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست.

- ۸۶- یکی از اساسی ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی چیست؟ فرق بین وجود و ماهیت
- ۸۷- چرا فرق ماهیت و وجود را یکی از اساسی ترین آراء و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی دانسته اند؟ زیرا این بحث مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفته است.
- ۸۸- یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا را نام ببرید؟ وجود و امکان
- ۸۹- موضوع برهان وجوب و امکان ابن سینا چیست؟ ابن سینا کدام بحث را پایه ی این برهان قرار داده است؟ موضوع: اثبات وجود خدا - بحث مغایرت وجود و ماهیت
- ۹۰- کدام فیلسوف نظر ، مغایرت وجود و ماهیت را در اروپا گسترش داد و زمینه ساز گفت وگوهای فراوانی در آنجا شد؟ توماس آکوئیناس
- ۹۱- پایه گذار مکتب تومیسیم در اروپا چه کسی است؟ توماس آکوئیناس
- ۹۲- کدام فیلسوف در قرن های ۱۳ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج کرد که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تاحدودی ابن رشد بود؟ توماس آکوئیناس

سوالات نهایی

به سوال های زیر ، پاسخ کوتاه بدهید:

- ۹۳- فیلسوفی را که در اروپا در بین قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی، دیدگاههای ابن سینا را ترویج داد، نام ببرید؟ **(دی ۹۸) توماس آکوئیناس**
- ۹۴- به ترتیب وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات چیست؟ **(دی ۹۹) وجود (هستی) و ماهیت (چیستی)**
- ۹۵- چرا در حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» نمی توان از دلیل حمل سوال کرد؟ **(شهریور ۱۴۰۰) چون «شکل سه ضلعی» از اجزای تعریفی «مثلث» و چیستی آن است و گویای ذات و حقیقت مثلث است.**
- ۹۶- وجه مشترک و وجه اختصاصی موجودات را به ترتیب بنویسید. **(خرداد ۱۴۰۰) وجود (هستی) و ماهیت (چیستی)**
- ۹۷- نوع حمل در قضیه «لوزی شکل است» با کدام یک از قضایای زیر تناسب دارد؟ **خرداد ۱۴۰۱**
- ۱- انسان حیوان است. ۲- انسان مخلوق است. جواب: **انسان حیوان است.**
- ۹۸- یک فیلسوف مسلمان و یک فیلسوف اروپایی را که نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داده اند، نام ببرید. **دی ۱۴۰۰- ابن سینا- توماس آکوئیناس**

سوالات تشریحی

- ۹۹- استدلال ابن سینا مبنی بر مغایرت وجود و ماهیت را توضیح دهید؟ او می گوید که دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است چون در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، انسان به وسیله «حیوان ناطق» تعریف شده است؛ یعنی «حیوان» و «ناطق» از اجزای تعریفی انسان هستند و چیستی او را تشکیل می دهند و بیان کننده ذات و حقیقت انسان می باشند؛ یعنی ذات انسان چیزی جز همان «حیوان ناطق» نیست به همین جهت، این دومفهوم از یکدیگر جدایی ناپذیرند؛ یعنی هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات «انسان» است، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید؟ اما رابطه دومفهوم «وجود» و «انسان» این گونه نیست، برای اینکه مفهوم «وجود» را بر مفهوم «انسان» حمل کنیم، نیازمند دلیل هستیم تا بتوانیم بگوییم «انسان موجود است» حال ممکن است این دلیل از طریق حس و تجربه شناسایی شود یا از طریق عقل محض بنابراین مفهوم «انسان» به عنوان یکی از چیستی ها با مفهوم وجود مغایر است و رابطه ذاتی میان آنها برقرار نیست.
- ۱۰۰- بیان دقیق و توجه خاص ابن سینا به بحث نسبت وجود و ماهیت چه تأثیری بر عقاید فلسفی در تفکر اسلامی داشت؟ به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان مغایرت وجود و ماهیت و با عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه ای که

گفته اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است» این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجوب وامکان» نیز قرار گرفت.

۱۰۱- مقصود ابن سینا از این سخن که «هستی» و «چیستی» دو مفهوم از یک چیزند، را با ذکر مثال توضیح دهید؟ به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک موجودند که باهم ترکیب یا جمع شده اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند. از نگاه علم شیمی، آب ترکیبی از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است و این نکته را از طریق یک آزمایش ساده به دست می آوریم اما از نگاه فلسفی آب موجودی واحد است که انسان دو معنا و دو مفهوم مختلف چیستی (آب) و هستی (وجود داشتن آب) را از همین یک موجود به دست می آورد؛ یعنی در خارج، دو امر جداگانه به نام «آب» و «وجود» نداریم به عبارت دیگر: «آب» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت از یک موجود هستند. ۱۰۲- چرا حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» به دلیل نیاز ندارد؟ چون «حیوان ناطق» همان حقیقت و ذات انسان است، حمل «حیوان ناطق» بر انسان چیستی و ذاتیات خود اوست و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر انسان حمل کنید؟

۱۰۳- چرا حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است؟ در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی گیرد بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ذاتی برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان می تواند موجود باشد و می تواند موجود نباشد بنابراین حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است از طریق حس و تجربه به دست آید یا از طریق عقل محض

سوالات نهایی

به سوال های زیر پاسخ کامل بدهید:

۱۰۴- تفاوت حمل «حیوان ناطق» بر انسان با حمل «وجود» بر انسان چیست توضیح دهید (خرداد، دی ۹۹)
در عبارت «انسان حیوان ناطق است» حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ذاتی» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است.

۱۰۵- تفاوت حمل شکل سه ضلعی «بر مثلث با حمل «موجود» بر مثلث چیست؟ توضیح دهید؟ (شهریور ۹۹)
در عبارت «مثلث شکل سه ضلعی است» حمل «شکل سه ضلعی» بر «مثلث» یک «حمل ذاتی و ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ اما حمل «وجود» بر هر مثلث در عبارت «مثلث موجود است» رابطه ضروری نیست و به دلیل نیاز دارد. ۱۰۶- از دیدگاه ابن سینا، وقتی می گوییم «آب و وجود دو مفهوم از یک موجود هستند» به چه معنا می باشد؟ توضیح دهید؟ (خرداد ۴۰۲)

بدین معنا نیست که آن ها دو جزء از یک موجودند که ب هم ترکیب یا جمع شده اند بلکه از موجودی واحد، دو مفهوم مختلف را بدست آورده ایم یعنی در عالم خارج دو امر جداگانه به نام آب و وجود نداریم.

۱۰۷- چرا حمل وجود بر «درخت» به دلیل نیاز دارد؟ توضیح دهید؟ (شهریور ۴۰۲)
زیرا وجود، از اجزای تعریفی درخت نمی باشد. بیانگر ذات و حقیقت درخت نیست از آن جدایی پذیر است.

سؤالات درس دوم (جهان ممکنات)

۱- در قضیه «مثلث سه ضلعی است» محمول قضیه به این دلیل که ذاتی موضوع خود می باشد، برای آن موضوع، است. ضروری و واجب

۲- در قضیه دیوار خانه ماسفید است» محمول برای موضوع خود ضروری نیست و هم می تواند این محمول را بپذیرد و هم می تواند نپذیرد؛ یعنی برای موضوع خود حالت «.....» دارد. امکان

۳- در قضیه «عده هشت فرد است» برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است ریال یعنی است که عده هشت، فرد باشد. محال - ممتنع

- ۴- رابطه برخی موضوع ها با «وجود» رابطه امکانی، و رابطه برخی، رابطه وجوبی و برخی نیز رابطه امتناعی دارند و نمی توانند باشند. دسته اول را «.....» ، دسته دوم را «.....» و دسته سوم را «.....» می نامند. ممکن الوجود- واجب الوجود- ممتنع الوجود
- ۵- رابطه برخی موضوع ها با «وجود» رابطه.....، و رابطه برخی، رابطه و برخی نیز رابطه دارند و نمی توانند باشند. امکانی وجوبی امتناعی
- ۶- وقتی می گوئیم رابطه ماهیت انسان « با » وجود» یک رابطه است، منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. امکانی
- ۷- موضوع هایی را که با «وجود» رابطه امکانی دارند از نظر فارابی و ابن سینا ، چون در و خود ممکن الوجود هستند همین رابطه امکانی به ذات و ماهیت آنها اجازه می دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز موجود شوند و در خارج تحقق یابند. ماهیت- ذات
- ۸- حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت قرار دارند و هیچ کفه ای بر دیگری ندارد. تعادل- ترجیحی
- ۹- وقتی می گوئیم رابطه ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطه است منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. امکانی
- ۱۰- بابودن علت «وجود» برای انسان ضروری می شود و انسان می گردد و موجود می شود. واجب الوجود
- ۱۱- همه اشیا یی که موجودند واجب الوجود هستند اما به واسطه علت هایشان، نه به واسطه خودشان به عبارت دیگر: اینها «.....» هستند. واجب الوجود بالغیر

سوالات نهایی

جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

- ۱۲- در قضیه «مثلث دارای چهار ضلع است» رابطه محمول با موضوع رابطه ای..... می باشد (دی ۹۹) امتناعی
- ۱۳- در قضیه «عدد ۵ فرد است» رابطه محمول با موضوع رابطه ای است (شهریور ۹۹) وجوبی (ضروری)
- ۱۴- در قضیه «دیوار خانه ما سفید است» رابطه محمول با موضوع خود ، رابطه است. (شهریور ۱۴۰۰) امکانی
- ۱۵- همه اشیا یی که موجودند، واجب الوجود..... هستند. دی ۱۴۰۰ بالغیر
- ۱۶- همه اشیا یی که به واسطه علت هایشان موجودند ف واجب الوجودند، واجب الوجود..... هستند. خرداد ۱۴۰۰ بالغیر
- ۱۷- از نظر ابن سینا ، موجودات جهان واجب الوجود بالغیر هستند ولیکن بر حسب ذات خود..... می باشند. دی ۹۹ خارج

از کشور ممکن الوجود

- ۱۸- رابطه موضوع و محمول در قضیه «دایره دارای زاویه است» می باشد. خرداد ۴۰۲ امتناعی
- ۱۹- از نظر دکارت، انسان اصل علیت را به طور..... درک می کند. خرداد ۴۰۲ فطری

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۲۰- در قضیه «مثلث شکلی سه ضلعی است» محمول قضیه به این دلیل که ذاتی موضوع خود می باشد، برای آن موضوع، «ضروری» و «واجب» است. ص
- ۲۱- در قضیه «دیوار خانه ما سفید است» محمول قضیه برای موضوع خود ضروری است. غ
- ۲۲- در قضیه « عدد هشت فرد است» برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن است ؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت، فرد باشد. ص
- ۲۳- میان موضوع و محمول در قضا یا سه گونه رابطه می تواند باشد: رابطه وجوبی، رابطه امکانی و رابطه امتناعی ص
- ۲۴- رابطه «وجود» با موضوع های مختلف ، سه گونه است بابرخی رابطه امکانی، برخی رابطه وجوبی و برخی نیز رابطه امتناعی دارد. ص
- ۲۵- اگر رابطه «وجود» با موضوعی امکانی باشد «ممکن الوجود» نامیده می شود اگر رابطه وجوبی باشد «واجب الوجود» و اگر امتناعی باشد «ممتنع الوجود» نامیده می شود. ص

۲۶- از نظر فارابی وابن سینا، اینکه چرا با وجود رابطه امکانی میان «وجود» و برخی موضوع ها، اکنون موجودند، بخاطر اینکه این قبیل موجودات درماهیت و ذات خود، واجب الوجود هستند. غ

۲۷- حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دوکفه آن درحالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه ای بردیگری ترجیحی ندارد. ص

۲۸- وقتی می گوییم رابطه ماهیت انسان « با «وجود» ، یک رابطه وجوبی است، منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. غ

۲۹- بآبودن علت، «وجود» برای انسان ضروری می شود و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود. ص

۳۰- درحال حاضر همه اشیایی که موجودند، « واجب الوجود» هستند اما به واسطه علت هایشان، نه به واسطه خودشان. به عبارت دیگر : اینها «واجب الوجود بالغیر» هستند. ص

۳۱- هریک از موضوعات زیر را به لحاظ « واجب الوجود ، ممکن الوجود یا ممتنع الوجود» بودن مشخص کنید. **خرداد ۴۰۲**

بزرگ کوچک	مورچه غول پیکر
الف) ممتنع الوجود	ب) ممکن الوجود

۳۲- هریک از موارد ذکر شده در جدول، واجب الوجود هستند یا ممکن الوجود یا ممتنع الوجود؟ **شهریور ۴۰۲**

شیرین شور	فضا پیما	هندوانه
الف) ممتنع الوجود	ب) ممکن الوجود	ج) ممکن الوجود

سوالات نهایی

درستی یا نادرستی گزاره های زیر مشخص کنید.

۳۳- برگه امتحانی که در زیر دست شماست « واجب الوجود بالغیر» است. **خرداد ۱۴۰۰ درست**

۳۴- درقضیه « غذای امروز شور بود» رابطه موضوع و محمول ، امتناعی می باشد. **دی ۸۷ نادرست**

۳۵- مفاهیم « مربع سه ضلعی» و « پرنده » به ترتیب « واجب الوجود » و « ممکن الوجود » هستند. **خرداد ۱۴۰۱ نادرست**

۳۶- حالت ممکن الوجود نسبت به وجود و عدم ف حالت ترازویی با دو کفه متعادل است. **خرداد ۱۴۰۱ درست**

۳۷- به عقیده هیوم منشاء درک و پذیرش رابطه علیت ریال یک حالت روانی ناشی از توالی پدیده ها است. **خرداد ۴۰۲**

صحیح

گزینه درست را انتخاب کنید

۳۸- الف) کدام مورد، از مصادیق رابطه علیت می باشد؟ ۱-حرارت و سوزاندن ۲-دوستی بین مردم **شهریور ۴۰۲**

حرارت و سوزاندن

سوالات کوتاه پاسخ

۳۹- نسبت «وجود» و «هستی» با موضوعات مختلف، چگونه نسبتی می تواند باشد؟ یا ضروری است، یا ممکن است و یا ممتنع

۴۰- رابطه «وجود» را با موضوعات زیر مشخص کنید و چه نوع رابطه ای است؟ الف) دیو ب) فرشته ج) عدد بی نهایت د) خدا

الف) امکانی ب) امکانی ج) امتناعی د) ضروری

۴۱- اگر یک گیاه موجود شد چه رابطه ای میان وجود و گیاه برقرار شده است؟ ضروری

۴۲- رابطه میان «وجود» و «گیاه» چه نوع رابطه ای است؟ امکانی

۴۳- در کدام رابطه است که نسبت وجود، به عنوان یک محمول ، با موضوعشان ضروری است؟ رابطه وجوبی

۴۴- وقتی به ذات و ماهیت اشیاء پیرامون خود نگاه می کنیم، میان این ماهیات و وجود چه رابطه ای می یابیم؟ رابطه امکانی

۴۵- به همه اشیا یی که وجودشان به واسطه عاملی دیگر واجب شده است چه می گویند؟ واجب الوجود بالغیر

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید:

۴۶- رابطه وجود با هر یک از موضوع های زیر وجوبی است یا امکانی یا امتناعی؟ (دی و شهریور ۹۹)

(الف) مایع جامد (ب) خداوند متعال (ج) روح (د) شریک خداند (هـ) دیو (و) کوه الماس (د) انسان تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد.

۴۷- برگه امتحانی که در زیر دست شما است، واجب الوجود بالغیر است. (خرداد ۱۴۰۰) درست

۴۸- از نظر فیلسوفان مسلمان، انسان بعد از درک کدام اصل، در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آید؟

خرداد ۴۰۲ اصل امتناع اجتماع نقیضین

۴۹- هنگامی که راننده ای، خودروی بدون نقص را روشن کرده و هدایت می کند، این عمل او بر مبنای پذیرش کدام یک

از لوازم علت است؟ (خرداد ۴۰۲ اصل وجوب بخشی علت به معلول (یا اصل ضرورت علی و معلولی)

۵۰- عبارت های زیر درباره منشاء درک و پذیرش رابطه علت، دیدگاه کدام فیلسوف یا گروه است؟ (شهریور ۴۰۲)

(الف) انسان از طریق حس، توالی یا هم زمانی پدیده ها را مشاهده می کند و رابطه ضروری بین علت و معلول را در می یابد.

(ب) ذهن انسان پس از درک «اصل امتناع اجتماع نقیضین» می فهمد که حوادث خود به خود رخ نمی دهند.

(الف) تجربه گرایان (ب) فیلسوفان مسلمان

سوالات تشریحی

۵۱- مفاهیم سه گانه را در قالب مثال نام ببرید؟ (۱) رابطه ضروری مانند: عدد ۴ زوج است. (۲) رابطه امکانی مانند: هوای جنوب کشور گرم است. (۳) رابطه امتناعی مانند: عدد ۳ زوج است.

۵۲- مفاهیم سه گانه را نام ببرید و تعریف کنید؟ حمل محمول بر موضوع یا ضروری است یعنی موضوع بدون آن محمول نمی تواند باشد که این رابطه را رابطه ضروری می نامند؛ یا حمل محمول بر موضوع امکانی است یعنی موضوع می تواند آن محمول را داشته باشد یا نداشته باشد؛ که این رابطه را امکانی می نامند. و یا حمل محمول بر موضوع محال عقلی و ممتنع است یعنی غیر ممکن است، که این رابطه را رابطه امتناعی می نامند.

۵۳- در هر قضیه، رابطه میان موضوع و محمول چیست؟

(الف) مثلث دایره است. امتناعی

(ب) هوا ابری است. امکانی

(ج) مثلث سه ضلعی است. وجوبی (ضروری)

۵۴- فارابی و ابن سینا چه پاسخی به این سوال داده اند، چرا موضوع هایی که فقط امکان وجود دارند، اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده اند؟ چون این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با «وجود» رابطه امکانی دارند، اما همین رابطه امکانی به ذات و ماهیت آنها اجازه می دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز موجود می شوند و در خارج تحقق یابند.

به عبارت دیگر: وقتی می گوییم رابطه ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطه امکانی است، منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. ذات وی به گونه ای نیست که حتما باشد و همچنین ذات وی به گونه ای نیست که حتما نباشد. با بودن علت «وجود» برای انسان ضروری می شود و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود

۵۵- منظور از اینکه می‌گوییم رابطه ماهیت «انسان» با «وجود» یک رابطه امکانی است چیست؟ منظور این است که انسان می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد. ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً نباشد. با بودن علت «وجود» برای انسان ضروری می‌شود و انسان واجب‌الوجود می‌گردد و موجود می‌شود.

۵۶- منظور از اینکه انسان و همه‌اشیائی که موجودند و «واجب‌الوجود» هستند «واجب‌الوجود بالغیر» می‌باشند؟ منظور این است که انسان می‌تواند باشد و می‌تواند نباشد. ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذات وی به گونه‌ای نیست که حتماً نباشد. با بودن علت «وجود» برای انسان ضروری می‌شود و انسان واجب‌الوجود می‌گردد و موجود می‌شود یعنی در حال حاضر، همه‌اشیائی که موجودند «واجب‌الوجود» هستند، اما به واسطه علت‌هایشان، نه به واسطه خودشان به عبارت دیگر: اینها «واجب‌الوجود بالغیر» هستند.

سوالات نهایی

به سوالهای زیر، پاسخ کامل بدهید؟

۵۷- «رابطه امتناعی» را با ذکر مثال تعریف کنید. (خرداد ۹۹)

اگر در قضیه‌ای برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن (محال) باشد رابطه آن‌ها امتناعی است. مثلاً عدد ۸ فرد است.

۵۸- اگر در قضیه‌ای برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیر ممکن باشد رابطه آنها امتناعی است. مثلاً مثلث ۴ ضلع دارد. رابطه وجود با هریک از موضوعات زیر از نوع ضرورت است یا امکان یا امتناع؟ (شهریور ۱۴۰۰)

سیاه سفید	دریایی جیوه	پرنده
الف:.....	ب:.....	ج:.....

الف: رابطه امتناعی (محال و غیر ممکن) ب: رابطه امکانی ج: رابطه امکانی

۵۹- براساس نسبت‌های سه گانه در قضایا، جدول را کامل کنید. (خرداد ۱۴۰۰)

الف:.....	مثال برای رابطه امکانی.....	ج:.....
عدد ۲۵ فرد است.	ب:.....	مربع، سه ضلعی است.

الف: رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری) ب: انسان مهندس است. ج: رابطه امتناعی (محال و غیر ممکن)

۶۰- واجب‌الوجود بالغیر» را تعریف کنید؟ دی ۹۹

همان ممکن‌الوجود است که بالذات وجود برایش ضرورت ندارد اما بعد از وجود، ضرورتش از ناحیه واجب‌الوجود بالذات نشئت گرفته است، که آن را به وجود آورده است.

۶۱- رابطه وجود با هریک از مفاهیم ذکر شده در جدول، از نوع ضرورت است یا امکان یا امتناع؟ دی ۱۴۰۰

دیو	مثلث چهارضلعی	خدا
الف:.....	ب:.....	ج:.....

الف: رابطه امکانی ب: رابطه امتناعی (محال غیر ممکن) ج: رابطه وجوبی (حتمی یا ضروری)

۶۲- رابطه میان موضوع و محمول در قضیه «عدد هفت زوج است» کدام است؟ ۱- امکانی ۲- امتناعی (خرداد ۱۴۰۱)

امتناعی

۶۳- تعیین کنید که رابطه وجود با هریک از موارد زیر «وجوبی» است یا «امکانی» یا «امتناعی» است؟ الف: دیو ب:

شریک خدا شهریور ۹۹ الف امکانی ب: امتناعی

۶۴- رابطه وجود با هریک از موارد زیر «ضروری» است یا «امکانی» یا «امتناعی»؟ الف: انسان ب: شریک خدا ج:

مثلث چهارضلعی دی ۹۹ خارج از کشور الف: امکانی ب: امتناعی ج: امتناعی

۶۵- تعیین کنید که رابطه وجود با هریک از موارد زیر «وجوبی» است یا «امکانی» یا «امتناعی»؟ الف: روح ب: شریک خدا **دی ۹۹** الف: امکانی ب: امتناعی

۶۶- رابطه هریک از مفاهیم زیر را با محمول وجود تعیین نمایید (واجب، ممکن، ممتنع)

الف: شریک خدا (ب: کوه الماس (ج: انسان (د: خداوند **دی ۹۸**

الف: امتناعی ب: امکانی ج: امکانی د: وجوبی

۶۷- «اصل سنخیت علت و معلول» را با ذکر مثال تعریف کنید. **شهریور ۴۰۲**

هر علتی معلول خاص خودش را پدید می آورد. هر معلولی از علت خاصی صادر می شود. مثلا آتش می سوزاند.

۶۸- هریک از موضوعات زیر را به لحاظ «واجب الوجود، ممکن الوجود یا ممتنع الوجود» بودن مشخص کنید. **خرداد ۴۰۲**

بزرگ کوچک	مورچه غول پیکر
الف) ممتنع الوجود	ب) ممکن الوجود

۶۹- هریک از موارد ذکر شده در جدول، واجب الوجود هستند یا ممکن الوجود یا ممتنع الوجود؟ **شهریور ۴۰۲**

شیرین شور	فضا پیما	هندوانه
الف) ممتنع الوجود	ب) ممکن الوجود	ج) ممکن الوجود

سؤالات درس سوم (جهان علی و معلولی)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- انسان از همان اوایل کودکی که زبان می گشاید از و اشیاء پرسش می کند. چپستی - چرایی
- ۲- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی، مسئله است. علت و معلول
- ۳- شاید نخستین مسئله ای که فکر بشر را به خود متوجه ساخته، و او را به تفکر واندیشه وادار کرده است چگونگی رابطه باشد. علت و معلول
- ۴- انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال بوده و برای یافتن پدیده ها تلاش کرده است. علت یابی - علل
- ۵- علت چیزی است که به چیز دیگری می دهد و آن چیز را به می آورد. وجود - وجود
- ۶- معلول نیز چیزی است که را از چیز دیگر - که همان است - می گیرد؛ یعنی در وجود خود، نیازمند دیگری است. وجودش - علت
- ۷- رابطه وجود بخشی میان علت و معلول را می گویند. رابطه علیت
- ۸- رابطه علیت رابطه ای وجودی است که در آن، یک طرف (.....) به طرف دیگر (.....) وجود می دهد. علت - معلول
- ۹- رابطه علیت رابطه ای است که در آن، یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) می دهد و وجودی - وجود
- ۱۰- رابطه علیت رابطه ای وجودی است، یعنی وجود یک چیز وابسته به وجود دیگری است. ضرورتا
- ۱۱- دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت بدست می آید. تجربه
- ۱۲- دکارت معتقد بود که علت جزء اصول است که انسان آن را به طور درک می کند. اولیه ای - فطری
- ۱۳- به عقیده تجربه گرایان، انسان از طریق حس یا هم زمانی پدیده ها را مشاهده می کند و رابطه میان علت و معلول را درمی یابد. توالی - ضروری
- ۱۴- به عقیده تجربه گرایان، انسان از طریق حس توالی یا هم زمانی پدیده ها را مشاهده می کند و رابطه ضروری میان و را درمی یابد. علت و معلول

- ۱۵- دیوید هیوم باتجربه گرایان هم عقیده است که تنها راه شناخت واقعیات است. حس و تجربه
- ۱۶- دیوید هیوم می گوید رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست و آن را نمی توان از طریق مشاهده و به دست آورد باید یک راه تجربی دیگر برای آن پیدا کرد. حسی - تجربه
- ۱۷- دیوید هیوم می گوید ، بر اثر تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین وجود دارد . او این انعکاس ذهنی را «.....» می نامد. تداعی
- ۱۸- دیوید هیوم می گوید تداعی علت چیزی جز یک حالت ناشی از و پشت سر هم آمدن پدیده ها نیست. علت - روانی - توالی
- ۱۹- از نظر فلاسفه مسلمان اصل علت یک قاعده است و از به دست نمی آید. عقلی - تجربه
- ۲۰- دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل دست به تجربه می زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. علت
- ۲۱- از نظر فلاسفه مسلمان همین که ذهن انسان شکل گرفت متوجه می شود که وجود یک چیز با آن جمع نمی شود عدم
- ۲۲- فلاسفه مسلمان می گویند همین که ذهن انسان شکل گرفت ، متوجه می شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی شود و نیز درمی یابد که یک چیز نمی تواند هم خودش باشد، هم غیر خودش. این قاعده را منطق دانان و فیلسوفان، اصل نامیده اند. امتناع اجتماع نقیضین
- ۲۳- از نظر فیلسوفان مسلمان، پس از شکل ذهن و درک اصل است که وقتی کودک صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشأ صدا و عامل حرکت برمی آید. امتناع اجتماع نقیضین
- ۲۴- باینکه کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد، اما خود از این طریق به دست نمی آید. اصل علت
- ۲۵- انسان علاوه بر اینکه درک می کند که هر حادثه ای علت می خواهد ، همچنین درک می کند که هر علتی، خودش را پدید می آورد معلول خاص
- ۲۶- انسان درک می کند که هر علتی ، معلول خاص خودش را پدید می آورد و نیز درک می کند که هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید فیلسوفان این اصل را می نامند. سنخیت میان علت و معلول
- ۲۷- فیلسوفان - به جز فیلسوفان تجربه گرا- می گویند که این اصل (سنخیت میان علت و معلول) نیز مانند خود اصل «علت» یک اصل است. عقلی
- ۲۸- یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار با آن را دارد متناسب
- ۲۹- برای اینکه بدانیم هر علتی کدام معلول پدید می آید، باید از کمک بگیریم و از طرق مختلف آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم. تجربه - تجربی
- ۳۰- فیلسوفان می گویند اصل سنخیت پشتوانه نظم دقیق است. عقلی - جهان
- ۳۱- دانشمندان وقتی با پدیده های مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند ، به سراغ عواملی می روند که بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می کنند تا اینکه به علت آن دست یابند. تناسب - ویژه
- ۳۲- بر اساس قاعده هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. سنخیت علت و معلول
- ۳۳- اینکه انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد از نتایج اصل است. سنخیت علت و معلول
- ۳۴- دانشمندان با تکیه بر اصل تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند. سنخیت

سوالات نهایی

- ۳۵- رابطه علت مانند رابطه دوستی نیست بلکه رابطه است. (دی ۹۹) وجودی
- ۳۶- دیوید هیوم که اساساً تجربه گراست امکان معرفت از طریق و بدون را رد می کند. (دی ۹۹) عقلی - تجربی
- ۳۷- از نظر دکارت، انسان اصل علت را به طور درک می کند. خرداد ۴۰۲ فطری
- درستی یا نادرستی عبارات های زیر را مشخص کنید.**

- ۳۸- انسان از همان اوایل کودکی که زبان می گشاید از «چیستی» و «چرایی» اشیاء پرسش می کند. ص
- ۳۹- نخستین مسئله ای که فکربشر را به خود متوجه ساخته و او را به تفکر و اندیشه وادار کرده، چگونگی رابطه علت و معلول است. ص

- ۴۰- انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی کره خاکی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است. ص
- ۴۱- کلمه «چرا» بازتابی از رابطه «علت و معلول» است. ص
- ۴۲- از میان فیلسوفان اروپایی ، دکارت معتقد بود که اصل علیت با دخالت تجربه به دست می آید. غ
- ۴۳- تجربه گرایان معتقدند که انسان از طریق حس ، توالی یا هم زمانی پدیده ها را مشاهده می کند و رابطه ضروری میان علت و معلول را در می یابد و از این طریق ، رابطه علیت را درک می کند و بنا می نهد. ص
- ۴۴- دیوید هیوم با تجربه گرایان هم عقیده نیست که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است. غ
- ۴۵- دیوید هیوم گرچه با تجربه گرایان هم عقیده است اما می گوید رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست و آن را نمی توان از طریق مشاهده حسی و تجربه به دست آورد. ص
- ۴۶- دیوید هیوم می گوید اینکه بر اثر تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که یک رابطه ضروری میان طلوع و روشن شدن زمین وجود دارد و این انعکاس ذهنی را «تداعی» می نامد. ص
- ۴۷- دیوید هیوم می گوید تداعی علیت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست. ص
- ۴۸- از نظر فلاسفه مسلمان ، اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید. ص
- ۴۹- به عقیده فلاسفه مسلمان هر تلاش تجربی مبتنی بر قاعده علیت است. ص
- ۵۰- دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می زنند تا علل حوادث را پیدا کنند. ص
- ۵۱- هر تلاش تجربی خود مبتنی بر قاعده عقلی نیست. غ
- ۵۲- فلاسفه مسلمان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت ، متوجه نمی شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی شود. غ
- ۵۳- اینکه یک چیز نمی تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد، یا هست و یا نیست یا اینکه یک چیز نمی تواند هم خودش باشد و هم غیر خودش. این قاعده را منطوق دانان و فیلسوفان، اصل امتناع اجتماع نقیضین نامیده اند. ص
- ۵۴- انسان بر اساس اصل امتناع اجتماع نقیضین درمی یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند. ص
- ۵۵- اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست ، قبلاً باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است. ص
- ۵۶- اصل امتناع اجتماع نقیضین غیر بدیهی و محال نیست. غ
- ۵۷- از نظر فیلسوفان مسلمان، پس از شکل گیری ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین است که وقتی کودک صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشاء صدا و حرکت بر می آید. ص
- ۵۸- انسان علاوه بر این درک که هر حادثه ای علت می خواهد، همچنین درک می کند که هر علتی ، معلول خاص خودش را پدید می آورد. ص
- ۵۹- انسان درک می کند که هر علتی ، معلول خاص خودش را پدید می آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید فیلسوفان این اصل را «اصل علیت میان علت و معلول» می نامند. غ
- ۶۰- فیلسوفان - به جز تجربه گرایان - می گویند اصل سنخیت مانند خود اصل علیت یک اصل تجربی است. غ
- ۶۱- یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد. ص
- ۶۲- برای اینکه بدانیم هر علتی کدام معلول پدید می آید، باید از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم. ص
- ۶۳- فیلسوفان مسلمان می گویند اصل سنخیت پشتوانه عقلی نظم دقیق جهان است. ص
- ۶۴- دانشمندان باتکیه بر اصل سنخیت ، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند. ص
- ۶۵- دانشمندان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارند و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جستجوی می کنند. ص
- ۶۶- اشیاء و پدیده های موجود، در ذات و ماهیت خود، واجب الوجود بوده اند. غ

- ۶۷- آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد علت است. ص
- ۶۸- معلول با قطع نظر از علت، امکان ذاتی ندارد. غ
- ۶۹- معلول با قطع نظر از علت، امکان ذاتی دارد، یعنی ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم مساوی است. ص
- ۷۰- بآمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را « وجوب علی و معلولی » می گویند. ص
- ۷۱- پذیرش اصل «علیت» زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است. ص
- ۷۲- باقبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان بایکدیگر و پیوستگی شان پی نمی بریم . غ
- ۷۳- اصل « وجوب بخشی علت به معلول » جهان راتابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد. ص
- ۷۴- اصل « سنخیت میان علت و معلول » ، نظم خاصی درجهان برقرار نمی کند. بلکه به ما می فهماند که هرچیزی می تواند منشاء هرچیزی شود. غ

سوالات نهایی

- ۷۵- دیوید هیوم اصل علیت را یک اصل تجربی می داند. (دی ۹۹) نادرست
- ۷۶- وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود علت مشروط به وجود معلول می باشد (خرداد ۹۹) نادرست
- ۷۷- از نظر فیلسوفان مسلمان ، انسان به طور مادر زادی با اصل علیت آشنا است (شهریور ۱۴۰۰) نادرست
- ۷۸- رابطه علیت، رابطه ای وجودی است، مانند رابطه ای که میان دو دوست وجود دارد. (خرداد ۱۴۰۰) نادرست
- ۷۹- از نظر فیلسوفان مسلمان ، انسان به طور مادرزادی با اصل علیت آشناست. شهریور ۱۴۰۰ نادرست
- ۸۰- به عقیده هیوم منشاء درک و پذیرش رابطه علیت ریال یک حالت روانی ناشی از توالی پدیده ها است. خرداد ۴۰۲

صحیح

سوالات نهایی : گزینه درست را انتخاب کنید.

از طریق اصل (۱: سنخیت ۲: ضرورت) علت و معلول است که می توان برای نظم دقیق جهان، پشتوانه عقلی قائل

شد (شهریور ۱۴۰۰) ۱: سنخیت

- ۸۱- از نظر فلاسفه مسلمان، کشف علل امور طبیعی از طریق (۱: حس و تجربه ۲: عقل) صورت می گیرد. (خرداد ۱۴۰۰) عقل

سوالات کوتاه پاسخ

- ۸۲- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی چیست؟ علت و معلول
- ۸۳- نخستین مسئله ای که فکربشر رابه خود متوجه ساخته واو را به تفکر واندیشه وادار کرده است چه مسئله ای است؟ چگونگی رابطه علت و معلول
- ۸۴- انسان از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال چه چیزی بوده و برای یافتن چه اموری همواره تلاش کرده است؟ علت یابی- علل پدیده ها
- ۸۵- علت را تعریف کنید؟ علت چیزی است که به چیزی دیگر وجود می دهد و آن چیز را به وجود می آورد.
- ۸۶- معلول را تعریف کنید؟ معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر- که همان علت است- می گیرد یعنی در وجود خود ، نیازمند به دیگری است.
- ۸۷- رابطه علیت را تعریف کنید؟ رابطه وجود بخشی میان علت و معلول را «رابطه علیت» می گویند.
- ۸۸- رابطه علیت چگونه رابطه ای است؟ رابطه وجودی
- ۸۹- رابطه علیت رابطه ای وجودی است یعنی چه؟ در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد.
- ۹۰- منظور از اینکه گفته می شود کلمه «چرا» بازتابی از درک رابطه علیت در ذهن انسان هاست، چیست؟ یعنی وقتی که یک انسان می گوید «چرا» ، به دنبال یافتن علت یک پدیده و یک حادثه است.

- ۹۱- کدام فیلسوف اروپایی معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه بدست می آید؟ دکارت
- ۹۲- کدام فیلسوف اروپایی معتقد بود که اصل علیت جزء اصول اولیه ای است که انسان به طور فطری درک می کند؟ دکارت
- ۹۳- منظور دکارت که معتقد بود اصل علیت جزء اصول اولیه ای است که انسان آن را به طور فطری درک می کند چیست؟ یعنی هرانسانی، با درکی از رابطه علیت متولد می شود و درک این رابطه نیازه تجربه ویا آموزش ندارد.
- ۹۴- چرا گفته می شود که هرانسانی با درکی از رابطه علیت متولد می شود و درک این رابطه نیازه تجربه ویا آموزش ندارد؟ زیرا پذیرش و قبول این رابطه، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است.
- ۹۵- تجربه گرایان هرچیزی را برچه اساسی تحلیل می کنند؟ حس و تجربه
- ۹۶- تجربه گرایان معتقدند که انسان چگونه رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی یابد و آن را درک کرده و بنا می نهد؟ از طریق حس، و مشاهده توالی یا هم زمانی پدیده ها
- ۹۷- از نظر تجربه گرایان انسان از چه طریقی به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت بنا می نهد؟ حس و مشاهده توالی یا هم زمانی پدیده ها
- ۹۸- کدام فیلسوف در میان تجربه گرایان، ضمن هم عقیده بودن با آنها، که تنه راه شناخت واقعیات حس و تجربه است امانظر خاص داردومی گوید رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست. دیوید هیوم
- ۹۹- کدام فیلسوف می گوید بر اثر تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن زمین وجود دارد؟ دیوید هیوم
- ۱۰۰- دیوید هیوم انعکاس ذهنی رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین، که ناشی از تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن زمین است را چه می نامد؟ تداعی
- ۱۰۱- دیوید هیوم تداعی علیت در ذهن را چگونه حالتی می داند؟ حالت روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده هاست.
- ۱۰۲- از نظر فلاسفه اسلامی اصل علیت چگونه قاعده ای است؟ قاعده ای عقلی و از تجربه به دست نمی آید.
- ۱۰۳- دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرش کدام اصل فلسفی، دست به تجربه می زنند؟ اصل علیت
- ۱۰۴- چرا دانشمندان علوم طبیعی بپذیرش اصل علیت دست به تجربه می زنند؟ تا علل حوادث را پیدا کنند.
- ۱۰۵- هر تلاش تجربی متکی بر کدام اصل فلسفی است؟ علیت
- ۱۰۶- منطق دانان و فیلسوفان، جمع نشدن یک چیز با عدم آن، یعنی اینکه یک چیز، نمی تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد را چه نامیده اند؟ اصل امتناع اجتماع نقیضین
- ۱۰۷- چرا فلاسفه مسلمان معتقدند که اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید؟ زیرا معتقدند که علیت پایه و اساس هر تجربه ای است.
- ۱۰۸- مقصود فلاسفه مسلمان از قاعده عقلی اجتماع نقیضین محال است چیست؟ اینکه چیزی خودش به خودش وجود وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، باشد.
- ۱۰۹- فلاسفه مسلمان درک اصل علیت را مبتنی بر کدام اصل عقلی و بدیهی می دانند؟ اصل امتناع اجتماع نقیضین
- ۱۱۰- چرا نمی توان گفت پدیده ها خود به خود به وجود آمده اند؟ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبلا باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد و این همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.
- ۱۱۱- به عقیده فلاسفه مسلمان درک علیت از چه طریقی و در چه زمانی صورت می گیرد؟ پس از شکل گیری ذهن انسان و درک اصل امتناع نقیضین متوجه می شود که حوادث خود به خود رخ نمی دهند و دارای علل و عواملی هستند و آن علل را می توان پیدا کرد.
- ۱۱۲- فیلسوفان - به جز فیلسوفان تجربه گرا - «اصل سنخیت» را مانند خود اصل «علیت» چگونه اصلی می دانند؟ عقلی
- ۱۱۳- یکی از نتایج اصل سنخیت چیست؟ اینکه انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با آن را دارد.
- ۱۱۴- با قبول کدام اصل، می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد؟ اصل سنخیت
- ۱۱۵- دانشمندان بانکیه بر کدام اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؟ اصل سنخیت

- ۱۱۶- براساس کدام اصل است که هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدیدمی آید؟ سنخیت
- ۱۱۷- پشتوانه عقلی برای نظم دقیق جهان، بنابر کدام اصل است؟ اصل سنخیت علت و معلول
- ۱۱۸- براساس کدام اصل ، علت به معلول ضرورت وجود می بخشد و معلول را موجود می کند؟ وجوب علی و معلولی
- ۱۱۹- چه زمانی ، وجود معلول ضرورت می یابد و معلول موجود می شود؟ بآمدن علت
- ۱۲۰- منظور از اینکه معلول باقطع نظر از علت «امکان ذاتی» دارد چیست؟ یعنی ذات و ماهیتش نسبت به وجود وعدم مساوی است.
- ۱۲۱- وجوب علی و معلولی را تعریف کنید؟ رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را وجوب علی و معلولی می گویند.
- ۱۲۲- لازمه و نتیجه اصل علیت چیست؟ ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشاء آن
- ۱۲۳- لازمه و نتیجه اصل وجوب بخشی علت به معلول چیست؟ تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی
- ۱۲۴- لازمه و نتیجه اصل سنخیت میان علت و معلول چیست؟ نظم و قانون مندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها
- ۱۲۵- هریک از دیدگاههای زیر مربوط به کدام فیلسوفان اروپایی است؟
- الف) مفهوم علیت امری روانی و ناشی از توالی پدیده هاست.
- ب) اصل علیت جزء مفاهیم اولیه و بدیهی است.
- ج) حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.
- الف) هیوم ب) دکارت ج) تجربه گرایان

سوالات نهایی

- ۱۲۶- از نظر دکارت، درک رابطه علیت توسط انسان به صورت (۱: حسی و تجربی ۲: فطری) است. **دی ۱۴۰۰ ۲: فطری**
- ۱۲۷- گزاره مقابل نظر کیست؟ «اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست می آید». ۱- هیوم ۲- ابن سینا **دی ۹۹ خارج از کشور ۲- ابن سینا**
- ۱۲۸- از نظر فلاسفه مسلمان، کشف علل امور طبیعی از طریق (۱: حس و تجربه ۲: عقل) صورت می گیرد. **دی ۹۹ خارج**
- ۱: حس و تجربه
- ۱۲۹- نتیجه و لازمه اصل «سنخیت میان علت و معلول» چیست؟ **دی ۹۹ نظم و قانونمندی میان دسته های مختلف پدیده ها**
- ۱۳۰- از طریق اصل (۱: سنخیت ۲: ضرورت) علت معلول است که می توان برای نظم دقیق جهان، پشتوانه علمی قائل شد. **شهریور ۱۴۰۰ ۱: سنخیت**
- ۱۳۱- نتیجه هر کدام از «اصل وجوب بخشی علت به معلول» و «اصل سنخیت میان علت و معلول» را به ترتیب بنویسید. **شهریور ۹۹**
- تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی - نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها.
- ۱۳۲- هریک از اصول روبرو چه نتیجه ای را در پی دارد؟ الف) اصل علیت ب) اصل سنخیت **دی ۹۸**
- الف) ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشاء آن ب) نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها
- ۱۳۳- از نظر فیلسوفان مسلمان، انسان بعد از درک کدام اصل ، در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آید؟ **خرداد ۴۰۲ اصل امتناع اجتماع نقیضین**
- ۱۳۴- هنگامی که راننده ای، خودروی بدون نقص را روشن کرده و هدایت می کند، این عمل او بر مبنای پذیرش کدام یک از لوازم علیت است؟ **خرداد ۴۰۲ اصل وجوب بخشی علت به معلول (یا اصل ضرورت علی و معلولی)**
- ۱۳۵- عبارت های زیر درباره منشاء درک و پذیرش رابطه علیت، دیدگاه کدام فیلسوف یا گروه است؟ **شهریور ۴۰۲**
- الف) انسان از طریق حس ، توالی یا هم زمانی پدیده ها را مشاهده می کند و رابطه ضروری بین علت و معلول را در می یابد.
- ب) ذهن انسان پس از درک «اصل امتناع اجتماع نقیضین» می فهمد که حوادث خود به خود رخ نمی دهند.

سؤالات تشریحی

۱۳۶- انسان از چه زمانی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است؟ انسان نیز از همان ابتدای ظهور خود بر روی این کره خاکی به دنبال علت یابی بوده و برای یافتن علل پدیده ها تلاش کرده است.

۱۳۷- رابطه علیت چگونه رابطه ای است؟ رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف (علت) به طرف دیگر (معلول) وجود می دهد.

۱۳۸- رابطه علیت چه تفاوتی با سایر روابط دارد؟ رابطه علیت رابطه ای وجودی است، یعنی وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است و اگر علت باشد، معلول آن هم حتماً خواهد بود و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود. این رابطه با روابط دیگری که میان موجودات برقرار است، تفاوت دارد مثلاً، رابطه علیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

۱۳۹- توضیح دهید چرا رابطه علیت مانند رابطه دوستی نیست؟ رابطه علیت رابطه ای وجودی است یعنی وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو ، فرض می شود و سپس میان آنها رابطه دوستی برقرار می گردد.

۱۴۰- دیدگاه دکارت را درباره چگونگی درک رابطه علیت بنویسید؟ دکارت معتقد بود که اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء اصول اولیه ای است که انسان آن را به طور فطری درک می کند یعنی؛ هرانسانی بادرکی از رابطه علیت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد زیرا پذیرش و قبول این رابطه، مقدمه و پایه هر تجربه و آموزشی است البته یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

۱۴۱- منظور این گفته دکارت که «اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید و جزء اصول اولیه ای است که انسان آن را به طور فطری درک می کند» چیست؟ یعنی؛ هرانسانی بادرکی از رابطه علیت متولد می شود و درک این رابطه نیاز به تجربه و یا آموزش ندارد ولی یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.

۱۴۲- دیدگاه تجربه گرایان را درباره چگونگی درک رابطه علیت بنویسید؟ تجربه گرایان چون هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس ، توالی یا هم زمانی پدیده ها مشاهده می کند و رابطه ضروری میان علت و معلول را درمی یابد و از این طریق، رابطه علیت را بنا می نهد. آنان می گویند که مثلاً چون زمین همواره با آمدن خورشید، روشن می شود و با ناپدید شدن آن، تاریک می گردد، انسان متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته که تا خورشید نیاید، زمین هم روشن نمی شود ، یعنی یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین یافته و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است.

۱۴۳- دیدگاه دیوید هیوم را درباره چگونگی درک رابطه علیت بنویسید؟ در میان فیلسوفان تجربه گرا، دیوید هیوم ، فیلسوف قرن هجدهم انگلستان نظر خاصی دارد. او با تجربه گرایان هم عقیده است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است، اما می گوید رابطه ضروری میان علت و معلول یک موضوع حسی نیست و آن را نمی توان از طریق مشاهده حسی و تجربه به دست آورد و باید یک راه تجربی دیگر برای آن پیدا کرد.

۱۴۴- چرا هیوم معتقد است که درک علیت از طریق تجربه هم ممکن نیست؟ از نظر هیوم ، حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد مثلاً چشم ، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشنی زمین باشد، چنین چیزی با حس قابل مشاهده نیست . او از همین مثال برای راه حل خود استفاده می کند و می گوید، بر اثر تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین وجود دارد . او این انعکاس ذهنی را «تداعی» می نامد و می گوید تداعی علیت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

۱۴۵- با ذکر مثال توضیح دهید که به عقیده هیوم ما از چه طریقی عادت کرده ایم چیزی را علت چیز دیگر بنامیم؟ مثلاً چشم ، می بیند که با آمدن خورشید به آسمان زمین روشن می شود اما اینکه یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشنی زمین باشد، چنین چیزی با حس قابل مشاهده نیست . او از همین مثال برای راه حل خود استفاده می کند و می گوید، بر اثر تکرار مشاهده طلوع خورشید و روشن شدن زمین، در ذهن ما چنین منعکس می شود که یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین وجود دارد . او این انعکاس ذهنی را «تداعی» می نامد

ومی گوید تداعی علیت چیزی جز یک حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها نیست از این طریق است که ما پنداشته ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

۱۴۶- دیدگاه فلاسفه مسلمان را درباره چگونگی درک رابطه علیت بنویسید؟ فلاسفه مسلمان می گویند ؛ اصل علیت یک قاعده عقلی است و از تجربه به دست نمی آید ؛ بلکه خودش پایه و اساس هر تجربه است. دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت به تجربه دست می زنند تا علل حوادث را پیدا کنند از نظر این فیلسوفان، پس از شکل گیری ذهن و درک اصل امتناع اجتماع نقیضین است که وقتی کودک صدایی را می شنود یا حرکتی را مشاهده می کند، به دنبال منشاء صدا و عامل حرکت برمی آید یعنی از این به بعد است که متوجه می شود حوادث، خود به خود رخ نمی دهند و دارای علل و عواملی هستند و آن علل را می توان پیدا کرد.

۱۴۷- چگونه از طریق اصل « امتناع اجتماع نقیضین » متوجه می شویم پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؟ زیرا « اینکه چیزی خودش به وجود وجود بدهد به معنای آن است که چیزی که نیست ، باشد و این همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است »

۱۴۸- نظر دیوید هیوم درباره چگونگی درک اصل علیت را با نظر دیگر تجربه گرایان مقایسه کنید؟

هیوم: می گوید: درست است که تنها راه شناخت واقعیات حس و تجربه است اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از مشاهده حسی و تجربه به دست آورد از نظر هیوم حس فقط می تواند اجسام و رنگ ها و شکل ها و اموری از این قبیل را به ما نشان دهد

تجربه گرایان معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت بنا می نهد .

۱۴۹- اصل سنخیت علت و معلول را توضیح دهید؟ هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید.

۱۵۰- یکی از نتایج اصل سنخیت را بنویسید؟ یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد به همین سبب می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد. به تفاوت های آن با اشیاء پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

۱۵۱- دانشمندان وقتی با پدیده ای مواجه شوند و می خواهند علت آن را بیابند به سراغ چه عواملی می روند؟ به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جست و جو می کنند تا این که به علت ویژه آن دست یابند.

۱۵۲- اصل وجوب علی و معلولی را توضیح دهید؟ آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است. معلول با قطع نظر از علت ، « امکان ذاتی » دارد؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به وجود و عدم مساوی است. با آمدن علت، وجود معلول ضرورت می یابد و موجود می شود. پس، علت به معلول خود ضرورت وجود می بخشد و معلول را موجود می کند. این رابطه ضرورت بخشی علت به معلول را « وجوب علی و معلولی » می گویند ؛ یعنی اگر علت یک چیزی موجود شود، موجود شدن آن چیز نیز واجب می شود و ضرورت می یابد و آن چیز نیز موجود می شود.

۱۵۳- قبول اصل عقلی سنخیت علت و معلول چه نتایجی به دنبال دارد؟

(۱) انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد.

(۲) می کوشد ویژگی های هر شیء را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیاء دیگر پی ببرد تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

(۳) با قبول اصل سنخیت است که می توان برای نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی قائل شد.

(۴) دانشمندان باتکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند و برای یافتن علت هر پدیده به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارند.

۱۵۴- هر عبارت بیانگر کدام اصل عقلی در رابطه با علیت است؟

(الف) آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، علت است.

(ب) علت هر پدیده را در میان عواملی جست و جو می کنیم که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد.

(ج) هر حادثه ای علت می خواهد.

(الف) وجوب علی و معلولی ب: سنخیت علت و معلول ج: اصل علیت

۱۵۵- چرا دیوید هیوم تداعی علت را حالت روانی ناشی از توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها می داند؟ چون از این طریق است که ماینداشتند ایم یک رابطه ضروری میان طلوع خورشید و روشن شدن زمین برقرار است.

۱۵۶- اصل سنخیت میان علت و معلول را توضیح دهید؟ و مثال بیاورید؟ انسان علاوه بر این درک که هر حادثه ای علت می خواهد، همچنین درک می کند که هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می آورد و نیز می فهمد که هر معلولی از علت خاصی صادر می شود؛ مثلا آتش می سوزاند، آفتاب روشنای می دهد و غذا انسان را سیر می کند. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند و می گویند همه انسان ها به طور طبیعی و با همان عقل خود این حقیقت را قبول دارند و طبق همین اصل رفتار می کنند؛ مثلا برای باسواد شدن درس می خوانند، برای سلامتی ورزش می کنند و غذای سالم می خورند و برای استحکام ساختمان از آهن یا بتن استفاده می کنند.

۱۵۷- پذیرش اصل «علیت» چه نتایجی در پی دارد توضیح دهید؟ پذیرش اصل «علیت»، زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است. با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشاء و عامل پیدایش آن برمی آییم.

۱۵۸- نتایج پذیرش و قبول اصل «وجوب بخشی علت به معلول» را توضیح دهید؟ اصل «وجوب بخشی علت به معلول» جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود و وجود آن، وجوب پیدا می کند. باغبان بر همین اساس بذر می کارد و آن را آبیاری می کند و راننده با همین مبنا خوروش را روشن و به جلو هدایت می کند.

۱۵۹- پذیرش اصل «سنخیت میان علت و معلول» چه نتایجی در پی دارد توضیح دهید؟ اصل «سنخیت میان علت و معلول» نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشاء هر چیزی شود. کشاورز، صنعتگر، طبیب و هر کسی که در یک کار خاص وارد شده و برای آن برنامه ریزی کرده، متوجه همین اصل بوده است، گرچه عبارت «سنخیت میان علت و معلول» به گوش او نرسیده باشد.

سوالات نهایی

۱۶۰- نظر دیوید هیوم را درباره علیت با ذکر مثال شرح دهید. (خرداد ۹۹)

۱۶۱- چگونگی درک رابطه علیت را از نظر دیوید هیوم به اختصار بنویسید؟ (دی ۹۹)

۱۶۲- نظر دیوید هیوم را درباره «علیت» با ذکر مثال شرح دهید. (خرداد ۱۴۰۰)

به نظر دیوید هیوم تنها راه شناخت واقعیات، حس و تجربه است، اما اصل علیت و رابطه ضروری میان علت و معلول را نمی توان از حس و تجربه بدست آورد. از نظر او اعتقاد به علیت در نزد انسان، ناشی از عادت ذهنی است که یک امر روانی بر اثر توالی و پشت سرهم آمدن پدیده ها است.

۱۶۳- سنخیت علت و معلول را با ذکر مثال تعریف کنید؟ (خرداد و شهریور ۹۹)

انسان درک می کند که هر علتی، معلول خاص خودش را پدید می آورد و نیز درک می کند که هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید؛ مثلا برای باسواد شدن باید درس بخواند.

۱۶۴- سنخیت علت و معلول یعنی چه و نتیجه آن چیست؟ (دی ۹۹ خارج کشور)

هر علتی معلول خاص خودش را پدید می آورد و هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و پدید می آید. نتیجه آن؛ نظم و قانونمندی معین میان دسته های مختلف پدیده ها

۱۶۵- رابطه علیت را تعریف کنید و تفاوت آن را با سایر روابط بنویسید؟ (شهریور ۹۹ و ۱۴۰۰)

۱۶۶- رابطه علیت را تعریف نموده و تفاوت آن را با سایر روابط با ذکر مثال شرح دهید؟ (شهریور ۱۴۰۰)

رابطه ای وجودی است، یعنی یکی وجودش وابسته به دیگری است؛ یعنی مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آن ها دوستی برقرار می گردد.

۱۶۷- تفاوت رابطه علیت با سایر روابط را با ذکر یک مثال توضیح دهید؟ (دی ۱۴۰۰)

در رابطه علیت یا همان رابطه وجودی، وجود یک چیز ضرورتاً وابسته به وجود دیگری است و اگر علت باشد، معلول آن هم حتماً خواهد بود و اگر علت نباشد، معلول هم نخواهد بود. این رابطه با روابط دیگری که میان موجودات برقرار است تفاوت دارد، مثلاً رابطه علیت همانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس میان آنها دوستی برقرار می گردد.

۱۶۸- از نظر فیلسوفان مسلمان، چرا پدیده ها نمی توانند خود به خود بوجود آیند؟ (دی ۹۸ و ۹۹ و خرداد ۹۹)

۱۶۹- نظر فلاسفه مسلمان رادرمورد اصل علیت بنویسید؟ (دی و شهریور ۹۹)

۱۷۰- نظر فلاسفه مسلمان را درمورد نحوه ی درک «اصل علیت» بنویسید؟ شهریور ۹۹

۱۷۱- از نظر فلاسفه مسلمان منشاء اعتقاد به علیت چیست؟ توضیح دهید؟ دی ۱۴۰۰

۱۷۲- از نظر فلاسفه مسلمان چگونه می توان از اصل امتناع اجتماع نقیضین، نتیجه گرفت که پدیده ها خود به خود به

وجود نمی آیند؟ دی ۹۸

همین که ذهن انسان شکل گرفت، متوجه می شود که وجود یک چیز با عدم آن جمع نمی شود؛ یعنی در می یابد که یک چیز، نمی تواند هم موجود باشد و هم موجود نباشد، یا هست و یا نیست. نیز در می یابد که یک چیز نمی تواند هم خودش باشد، هم غیر خودش؛ مثلاً نمی شود که مثلث، هم مثلث باشد و هم غیر مثلث. این قاعده را منطق دانان و فیلسوفان، اصل امتناع اجتماع نقیضین نامیده اند. انسان، براساس این اصل در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که چیزی که نیست، قبل باشد تا بتواند خودش را به وجود بیاورد، و این، همان اجتماع نقیضین است که محال بودن آن بدیهی است.

۱۷۳- «اصل سنخیت علت و معلول» را با ذکر مثال تعریف کنید. شهریور ۴۰۲

هر علتی معلول خاص خودش را پدید می آورد. هر معلولی از علت خاصی صادر می شود. مثلاً آتش می سوزاند

سؤالات درس چهارم (کدام تصویر از جهان؟)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- یکی از اقدامات موثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و..... و..... یا تعمیق آنها بوده است. نقد- تصحیح
- ۲- دموکریتوس معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، و..... ذریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند. اتم ها- ذرات
- ۳- برخورد اتفاقی ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان است دیدگاه می باشد. دموکریتوس
- ۴- ابن سینا در مهم ترین کتاب فلسفی خود، یعنی «.....» درباره «اتفاق» و مفاهیم دیگری از قبیل «شانس» سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم نماید. الهیات شفا- تصحیح
- ۵- الهیات شفا مهمترین کتاب فلسفی است. ابن سینا
- ۶- ابن سینا در مهم ترین کتاب فلسفی خود یعنی «الهیات شفا» درباره «.....» و مفاهیم دیگری از قبیل «.....» سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید. اتفاق- شانس
- ۷- معنای اول اتفاق این است که میان پدیده ها و علل آنها رابطه وجود ندارد ضروری
- ۸- معنای دوم اتفاق این است که میان اشیاء و آثار آنها نیست. سنخیتی
- ۹- معنای سوم اتفاق نبودن در حرکات و نظم جهان است. غایت- هدف
- ۱۰- معنای چهارم اتفاق عبارت است از رخ دادن حوادث است. پیش بینی نشده
- ۱۱- فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور صریح و روشن با معنای اتفاق موافق باشد. اول
- ۱۲- همه فیلسوفان چنین اتفاقی (به معنای اول) را می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول برقرار است. انکار

- ۱۳- برخی از مردم که از تمام اجزای یک آگاه نیستند، گاهی فکر می کنند که در برخی موارد، درعین وجود علت، آن پدید نیامده است.
 علت- معلول
- ۱۴- درموردی که معلول ، از مجموعه ای از عوامل پدید می آید ، هر یک از عوامل را «.....» و مجموعه عوامل را «.....» می نامند.
 علت ناقصه- علت تامه
- ۱۵- اتفاق به معنای دوم (انکار سنخیت) از نظر بسیاری از فلاسفه از جمله و و علامه طباطبائی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست. ابن سینا- ملاصدرا
- ۱۶- بسیاری از فلاسفه مسلمان، از جمله و اتفاق به این معنا که سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد قبول نمی کنند. ابن سینا- ملاصدرا
- ۱۷- از نظر بسیاری از فلاسفه، اگر کسی واقعا اصل را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بدانده هیچ کاری دست نخواهد زد.
 سنخیت میان علت و معلول
- ۱۸- اگر کسی اصل سنخیت را انکار کند نمی تواند و موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. نظم - هماهنگی
- ۱۹- در حقیقت انکار اصل بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد و متناقض با یک نظام مند و قانون مند است.
 سنخیت- هستی
- ۲۰- پذیرفتن اتفاق به معنای سوم ، نفی « نخستین » و « » را به دنبال دارد. علت- آفریننده
- ۲۱- غایتمند بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می دهد، برای رسیدن به و و از پیش تعیین شده است.
 هدف- غایت معین
- ۲۲- قبول غایتمندی جهان، فقط با قبول علت و، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است. نخستین- علل
- ۲۳- قبول غایتمندی جهان، فقط با قبول علت نخستین و علل، یعنی قبول امکان پذیر است. آفریننده
- ۲۴- آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت و را اثبات می کنند، معتقدند که اتفاق به معنای سوم هم مانند دوم معنای اول امکان پذیر نیست. نخستین- آفریننده
- ۲۵- آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند ، معتقدند همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک و از پیش تعیین شده قرار دارند. هدف- غایت
- ۲۶- (معنی سخن برخی فلاسفه معتقد به علت نخستین این است که) جهانی که ما در آن زندگی می کنیم ، به سوی خود در حرکت است و مرحله به مرحله می شود. کمال- کامل تر
- ۲۷- آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت برای جهان معتقد نیستند زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند. نخستین- غایتمندی
- ۲۸- دسته ای از فیلسوفان هم هستند که درعین انکار خداوند، برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک در حرکت است و روز به روز می شود. غایت برتر- کامل تر
- ۲۹- اما نظر این فیلسوفان (فیلسوفانی که درعین انکار خدا برای جهان غایت و هدف تعیین می کنند) مورد نقد قرار گرفته است. زیرا قبول غایت برای اشیاء و پدیده های جهان وقتی امکان پذیر است که آن قبل از پیدایش اشیاء شده باشد. غایت- مشخص
- ۳۰- معنای چهارم اتفاق با هیچ یک از و علیت مخالف نیست بلکه مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.
 اصول- لوازم
- ۳۱- معنای چهارم اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم مخالف نیست بلکه مربوط به ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.
 علیت- علم

سوالات نهایی

- ۳۲- قبول غایتمندی در جهان فقط با قبول علت نخستین و امکان پذیر است. **دی ۹۹ علت العلل**
- ۳۳- به هریک از عواملی که در پدید آمدن یک معلول دخالت دارند، علت می گویند. **خرداد ۹۹ ناقصه**

۳۴- هر یک از عوامل «آشپز» و «چاغو» برای تهیه غذا علت محسوب می شوند. **خرداد ۴۰۲ ناقصه**

درستی یا نادرستی عبارات های زیر رامشخص کنید.

۳۵- «اتفاق» از کلماتی است که درگفت وگوهای روزمره همه اقوام وملل کاربرد ندارد. غ

۳۶- دموکریتوس فیلسوف یونان باستان ازواژه «اتفاق» استفاده کرده است. ص

۳۷- افلاطون معتقد است که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان ، اتم ها وذرات ریزتجزیه ناپذیر وغیرقابل تقسیم هستند. غ

۳۸- به عقیده دموکریتوس ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها وذرات ریز تجزیه ناپذیروغیرقابل تقسیم هستند ص

۳۹- به عقیده دموکریتوس برخوردمنظم وحساب شده ذرات ریزتجزیه ناپذیروغیرقابل تقسیم سبب پیدایش عناصر واشیاء فعلی درجهان شده است. غ

۴۰- شکل دیگری ازاتفاق درگفته های برخی دانشمندان زیست شناس آمده است. ص

۴۱- به عقیده برخی دانشمندان زیست شناس،ازابتدای پیدایش موجود زنده بر روی زمین، جانداران بی شماری پدیدآمده اندکه بیشترآنها به علت ناسازگاری بامحیط زندگی ، از بین رفته اند.ص

۴۲- به عقیده برخی دانشمندان زیست شناس، فقط آن دسته ازجانداران که تغییرات بدنی آنها، «اتفاقا» سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده ورشد کرده اند وتکثیر شده اند.. ص

۴۳- برخی ازدانشمندان احتمال می دهند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیارد ها کهکشان، بر اثر یک انفجاربزرگ - مه بانگ- آغاز شده است.. ص

۴۴- چون برخی ازدانشمندان پیدایش جهان رابرائرانفجار مه بانگ می دانند این بیان باعث شد برخی تصور کنند پیدایش این جهان اتفاقی وبدون علت بوده است. ص

۴۵- یکی از اقدامات مؤثر فیلسوفان ، دقت درمفاهیم عامیانه ونقد وتصحیح یا تعمیق آنها بوده است. ص

۴۶- ملا صدرا دردرالهیات شفا مهمترین کتاب فلسفی خود، تلاش کرده است نظر مردم را درمورد دو مفهوم ، اتفاق وشانس ، تصحیح نماید. غ

۴۷- ابن سینا درکتاب «الهیات شفا» درباره «اتفاق» ومفاهیم دیگری ازقبیل «شانس» سخن گفته وتلاش کرده نظر مردم را درمورد این مفاهیم تصحیح نماید. ص

۴۸- معنای اول اتفاق این است که میان پدیده ها وعلل آنها رابطه ضروری وجود دارد. غ

۴۹- معنای دوم اتفاق این است که میان اشیاء وآثار ها سنخیتی وجود دارد. غ

۵۰- معنای سوم اتفاق؛ نبودن غایت وهدف خاص درحرکات ونظم جهان است. ص

۵۱- معنای چهارم اتفاق عبارت است از رخ دادن حوادث پیش بینی شده است. غ

۵۲- فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور صرح وروشن با معنای اول موافق نباشد. غ

۵۳- فیلسوفان، معمولا چنین اتفاقی(اتفاق به معنای اول) را انکار نمی کنند ومی گویند هر معلولی به علت نیاز ندارد. غ

۵۴- برخی ازمردم که از تمام اجزای یک علت آگاه نیستند می پندارند، میان علت ومعلول ، رابطه ضروری وجود ندارد. ص

۵۵- درموردی که معلول ازمجموعه ای ازعوامل پدید می آید، هریک از عوامل را «علت تامه» می نامند. غ

۵۶- مجموعه عوامل درپدیدآمدن معلول را، علت ناقصه می نامند. غ

۵۷- نوشتن روی کاغذ، معلول عواملی ازقبیل انسان، قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن وحرکت دست می باشد ونوشتن محقق می شودبه مجموعه این عوامل علت ناقصه گفته می شود. غ

۵۸- اتفاق به این معنا که سنخیتی میان علت ومعلول وجود نداردانظر همه فلاسفه ودانشمندان جهان قابل قبول است. غ

۵۹- نکاراصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم وبی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد ومتناقض با یک هستی نظام مند وقانون مند است. ص

۶۰- نبودن غایت وهدف خاص درحرکات جهان یکی از معانی اتفاق است. ص

۶۱- اتفاق به معنای دوم ازنظر بسیاری ازفلاسفه ازجمله ابن سینا وملاصدرا وعلامه طباطبایی وبرخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیراست. غ

۶۲- اتفاق به معنای سوم از نظر بسیاری از فلاسفه امکان پذیر نیست چون قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت و معلول را به دنبال دارد. ص

۶۳- بسیاری از فلاسفه می گویند: اگر کسی واقعا اصل سنخیت را انکار کند به هیچ کاری دست نخواهد زد. ص

۶۴- بسیاری از فلاسفه می گویند: اگر کسی واقعا اصل سنخیت را انکار کند، چنین فردی می تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. غ

۶۵- پذیرفتن اتفاق به معنای سوم، نفی « علت نخستین جهان » و « آفریننده » را به دنبال دارد. ص

۶۶- پذیرش معنای سوم اتفاق یعنی نفی علت نخستین جهان و آفریننده، زیرا غایت مند بودن جهان یعنی پذیرش هدف و غایت مندی مجموعه حوادث و رخداد های جهان، و قبول غایت مندی فقط با قبول علت نخستین امکان پذیر است. ص

۶۷- آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که اتفاق به معنای سوم امکان پذیر نیست. ص

۶۸- آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود. ص

۶۹- آن دسته از فلاسفه که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت مندی زنجیره حوادث را نیز قبول می کنند. غ

۷۰- آن دسته از فلاسفه که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند و وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین شده نبوده است. ص

۷۱- به اعتقاد برخی فلاسفه، جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود. ص

۷۲- معنای چهارم اتفاق، رخ دادن حوادث پیش بینی شده است. غ

۷۳- معنای چهارم اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. ص

۷۴- آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت مندی زنجیره حوادث را انکار نمی کنند. غ

۷۵- برخی از فلاسفه، وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورد که ز پیش تعیین شده نبود است. ص

۷۶- دسته ای از فلاسفه هستند که در عین انکار خداوند، می خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند. ص

۷۷- دسته ای از فلاسفه می گویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت نیست و روز به روز ناقص تر می شود. غ

۷۸- معنای چهارم اتفاق مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. ص

سؤالات کوتاه پاسخ

۷۹- به نظر ابن سینا وظیفه فیلسوفان در برخورد با مفاهیم عامیانه چیست؟ (۱) دقت در مفاهیم عامیانه (۲) نقد و تصحیح یا تعمیق در آنها

۸۰- مهمترین کتاب فلسفی ابن سینا کدام است؟ الهیات شفا

۸۱- ابن سینا در کدام کتاب خود درباره اتفاق و شانس سخن گفته است؟ الهیات شفا

۸۲- از نظر دموکریتوس ماده اولیه تشکیل دهنده جهان چیست؟ اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم

۸۳- کدام فیلسوف یونانی معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم هستند؟ دموکریتوس

۸۴- از نظر دموکریتوس چه چیزی سبب پیدایش عناصر و اشیاء در جهان شده است؟ برخورد اتفاقی اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم

۸۵- از نظر برخی زیست شناس ها کدام دسته از جانداران به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند؟ آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها «اتفاقا» سازگار با محیط بوده است.

۸۶- از نظر برخی زیست شناسان چرا بیشتر جانداران از بین رفته اند؟ به علت ناسازگاری اندام ها و اعضای بدنشان با محیط

۸۷- ابن سینا در کتاب الهیات شفا درباره چه مفاهیمی سخن گفته و تلاش کرده نظر مردم را در مورد این مفاهیم تصحیح نماید؟ اتفاق و شانس

۸۸- کدام فیلسوف، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها را از وظایف فیلسوفان می شمارد؟ ابن سینا

- ۸۹- قبول اصل علیت با نفی کدام موضوع هماهنگی دارد؟ اتفاق
- ۹۰- طبق کدام اصل فلسفی علت های خاص معلول های خاص دارند و هر معلولی نیز از علت خاص خود سرچشمه می گیرد؟ سنخیت میان علت و معلول
- ۹۱- از اصل سنخیت میان علت و معلول چه نتیجه ای حاصل می آید؟ نظم و قانون مندی معین میان دسته های مختلف پدیده ها
- ۹۲- از نظر فلاسفه انکار کدام اصل بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها رابه دنبال دارد؟ اصل سنخیت
- ۹۳- چرا برخی از مردم می پندارند میان علت و معلول ، رابطه ضروری وجود ندارد؟ چون از تمام اجزای علت آگاه نیستند.
- ۹۴- شرط وجوب بخشی علت به معلول چیست؟ علت با تمام حقیقت خود تحقق یافته باشد. به عبارت دیگر علت تامه باشد.
- ۹۵- کدام معنای اتفاق بی ارتباط با اصل علیت نیست و نفی علیت نمی کند؟ معنای چهارم رخ دادن حادثه پیش بینی نشده
- ۹۶- چرا می گوئیم اتفاق به معنای چهارم صحیح است و نفی علیت نمی کند؟ زیرا در این مورد ، وجود علت را می پذیریم اما نسبت به آن شناخت نداریم.
- ۹۷- چرا معنای اول و دوم اتفاق با قبول اصل علیت سازگاری ندارد؟ زیرا نفی هر یک از لوازم علیت مساوی با نفی اصل علیت است.
- ۹۸- چرا نفی غایت مندی در حرکات جهان (معنای سوم اتفاق) با قبول اصل علیت سازگار نیست؟ زیرا وجود غایت مندی برای مجموعه هستی نشانه وجود عله العلل است و نفی غایت مندی نشانه عله العلل
- ۹۹- کدام معنای اتفاق از نظر همه فیلسوفان انکار می شود؟ معنای اول : نفی وجوب علی و معلولی
- ۱۰۰- اعتقاد به علت نخستین جهان و آفریننده کدام معنای اتفاق را نفی می کند؟ معنای سوم یعنی نفی غایت مندی در تحولات جهان
- ۱۰۱- کدام دسته از فلاسفه غایت مندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و اتفاق به معنای سوم را می پذیرند؟ آن دسته از فیلسوفان که علت نخستین جهان و آفریننده را معتقد نیستند.
- ۱۰۲- به عقیده کدام دسته از فیلسوفان همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند؟ آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند.
- ۱۰۳- کدام معنای اتفاق با قبول علت نخستین جهان سازگار نیست؟ معنای سوم، نفی غایت مندی در تحولات جهان
- ۱۰۴- فرق اصل علیت و اصل سنخیت را بنویسید؟ اصل علیت ارتباط و پیوستگی موجودات جهان را بیان می کند و اصل سنخیت نیز نظم و قانون مندی میان پدیده ها را آشکار می سازد.
- ۱۰۵- کدام دسته از فیلسوفان غایت مندی زنجیره حوادث را انکار می کنند؟ آن دسته از فلاسفه که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند

سوالات نهایی

به سوالات زیر کوتاه پاسخ بدهید.

- ۱۰۶- «علت تامه» و «علت ناقصه» را تعریف کنید؟ خرداد ۱۴۰۱
- مجموعه عوامل ایجاد کننده معلول را علت تامه می گویند. هر یک (از عوامل پدید آورنده یک معلول) به تنهایی را علت ناقصه می گویند.
- ۱۰۷- علت تامه را با ذکر مثال تعریف کنید. دی ۹۸
- مجموعه عوامل ایجاد کننده معلول را علت تامه می گویند. مثلاً نوشتن روی کاغذ، معلول عواملی از قبیل انسان، قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و حرکت دست می باشد و نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند.
- ۱۰۸- اگر کسی بگوید در برخی موارد، در عین وجود علت تامه، معلول به وجود نمی آید، این فرد، «اتفاق» به کدام معنا را پذیرفته است؟ (الف) نفی علیت (ب) نفی ضرورت خرداد ۹۹ (ب) نفی ضرورت

۱۰۹- به هریک از عوامل پدیدآورنده یک معلول، علت (۱: تامه ۱: ناقصه) می گویند. **دی ۹۹ ناقصه**

سؤالات تشریحی

۱۱۰- نظر دموکریتوس درباره ماده اولیه جهان و چگونگی پیدایش موجودات چیست؟ معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که درفضای غیر متناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند . برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی درجهان شده است.

۱۱۱- نظریه برخی دانشمندان زیست شناس درمورد پیدایش موجودات براساس اتفاق راتوضیح دهید؟ آنان می گویند که ازابتدای پیدایش موجود زنده بررو یزمین ۳/۵میلیارد سال می گذرد . طی این سال ها جانداران بی شماری پدید آمده اند اما بیشتر آنها به علت ناسازگاری اندام ها و اعضای بدنشان بامحیط زندگی ازبین رفته اند . فقط ان دسته ازجانداران که تغییرات بدنی آنها «اتفاقا» ، سازگار بامحیط بوده ، به حیات خود ادامه داده ورشد کرده اندوتکثیر شده اند.

۱۱۲- چهار معنای اتفاق رابنویسید؟

اول: میان پدیده ها وعلل آنها رابطه ضروری وجود ندارد.

دوم: سنخیتی میان اشیاء واثار آنها نیست.

سوم: به معنای نبود غایت وهدف خاص درحرکات ونظم جهان است.

چهارم: به معنای رخ دادن حادثه پیش بینی نشده

۱۱۳- تعیین کنید هرعبارت کدام معنای اتفاق است وچگونه علیت را نفی می کند؟

(۱) علت موجودشود اما معلول آن پدیدنیاید (معنای اول : نفی وجوب علی ومعلولی)

(۲) بدون وجود ابر، خود به خود باران ببارد (معنای اول: نفی وجوب علی ومعلولی)

(۳) ازهرعلتی هر معلولی پدید آید (معنای دوم: نفی سنخیت میان علت ومعلول)

(۴) حرارت سبب یخ بستن آب وآفتاب سبب تاریکی شود (معنای دوم : نفی سنخیت میان علت ومعلول)

(۵) تحولات جهان بطور اتفاقی منجر به پیدایش موجودات کنونی شده است (معنای سوم: نفی غایتمندی وهدفمندی)

(۶) اتفاقی دوستم را ملاقات کردم (معنای چهارم: نفی علیت نمی کند)

(۷) همه عوامل نوشتن وجود دارد ولی نوشتن صورت نمی گیرد (معنای اول: نفی وجوب علی ومعلولی)

۱۱۴- چرا مردم اتفاق به معنای اول (نفی وجوب علی ومعلولی) را به کار می برند؟ برخی از مردم که اتمام اجزای یک علت آگاه نیستند، گاهی فکر می کنند که دربرخی موارد، درعین وجودعلت، معلول پدید نمی آید وبر این اساس ، می پندارند، میان علت ومعلول ، رابطه ضروری وجود ندارد.

۱۱۵- علت تامه وعلت ناقصه را تعریف کنید؟ درمواردی که معلول، ازمجموعه ای ازعوامل پدیدمی آید، هریک ازعوامل را«علت ناقصه» ومجموعه عوامل را«علت تامه» می نامند.

۱۱۶- چرا معنای دوم اتفاق یعنی نفی سنخیت ازنظر برخی فیلسوفان قابل قبول نیست ؟ زیرا قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت ومعلول را ره دنبال دارد آنان می گویند اگرکسی واقعا اصل سنخیت میان علت ومعلول را انکار کند وپدیدآمدن هرچیزی ازهرچیزی راممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلا نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب ورفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند. علاوه براین، چنین فردی نمی تواند نظم وهماهنگی موجود درطبیعت را تبیین کندودلیل آن را به دست آورداو حتی نمی تواند دانشمندان رابه کشف علل پدیده ها تشویق نمایددرحقیقت انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم وبی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد ومتناقض بایک هستی نظام مند وقانونمند است.

۱۱۷- فلاسفه دراثبات یانفی اتفاق به معنای سوم یعنی غایتمندی وهدفمندی درتحولات جهان چنددسته شده اند؟

دیدگاه هردسته درمورد این معنای اتفاق رابنویسید؟

۱) آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند ، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تاکنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند به عبارت دیگر: جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل ترمی شود.

۲) آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت‌مندی زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین شده نبود است.

۳) دسته ای از فیلسوفان هستند که در عین انکار خداوند، می خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند و بگویند که جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کامل تر می شود و به غایت خود نزدیک تر می گردد.

۱۱۸- پذیرش معنی چهارم از اتفاق که ، ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید، چه آثار و پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟ هر کس به این معنی از اتفاق معتقد باشد به هیچ کاری دست نخواهد زد. علاوه بر این ، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها تشویق نماید و بالاخره اینکه انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و بی اعتنائی را به دنبال دارد و متناقض با یک هستی نظام مند و قانون مند است.

۱۱۹- چرا نظر آن دسته از فلاسفه که در عین انکار خداوند، می خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند مورد نقد قرار گرفته است؟ زیرا قبول غایت برای اشیاء و پدیده های جهان وقتی امکان پذیر است که آن غایت، قبل از پیدایش اشیاء مشخص شده باشد تا اشیاء متناسب با آن هدف و آن غایت ساخته شده و پدید آمده باشند تا به سوی آن حرکت نمایند و تکامل یابند و چنین غایت و هدفی، بدون قبول خداوند امکان پذیر نیست.

۱۲۰- بررسی معنای اول اتفاق را بنویسید؟ فیلسوفی را سراغ نداریم که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد. همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند و می گویند چون هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول آن است ، نمی شود که میان حوادث رابطه ای ضروری برقرار نباشد. اگر عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد حتما باران خواهد بارید.

۱۲۱- بررسی معنای دوم اتفاق را بنویسید؟ اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست؛ زیرا قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت و معلول را به دنبال دارد. آنان می گویند اگر کسی واقعا اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ و چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها تشویق نماید در حقیقت انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و بی اعتنائی به آنها را به دنبال دارد و متناقض با یک هستی نظام مند و قانون مند است.

۱۲۲- بررسی معنای سوم اتفاق را بنویسید؟ پذیرفتن این معنای اتفاق ، نفی « علت نخستین جهان » و « آفریننده » را به دنبال دارد زیرا غایت‌مند بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می دهد، هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده ای را دنبال می کند و قبول این غایت‌مندی فقط با قبول علت نخستین و علت العلل ، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است. به همین جهت فلاسفه نسبت به این معنای اتفاق دو دسته شده اند. عده ای علت نخستین جهان و آفریننده را اثبات نموده و دسته ای آن را انکار نموده اند.

۱۲۳- معنای چهارم اتفاق را بررسی کنید؟ معنای چهارم اتفاق رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است. این معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید.

۱۲۴- نظر دموکریتوس درباره ماده اولیه تشکیل دهنده جهان و نحوه پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان را بنویسید؟ **خرداد ۹۹**

- دموکریتوس معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند و برخوردهایی با هم داشته اند. در این برخوردهای اتفاقی ، ذراتی که هم اندازه و هم شکل بوده اند گرد هم آمده و عناصر اصلی عالم طبیعت را تشکیل داده اند.

۱۲۵- کدام دسته از فیلسوفان «اتفاق» را به معنای «نفی غایت‌مندی» قبول ندارند، نظر آن‌ها را شرح دهید.

خرداد و شهر یور ۹۹

آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم اصل علیت به علت العلل معتقدند، می‌گویند؛ هرفراپند طبیعی هدف خاصی را تعقیب می‌کند و سرمنزلی تعیین شده دارد. اگر چه انسان‌ها به دلیل محدودیت‌های علمی نتوانند این اهداف را کشف کنند.

۱۲۶- با توجه به معنای «سوم اتفاق» دیدگاه دو دسته از فلاسفه که برای جهان و انسان هدف و غایت قائلند را بیان کنید.

شهر یور ۴۰۲

یک دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می‌کنند، معتقدند همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند (با جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کاملتر می‌شود)

دسته دوم فیلسوفانی هستند که در عین انکار خداوند می‌خواهند برای جهان و انسان هدف و غایت تعیین کنند. آنان معتقدند جهان به سمت یک غایت برتر در حرکت است و روز به روز کاملتر می‌شود و به غایت خود نزدیکتر می‌شود.

۱۲۷- به لحاظ عقلی و فلسفی، قبول غایت برای اشیاء و پدیده‌های جهان، در چه صورت امکان‌پذیر است؟ توضیح دهید؟

خرداد ۴۰۲

قبول غایت برای اشیاء و پدیده‌های جهان وقتی امکان‌پذیر است که این غایت قبل از پیدایش اشیاء مشخص شده باشد تا اشیاء متناسب با آن هدف و غایت ساخته شده باشند و چنین هدفی بدون قبول خداوند امکان‌پذیر نیست.

سؤالات درس پنجم (خدا در فلسفه - قسمت اول)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را..... و..... یکی از واقعیات جهان می‌شمردند. مبداء و منشاء
- ۲- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه‌ای زندگی می‌کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبداء و منشاء یکی از..... جهان می‌شمردند. واقعیات
- ۳- مردم دریونان باستان به خدایان متعدداعتقاد داشتند از نظر آنان «.....» «خداى آسمان و باران» «.....» «خداى خورشید و هنر و موسیقی و.....» «خداى عفت و خویشتن داری بود. زئوس - آپولون - آرمیس
- ۴- اتهام اصلی سقراط این بود که «او خدایانی را که همه به آنها معتقدند،..... می‌کند و از خدایی..... سخن می‌گوید. انکار - جدید
- ۵- سقراط، گرچه گاهی از لفظ خدایان هم استفاده می‌کرد، اما گزارش افلاطون از جریان..... وی نشان از آن دارد که وی به وجود خدای..... معتقد بوده و تلاش کرده مردم رانیز به این حقیقت رهبری و هدایت کند. محاکمه - یگانه
- ۶- اما گزارش افلاطون از جریان محاکمه وی (سقراط) نشان از آن دارد که وی به وجود خدایی گانه معتقد بوده و تلاش کرده مردم رانیز به این حقیقت..... و..... کند. رهبری و هدایت
- ۷- دریونان باستان افلاطون تصمیم گرفت با دقت..... درباره خدا صحبت کند و به تدریج..... را اصلاح نماید. فلسفی - پندارها
- ۸- یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی می‌گوید: افلاطون ابداع کننده..... است. خداشناسی فلسفی
- ۹- از نظر افلاطون، کار خدا..... است و براساس حکمت و برای هدفی خاص صورت می‌گیرد. هدفدار
- ۱۰- از نظر افلاطون، کار خدا هدفدار است و براساس..... و برای هدفی..... صورت می‌گیرد. حکمت - خاص
- ۱۱- افلاطون توصیفی از نوعی هستی ارائه می‌دهد که کاملاً برتوصیف..... در ادیان الهی منطبق است. خدا
- ۱۲- او (افلاطون) می‌گوید «درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته..... است. ثابت

- ۱۳- افلاطون، درموردی نیز از خداوند با عنوان «.....» یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند.
مثال خیر
- ۱۴- افلاطون، درموردی نیز از خداوند با عنوان «مثال خیر» یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای می شوند.
حقیقت
- ۱۵- وی (افلاطون) همچنین از خدا به عنوان «.....» و آفریننده اشیای عالم یاد می کند تا به انسان یادآوری نماید که نظم جهان از وجودی.....سرچشمه می گیرد. صانع- عاقل
- ۱۶- افلاطون می گوید: یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل..... در زیر فرمان..... قرار دارد. جهان -عقل
- ۱۷- بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که «مثال خیر» و «صانع» (دمیورژ) هر دو ، نام های دیگر.....است. خداوند
- ۱۸- بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که «.....» و «.....» (دمیورژ) هر دو ، نام های دیگر خداوند است. مثال خیر -صانع
- ۱۹- افلاطون شناسان می گویند دمیورژ همان.....است، اما در مرتبه خلق جهان، اما مثال خیر، فقط ا اشاره بهخداوند دارد. خداست-
خداوند
- ۲۰- افلاطون شناسان می گویندهمان خداست ، اما در مرتبه خلق جهان، اما مثال خیر، فقط ا شاره بهخداوند دارد. خداوند-دمیورژ
- ۲۱- افلاطون شناسان معتقدند که اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد وی بهنیست ، بلکه برای ارتباط برقرار کردن با.....آتن است که به شدت مشرکند. چند خدایی - جامعه
- ۲۲- همچنین او(افلاطون) تلاش می کند خداوند(.....) را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی تواند به آنبرسد. مثال
خیر- جایگاه
- ۲۳- پس از افلاطونکه از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبدء نخستین جهان ارائه کند.
ارسطو
- ۲۴- ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود تلاش کرد برهان هایی بر وجودو.....جهان ارائه کند. خدا-مبدء نخستین
- ۲۵- این استدلال ها(استدلال های ارسطو بروجود خدا) گرچه قدم های اولیه بوده اند، از.....خاصی برخوردار بودند و زمینهبعدرا فراهم می
سازد. استحکام- قدم های
- ۲۶- ارسطو می گوید: حقیقتی که خوب ترین و بهترین باشد وجود دارد که از همه برتر است و این، همان.....است. واقعیت الهی
- ۲۷- ارسطو می گوید: حقیقتی که خوب ترین و بهترین باشد وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است این برهان ارسطو را
«برهان.....» نامیده اند. درجات کمال
- ۲۸- منظور ارسطو(از بیان برهان درجات کمال) این است که : هرگاه دو موجود بایکدیگر مقایسه شوند و گفته شود که یکی کامل تر و خوب تر از
دیگری است، یکمطلق و یک.....مطلق وجود داشته باشد. کامل- خوب
- ۲۹- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان.....نام دارد. حرکت
- ۳۰- برهان مشهور ارسطو بر اثبات.....برهان حرکت نام دارد. وجود خدا
- ۳۱- او(ارسطو) معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند.....است که خودحرکت نداشته باشد. محرکی- محرک
- ۳۲- دکارت فیلسوف عقل گرای قرن هفدهم، در یکی از استدلال خود برای اثبات خدا می گوید: من از حقیقتیو.....که خود من و هر
چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم ، تصویری دارم. نامتناهی-دانا
- ۳۳- دکارت می گوید: تصور من از حقیقتی نامتناهی ودانا نمی تواند از.....باشد زیرا من موجودی.....این تصور از هیچ موجود متناهی دیگر هم
نیست. خودم- متناهی ام
- ۳۴- از نظر هیوم دلایلی که صرفا متکی برباشند مردودند. عقل
- ۳۵- از نظر دیدید هیوم ، دلایلی که صرفا بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساسا ادراک مستقل از.....و.....ندارد. حس - تجربه

- ۳۶- دیوید هیوم می گوید: مهمترین برهان فیلسوفان الهی، برهان که از تجربه گرفته شده اما این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی و..... را ندارد. نظم- نامتناهی
- ۳۷- دیوید هیوم می گوید: این برهان (برهان نظم) فقط می تواند ثابت کند که یک و..... این جهان را اداره می کند. ناظم- خالق
- ۳۸- دیوید هیوم می گوید: برهان نظم ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی و..... دارد. ازلی - ابدی
- ۳۹- آن دسته از فیلسوفان تجربه گرا که به خدا اعتقاد داشتند، برهان..... رامتبرمی دانستند وازاین برهان دراثبات وجود خدا استفاده می کردند. نظم
- ۴۰- آن دسته از فیلسوفان که به خدا اعتقاد داشتند، برهان نظم رامتبرمی دانستند وازاین برهان دراثبات استفاده می کردند. تجربه گرا - وجود خدا
- ۴۱- (کانت) به جای اثبات وجود خدا ازطریق نظم یا برهان علیت ویا وجوب و امکان ، ضرورت وجود خدا را ازطریق و..... اثبات کرد. اخلاق - وظایف اخلاقی
- ۴۲- ازنظر کانت ، مسئولیت پذیری ورعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب و..... ببیند. اراده- اختیار
- ۴۳- ازنظر کانت برای موجودات بدون وظیفه اخلاقی معنا ندارد. اختیار
- ۴۴- ازنظر کانت ، اختیار واراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی غیرمادی باشد که است. نفسی- فناپذیر
- ۴۵- (طبق دیدگاه کانت) قبول خداوند، پشتوانه اختیار و اراده انسان ومسئولیت پذیری او وتکیه گاه مورد قبول وی می باشد. اصول اخلاقی
- ۴۶- (طبق دیدگاه کانت) بپذیرش خداوند است که زندگی انسان معنای حقیقی ومتعالی پیدا می کند واز..... و..... خارج می شود. پوچی- بی هدفی
- ۴۷- (طبق دیدگاه کانت) بپذیرش خداوند است که زندگی انسان معنای و..... پیدا می کند وازپوچی و بی هدفی خارج می شود. حقیقی ومتعالی
- ۴۸- زندگی معنا دار، آن زندگی است که دارای هدف ومقصود..... و..... وآراسته به فضایل اخلاقی وکرامت انسانی باشد. متعالی - مقدس
- ۴۹- زندگی معنا دار، آن زندگی است که دارای هدف ومقصودمتعالی و مقدس وآراسته به و..... انسانی باشد. فضایل اخلاقی -کرامت
- ۵۰- ازنظر فیلسوفانی مانند دکارت وکانت، درصورتی زندگی معنادار می شود که ازپشتوانه خداوند برخوردار باشد. قبول
- ۵۱- ازنظر فیلسوفانی مانند..... و.....، درصورتی زندگی معنادار می شود که ازپشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد. دکارت -کانت
- ۵۲- دسته دیگری از فیلسوفان غربی مانند و و..... راه دیگری برای معنابخشی به زندگی پیش گرفتند وازتجربه های معنوی درونی وعشق وعرفان برای باور به وجود خدا استفاده کردند. کرکگور- ویلیام جیمز- برگسون
- ۵۳- دسته دیگری از فیلسوفان غربی مانندکرکگور و ویلیام جیمز وبرگسون راه دیگری برای معنابخشی به زندگی پیش گرفتند وازتجربه های و برای باور به وجود خدا استفاده کردند. معنوی درونی- عشق وعرفان
- ۵۴- ویلیام جیمز می گوید: « من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتا درتجربه های ما نهفته است». شخصی درونی
- ۵۵- کرکگور معتقد است که هدیه الهی است که خداوند به انسان می بخشد ونیازی به استدلال و..... ندارد. ایمان- پشتوانه عقلی
- ۵۶- کرکگور معتقد است که ایمان هدیه الهی است که خداوند به انسان می بخشد ونیازی به و..... ندارد. استدلال- پشتوانه عقلی
- ۵۷- کرکگور معتقد است، خدا انسان را برمی گزیند وبه او هدیه می کند واگرکسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد. مومن- ایمان
- ۵۸- بحران معناداری زندگی سبب شد که درقرن بیستم وبیست ویکم فیلسوفانی ظهور کردند که درعین اعتقاد راسخ به خدا ف به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان و..... توجه کنند. اعتقاد به خدا- معناداری زندگی

- ۵۹- زندگی معنادار عبارت است از یک زندگی دارای و و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد. غایت - هدف
- ۶۰- زندگی معنادار عبارت است از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و برتر به او می دهد. اخلاقی آرامشی
- ۶۱- کانتینگهام می گوید: قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن با را و با می سازد با ارزش - اهمیت
- ۶۲- کانتینگهام در کتاب خود اشاره می کند که پس از سیر نزولی استدلال های و در اروپا براهبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان خدا را عمال اصلی معنابخشی به زندگی معرفی کردند. عقلی - فلسفی
- ۶۳- کانتینگهام در کتاب خود اشاره می کند که پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا براهبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان خدا را عامل اصلی به زندگی معرفی کنند. معنا بخشی
- ۶۴- در قرن ۲۰ و ۲۱ فیلسوفانی ظهور کردند که درعین اعتقاد راسخ به رابطه میان و توجه کردند. اعتقاد به خدا - معناداری زندگی
- ۶۵- فیلسوفان قرن ۲۰ و ۲۱ نشان دادند که زندگی بدن اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلاء و آزاردهنده ای می شود. معنایی - پوچی

سوالات نهایی

- ۶۶- کانت ضرورت وجود خدا را از طریق اثبات کرده است (دی ۹۸) اخلاق
- ۶۷- یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی می گوید؛ افلاطون ابداع کننده فلسفی است. دی ۹۹ خارج کشور خداشناسی
- ۶۸- فلاطون برای اشاره به ذات خداوند از واژه و برای خداوند در مرتبه خلق جهان ، لفظ را به کار برد. شهریور ۴۰۲ مثال خیر - صانع (دیمورژ)

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۶۹- تاریخ فلسفه نشان می دهد که بحث و گفت وگو درباره خدا در صدر مسائلی قرار نداشت که فیلسوفان بررسی می کرده اند. غ
- ۷۰- مردم یونان باستان به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبداء و منشاء یک حقیقت در جهان می شمردند. ص
- ۷۱- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان ، زئوس خدای خورشید و هنر و موسیقی ، و آپولون خدای آسمان و باران بود. غ
- ۷۲- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان، آرمیس، خدای عفت و خویشتن داری بود. ص
- ۷۳- اتهام اصلی سقراط این بود که خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. ص
- ۷۴- افلاطون تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید. ص
- ۷۵- تیلور ، یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی می گوید: افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است. ص
- ۷۶- خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن اسن و این نظر ، با چند خدایی یونان تفاوت زیادی ندارد. غ
- ۷۷- به عقیده افلاطون ، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است ؛ نه می زاید و نه از میان می رود. ص
- ۷۸- ارسطو تلاش کرد، برهان هایی بر وجود خدا و مبداء نخستین جهان ارائه کند. ص
- ۷۹- استدلال های افلاطون بروجود خدا گرچه قدم های اولیه بوده اند اما از استحکام خاصی برخوردار بودند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کند. غ
- ۸۰- ارسطو می گوید : به طور کلی هر جا یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست. ص
- ۸۱- به عقیده ارسطو ، حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است. ص
- ۸۲- به عقیده افلاطون نمی شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی جاودان و برتر از ماده در کار باشد. غ
- ۸۳- کانت می گوید: من از حقیقتی نامتناهی و دانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم تصویری دارم. غ

- ۸۴- به نظر دکارت ، تصور او از حقیقتی نامتناهی ودانا، تصور از خود او یا هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه تصویری است از وجود نامتناهی که می تواند چنین ادراکی را به او دهد. ص
- ۸۵- از نظر هیوم دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند قابل پذیرش اند زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد. ص
- ۸۶- به نظر هیوم ، مهمترین برهان فیلسوفان الهی ریا، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده و به خوبی توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی و نامتناهی را ندارد. ص
- ۸۷- به عقیده هیوم، برهان نظم فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم وخالقی این جهان را اداره می کند اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد. ص
- ۸۸- کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت ویا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد. ص
- ۸۹- به عقیده دکارت ، مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند. غ
- ۹۰- به عقیده کانت؛ اختیار واراده ، ویژگی نفس غیر مادی و فناناپذیر است ویا مرگ بدن از بین نمی رود. ص
- ۹۱- نزد کانت ، روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء این جهان نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. ص
- ۹۲- ویلیام جیمز و برگسون ، از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند. ص
- ۹۳- ویلیام جیمز می گوید: من معتقدم که دلیل وجود خدا عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. ص
- ۹۴- در قرن ۲۰ و ۲۱ فیلسوفانی ظهور کردند که درعین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان ، اعتقاد به خدا، و معناداری زندگی ، توجه کردند. ص
- ۹۵- به عقیده برخی فیلسوفان قرن ۲۰ و ۲۱ بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود. ص
- ۹۶- از نظر کرکگور خداوند به همه انسان ها ایمان هدیه می کند. غ
- ۹۷- به نظر کانت، جهان ماورای دنیای مادی مشروط به وجود خدائی جاودان و نامتناهی است. **خرداد ۴۰۲ صحیح**

سوالات نهایی

- ۹۸- کدامیک از خدایان یونان باستان نبود؟ ۱-مزدا ۲- زئوس (دی ۹۹) **مزدا**
- ۹۹- به نظر کدام فیلسوف اروپایی، برهان نظم برای اثبات خالق نامتناهی کافی نیست. (دی ۹۹) ۱-هیوم ۲- دکارت ۱-هیوم
- ۱۰۰- حکمای ایران باستان نخستین پرتو و مخلوق خداوند را چه نامیده اند؟ ۱-مزدا ۲- بهمن (شریور ۹۹) ۲- بهمن
- ۱۰۱- به نظر کدام فیلسوف اروپایی دلایل اثبات وجود خداوند که صرفاً متکی بر عقل باشند مردود هستند؟ ۱-هیوم ۲- دکارت (شهریوردی ۹۹) ۱-هیوم
- ۱۰۲- استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا مبتنی بر کدام مورد است؟ (خرداد ۹۹) الف) داشتن تصور از خالق نامتناهی ب) داشتن وجدان اخلاقی الف) داشتن تصور از خالق نامتناهی
- ۱۰۳- از نظر کانت ، اختیار واراده و ویژگی (۱: بدن ۲: نفس) است. (خرداد ۱۴۰۰) ۲: نفس

سوالات کوتاه پاسخ

- ۱۰۴- سه فیلسوف بزرگ یونان را نام ببرید؟ سقراط- افلاطون- ارسطو
- ۱۰۵- در یونان باستان خدای آسمان و باران، خدای خورشید ،هنر و موسیقی و خدای عفت و خویشتن داری به ترتیب چه نامیده می شوند؟ زئوس- آپولون- آرتemis

- ۱۰۶- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در چه نوع جامعه ای زندگی می کردند؟ در جامعه ای که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبداء و منسپشای یک حقیقت در جهان می شمردند.
- ۱۰۷- در جامعه یونان باستان انکار خدایان چه نتیجه ای را به دنبال داشت؟ طرد از جامعه و گاه ازدست دادن جان را به دنبال داشت.
- ۱۰۸- در دوره یونان باستان کدام فیلسوف تصمیم گرفت که با دقتی فلسفی استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید؟ افلاطون
- ۱۰۹- تیلور چه کسی بود؟ عقیده وی را در مورد افلاطون بنویسید؟ از افلاطون شناسان مشهور اروپایی که عقیده داشت، افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.
- ۱۱۰- از نظر تیلور ابداع کننده خداشناسی فلسفی کیست؟ افلاطون
- ۱۱۱- از نظر افلاطون کار خداوند چگونه است؟ هدفدار
- ۱۱۲- از نظر افلاطون چند خدایی شکل دیگری از چیست؟ کفر و بی خدایی
- ۱۱۳- کدام فیلسوف یونانی از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود و برهان هایی بوجود خدا و مبداء نخستین جهان ارائه کرد؟ ارسطو
- ۱۱۴- کدام فیلسوف ادعا می کند که دلایل دکارت و سایر فیلسوفان درباره اثبات خدا نیز پذیرفتنی نیست؟ دیوید هیوم
- ۱۱۵- چرا از نظر هیوم، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؟ زیرا اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.
- ۱۱۶- از نظر دیوید هیوم مهمترین برهان فیلسوفان الهی، برای اثبات خدا چیست؟ برهان نظم
- ۱۱۷- از نظر هیوم بر اساس نظم موجود جهان حداکثر چه چیزی را می توان اثبات کرد؟ یک ناظم و خالق
- ۱۱۸- آیا همه فیلسوفان تجربه گرا برهان نظم را معتبر نمی دانستند؟ خیر آن دسته از تجربه گرایان که به خدا اعتقاد داشتند برهان نظم را معتبر می دانستند و از این برهان در اثبات وجود خدا استفاده می کردند.
- ۱۱۹- کدام فیلسوف راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود؟ کانت
- ۱۲۰- کدام فیلسوف خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد؟ کانت
- ۱۲۱- از نظر کانت مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در چه جایی معنا دارد؟ در جایی که انسان خود راصاحب اراده و اختیار ببیند.
- ۱۲۲- به نظر کانت در کدام موجودات وظیفه اخلاقی معنا ندارد؟ موجودات بدون اختیار
- ۱۲۳- از نظر کانت سعادت روح و نفس مجرد در چیست؟ در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.
- ۱۲۴- چرا کانت می گوید: روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء دنیای ما نیاز دارد؟ چون موجودی جاودانه است.
- ۱۲۵- از نظر کانت وجود جهانی ماوراء دنیای ما مشروط به چیست؟ مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.
- ۱۲۶- کدام فلاسفه از تجربه های و معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند؟ ویلیام جیمز و برگسون
- ۱۲۷- از نظر ویلیام جیمز وجود خداوند عمدتاً در چه چیزی نهفته است؟ در تجربه های شخصی درونی ما
- ۱۲۸- فیلسوفانی که در قرن ۲۰ و ۲۱ ظهور کردند به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا به چه چیزی توجه کردند؟ به رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی
- ۱۲۹- از دیدگاه فیلسوفانی که در قرن ۲۰ و ۲۱ ظهور کردند و اعتقاد راسخ به خدا داشتند کدام زندگی دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود؟ زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است.
- ۱۳۰- کدام فیلسوف معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند؟ کرکگور
- ۱۳۱- از نظر کدام فیلسوف خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان عطا می کند؟ کرکگور
- ۱۳۲- به اعتقاد کرکگور چه کسی زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد؟ کسی که شایسته بخشش ایمان نشود.
- ۱۳۳- کدام فیلسوف می گوید « قبول خداوند، زندگی ما را در بستری قرار که آن را با ارزش و اهمیت می سازد؟ » کاتینگهام
- ۱۳۴- از نظر کاتینگهام پس از کدام جریان برخی از فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنا بخشی به زندگی معرفی کنند؟ پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بزر اثبات وجود خدا

- ۱۳۵- ارسطو برای اثبات وجود خدا چه تلاشی کرد؟ و استدلال او در این زمینه چگونه بود؟
تلاش کرد برهان هایی بروجود خدا ومبدء نخستین جهان ارائه کند. این استدلال های ارسطو بروجود خدا، گرچه قدم های اولیه بودند اما از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کند.
- ۱۳۶- دوره جدید اروپا در چه قرن هایی شکل گرفت و سبب پیدایش چه مکاتبی در فلسفه شد؟ در قرن های ۱۴ و ۱۵ و سبب پیدایش دو جریان عقل گرا و حس گرا تجربه گرا در فلسفه شد.
- ۱۳۷- زندگی معنا دار چگونه زندگی است؟ آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به فضایل اخلاقی و کرامت انسانی باشد.
- ۱۳۸- از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت ، در چه صورتی زندگی معنادار می شود؟ در صورتی که از پشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد.
- ۱۳۹- باشکل گیری دوره جدید اروپا، چه دیدگاه هایی درباره خداوند ظهور کرد؟ این دیدگاه ها ریشه در کدام مکاتب فلسفی داشتند؟ دیدگاه های مختلفی ظهور کرد که به گونه ای ریشه در دو جریان عقل گرا و حس گرا/ تجربه گرا در فلسفه داشتند.
- ۱۴۰- به عقیده کانت، اختیار و اراده ، ویژگی بدن است یا نفس چرا؟ اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.
- ۱۴۱- ویلیام جیمز و برگسون بر اثبات وجود خدا چه راهی را در پیش گرفتند؟ از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات وجود خدا استفاده کردند.
- ۱۴۲- با توجه به گفته های ویلیام جیمز ، وی دلیل وجود خدا را در کجا جست و جو می کرد؟ ویلیام جیمز می گوید: من معتقدم که دلیل وجود خداوند در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.
- ۱۴۳- چه نوع زندگی ای را می توان زندگی معنا دار دانست؟ زندگی معنا یک زندگی دارا ی غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.
- ۱۴۴- به عقیده کاتینگهام ، پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان به کدامین سمت حرکت کردند؟ به این سمت حرکت کردند که خدا را با عامل اصلی معنا بخشی به زندگی معرفی کنند.
- ۱۴۵- بنابراین دیدگاه کاتینگهام دلیل اینکه برخی فیلسوفان خدا را عامل اصلی معنا بخشی معرفی کردند چیست؟ بدلیل سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی

سوالات نهایی

هریک از عبارات زیر عقیده کدام فیلسوف است؟

- (الف) از سوی دیگر نوعی از هستی است که نه می زاید و نه از میان می رود (خرداد دی ۹۹) افلاطون
- (ب) ایمان هدیه الهی است که خداوند به انسان عطا می کند (خرداد دی ۹۸ و ۹۹) کرکگور
- (ج) دلیل وجود خداوند، عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. (دی ۹۸ و ۹۹) ویلیام جیمز
- (د) ضرورت وجود خداوند، از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی امکان پذیر است. (دی ۹۹) کانت
- (ه) وجود حرکت در عالم، نیازمند یک محرکی است که خود آن، حرکت نداشته باشد. (کانت - ارسطو - افلاطون)
- (شهریور ۱۴۰۰ ارسطو)
- (و) وجود جهانی ماورای دنیای مادی، مشروط به وجود خدائی جاودان و نامتناهی است (کانت - ارسطو - افلاطون)
- (شهریور ۱۴۰۰ کانت)
- (ز) قبول خداوند ، زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش می سازد. دی ۱۴۰۰ کاتینگهام
- (ح) اثبات ضرورت وجود خداوند از طریق وظایف اخلاقی امکان پذیر است. دی ۹۸ و دی ۱۴۰۰ کانت
- (ط) یا خدایی نیست یا نمی توانیم او را اثبات کنیم. دی ۹۸ هیوم

پاسخ کوتاه:

- ۱- کانت برای اثبات وجود خداوند از چه مفهومی استفاده کرد؟ (دی ۹۹) وظایف اخلاقی یا اخلاق
- ۲- دو فیلسوف اروپایی را که از تجربه های درونی و عشق و عرفان الهی برای اثبات خدا استفاده کرده اند نام ببرید؟ (شهریور ۹۹ و ۱۴۰۰)
- کرگور - ویلیام جیمز - برگسون - کاتینگهام
- ۳- ارسطو برای اثبات وجود خدا از دو برهان استفاده نمود. آنها را بنویسید. خرداد ۱۴۰۱ برهان درجات کمال - برهان حرکت

هریک از عبارات زیر نظر کدام فیلسوف درباره خدا است؟ (خرداد ۱۴۰۰)

- ۴- الف) نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است. افلاطون
- ۵- ب) تصور انسان از یک موجود علیم و قدیر و نامتناهی، از جانب خداوند داده شده است. دکارت
- ۶- ج) ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. کرگور
- ۱- کرگور
- ۲- افلاطون
- ۳- کانت
- ۴- دکارت

سؤالات تشریحی

- ۱۴۶- خدای افلاطون چه ویژگی هایی داشت؟ خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این نظریا چند خدایی یونان تفاوت دارد از نظر وی، کار خدا هدف دار است و براساس حکمت و برای هدفی خاص صورت می گیرد.
- ۱۴۷- افلاطون چه توصیفی از نوعی هستی می دهد که کاملا بر توصیف خدا در ادیان الهی منطبق است؟ (افلاطون خدا را چگونه توصیف می کند؟) درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود. نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهرمنده شد.
- ۱۴۸- افلاطون در مواردی از خداوند با چه عناوینی یاد می کند؟ با عنوان «مثال خیر» یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به «مثال خیر» هستند، نه خود آن. وی همچنین از خدا به عنوان «صانع» و آفریننده اشیای این عالم یاد می کند تا به انسان ها یادآوری نماید که نظم جهان از وجودی عاقل سرچشمه می گیرد.
- ۱۴۹- دیدگاه افلاطون را در مورد نظم موجود در جهان رابنویسید؟ یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.
- ۱۵۰- نظر افلاطون شناساسان در مورد «مثال خیر» و «صانع» که افلاطون در مورد خدا بکار برده، را توضیح دهید؟ بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که «مثال خیر» و «صانع» (دمیورژ) هر دو، نام های دیگر خداوند است. آنان می گویند دمیورژ، همان خداست، اما در مرتبه خلق جهان، اما مثال خیر، فقط اشاره به ذات خداوند دارد.
- ۱۵۱- به اعتقاد افلاطون شناسان، آیا افلاطون اعتقاد به چند خدایی دارد؟ آنان معتقدند که اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد دی به چند خدایی نیست، بلکه برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آتن است که به شدت مشرک اند.
- ۱۵۲- برهان درجات کمال ارسطو را در اثبات وجود خدا بیان کنید؟ به طور کلی، هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست. حال، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین باشد وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است. این برهان ارسطو را «برهان درجات کمال» نامیده اند.
- ۱۵۳- منظور برهان درجات کمال ارسطو چیست؟ هرگاه دو موجود بایکدیگر مقایسه شوند و گفته شود که یکی کامل تر و خوب تر از دیگری است، باید یک کامل مطلق و یک خوب مطلق وجود داشته باشد که بتوان آن دو موجود را با این وجود کامل مقایسه نمود و هر کدام را که به این وجود، نزدیک تر باشد، برتر و آن را که دورتر باشد، ناقص تر به حساب آورد.

۱۵۴- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا رانام برده و توضیح دهید؟ برهان حرکت- او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمندیک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند یک محرک دیگری است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلا محال است.

۱۵۵- نظریه واستدلال دکارت درباره اثبات وجود خداوند را بنویسید؟ من از حقیقتی نامتناهی ودانا وتوانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم تصویری دارم این تصور نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی ام این تصور از هیچ موجود متناهی دیگر هم نیست پس این تصور از یک وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

۱۵۶- به نظر هیوم، مهمترین برهان فیلسوفان الهی، کدام برهان است، و چرا این برهان، توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی ونامتناهی را ندارد؟ او می گوید مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی ونامتناهی را ندارد. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم وخالقی این جهان را اداره می کند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی وابدی دارد.

۱۵۷- کانت، فیلسوف بزرگ قرن هجدهم آلمان، چگونه خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد خلاصه توضیحات او را بنویسید؟
(۱) انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می کند. این وجدان اخلاقی از او می خواهد که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم بپسندد واین اصل را به عنوان یک قاعده، همواره در نظر داشته باشد ودر زندگی پیاده کند.

(۲) مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند. زیرا برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.

(۳) این اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی باشد که فنا ناپذیر است و بامرگ بدن از بین نمی رود. این بعد غیر مادی انسان بهره مند از وجدان اخلاقی است. انسان در وجدان خود فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می شمارد و ردیلت های اخلاقی مانند ظلم را بد به حساب می آورد.

(۴) حال، این روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی غیر مادی و جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای دنیای مادی نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. بنابراین قبول خداوند، پشتوانه اختیار و اراده انسان و مسئولیت پذیری او و تکیه گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی می باشد.

۱۵۸- در جامعه اروپایی چگونه پایه های اعتقاد به خدا سست شد و زندگی فاقد معنا و مقصود ارزش های متعالی شد؟ رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را صرفا حقیقتی مادی می دانستند و انسان را نیز موجودی مادی می شمردند، پایه های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی دسته هایی از مردم را تحت تاثیر قرار داد، بدین صورت که معنا و مقصود زندگی در میان آنان در حد اهداف مادی تنزل پیدا کرد و زندگی فاقد معنا و ارزش های متعالی گردید و بحران معناداری زندگی پدید آمد.

۱۵۹- در فضای بحران معناداری زندگی در اروپا، چه فیلسوفانی و چه راهی برای معناداری زندگی و باور وجود خدا در پیش گرفتند؟ کرکگور، فیلسوف دانمارکی قرن نوزدهم و ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم، و برگسون، فیلسوف فرانسوی قرن بیستم راه دیگری را برای معنا بخشی به زندگی پیش گرفتند و از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای باور به وجود خداوند استفاده کردند.

۱۶۰- ویلیام جیمز دلیل وجود خدا را چه چیزی می داند؟ « من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتا در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است»
است

۱۶۱- منظور ویلیام جیمز « من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتا در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است» چیست توضیح دهید؟ مثلا هر یک از ما احساس می کنیم که در هنگام سخن گفتن با خداوند و راز و نیاز با او و توصیف زیبا و عاشقانه او به نوعی از تعالی و معنویت منتقل می شویم که ساعاتی قبل از آن تهی بوده ایم ما در ساعات و لحظه هایی خاص از زندگی، حضور او را حس می کنیم و در آن لحظه ها ی حضور، زندگی را متعالی و برتر می یابیم.

۱۶۲- کرگور، فیلسوف دانمارکی قرن یستم درمورد ایمان چه عقیده ای داشت؟ معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان می بخشد. نیازی به استدلال و پشتوانه عقلی ندارد. خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی راسپری خواهد کرد.

۱۶۳- بحران معناداری زندگی سبب ظهور چه فیلسوفانی شد و چه دیدگاهی درمورد اثبات وجود خدا داشتند؟ سبب شد که در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که درعین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه میان ن اعتقاد به خدا «و معناداری زندگی» توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد، دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای خواهد شد.

۱۶۴- خصوصیات و ویژگی های زندگی معنا دار رابنویسید؟ زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

۱۶۵- بعد از کانت فیلسوفان حس گرا و تجربه گرا براساس نظرشان درباره خدا چند دسته شدند؟ دیدگاه هر کدام رابنویسید؟ دسته ای مانند دکارت و کانت زندگی معنا دار را در پشتوانه قبول خدا می دانند دسته ای دیگر مانند ویلیام جیمز و برگسون از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند.

۱۶۶- در قرن ۲۰ و ۲۱ چه نوع فیلسوفانی ظهور کردند و برای اثبات وجود خداوند به کدام رابطه توجه داشتند؟ فیلسوفانی ظهور کردند که درعین اعتقاد راسخ به خدا به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان اعتقاد به خدا و معناداری زندگی توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود.

۱۶۷- عقیده کاتینگهام درمورد آثار و پیامدهای قبول خداوند در زندگی رابیان کنید؟ قبول خداوند، زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و اهمیت می سازد و این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتادیم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمّن و پناهگاهی بیابیم.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید؟

- ۱- برهان حرکت ارسطو مبنی بر اثبات وجود خداوند بنویسید. (دی ۹۹)
 - ۲- یکی از برهان های ارسطو را بر اثبات وجود خدا و مبداء نخستین بنویسید. شهریور ۹۹
 - ۳- «برهان حرکت ارسطو» را مبنی بر اثبات وجود خداوند بنویسید. خرداد ۱۴۰۰
- وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرکی است که خود آن، حرکت نداشته باشد؛ زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند محرک دیگر است و آن نیز نیازمند محرک دیگر و این منجر به تسلسل می شود که عقلا محال است.
- ۲- افلاطون خداوند را چگونه توصیف کرده است؟ (دی ۹۹)
- درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود. نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت.
- ۴- از نظر هیوم مهمترین برهان فیلسوفان الهی کدام است و دلیل ناتوانی آن برهان، برای اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی چیست؟ (خرداد ۹۹)
 - ۵- انتقاد هیوم بر «برهان نظم» را توضیح دهید. دی ۱۴۰۰
- برهان نظم که از تجربه گرفته شده است. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره می کند. اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است.
- ۶- استدلال کانت بر اثبات وجود خداوند را توضیح دهید. (شهریور ۱۴۰۰)
 - ۷- استدلال «دکارت» بر اثبات وجود خدا، را در قالب دو مقدمه و یک نتیجه بنویسید. خرداد ۱۴۰۰

من از حقیقتی نامتناهی وعلیم وقدیر که خود من وهر چیز دیگر به وسیله او خلق شده ایم تصویری دارم. این تصور نمی تواند ازخودم باشد؛ زیرا من موجودی متناهی هستم . پس این تصور ازوجودی نامتناهی است.

۸- برهان «درجات کمال» ارسطو را در قالب دو مقدمه و یک نتیجه بنویسید؟ **خرداد ۴۰۲**

مقدمه اول: هر جا که یک خوب تر وبهتر وجود دارد ، خوب ترین و بهترینی نیز هست.

مقدمه دوم: در میان موجودات ، برخی خوب تر وبهتر از برخی دیگرند.

نتیجه: پس حقیقتی هم که بهترین باشدف وجود دارد که همان واقعیت الهی است.

۹- هریک از گزاره های زیر با نظر کدام فیلسوف در مورد خداوند ارتباط دارد؟ **شهریور ۴۰۲**

الف) ضرورت وجود خدا از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی قابل اثبات است. کانت

ب) تصور من از یک موجود نامتناهی ، از خود من وهیچ موجود متناهی دیگر نیست. دکارت

ج) وجود حرکت درعالم، نیازمند محرکی است که خود آن ف نامتحرک است. ارسطو

د)ایمان، هدیه ای الهی است که خداوند به انسان مومن می بخشد. کرکگور

۴-ارسطو

۵-کانت

سؤالات درس ششم(خدا در فلسفه - قسمت دوم)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۱- اعتقاد به خدا، به عنوان هستی که جهان را براساس آفریده، در فرهنگ ماسابقه دیرینه دارد. خالق-حکمت وعدل

۲- در گزارش های تاریخی وداستان های ازایران قبل از باستان، یعنی پیش از حکومت مادها وهخامنشیان، نشاگر باور واعتقاد به چنین خدا(خالق جهان هستی براساس حکمت وعدل) در آن دوره است. اسطوره ای

۳- سهروردی، فیلسوف بزرگ دوره اسلامی معتقد است که حکیمانی درایران می زیسته اند که علاوه برحکمت، با..... نیز آشنا بوده وخداوند را..... هستی می دانستند. عرفان -نور

۴- سهروردی معتقد است، حکیمان ایران قبل ازباستان ، خداوند رانور هستی می دانستندکه باخود، پدیده ها را خلق می کند وظاهر می سازد. آنان خداوند رانیز می نامیدند. پرتو واشراق- نور الانوار

۵- بحث فیلسوف ، خواه مسلمان ،خواه مسیحی ویا پیرو هر مسلکی دیگر درباره خدا، تاوقتی فلسفی است که ازروش فلسفه یعنی استفاده کندونتایج تفکرخود را به صورت.....عرضه نماید. استدلال عقلی - استدلالی

۶- دکارت وکانت، بااینکه مسیحی بودند ولی پون با روشبه اثبات خداوند پرداخته اند، بحث آنها یک بحثبه شمار می آید. فلسفی- فلسفی

۷- فیلسوفان مسلمان نیز از همین روش (روش فلسفی دراثبات خدا) پیروی کرده ودرکتب فلسفی خود باستدلال.....درباره خداوند بحث کرده وبه اثبات وجود.....پرداخته اند. عقلی- خدا

۸- فیلسوف کسی است که براساس قواعد.....و.....نظرات خود رابیان کند و با قواعد فلسفی ازعقیده خود دفاع نماید. فلسفی- استدلال عقلی

۹- فیلسوفان مسلمان نظرشان براین است که اثبات وجود خدا از طریقامکان پذیر است. استدلال عقلی

۱۰- فارابی ، علاوه بر قبول برهان ارسطو، برهانی بر وجود خدا ارائه می کند که مبتنی بر محال بودن.....علت هاست. تسلسل نامتناهی

۱۱- فارابی ،علاوه بر قبول برهانی هایبرهانی برووجود خدا ارائه می کند که مبتنی بر محال بودن تسلسلعلت هاست. ارسطو- نامتناهی

۱۲- فارابی می گوید اگر سلسله علت ها بخواهد تابی نهایت به عقب برگردد وهرعلتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست کهو.....در کار نباشد. آغاز وابتدایی

- ۱۳- اگر تعداد علت ها بخواهدباشد، به معنی آن است که بایدموجود باشد تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و چنین چیزی امکان پذیر نیست. بی نهایت- بی نهایت
- ۱۴- اگر تعداد علت ها بخواهد بی نهایت باشد، به معنی آن است که بی نهایت پدیده موجود باشد، تا نوبت بهپیش روی ما برسد و چنین چیزینیست. معلول- امکان پذیر
- ۱۵- همان طور که سلسله آجرهای متکی به هم باید به ستونی ختم شوند که نگهدارنده همه آجرهای دیگر باشد، سلسله موجوداتنیز نیلزمند موجودی است که خودشنباشد و بر خود تکیه نماید. معلول- معلول
- ۱۶- (در استدلال فارابی) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند کهاز خودشان نیست وچیزهای دیگرند. وجودشان- معلول
- ۱۷- هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتیبر خود دارد که به اومی دهد. مقدم- وجود
- ۱۸- اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش رود ، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، «.....» پیش می آید و چنین چیزی هم محال است. تسلسل علل نامتناهی
- ۱۹- ابن سینا با اینکه برهان فارابی را درست و کامل می داند اما می کوشد با استفاده از دو مفهوموبرهان کامل تری ارائه کند. وجوب - امکان
- ۲۰- ابن سینا می گوید: وقتی به موجودات جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات درخود نسبت به(بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر ، این موجودات ذاتا ممکن الوجودند.. ذات- وجود و عدم
- ۲۱- ابن سینا می گوید: وقتی به موجودات جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر ، این موجودات ذاتا ممکن الوجودند
- ۲۲- ممکن الوجودی های، برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم در آیند و وجود برای آنهاگردد و موجود شوند، نیازمند علتی هستند که خودش ممکن الوجود نباشد. بالذات- ضروری
- ۲۳- ممکن الوجودی ها بالذات برای اینکه از تساوی میان وجود و عدم در آیند و وجود برای آنها ضروری گردد و موجود شوند ، نیازمند علتی هستند که خودش ممکن الوجود نباشد بلکهباشد. واجب الوجود بالذات
- ۲۴- واجب الوجود بالذات یعنی، موجودی که وجوداوست و از اونمی شود. ذاتی- جدا
- ۲۵- (ابن سینا می گوید) اشیای جهان «.....» هستند واجب الوجود بالغیر
- ۲۶- ابن سینا می گوید: اشیای جهان، چون ذاتا ممکن الوجودند، برای موجود شدن به واجب الوجود بالذات نیاز دارند. این واجب الوجود آنها را از حالتخارج می کند، و وجود را برای آنها ضروری ومی سازد. امکانی - واجب
- ۲۷- واجب الوجود بالذات ، همان ذاتی است که وجود برایشدارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یکضرورت- بیرونی
- ۲۸- ابن سینا نتیجه می گیرد که واجب الوجود دو قسم است واجب الوجود، واجب الوجود بالذات- بالغیر
- ۲۹- (پیام اصلی ابن سینا و پیروان او) جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجود اما از این جهت که اکنون موجودند، واجب الوجودیعنی از واجب الوجودنشئت گرفته اند. بالغیرند- بالذات
- ۳۰- فلاسفه بعد از ابن سینا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی یافتند و آن را «.....» نامیده اند. برهان وجوب و امکان
- ۳۱- توماس آکوئیناس که در بحث مغایرتواز ابن سینا تبعیت کرده بود، این برهان (وجوب و امکان) را نیز در اروپا گسترش داد و مورد قبول بسیاری قرار گرفت. وجود - ماهیت
- ۳۲- توماس آکوئیناس که در بحث مغایرت و ماهیت ازتبعیت کرده بود، برهان وجوب و امکان را نیز در اروپا گسترش داد. ابن سینا
- ۳۳- در جهان اسلام نیز فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیر الدین طوسی،واز ابن برهان (وجوب و امکان) استفاده کرده و به تبیین و توضیح آن پرداخته اند. میرداماد- شیخ بهایی
- ۳۴- ملاصدرا ی شیرازی ، مشهور بهدر عهد صفویه می زیست. صدر المتالهین

- ۳۵- ملاصدراى شیرازى، براساس مبانى فلسفى خود استدلال ابن سينا را ارتقا بخشيد که همه موجودات و واقعيات جهان ، عين.....و.....هستند. وابستگى - نياز
- ۳۶- ملاصدراى شیرازى توضيح دادکه همه موجودات و واقعيات جهان ، عين وابستگى و نياز هستند و«.....» و«.....» سراسر وجود آنها را فرا گرفته است. وابستگى- نيا زبه غير
- ۳۷- وى(ملاصدراى شیرازى) وابسته بودن و نيازمنى را«.....» ناميد . امکان فقرى
- ۳۸- (طبق ديدگاه ملاصدرا) به موجودات پيرامونمان که نگاه ميکيم، مى بينيم که وجودشان عين.....و.....به ديگرى است. وابستگى- نياز
- ۳۹- موجودات وابسته و نيازمنند بايد به موجودى متصل باشند که آن موجود در.....خود، نيازى بهنداشته باشد. ذات- غير
- ۴۰- موجودات اين جهان وابسته به وجودىو.....هستند. بى نياز- غير وابسته
- ۴۱- از نظر ملاصدرا وجود دوگونه است: وجودوجودهاى بى نياز و غير وابسته- نيازمنند و وابسته
- ۴۲- طبق نظريه «امکان فقرى» يا«.....» ، جهان هستى يکپارچه نياز و تعلق به ذات الهى است و از خود هيچ استقلالى ندارد. فقر وجودى
- ۴۳- طبق نظريه «امکان فقرى» يا«فقر وجودى» ، جهان هستى يکپارچه نياز و تعلق بهاست و از خود هيچ..... ندارد. ذات الهى - استقلالى
- ۴۴- فلاسفه مسلمان، در کنار اثبات وجود خدا و اعتقاد به او، به تأثير اين اعتقاد در زندگى انسان و نقش آن در.....به حيات نيز پرداخته اند. معنابخشى
- ۴۵- فلاسفه مسلمان ، اعتقاد به وجود خدا و تأثير آن در حيات معنوى و اجتماعى انسانى را شبیه به پذيرش وجودو نقش آن در حيات بشر مى دانند. آب- جسمانى
- ۴۶- (فلاسفه مسلمان مى گویند) ابتدا بايد وجود خدا را طريق عقل و.....و.....پذيرفت و سپس با وى ارتباط معنوى برقرار کرد و يک زندگى معنادار و متعالى را سامان داد. تفکر- اندیشه
- ۴۷- (فلاسفه مسلمان مى گویند) ابتدا بايد وجود خدا را طريق عقل و تفکر و اندیشه پذيرفت و سپس با وى ارتباط معنوى برقرار کرد و يک زندگى.....و..... را سامان داد. معنادار - متعالى
- ۴۸- وقتى اعتقاد به خدا مى تواند به زندگى معنا دهد و انسان را وارداز زندگى کند که واقعا او را از يک را معقول و درست درک کرده و پذيرفته باشد. مرتبه اى برتر
- ۴۹- اعتقاد به خدا، مى تواند به زندگىدهد و انسان را وارد مرتبه اىاز زندگى کند. معنا- برتر
- ۵۰- از نظر فيلسوف الهى، پذيرش وجود خداوند با صفاتى که دارد، اين امکان را به انسان مى دهد که بتواند.....يک زندگىرا به دست آورد. معيارهاى- معنادار
- ۵۱- از نظر فيلسوف الهى، با پذيرش وجود خداوند، مى توان براى گرايش.....انسان به خير و زيبايى مابازايىقائل شد. فطرى- واقعى
- ۵۲- ابن سينا مى گوید: هريک از ممکنات به واسطه حقيقت وجود خود ، هميشه مشتاقو.....است. کمالات- خيرات
- ۵۳- ابن سينا مى گوید: همين اشياق ذاتى و ذوق فطرى را که سبب بقاى ممکنات و مخلوقات است،مى ناميم. عشق
- ۵۴- ابن سينا مى گوید: همين اشياقو ذوق را که سبب بقاى ممکنات و مخلوقات است، عشق مى ناميم. ذاتى - فطرى
- ۵۵- ابن سينا در رساله اى که درباره عشق نوشته است، مى گوید: هريک از.....به واسطه حقيقت وجودش ، هميشهکمالات و خيرات است بر حسب فطرت خود از بدى ها گريزان ممکنات- مشتاق
- ۵۶- بيان ابن سينا(در مورد عشق) نشان مى دهد که عشق و محبت به خير و زيبايى اختصاص به انسان ندارد و هر موجودى در اين جهان بهره مند از جاذبه عشق الهى است و چنين عشقى را که در.....و.....جهان هستى به امانت نهاده است. کنه- ذات
- ۵۷- بيان ابن سينا(در مورد عشق) نشان مى دهد که عشق و محبت به خير و زيبايى اختصاص به انسان ندارد و هر موجودى در اين جهان بهره مند از جاذبه عشق الهى است و چنين عشقى را که در کنه و ذات به امانت نهاده است. جهان هستى

سوالات نهایی

۱- از نظر فارابی در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها علتی وجود دارد که وابسته به دیگری نیست یعنی خودش..... و..... موجودات دیگر است (خرداد ۹۹) واجب الوجود - علت العلل

۲- «وجود» از نظر ملاصدرا بر دو قسم می باشد: و..... (خرداد ۱۴۰۱) وجود وابسته (یا بی نیاز) - غیر وابسته (یا بی نیاز)

۳- اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنا دهد که به کمک و..... و منطق، وجودش را پذیرفته باشیم و در ارتباط با او زندگی کنیم. (دی ۹۸) عقل - روحی یا معنوی

۴- بر اساس نظر ملاصدرا که به نظریه «.....» معروف است جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است. (خرداد ۱۴۰۰) فقر وجودی (امکان فقری)

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید

- ۵۸- اعتقاد به خدا، به عنوان خالق هستی که جهان را بر اساس حکمت و عدل آفریده در فرهنگ ما سابقه ی نداشته است. غ
- ۵۹- گزارش های تاریخی و داستان های اسطوره ای از ایران قبل از باستان، نشنگر باور و اعتقاد به خدا در آن دوره نبوده است. غ
- ۶۰- سهروردی، معتقد است که حکیمانی در ایران قبل از باستان می زیسته اند که علاوه بر حکمت، با عرفان نیز آشنا بوده و خداوند را نور هستی می دانستند. ص
- ۶۱- سهروردی معتقد است که حکیمان ایران باستان خداوند را نور الانوار می نامیدند. ص
- ۶۲- بحث فیلسوف ف تاوقتی فلسفی است که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید. ص
- ۶۳- دکارت و کانت با اینکه مسیحی بودند ولی چون با روش فلسفی به اثبات خداوند نپرداخته اند، بحث آنها یک بحث فلسفی به شمار نمی آید. غ
- ۶۴- فیلسوفان مسلمان در کتب فلسفی خود با استدلال عقلی درباره خداوند بحث کرده و به اثبات وجود خدا پرداخته اند. ص
- ۶۵- فیلسوف کسی است که بر اساس قواعد فلسفی و استدلال عقلی نظرات خود را بیان کند و با قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند. ص
- ۶۶- برخی از فلاسفه اروپایی عقل و استدلال عقلی را برای اثبات وجود خدا امکان پذیر نمی دانند و راه دیگری برای اعتقاد به خدا پیموده اند. ص
- ۶۷- فیلسوفان مسلمان، نظرشان بر این است که اثبات وجود خدا از طریق استدلال های عقلی امکان پذیر نیست. غ
- ۶۸- فارابی، علاوه بر برد برهان های ارسطو، برهانی بر وجود خدا اراده می کند که مبتنی بر محال نبودن تسلسل نامتناهی علت هاست. غ
- ۶۹- فارابی می گوید اگر پدیده ای که الان موجود است معلول علتی باشد و آن هم معلول علت دیگری باشد و سلسله این علت و معلول، بخواهد تا بی نهایت پیش رود، چنین تسلسلی محال است و در خارج تحقق نمی یابد. ص
- ۷۰- فارابی می گوید: اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد. ص
- ۷۱- اگر تعداد معلول بخواهد بی نهایت باشد، به معنی آن است که باید بی نهایت پدیده موجود باشد تا نوبت به علت پیش روی ما برسد و چنین چیزی امکان پذیر نیست. غ
- ۷۲- سلسله موجودات معلول نیازمند موجودی است که خودش معلول نباشد و بر خود تکیه نماید. غ
- ۷۳- در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و علت چسزهای دیگرند. غ
- ۷۴- هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، معلولی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد. غ
- ۷۵- اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش رود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد «تسلل علل متناهی» پیش می آید و چنین چیزی هم محال نیست. غ
- ۷۶- سلسله علت های این جهان منتهی به علتی می شود که خودش نیازمند به علت نیست. ص

- ۷۷- ابن سینا با اینکه برهان فارابی درست و کامل نمی داند، اما می کوشد با استفاده از دو مفهوم وجوب و امکان برهان کامل تری ارائه کند. غ
- ۷۸- از نظر فارابی وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودان در ذات خود نسبت به وجود وعدم (بودن ونبودن) مساوی نیستند و نمی توانند هم باشند و هم نباشند. غ
- ۷۹- ممکن الوجود های بالذات ، برای اینکه از تساوی میان وجود وعدم درآیند نیازمند علتی هستند که واجب الوجود بالذات باشد. ص
- ۸۰- واجب الوجود بالذات ؛ یعنی موجودی که وجود، ذاتی اوست و از او جدا نمی شود. ص
- ۸۱- موجودات این جهان به واجب الوجودی وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است. ص
- ۸۲- بنابراین فارابی ، اشیای جهان ، چه کل آنها را به عنوان یک مجموعه در نظر بگیریم و چه به فرد فرد آنها توجه کنیم چون ذاتا واجب الوجود اند به واجب الوجود بالذات نیاز ندارند. غ
- ۸۳- اشیای این جهان « واجب الوجود بالغیر » هستند. ص
- ۸۴- واجب الوجود بالذات ، همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت ندارد و این ضرورت، از ناحیه خود اونیست بلکه از ناحیه یک امر بیرونی است. غ
- ۸۵- ابن سینا می گوید که واجب الوجود بر دو قسم است: ۱- واجب الوجود بالذات ۲- واجب الوجود بالغیر ص
- ۸۶- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او: موجودات جهان بر حسب ذات خود واجب الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، «واجب الوجود بالذات اند» و یعنی از «واجب الوجود بالذات» نشئت گرفته اند. غ
- ۸۷- فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی قوی یافتند و آن را «برهان فقری» نامیده اند. غ
- ۸۸- توماس آکوئیناس که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت کرده بود، این برهان را نیز در اروپا گسترش داد و مورد قبول بسیاری قرار گرفت. ص
- ۸۹- در جهان اسلام فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیر الدین طوسی ، میر داماد و شیخ بهایی از برهان ابن سینا استفاده نکرده اند و در رد آن به تبیین و توضیح پرداختند. غ
- ۹۰- ملاصدرا ی شیرازی، مشهور به صدر المتالهین در عهد صفویه می زیست. ص
- ۹۱- ملاصدرا بر اساس مبانی فلسفی خود، استدلال ابن سینا را ارتقا بخشید. ص
- ۹۲- ملا صدرا در ارتقا برهان ابن سینا توضیح داد که : همه موجودات و واقعیات جهان، عین وابستگی و نیاز هستند و آوابستگی) و «نیاز به غیر» سراسر وجود آنها را فرا گرفته است. ص
- ۹۳- ملا صدرا وابسته و نیازمندی موجودات جهان را «امکان فقری» نامید. ص
- ۹۴- ابن سینا می گوید: به موجودات پیرامونمان که نگاه می کنیم، می بینیم که وجودشان عین وابستگی و نیاز به دیگری است. غ
- ۹۵- موجودات وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باند که آن موجود در ذات خود، نیازی به غیر نداشته باشد. ص
- ۹۶- از نظر فارابی وجود دو گونه است: ۱- وجود بی نیاز و غیر وابسته ۲- وجودهای نیازمند و وابسته غ
- ۹۷- طبق نظریه « امکان فقری» یا «فقر وجودی» جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. غ
- ۹۸- طبق دیدگاه ملاصدرا: اگر ذات الهی ، آنی پرتو عنایت خویش را باز گیرد، کل موجودات نابود می گردند و نور وجود آنها خاموش می شود. ص
- ۹۹- فلاسفه مسلمان ، در کنار اثبات وجود خدا و اعتقاد به او، تاثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنابخشی به حیات نپرداخته اند. غ
- ۱۰۰- در مقام مثال، فلاسفه مسلمان اعتقاد به وجود خدا و تاثیر آن در حیات معنوی و اجتماعی انسان را شبیه به پذیرش وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر می دانند. ص
- ۱۰۱- موضوع خدا این گونه است؛ که ابتدا وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه باید پذیرفت سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان داد. ص

۱۰۲- وقتی اعتقاد به خدا می تواند معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند که واقعا او را از یک راه معقول و درست درک کرده و پذیرفته باشد. ص

۱۰۳- از نظر یک فیلسوف غیر الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به انسان این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد. ص

۱۰۴- اولین معیار یک زندگی معنادار جهان را غایتمند یافتن و این غایتمندی را توضیح دادن است. ص

۱۰۵- شناخت انسان به موجودی هدفمند و تشخیص این هدف، از جمله معیارهای زندگی معنادار است. ص

۱۰۶- از نظر فیلسوف الهی، قائل شدن گرایشی به خیر و زیبایی و دانستن این که این خیر و زیبایی یک امر خیالی نیست بلکه در یک حقیقت متعالی وجود دارد از معیارهای زندگی متعالی است. ص

۱۰۷- آرمان های مقدس و فراتر از از زندگی مادی معتبر و درست دانستن، از جمله معیارهای زندگی معنادار نیست. غ

۱۰۸- احساس تعهد و مسئولیت در برابر یک وجود متعالی، از جمله معیارهای زندگی معنادار است. ص

۱۰۹- اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا را اثبات کند، حداقل امکان پذیرش معیارهای زندگی معنادار را از دست نمی دهد. غ

۱۱۰- فارابی در رساله ای که درباره عشق نوشته، معیارهای زندگی معنادار را نشان داده است. غ

۱۱۱- از نظر ابن سینا، هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجود خود، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است. ص

۱۱۲- از نظر فارابی، همین اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم. غ

۱۱۳- ابن سینا می گوید: به واسطه حقیقت وجود و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان هستند. ص

۱۱۴- ابن سینا معتقد است که عشق و محبت میان انسان و جهان از جاذبه عشق الهی ناشی می شود. ص

سوالات نهایی

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط می باشد:

۱- از نظر ابن سینا، بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان نیاز آنها را به واجب الوجود بالذات بر طرف نمی سازد (خرداد ۹۹)

درست

۲- به عقیده فیلسوفان مسلمان، اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. (خرداد ۹۹) درست

۳- فیلسوف کسی است که هیچ عقیده ای درباره وجود خداوند نداشته باشد. (شهریور ۱۴۰۰) نادرست

۴- فارابی برای ابطال تسلسل علل نامتناهی از این مقدمه استفاده کرد که «هر معلولی باید علتی داشته باشد». (خرداد ۱۴۰۰)

درست

۵- فیلسوفان مسلمان می گویند ابتدا باید با خدا ارتباط معنوی برقرار کرد و بعد به اثبات عقلانی وی پرداخت. (خرداد ۴۰۲)

غلط

۶- یکی از معیارهای زندگی معنا دار، داشتن آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی است. (شهریور ۴۰۲) صحیح

سوالات کوتاه پاسخ

۱۱۵- به اعتقاد سهروردی، حکیمان قبل از باستان در ایران، خدا را چه می نامیدند؟ نور الانوار

۱۱۶- به اعتقاد سهروردی حکیمان قبل از باستان در ایران علاوه بر حکمت باچه علمی آشنا بودند؟ عرفان

۱۱۷- بحث فیلسوف تاجه وقتی فلسفی است؟ تا وقتی که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه نماید.

۱۱۸- دکارت و کانت باچه روشی وجود را اثبات کردند؟ باروش فلسفی

۱۱۹- فیلسوف برچه اساس نظرات خود را بیان می کند و از عقیده خود دفاع کند؟ قواعد فلسفی

- ۱۲۰- کدام گروه از فلاسفه به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق عقل واستدلال عقلی اثبات کرد؟ برخی از فلاسفه اروپایی
- ۱۲۱- کدام فیلسوف مسلمان، علاوه بر قبول برهان های ارسطو، برهانی بوجود خدا ارائه می کند که مبتنی بر محال بودن تسلسل نامتناهی علت هاست؟ فارابی
- ۱۲۲- اگر تعداد علت ها بخواهد تایی نهایت باشد، به چه معناست؟ به معنی آن است که باید بی نهایت پدیده موجود باشد تا نوبت به معلول پیش روی مابرسد و چنین چیزی امکان پذیر نیست.
- ۱۲۳- طبق برهان فارابی بر اثبات وجود خدا، اشیا پیرامون، وجودشان را از کجا می گیرند؟ وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.
- ۱۲۴- طبق برهان فارابی، هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، چه چیزی مقدم بر خود دارد و به او چه می دهد؟ علت- وجود
- ۱۲۵- چگونه تسلسل علل نامتناهی پیش می آید؟ اگر سلسله علت بخواهد تایی نهایت برود یعنی منتهی به علتی شود که معلول دیگری نباشد تسلسل علل نامتناهی پیش می آید.
- ۱۲۶- ابن سینا ضمن درست و کامل دانستن برهان ابن سینا کوشید با استفاده از کدام مفاهیم برهان کامل تری ارائه کند؟ وجوب و امکان
- ۱۲۷- طبق برهان ابن سینا موجودات این جهان ذاتا چگونه وجودی دارند؟ ممکن الوجود
- ۱۲۸- طبق برهان ابن سینا موجودات این جهان در ذات خود نسبت به وجود و عدم چه حالتی دارند؟ تساوی
- ۱۲۹- طبق برهان ابن سینا ممکن الوجود بالذات برای خروج از حالت تساوی میان وجود و عدم، نیازمند چه وجودی هستند؟ واجب الوجود بالذات
- ۱۳۰- منظور از واجب الوجود بالذات چیست؟ یعنی موجودی که وجود، ذاتی اوست و از او جدا نمی شود.
- ۱۳۱- طبق برهان ابن سینا اشیا جهان چه نوع واجب الوجودی هستند؟ واجب الوجود بالغیر
- ۱۳۲- وجود برای واجب الوجود بالذات چه حالتی دارد و آن از کجا دارد؟ وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت، از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی
- ۱۳۳- ابن سینا نتیجه می گیرد که واجب الوجود چند نوع است؟ دو نوع : ۱- واجب الوجود بالذات ۲- واجب الوجود بالغیر
- ۱۳۴- در پیام اصلی ابن سینا و پیروان او موجودات جهان که اکنون واجب الوجود بالغیرند از کجا نشئت گرفته اند؟ واجب الوجود بالذات
- ۱۳۵- فلاسفه بعد از ابن سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب الوجود را برهانی بسیار قوی یافته و آن را چه نامیدند؟ برهان وجوب و امکان
- ۱۳۶- کدام فیلسوف اروپایی از برهان (وجوب و امکان) ابن سینا تبعیت کرد و آن را در اروپا گسترش داد؟ توماس آکوئیناس
- ۱۳۷- توماس آکوئیناس در کدام بحث از ابن سینا تبعیت کرد؟ مغایرت وجود و ماهیت
- ۱۳۸- در جهان اسلام کدام فلاسفه از برهان وجوب و امکان ابن سینا استفاده کرده و به تبیین و توضیح آن پرداختند؟ بهمنیار، خواجه نصیر الدین طوسی، میرداماد و شیخ بهایی
- ۱۳۹- صدر المتألهین شهرت کدام فیلسوف مسلمان ایرانی است؟ ملاصدرای شیرازی
- ۱۴۰- ملاصدرای اساس مبانی فلسفی خود، استدلال کدام فیلسوف را ارتقا بخشید و توضیح داد که همه موجودات و واقعیات جهان، عین وابستگی و نیاز هستند؟ ابن سینا
- ۱۴۱- ملاصدرای شیرازی، وابستگی و نیاز موجودات و واقعیات جهان را چه نامید؟ امکان فقری
- ۱۴۲- طبق دیدگاه ملاصدرای، وجود چند گونه است؟ دو گونه: ۱- وجوب بی نیاز و غیر وابسته ۲- وجودهای نیازمند و وابسته
- ۱۴۳- طبق نظریه «امکان فقری» یا «فقر وجودی» جهان هستی چگونه وجودی است؟ یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ گونه استقلالی ندارد.
- ۱۴۴- فلاسفه مسلمان، در کنار اثبات وجود خدا و اعتقاد به او، به چه چیزی پرداخته اند؟ به تاثیر این اعتقاد در زندگی انسان و نقش آن در معنابخشی به حیات
- ۱۴۵- در مقام مثال، فلاسفه مسلمان، اعتقاد به وجود خدا و تاثیر آن در حیات معنوی و اجتماعی انسان شبیه به پذیرش وجود چه چیزی دانسته اند؟ وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی بشر

۱۴۶- در مقام مثال، فلاسفه مسلمان، اعتقاد به وجود خدا و تاثیر آن را در چه جنبه حیات انسان شبیه به پذیرش وجود آب برای حیات جسمانی دانسته اند؟ حیات معنوی و اجتماعی

۱۴۷- چه موقع اعتقاد به خدا می تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه ای برتر از زندگی کند؟ زمانی که واقعا او را از یک راه معقول و درست درک کرده و پذیرفته باشد.

۱۴۸- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، به اتسان چه امکانی می دهد؟ این امکان را می دهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد.

۱۴۹- طبق نظر ابن سینا در رساله ای که درباره عشق نوشته، ممکنات به واسطه چه چیزی همیشه مشتاق کمالات و خیرات هستند؟ به واسطه حقیقت وجود خود

۱۵۰- (الف) ابن سینا سبب بقای ممکنات و مخلوقات را چه می داند (ب) و آن را چه نامیده است؟ (الف) اشتیاق ذاتی و ذوق فطری - (ب) عشق

۱۵۱- ابن سینا در رساله ای که درباره عشق نوشته است، عشق را چگونه تعریف می کند؟ اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است، عشق می نامیم.

۱۵۲- برهان ابن سینا برای اثبات واجب الوجود بالذات را نام ببرید؟ برهان وجوب و امکان

۱۵۳- از نظر ابن سینا ممکن الوجود بالذات برای اینکه از حالت تساوی میان وجود وعدم درآید و وجود شود نیازمند چیست؟ نیازمند واجب الوجود بالذات است، موجودی که وجود ذاتی او باشد.

۱۵۴- براساس برهان وجوب و امکان ابن سینا، موجودات این جهان به چه چیزی وابسته اند؟ به واجب الوجود بالذات

۱۵۵- فلاسفه مسلمان وجود خداوند تاثیر آن در حیات انسانی را شبیه به چه چیزی دانسته اند؟ شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی

۱۵۶- از نظر ابن سینا عشق و محبت میان جهان از چه چیزی ناشی می شود؟ جاذبه ی عشق الهی

۱۵۷- از نظر یک فیلسوف الهی، پذیرش وجود خداوند با صفاتی که دارد، چه تأثیری می تواند بر فیلسوف داشته باشد؟ به فیلسوف این امکان را میدهد که بتواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد.

۱۵۸- از نظر فیلسوف الهی یک فیلسوف چه هنگام امکان پذیرش معیارهای یک زندگی معنا دار را از دست می دهد؟ اگر فیلسوفی نتواند وجود خدا را اثبات کند. امکان پذیرش معیارهای یک زندگی معنا دار را از دست می دهد.

سوالات نهایی

۱- در مورد برهان فارابی به سوالات زیر پاسخ دهید: (الف) به دنبال اثبات چه چیزی است؟ (ب) از چه اصلی استفاده کرده

است (دی ۹۷) (الف) بطلان تسلسل علل نامتناهی (ب) اصل تقدم علت بر معلول

۲- دو مورد از معیارهای یک زندگی معنادار را از نظر فلاسفه مسلمان نام ببرید. (دی ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹ - شهریور ۹۹)

جهان را غایتمند بیابد و آن را توضیح دهد. انسان را موجودی هرفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.

۳- ابن سینا برای اثبات وجود خداوند از دو مفهوم (۱: علت و معلول ۲: وجوب و امکان) استفاده کرد. شهریور ۱۴۰۰ ۲:

وجوب و امکان

۴- برهان فارابی برای اثبات وجود خدا مبتنی بر چه اصلی است؟ خرداد ۱۴۰۰ محال بودن تسلسل نامتناهی علت ها

سوالات تشریحی

۱۵۹- سهروردی فیلسوف بزرگ دوره اسلامی، درباره دیدگاه حکیمان قبل از باستان در ایران چه بیانی دارند؟ معتقد است که حکیمانی می زیسته اند که علاوه بر حکمت، با عرفان نیز آشنا بوده و خداوند رانور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود پدیده ها را خلق می کند و ظاهر می سازد. آنان خداوند رانور الانواری نامیدند.

۱۶۰- چرا طبق بیان فارابی تسلسل علت ها محال است؟ زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد؛ و در این صورت اصلا چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست

۱۶۱- معنی این بیان فلاسفه مسلمان که موضوع پذیرش وجود خدا شبیه واقعی دانستن وجود آب و بی بردن به آن از طریق حواس و رفع نیاز تشنگی است، نه توهمی و خیالی را توضیح دهید؟ یعنی ابتدا باید وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه پذیرفت و سپس با وی ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان داد.

۱۶۲- بیان فارابی را در اثبات وجود خدا را بنویسید؟ (برهان تسلسل علل نامتناهی را توضیح دهید؟) (برهان فارابی در اثبات وجود خدا «برهان تسلسل علل نامتناهی محال است را توضیح دهید؟»)

الف) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول چیزهای دیگرند.

ب) هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می دهد.

ج) اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته باشد که آن علت هم خودش معلول باشد، به ناچار، این معلول هم علت دیگری دارد. حال اگر این علت دوم هم معلول باشد، برای موجود شدن به علت سوم نیاز دارد. حال اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت پیش برود، یعنی منتهی به علتی نشود که معلول دیگری نباشد، «تسلسل علل نامتناهی» پیش می آید و چنین چیزی هم محال است. پس سلسله علت های این جهان منتهی به علتی می شود که خودش نیازمند به علت نیست.

۱۶۳- تسلسل علل نامتناهی محال است را با ذکر مثالی توضیح دهید؟ (با ذکر مثالی توضیح دهید که چگونه اگر تعداد علت ها نا بی نهایت باشد، به معنی آن است که باید بی نهایت پدیده موجود باشد تا نویبت به معلول پیش روی نبرسد و چنین چیزی امکان پذیر نیست؟) شخصی می خواهد تعدادی آجر را به صورت مایل و باتکیه یکی بر دیگری، روی یک سطح صاف بچیند. برای این کار، ابتدا یک ستون عمودی روی زمین نصب می کند و آجر اول را به صورت مایل به آن تکیه می دهد. آنم گاه آجر دوم را به آجر اول تکیه میدهد و بقیه آجرها را به همین ترتیب می چیند. در این میان، اگر کسی بگوید به آن ستون ثابت نیازی نیست، عملاً نمی تواند هیچ سلسله ای از آجرهای مایل را روی زمین قرار دهد و چنین سلسله ای از آجرها تشکیل نخواهد شد.

۱۶۴- برهان وجوب و امکان ابن سینا در اثبات وجود خدا را توضیح دهید؟

۱) وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود وعدم (بودن و نبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند و هم می توانند نباشند. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتاً ممکن الوجودند.

۲) ممکن الوجودی های بالذات، برای اینکه از تساوی میان وجود وعدم در آیند و وجود برای آنها ضروری گردد و موجود شوند، نیازمند علتی هستند که خودش ممکن الوجود نباشد بلکه واجب الوجود بالذات باشد؛ یعنی موجودی که .جود، ذاتی اوست و از او جدا نمی شود.

۳) پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آنها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

۱۶۵- توضیح دهید طبق برهان ابن سینا موجودات این جهان چگونه واجب الوجود بالغیرند؟ اشیای جهان چه تعداد آنها محدود باشد و چه نامحدود، چه کل آنها را به عنوان یک مجموعه در نظر بگیریم و چه به فرد فرد آنها توجه کنیم، چون ذاتاً ممکن الوجودند، برای موجود شدن به واجب الوجود بالذات نیاز دارند. این واجب الوجود آنها را از حالت امکانی خارج می کند و وجود را برای آنها ضروری و واجب می سازد بنابراین اشیای جهان «واجب الوجود بالغیر» هستند.

۱۶۶- پیام اصلی ابن سینا و پیروان او چیست؟ موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند؛ یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند.

۱۶۷- برهان امکان فقری ملاصدرا را توضیح دهید؟ (ملاصدرا برهان امکان فقری خود را در اثبات وجود خدا چگونه تنظیم نموده است؟) (استدلال ملاصدرا در اثبات وجود خدا را بیان کنید؟)

۱) به موجودات پیرامونمان که نگاه می کنیم، می بینیم که وجودشان عین وابستگی و نیاز به دیگری است.

۲) موجودات وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشند که آن موجود در ذات خود نیازی به غیر نداشته باشد.

۳) پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند.

۱۶۸- میان امکان یا عدم امکان اثبات وجود خداوند، چه تفاوتی بین نگرش برخی فیلسوفان اروپایی و فیلسوفان اسلامی وجود دارد؟ برخی از فلاسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را نمی توان از طریق عقل واستدلال عقلی اثبات کرد. برخلاف فلاسفه اروپایی، فیلسوفان مسلمان، از فارابی تا ملاصدرا وفلاسفه معاصر، به این نتیجه رسیدند که اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.

۱۶۹- معیارهای یک زندگی معنادار از نظر یک فیلسوف الهی رابنویسید؟ ۱- جهان راغایتمند بیابدوآن را توضیح دهد ۲- انسان راموجودی هدفمند بشناسد واین هدف رامشخص کند. ۳- برای انسان گرایش به خیر وزیایی قائل شود و بداند که این خیر وزیایی یک امر خیالی نیست، بلکه دریک حقیقت متعالی (یعنی خدا) وجود دارد. ۴- آرمان های مقدس وفراتر از زندگی مادی رامعتبر و درست بدانند. ۵- در برابر یک وجود متعالی وبرتر احساس تعهد ومسئولیت نماید.

۱۷۰- از نظر ابن سینا عشق ومحبت میان انسان وجهان از چه چیزی ناشی می شود؟ ابن سینا معتقد است که عشق ومحبت میان انسان وجهان ازجاذبه عشق الهی ناشی می شود که درکنه وذات جهان هستی به امانت نهاده شده است.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کامل دهید:

- ۱- «واجب الوجود بالذات» راتعریف کنید (شهریور ۹۹)

واجب الوجود بالذات همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد واین ضرورت را از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی

- ۲- «واجب الوجود بالغیر» راتعریف کنید (دی ۹۹)

واجب لوجود بالغیر همان ممکن الوجود است که بالذات وجود برایش ضرورت ندارد اما بعد از وجود، ضرورتش از ناحیه واجب الوجود بالذات نشئت گرفته است که آن را بوجود آورده است.

- ۴- تعریف عشق از نظر ابن سینا رابنویسید؟ (خرداد ۹۹)

هریک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات وخیرات است وبرحسب فطرت خود از بدی ها گریزان. اشتیاق ذاتی و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات ومخلوقات است، عشق می نامیم.

- ۳- نظریه امکان فقری صدر المتالهین راتوضیح دهید (دی، شهریور و خرداد ۹۹)
- ۵- صدر المتالهین براساس نظریه «امکان فقری» چه استدلالی ارائه کرده ؟ آن را شرح دهید؟ (شهریور ۱۴۰۰)

به هرموجودی نگاه می کنیم، وجودش عین ووابستگی ونیاز است. موجودات وابسته باید به وجودی متصل باشند که در ذات خود، غیر نیازمند وبرخوردار باشد. پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز وغیر وابسته هستند.

- ۶- «برهان وجوب وامکان ابن سینا» را شرح دهید؟ (شهریور ۹۹- خرداد ۱۴۰۰)

وقتی به موجودات این جهان نگاه می کنیم، می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود وعدم (بودن ونبودن) مساوی اند؛ هم می توانند باشند وهم می توانند نباشد. به عبارت دیگر، این موجودات ذاتا ممکن الوجودند. ممکن الوجود بالذات، برای این که از تساوی میان وجود وعدم درآید و وجود برای آن ضروری گردد و موجود شود، نیازمند واجب الوجود بالذات است؛ یعنی موجودی که وجود، ذاتی او باشد وخودش ممکن الوجود نباشد. پس، موجودات این جهان به واجب الوجودی بالذات وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده وپدید آورده است.

- ۷- برهان فارابی در اثبات وجود خدا را شرح دهید. دی ۱۴۰۰
- ۸- استدلال فارابی «برای اثبات وجود خدا» را شرح دهید. دی ۹۹

در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند. معلول نیازمند علتی مقدم بر خود است و اگر این علت هم خودش معلول و نیازمند هلت باشد و آن هم نیازمند علتی دیگر باشد و این سلسله تا بی نهایت ادامه یابد و ابتدائی در کار نباشد؛ یعنی باید بی نهایت موجود به وجود بیاید و چنین چیزی امکان پذیر نیست.

۹- از نظر فارابی «تسلسل علل نامتناهی محال است» چرا؟ توضیح دهید؟ **دی ۹۹ خارج کشور**

زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد؛ و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست. به بیان دیگر: اگر تعداد علت ها بخواهد بی نهایت باشد، به معنی آن است که باید تا بی نهایت پدیده موجود باشد تا نوبت به معلول پیش روی ما برسد و چنین چیزی امکان پذیر نیست.

۱۰- از نظر فارابی چرا تسلسل علل نامتناهی محال است؟ توضیح دهید؟ **خرداد ۴۰۲**

زیرا اگر سلسله علت ها بخواهد تا بی نهایت به عقب برگردد و هر علتی وابسته به علت قبل از خود باشد، بدین معناست که آغاز و ابتدایی در کار نباشد و در این صورت اصلاً چیزی پدید نمی آید تا نوبت به معلولی برسد که اکنون پیش روی ماست.

۱۱- ملاصدرا از طریق نظریه «فقرو جودی» (امکان فقری) چگونه وجود خداوند را اثبات می کند؟ **شهریور ۴۰۲**

موجودات پیرامون ما وجودشان عین وابستگی و نیاز است. موجودات وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشند که آن موجود بی نیاز باشد. پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند.

سؤالات درس هفتم (عقل در فلسفه - قسمت اول)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- مفهوم «دین» مارا به یاد «.....» می اندازد و مفهوم «عرفان»، «.....» را تداعی می کند. ایمان- شهود و عشق
- ۲- مفهوم «فلسفه» با «.....» و «.....» گره خورده است. عقل و عقلانیت
- ۳- معمولاً از فیلسوفان به عنوان مدافعان یاد می کنند. عقل
- ۴- آنان (فیلسوفان) وجه تمایز انسان از حیوان را می دانند و معتقدند که منظور ارسطو از ناطق، وقتی که انسان را به «حیوان ناطق» می نامد، همان «.....» است. عقل- عاقل
- ۵- تاریخ فلسفه با تاریخ نیز پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده بر تحولات فلسفه تاثیر گذاشته است. عقل- عقل
- ۶- انسان به کمک این ابزار (عقل) استدلال می کند و به دست می یابد. دانش ها- حقایق
- ۷- از نظر فیلسوفان، این ابزار (عقل) که یک توانمندی فوق العاده است، در ابتدای کودکی به صورت یک وجود دارد. استعداد
- ۸- از نظر فیلسوفان، این ابزار (عقل) که یک توانمندی فوق العاده است، در ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد. که باید با به شکوفایی و فعلیت برسد. تربیت- تمرین
- ۹- اگر «تربیت عقلانی» به خوبی صورت نگیرد، عقل به لازم نمی رسد و نمی تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد. توانایی های
- ۱۰- اما همه (انسانها) می توانند با به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند. تربیت- تمرین
- ۱۱- از آنجا که فلسفه با استدلال های سروکار دارد، استفاده عقل در این دانش از سایر دانش ها بیشتر است و معمولاً فلسفه را با عقل و همراه می دانند. عقلی- استدلال عقلی

کاربرد دیگر عقل در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم و در قید نیستند. مجردند- زمان و مکان

- ۱۲- این موجودات (مجرد) در افعال خود به ابزار نیاز ندارند. مادی
- ۱۳- درموردی، از خدا نیز به عنوان «.....» یاد شده است. عقل کل
- ۱۴- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری هم وجود دارد که با نمی توان آنها را درک کرد. یکی از این عوالم «عالم.....» است. حواس ظاهری- عقل
- ۱۵- فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده، همین موجودات..... یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم اند که در عالم..... به سر می برند. عقلانی- عقل
- ۱۶- آنان (فیلسوفان الهی) معتقدند که علم این قبیل موجودات (فرشتگان) از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست، بلکه این موجودات (فرشتگان) حقایق اشیاء را «.....» می کنند و به مفاهیم و استدلال نیازی ندارند. شهود- مفهومی
- ۱۷- این فیلسوفان (فیلسوفان الهی) معتقدند که روح هر انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از وجود را دارد و روح او می تواند در مرتبه عالم قرار بگیرد و حقایق را از طریق به دست آورد. عقل- شهود
- ۱۸- (فیلسوفان الهی معتقدند) او (انسان) می تواند با به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد شود و در عین استفاده از قوه استدلال، همچون بسیاری از حقایق را نیز شهود نماید. تهذیب نفس- فرشتگان
- ۱۹- (فیلسوفان الهی معتقدند) او (انسان) می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از و مجرد شود و در عین استفاده از قوه استدلال، همچون فرشتگان بسیاری از حقایق را نیز نماید. ماده و جسم- شهود
- ۲۰- هراکلیتوس که از فیلسوفان پیش از سقراط است، از حقیقتی به نام «.....» سخن می گوید که هم به معنای یک وجود و متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و لوگوس- کلمه
- ۲۱- هراکلیتوس که از فیلسوفان پیش از سقراط است، از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می گوید که هم به معنای یک وجود و است و هم به معنای سخن و کلمه وجود متعالی- نطق
- ۲۲- از نظر او (هراکلیتوس) «کلمه» و «سخن» ظهور و پرتو و برتر می باشد. عقل متعالی
- ۲۳- همان طور که سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه های انسان است و آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می کند و به دیگران می رساند..... و نیز ظهور آن وجود و آن حقیقت متعالی و برتر است. جهان- اشیاء
- ۲۴- همان طور که سخن و کلمه بیانگر افکار و اندیشه های انسان است و آنچه را که انسان در ذهن دارد، با کلام ظاهر می کند و به دیگران می رساند جهان و اشیاء نیز ظهور آن وجود و آن است. حقیقت متعالی و برتر
- ۲۵- ارسطو به عقل به عنوان قوه..... انسان، توجه ویژه ای داشت. استدلال
- ۲۶- ارسطو، به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای کرد و توضیح داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل..... و عقل..... تقسیم می شود. نظری- عملی
- ۲۷- ارسطو، به عقل به عنوان انسان، توجه ویژه ای کرد و توضیح داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد، به عقل..... و عقل..... تقسیم می شود. قوه استدلال- کاری
- ۲۸- عقل، از آن جهت که درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا، کهکشانش عقل نامیده می شود. ودانشی که از این جهت به دست می آید، «.....» نام دارد. نظری- علم نظری
- ۲۹- عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختباری انسان و پابدها و نپایداهای او، مانند باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوید، بحث می کند، عقل..... نامیده می شود و دانشی که از این جهت به دست می آید «.....» نام دارد. عملی- علم عملی
- ۳۰- او (ارسطو) انواع استدلال ها را در بخش آثار خود تدوین کرد، استدلال تجربی را از استدلال..... جدا نمود و کاربرد هر کدام را روشن ساخت. منطقی- عقلی محض
- ۳۱- او (ارسطو) انواع استدلال ها را در بخش منطق آثار خود تدوین کرد، استدلال را از استدلال..... جدا نمود و کاربرد هر کدام را روشن ساخت. تجربی- عقلی محض

- ۳۲- ارسطو انسان را «حیوان ناطق» نامید و توضیح داد که «.....» ویژگی ذاتی انسان است و همین ویژگی او را از سایر متمایز می کند.
ناطق - حیوان ها
- ۳۳- ارسطو انسان را «.....» نامید و توضیح داد که «ناطق» ویژگی انسان است و همین ویژگی او را از سایر حیوان ها متمایز می کند. حیوان ناطق - ذاتی
- ۳۴- مقصود وی (اسطو) از نطق، همان قوه انسان بود. ارسطو عقل را انسان می دانست. تعقل و تفکر - ذاتی
- ۳۵- عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از رنسانس تاکنون، تحولات و تطوراتی را از سر گذرانده که به طور عمده مربوط به حدود آن است. حدود
- ۳۶- عقل در دوره جدید اروپا، یعنی از تاکنون، تحولات و تطوراتی را از سر گذرانده که به طور عمده مربوط به حدود آن است. توانایی های رنسانس
- ۳۷- درابتدای رنسانس که تحولات اجتماعی و فکری معمولاً در تقابل با حاکمیت کلیسا رقم می خورد، جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و تلقی شد. عقل - عقاید
- ۳۸- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا ۱۰۰۰ حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل می دانستند. تضعیف ایمان
- ۳۹- برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری می پنداشتند و در برابر عقلی می ایستادند. شیطانی - استدلال های
- ۴۰- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا بزرگان کلیسا عقل را امری می پنداشتند. شیطانی
- ۴۱- بزرگان کلیسا می گفتند ایمان قوی از آن کسی است که چون و چراهای بایستد و در خود استوار بماند. عقل - ایمان
- ۴۲- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های و و سایر فیلسوفان مسلمان که به زبان های اروپایی ترجمه شده بود، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند. ابن سینا - ابن رشد
- ۴۳- در این دوره (دوره رنسانس) جای دین را گرفت. و دین مسیحیت را به گوشه ای از زندگی اروپاییان برد و در قرار داد. عقل - حاشیه
- ۴۴- در همان ابتدای دوره رنسانس، اختلافی میان فلاسفه درباره کارآمدی عقل آغاز شد و به تدریج رشد کرد. این اختلاف تا آنجا پیش رفت که فیلسوفان اروپا به دودسته «.....» و «.....» تقسیم شدند. عقل گرا - تجربه گرا
- ۴۵- در همان ابتدای دوره رنسانس، اختلافی میان فلاسفه درباره کارآمدی عقل آغاز شد و به تدریج رشد کرد. این اختلاف تا آنجا پیش رفت که فیلسوفان اروپا به دودسته «عقل گرا» و «تجربه گرا» تقسیم شدند. کارآمدی عقل
- ۴۶- «فرانسویس بیکن» که روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست، از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ماساخته اند، دست بردارند و بیش از گذشته بر تکیه کنند. تجربی - تجربه
- ۴۷- دیوید هیوم، فیلسوف قرن هجدهم انگلستان، راتنها را رسیدن انسان به دانش و معرفت و کاملاً از جداشد. تجربه - عقل گرایان
- ۴۸- دیوید هیوم، فیلسوف قرن هجدهم انگلستان، تجربه راتنها را رسیدن انسان به دانست و کاملاً از عقل گرایان جداشد. دانش و معرفت
- ۴۹- دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند عقلی، استدلال و نیز تجربه توجه داشت. بدیهیات - عقلی محض
- ۵۰- او (دکارت) معتقد بود که عقل می تواند وجود و و غیر مادی انسان و اختیار او را اثبات کند. خدا - نفس مجرد
- ۵۱- او (دکارت) معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیر و او را اثبات کند. مادی - اختیار
- ۵۲- البته او (دکارت) دیگر به عالم عقل به عنوان یک عالم و در جهان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می آورد که می تواند ابزار شناخت انسان قرار بگیرد. برتر - متعالی
- ۵۳- اگوست کنت، فیلسوف تجربه گرایی قرن نوزدهم، به طور کلی عقل و کار عقل در تاسیس را کاملاً ذهنی خواند. فلسفی - فلسفه
- ۵۴- اگوست کنت، فیلسوف تجربه گرایی قرن نوزدهم، به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تاسیس فلسفه را کاملاً خواند. ذهنی

۵۵- (اگوست کنت) گفت که نگاه فیلسوفان به جهان هستی، ناظر بر.....نبوده بلکه ساختهآنان و حاصل تاملات ذهنی آنان بوده است. واقعیت - ذهن

۵۶- (اگوست کنت) گفت که نگاه فیلسوفان به جهان هستی، ناظر بر واقعیت نبوده بلکه ساختهآنان و حاصل تاملات آنان بوده است. ذهن - ذهنی

۵۷- از نظر او (اگوست کنت) عقل صرفاً آنگاه که با روشو.....وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به «علم» می رسد. تجربی - حسی

۵۸- از نظر او (اگوست کنت) عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می شود، بهدست می یابد و به «.....» می رسد. واقعیت - علم

۵۹- از نظر کنت عقل فقط از طریق علم.....می تواند به شناخت واقعیت نائل شود. تجربی

۶۰- از نظر کنت عقل فقط از طریق علم تجربی می تواند به شناختنائل شود. واقعیت

۶۱- امروزه عقل در اروپا، به عقلتقلیل پیدا کرد و رد و اثبات منطقی و عقلی به حوزهمحدود شده است. تجربی - ریاضیات.

سوالات نهایی

۱- از نظر هراکلیتوس، «.....» هم به معنای عقل به عنوان حقیقتی متعالی و برتر است و هم به معنای نطق

وسخن (خرداد ۱۴۰۰) لوگوس

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید

۶۲- مفهوم دین ما را به یاد شهود می اندازد. غلط

۶۳- مفهوم عرفان عقلانیت را تداعی می کند. غلط

۶۴- معمولاً از فیلسوفان، به عنوان مهم ترین مدافعان عقل یاد می کنند. صحیح

۶۵- فیلسوفان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل نمی دانند و معتقدند که منظور ارسطو از ناطق همان، عقل نیست. غلط

۶۶- تاریخ فلسفه با تاریخ عقل پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده عقل، با تحولات فلسفه گره خورده است. صحیح

۶۷- عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال، همان کاربرد رایج بین مردم هست. صحیح

۶۸- انسان به کمک ابزار عقل استدلال می کند و به دانش ها و حقایق دست می یابد. صحیح

۶۹- انسان با عقل خود استدلال می کند و می تواند دریابد که چه چیزهایی هست و چه چیزهایی نیست. صحیح

۷۰- انسان نمی تواند با ابزار عقل بداند کدام دین و مکتب سعادت بخش و کدام دین و مکتب گمراه کننده می باشد. غلط

۷۱- از نظر فیلسوفان، عقل یک توانمندی فوق العاده است. در ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد که با ید تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت برسد صحیح

۷۲- حتی اگر «تربیت عقلانی» به خوبی صورت نگیرد، عقل به توانایی های لازم می رسد و نمی تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد. غلط

۷۳- همه انسانها نمی توانند با تربیت و تمرین به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند چون توانایی افراد در تعقل و استدلال متفاوت است. غلط

۷۴- اگر انسان بخواهد سخن درست و حق را از سخن نادرست و باطل تشخیص دهد در مرتبه اول باید عقل خود را تقویت کند. صحیح

۷۵- از آنجا که فلسفه با استدلال های تجربی سر و کار دارد، استفاده از عقل در این دانش از سایر دانش ها بیشتر نیست. غلط

۷۶- کاربرد عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده در فلسفه برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید زمان و مکان نیستند. صحیح

۷۷- موجودات مجرد در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز دارند. غلط

۷۸- در مواردی از خدا به عنوان «عقل کل» یاد شده است. صحیح

۷۹- بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم دیگری وجود دارند و با حواس ظاهری می توان آنها را درک کرد. غلط

- ۸۰- بسیاری از فلاسفه اعتقاد دارند که علاوه بر عالم طبیعت ، عوالم دیگری وجود دارند که با حواس ظاهری قابل درک نیستند یکی از این عوالم «عالم عقل» می باشد. صحیح
- ۸۱- فیلسوفان الهی می گویند بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی ، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده ، همین موجودات عقلانی ؛ یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم اند. صحیح
- ۸۲- فیلسوفان معتقدند که علم موجودات مجرد از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیاء را «شهود» می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند. صحیح
- ۸۳- فیلسوفان الهی معتقدند که روح انسان حتی با تهذیب نفس هم نمی تواند به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد شود. غلط
- ۸۴- هراکلیتوس از حقیقتی به نام «لوگوس» سخن می گوید که هم به معنای یک وجود و حقیقت متعالی است مهم به معنای نطق و سخن و کلمه صحیح
- ۸۵- هراکلیتوس که از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته به هر دوی کاربرد عقل توجه نداشته است. غلط
- ۸۶- از نظر هراکلیتوس «کلمه» و «سخن» ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر نیست. غلط
- ۸۷- جهان و اشیا ظهور آن وجود و آن حقیقت برتر (عقل) هستند. صحیح
- ۸۸- ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای نکرد. غلط
- ۸۹- ارسطو توضیح داد که قوه عقل بر اساس کاری که انجام می دهد ، به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود. صحیح
- ۹۰- ارسطو می گوید که دانش بشری بر اساس عقل نظری و عملی بر دو قسم علم نظری و عملی تقسیم می شود. صحیح
- ۹۱- عقل از آن جهت که درباره اشیا و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند «عقل عملی» نام دارد. غلط
- ۹۲- عقل اگر درباره خدا، کهکشانش و درجه حرارت آب، بحث کند عقل عملی نام دارد. غلط
- ۹۳- عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید ها و نبایدهای او، بحث می کند ، عقل نظری نامیده می شود. غلط
- ۹۴- عقل اگر درباره این رفتارهای انسان ، مانند: باید راست بگوید، باید قانون را رعایت کند و نباید دروغ بگوید و نباید ظالم باشد، بحث کند ، عقل عملی نامیده می شود. صحیح
- ۹۵- ارسطو انواع استدلال ها را در بخش فلسفه خود تدوین کرد و استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا نمود. غلط
- ۹۶- افلاطون انسان را « حیوان ناطق» نامید و توضیح داد که «نطق» ویژگی ذاتی انسان است. غلط
- ۹۷- مقصود ارسطو از نطق، همان قوه تعقل و تفکر انسان بود. صحیح
- ۹۸- افلاطون عقل را ذاتی انسان می دانست بدین ترتیب او تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد. غلط
- ۹۹- ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست و تدین ترتیب تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد. صحیح
- ۱۰۰- عقل در دوره رنسانس تحولات و تطوراتی را از سر گذرانده که به طور عمده مربوط به حدود توانایی های آن است. صحیح
- ۱۰۱- در ابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا نکرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی نمی شد. غلط
- ۱۰۲- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری الهی می دانستند. غلط
- ۱۰۳- در دوره اول حاکمیت کلیسا (حدود قرن سوم تا نهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تقویت ایمان می دانستند. غلط
- ۱۰۴- در دوره اول حاکمیت کلیسا، می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند. صحیح
- ۱۰۵- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان و حکمای مسیحی به عقل و تبیین عقلانی و مسائل دینی روی آوردند. صحیح
- ۱۰۶- در دوره دوم حاکمیت کلیسا ، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان که به زبان های اروپایی ترجمه شده ، قرار گرفتند. صحیح
- ۱۰۷- در دوره رنسانس دین جای عقل را گرفت و عقل را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند. غلط
- ۱۰۸- در ابتدای دوره رنسانس ، اختلافی میان فلاسفه درباره محدوده کارآمدی عقل بوجود نیامد. غلط

- ۱۰۹- اختلافی که در ابتدای دوره رنسانس میان فلاسفه درباره کارآمدی عقل، تا آنجا پیش رفت که آنها را به دو دسته تجربه گرا و عقل گرا تقسیم کرد. صحیح
- ۱۱۰- فرانسیس بیکن روش عقلی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست. غلط
- ۱۱۱- بیکن از فیلسوفان خواست فقط آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند. صحیح
- ۱۱۲- دیوید هیوم تجربه را تنها راه رسیدن انسان به دانش و معرفت نمی دانست و کاملاً از تجربه گرایان جدا شد. غلط
- ۱۱۳- دکارت که با ریاضیات به خوبی آشنا بود، به همه توانایی های عقل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. صحیح
- ۱۱۴- دکارت معتقد بود که عقل نمی تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. غلط
- ۱۱۵- دکارت به عالم عقل به عنوان یک عالم برتر و متعالی درجهان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می آورد که می تواند ابزار شناخت انسان قرار بگیرد. صحیح
- ۱۱۶- اوگوست کنت به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی نمی دانست. غلط
- ۱۱۷- از نظر کنت نگاه فیلسوفان به جهان و هستی، ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی آنان بوده است. صحیح
- ۱۱۸- از نظر دکارت، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی وحسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به «علم» می رسد. صحیح
- ۱۱۹- از نظر کنت فقط از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود. صحیح
- ۱۲۰- دیدگاه کنت (شناخت واقعیت فقط از طریق علم تجربی) به تدریج در میان فیلسوفان اروپایی گسترش یافت و توانایی عقل محدود به امور تجربی وحسی گردید. صحیح

سوالات نهایی

- ۱- از نظر هراکلیتوس، اشیای عالم همان کلمات عقل هستند که حقیقت برتر است. (دی ۹۹) درست
- ۲- فلاسفه الهی توانایی بشر در ساختن مفاهیم کلی را بر تویی از عقل مجرد می دانند. (دی ۹۸)
- ۳- هراکلیتوس معتقد به حقیقتی به نام لوگوس بود که به معنای عقل و نطق می باشد. (دی ۹۸) درست
- ۴- یکی از کاربردهای عقل در فلسفه، همان توانمندی است که به کمک آن استدلال می کنیم. (شهریور ۱۴۰۰) درست
- ۵- فیلسوفان و حکمای دوره دوم حاکمیت کلیسا، عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. شهریور ۴۰۲ غلط
- ۶- عقل به عنوان ابزار شناخت، در ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد که باید با تربیت و تمرین به فعلیت برسد. خرداد ۴۰۲ صحیح

گزینه درست را انتخاب کنید.

- ۷- امروزه عقل در اروپا، به عقل تقلیل پیدا کرده است. خرداد ۴۰۲ تجربی

سوالات کوتاه پاسخ

- ۱۲۱- به ترتیب دین، عرفان، فلسفه تداعی کننده چیست؟ ایمان، شهود و عشق، عقل و عقلانیت
- ۱۲۲- معمولاً از فلاسفه به عنوان مدافعان چه چیزی یاد می کنند؟ عقل
- ۱۲۳- فلاسفه معتقدند که منظور ارسطو از ناطق، وقتی که انسان را «حیوان ناطق» نامید، چیست؟ عاقل
- ۱۲۴- فلاسفه وجه تمایز انسان از حیوان را چه چیز می دانند؟ عقل
- ۱۲۵- الف) تاریخ فلسفه با چه تاریخی پیوند ناگسستنی دارد؟ ب) چه تحولاتی با تحولات فلسفه گره خورده است؟ الف) تاریخ عقل ب) تحولات معنا و محدوده عقل
- ۱۲۶- الف) از نظر فیلسوفان، توانمندی عقل در کودک به چه صورت است؟ ب) چگونه به فعلیت می رسد و تقویت می شود؟ الف) استعداد ب) تمرین و تربیت

- ۱۲۷- یکی از عوالمی که با حواس ظاهری نمی توان آن را درک کرد چیست؟ عالم عقل
- ۱۲۸- از نظر فیلسوفان الهی بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است چه نوع موجوداتی هستند؟ موجودات عقلانی
- ۱۲۹- موجودات عقلانی چگونه موجوداتی هستند؟ موجودات مجرد از ماده و جسم اند
- ۱۳۰- از نظر فیلسوفان الهی علم عقول (فرشتگان) چگونه است؟ حقایق را شهود می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند
- ۱۳۱- از نظر فیلسوفان الهی روح انسان چگونه می تواند به مرتبه ای از وجود برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد شود و در عین حال از قوه استدلال برخوردار باشد؟ با تهذیب نفس
- ۱۳۲- در میان فیلسوفان یونان باستان، کدامیک از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته، و لوگوس به چه معناست؟ هراکلیتوس- هم به معنای عقل و هم به معنای منطق
- ۱۳۳- مقصود هراکلیتوس از لوگوس چیست؟ مقصود همان «عقل» و «نطق» است.
- ۱۳۴- هراکلیتوس به کدام معنای لوگوس توجه داشته، و کلمه و سخن نزد وی ظهور و پرتو چیست؟ به هر دو معنا (عقل و نطق) ظهور عقل محسوب می شوند.
- ۱۳۵- عقل نزد هراکلیتوس، چگونه حقیقتی است؟ همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند، هم کلمات و سخن.
- ۱۳۶- کدام فیلسوف یونانی به عقل به عنوان قوه استدلال انسان، توجه ویژه ای داشت؟ ارسطو
- ۱۳۷- از نظر ارسطو قوه عقل انسان بر اساس کاری که انجام می دهد به چند دسته تقسیم می شود؟ دو دسته عقل نظری و عملی
- ۱۳۸- از نظر ارسطو قوه عقل بر چه اساسی به عقل نظری و عملی تقسیم می شود؟ بر اساس کاری که انجام می دهد.
- ۱۳۹- علم نزد ارسطو دو قسم است؟ آن دو کدامند؟ علم نظری و علم عملی
- ۱۴۰- کدام فیلسوف در بخش منطق ضمن تدوین انواع استدلال ها، استدلال تجربی را از عقلی محض جدا کرد؟ ارسطو
- ۱۴۱- ارسطو انواع استدلال را در کدام بخش از آثار خود تدوین کرده است؟ در بخش منطق
- ۱۴۲- مقصود ارسطو از نطق در تعریف انسان، حیوانی است ناطق، چه بود؟ مقصود از نطق همان تفکر و تعقل بود.
- ۱۴۳- کدام فیلسوف یونانی عقل را ذاتی انسان می دانست؟ ارسطو
- ۱۴۴- کدام فیلسوف یونان باستان، تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد؟ و چگونه؟ ارسطو- انسان را ناطق (متفکر) تعریف کرد و عقل را ذاتی انسان دانست.
- ۱۴۵- تحولات و تطوراتی را که عقل در دوره جدید اروپا، از سر گذرانده عمدتاً مربوط به کدام حیطه و قلمرو عقل است؟ مربوط به حدود توانایی های عقل است.
- ۱۴۶- در ابتدای رنسانس عقل چگونه جایگاهی داشت؟ جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.
- ۱۴۷- در چه دوره ای از حاکمیت مسیحیت در اروپا عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند؟ دوره اول
- ۱۴۸- در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا بزرگان کلیسا چه چیزی را عامل تضعیف ایمان می دانستند؟ دخالت و چون و چرا کردن عقل را اعمال تضعیف ایمان می دانستند.
- ۱۴۹- در دوره اول حاکمیت مسیحیت چه کسانی عقل را امری شیطانی می پنداشتند، و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند؟ برخی بزرگان کلیسا
- ۱۵۰- از نظر برخی بزرگان کلیسا (در دوره اول حاکمیت کلیسا)، ایمان قوی را از آن چه کسی می دانستند؟ کسی که در برابر شبهه های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.
- ۱۵۱- در کدام دوره حاکمیت مسیحیت، بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می دانستند؟ دوره اول
- ۱۵۲- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های کدام فلاسفه مسلمان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند؟ ابن سینا و ابن رشد

۱۵۳- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، مطالعه کتب ابن سینا و ابن رشد، چه تأثیری بر فیلسوفان و حکمای مسیحی گذاشت؟ به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.

۱۵۴- در کدام دوره، دین در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه رانده شد و چه چیزی جای آن را گرفت؟ دوره رنسانس- عقل

۱۵۵- اختلاف میان فیلسوفان در ابتدای توجه به عقل در اروپا، فیلسوفان اروپا به دو دسته تقسیم کرد؟ آن دو کدامند؟ به دودسته عقل گر و تجربه گرا تقسیم شدند.

۱۵۶- کدام فیلسوف اروپایی روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست؟ فرانسیس بیکن

۱۵۷- خواسته فرانسیس بیکن که روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست، از فیلسوفان چه بود؟ از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

۱۵۸- دیوید هیوم تنها راه رسیدن انسان به دانش و معرفت را چه چیزی می دانست؟ و از کدام دسته از فیلسوفان جدا شد؟ راه تجربه - عقل گرایان

۱۵۹- کدام فیلسوف ضمن آشنایی ریاضیات به همه توانایی های عقل و تجربه توجه داشت؟ دکارت

۱۶۰- برای توانایی های عقل دومورد امثال بزنید؟ داشتن بدیهیات عقلی- استدلال های عقلی محض

۱۶۱- به اعتقاد دکارت، عقل با استدلال چه چیزهایی را می تواند اثبات کند؟ وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او

۱۶۲- از نظر اوگوست کنت، عقل چه هنگام وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد؟ صرفاً آنگاه که باروش تجربی وحسی وارد عمل می شود.

۱۶۳- از نظر کنت عقل فقط از چه طریق می تواند به شناخت واقعیت نائل شود؟ فقط از طریق علم تجربی

۱۶۴- گسترش دیدگاه کنت درباره عقل در میان فیلسوفان اروپایی چه تأثیری داشت؟ توانایی عقل محدود به امور تجربی وحسی گردید اثبات اموری مانند ماوراء الطبیعه و حقیقت روحی و معنوی انسان و جهان ناممکن شمرده شد.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید:

۱- دو کاربرد عقل را بنویسید. دو کارکرد عقل در فلسفه را بنویسید. (شهریور دی ۹۹)

عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال- عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر از ماده

۲- حدود قرون سوم تا نهم میلادی کدام گروه عقل را امری شیطانی می دانستند. (دی ۹۹) بزرگان کلیسا

۳- ارسطو عقل را بر چه اساسی به نظری و عملی تقسیم نموده است؟ (دی ۹۹) براساس کاری که عقل انجام می دهد.

۴- ارسطو بر چه مبنایی عقل را به نظری و عملی تقسیم می کند؟ خرداد ۱۴۰۰ براساس کاری که عقل انجام می دهد.

۵- ارسطو براساس تقسیم عقل، علم و دانش را به دودسته تقسیم می کند، آن ها را نام ببرید؟ (شهریور ۹۹) علم نظری و علم عملی

۶- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، حکمای مسیحی تحت تأثیر کدام عامل، به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند؟ (شهریور ۱۴۰۰) تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان

۷- تعیین کنید فلاسفه زیر «عقل گرا» هستند یا «تجربه گرا»؟ الف) اوگوست کنت ب) فرانسیس بیکن خرداد ۱۴۰۱
الف) تجربه گرا ب) تجربه گرا

۸- کدام فیلسوف یونان باستان از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته است؟ معنای آن را در نزد وی شرح دهید؟

۹- هر یک از گزاره های زیر، حاصل کدام فعالیت عقل است؟ (عقل نظری، عقل عملی) خرداد ۴۰۲

الف) انسان باید به حقوق دیگران احترام بگذارد عقل عملی ب) هر جسمی دارای سه بعد است. عقل نظری

۱۰- دو معنا و کاربرد عقل از نظر فلاسفه را نام ببرید؟ شهریور ۴۰۲

۱) عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال ۲) عقل به عنوان موجودی متعالی و برتر از ماده

۱۱- هر یک از گزاره های زیر بیانگر علم نظری است یا علم عملی؟ شهریور ۴۰۲

الف) نسبت به یکدیگر مهربان باشیم علم عملی (ب) همه فلزات رسانا هستند علم نظری (ج) نباید عهد و پیمان خود را بشکنیم. علم عملی

گزینه درست را انتخاب کنید:

۱- هریک از گزینه های زیر عقیده کدام شخصیت درباره عقل می باشد (ارسطو- بزرگان کلیسا) (دی ۹۸ و ۹۹)

الف) عقل ذاتی انسان است و همان نطق است. ارسطو

ب) عقل عامل تضعیف ایمان است. بزرگان کلیسا

۲- اولین فیلسوفی که عقل را به نظری و عملی تقسیم کرد که بود؟ ۱- ارسطو ۲- افلاطون ۱- ارسطو ۹۹ و ۹۸ هراکلیتوس

سوالات تشریحی

۱۶۵- عقل را به عنوان دستگاه تفکرواستدلال، از دیدگاه فیلسوفان تعریف کرده و کارکرد آن را بنویسید؟ عقل در این کاربرد که همان کاربرد رایج بین مردم هست، یکی ابزارهای شناخت انسان می باشد. انسان به کمک این ابزار استدلال می کنیم و به دانش ها و حقایق دست می یابد. کارکرد عقل: ۱) استدلال می کند ۲) حقایق (هست ها و نیست ها) را می شناسد. ۳) خوب و بد را تشخیص می دهد ۴) باید ها و نبایدها را مشخص می کند. ۵- می تواند بداند کدام دین و مکتب سعادت بخش و کدام دین و مکتب گمراه کننده می باشد.

۱۶۶- از نظر فیلسوفان عقل در کودک به چه صورت است و چگونه به فعلیت می رسد و کودک توانایی استدلال و تفکر را بدست می آورد؟ از نظر فیلسوفان، این توانمندی در کودک به صورت استعداد است؛ با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت می رسد.

۱۶۷- چرا توانمندی عقل در افراد مختلف، متفاوت است؟ و چگونه می توان به درجات خوبی از عقلانیت دست یافت؟ از نظر فیلسوفان، این ابزار که یک توانمندی فوق العاده است، در ابتدای کودکی به صورت یک استعداد وجود دارد که باید با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت برسد و کودک توانایی استدلال و تفکر را به دست آورد. لذا اگر « تربیت عقلانی » به خوبی صورت نگیرد، عقل به توانایی های لازم نمی رسد و نمی تواند به خوبی حق را از باطل و درست را از نادرست تشخیص دهد. برخی از انسان ها قدرت استدلال قوی تری دارند و برخی، قدرت استدلال آنها ضعیف تر است. اما همه می توانند با تربیت و تمرین به درجات خوبی از عقلانیت دست یابند.

۱۶۸- یکی از کاربردهای عقل در فلسفه برای کدام دسته موجودات است؟ برای موجوداتی است که از ماده و جسم مجردند و در قید مکان و زمان نیستند. این موجودات در افعال خود به ابزار مادی هم نیاز ندارند.

۱۶۹- از نظر فیلسوفان الهی علم عقول (فرشتگان) چگونه است ؟ توضیح دهید؟ آنان معتقدند که علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول (فرشتگان) حقایق اشیاء را « شهود » می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.

۱۷۰- به اعتقاد فیلسوفان الهی بسیاری از فرشتگان که در کتاب های آسمانی، از جمله قرآن کریم، از آنها یاد شده است کدام نوع موجودات هستند؟ موجودات عقلانی، یعنی موجودات مجرد از ماده و جسم اند که فیلسوفان با دلیل و برهان وجود آنها را اثبات می کنند.

۱۷۱- از نظر فیلسوفان الهی روح هوانسانی چگونه می تواند همچون عقول، بسیاری از حقایق را شهود کند؟ فیلسوفان الهی معتقدند که روح هر انسانی استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از وجود را دارد؛ او می تواند در مرتبه عقل قرار بگیرد و حقایق را از طریق شهود به دست آورد. او می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین استفاده از قوه استدلال، همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را نیز شهود نماید

۱۷۲- فیلسوفان معتقدند که « روح انسانی نیز استعداد رسیدن به چنین مرتبه ای از وجود را دارد » یعنی چه ؟ یعنی می تواند با تهذیب نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از ماده و جسم مجرد باشد و در عین استفاده از قوه استدلال، همچون فرشتگان، بسیاری از حقایق را نیز شهود نماید

۱۷۳- چگونه کلمه و سخن نزد هراکلیتوس ظهور و پرتو عقل اند هستند توضیح دهید؟ کلمه و سخن نزد او ظهور و پرتو عقل محسوب می شوند؛ یعنی عقل نزد این فیلسوف، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند و هم کلمات و سخن. بنابراین از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.

۱۷۴- عقل نزد هراکلیتوس ، چگونه حقیقتی است ؟ عقل نزد این فیلسوف ، همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند هم کلمات و سخن . بنابراین از نظر هراکلیتوس اشیاء عالم ، همان کلمات عقل و بیان علم و حکمت اویند.

۱۷۵- دیدگاه ارسطو را درباره عقل بنویسید؟ (ارسطو چگونه توانست تصویر روشن تری از عقل عرضه کند؟)

ارسطو به عقل به عنوان قوه استدلال انسان ، توجه ویژه ای داشت و توضیح می داد که قوه عقل براساس کاری که انجام می دهد به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می شود . ارسطو عقل را ذاتی انسان می دانست بدین ترتیب او تصویر روشن تری از عقل عرضه کرد.

۱۷۶- ارسطو انواع استدلال ها را در کدام بخش از آثار خود تدوین کرد و کدام نوع از استدلال ها را از هم جدا کرد؟ دربخش منطق – استدلال تجربی را از استدلال عقلی محض جدا کرد و کاربرد هر کدام را روشن ساخت.

۱۷۷- درابتدای رنسانس عقل چگونه جایگاهی پیدا کرد؟ درابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد.

۱۷۸- در دوره اول حاکمیت کلیسا ، درمورد عقل چه دیدگاهی حاکم بود؟

۱۷۹- (۱) عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. (۲) عقل را امری شیطانی می شمردند. (۳) دربرابراستدلال های عقلی ایستادگی می کردند. (۴) ایمان قوی را ایستادگی درمقابل شیعه عقل می دانستند.

۱۸۰- جایگاه عقل درابتدای رنسانس و در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا باهم مقایسه کنید؟ در ابتدای رنسانس عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی شد، درحالی که قبل از آن، به خصوص در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و دربرابر استدلال های عقلی می ایستادند.

۱۸۱- فیلسوفان در دوره دوم حاکمیت کلیسا دراروپا چه دیدگاهی درباره عقل داشتند؟ (در دوره دوم حاکمیت کلیسا، اندیشه های فیلسوفان مسیحی تحت تأثیر اندیشه های کدام فیلسوفان قرار گرفت و چه نتایجی به همراه داشت؟)

(۱) با مطالعه آثار ابن رشد و ابن سینا تغییر دیدگاه دادند

(۲) مسائل دینی را با عقل تبیین کردند.

(۳) حاکمیت عقل درمقابل دین (رویارویی دین و عقل)

۱۸۲- در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان و حکمای مسیحی به چه چیزی روی آوردند و چه عاملی منجر به حاکمیت دین شد؟ به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل درمقابل دین شد.

۱۸۳- روی آوردن فیلسوفان و حکمای مسیحی به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی چه نتیجه ای را به دنبال داشت؟ منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد؛ به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۸۴- ویژگی اصلی دو حاکمیت کلیسا درمورد تقابل عقل و دین چه بود؟ در این دوره فیلسوفان مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت منجر به حاکمیت عقل درمقابل دین شد و به تدریج، در دوره رنسانس عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان ها به حاشیه راند.

۱۸۵- فیلسوفان و حکمای مسیحی به چه دلیل به عقل و تبیین عقلانی دینی روی آوردند و چرا این مسأله منجر به حاکمیت عقل درمقابل دین شد؟ فیلسوفان و حکمای مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب های ابن رشد و ابن سینا و سایر فیلسوفان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما از آنجا که این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل درمقابل دین شد.

۱۸۶- عقل در اروپا ، رنسانس و پس از آن، چه جایگاهی داشت؟ (۱) عقل جایگزین دین شد (۲) دو گروه شدن فلاسفه به عقل گرا و تجربه گرا (۳) دین به حاشیه رانده شد.

۱۸۷-فرانسیس بیکن کدام روش را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست واز فیلسوفان دراین زمینه چه درخواستی کرد؟ روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست. از فیلسوفان خواست که از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می آید تکیه کنند.

۱۸۸-دیدگاه فرانسیس بیکن را درمورد عقل بنویسید؟(الف) فقط به تجربه تکیه کنید (ب) استدلال عقلی بدون تجربه فایده ندارد. (ج) عقل صرفاً قوه استدلال مبتنی بر حس و تجربه است.

۱۸۹-دیدگاه دکارت را درباره عقل بنویسید؟ به همه توانای های عقل ، مانند داشتن بدیهیات عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را، با استدلال اثبات کند. البته او دیگر به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و در انسان ، آن گونه که برخی فیلسوفان یونان و فلاسفه مسلمان اعتقاد داشتند، عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال می دانست.

(خلاصه دیدگاه) (۱) همه توانایی های عقل معتبراند. (۲) حوزه عقل: بدیهیات ، استدلال عقلی محض و تجربه (۳) می توان با عقل ، نفس مجرد ، اختیار و خدا را ثابت کرد. (۴) عقل حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان نیست. (۵) عقل صرفاً یک دستگاه منطقی استدلال است. ۱۹۰-اوگوست کنت چه دیدگاهی درباره عقل فلسفی داشت؟ به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تأسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند. ۱۹۱-از نظر اوگوست کنت نگاه فیلسوفان به جهان وهستی چگونه است؟ از نظر او نگاه فیلسوفان به جهان وهستی، ناظر برواقعیت نبوده بلکه برساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی آنان بوده است.

۱۹۲-از نظر کنت عقل چگونه به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد و می تواند به شناخت واقعیت نائل شود؟ از نظر او ، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی وحسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد بنابراین، از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۱۹۳-از دیدگاه کنت چرا فقط عقل از طریق تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود؟ از نظر او ، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی وحسی وارد عمل می شود، به واقعیت دست می یابد و به علم می رسد بنابراین، از نظر کنت فقط عقل از طریق علم تجربی می تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۱۹۴-دیدگاه اوگوست کنت را بصورت خلاصه بنویسید؟

(۱)دستگاه فلسفی ، ناظر برواقعیت ها نیست.

(۲)دستگاه فلسفی حاصل ذهن و تأملات ذهنی است.

(۳)عقل زمانی به واقعیت می رسد که با روش تجربی وحسی عمل کند.

(۴)حوزه عقل، علوم تجربی است.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید؟

۱- کدام فیلسوف یونان باستان از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته است؟ معنای آن را در نزد وی شرح دهید؟

خرداد ۹۹

هراکلیتوس- هم به معنای «عقل» به عنوان آن حقیقت متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه

۲- عقل نظری را از نظر ارسطو تعریف کنید؟ (دی ۹۹)

۳-«عقل نظری» و «عقل عملی» را از نظر ارسطو با ذکر مثال تعریف کنید.(شهریور ۱۴۰۰)

عقل از آن جهت که درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، مانند بحث درباره خدا و کهکشان، عقل نظری نام دارد.

عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او، مانند باید راست بگوید، نباید دروغ بگوید، بحث می کند، عقل عملی نام دارد.

۴- توجه فلاسفه مسیحی در دوره دوم کلیسا به تبیین مسائل دینی باروش عقلانی چه نتیجه مهمی بدنبال داشت؟
خردادودی ۹۹)

این توجه بامبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت، منجر به حاکمیت عقل درمقابل دین شد. در رنسانس سبب شد تا عقل جای دین را بگیرد و دین را درحاشیه قرار دهد.

۵- در دوره اول حاکمیت کلیسا دراروپا عقل چه جایگاهی داشت توضیح دهید؟ **(شهریور ۹۹)**
بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند. حتی برخی از بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند و می گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که دربرابر چون و چراهای عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

۶- دکارت «عقل» را به کدام معنا به کار می برد و حدود توانایی و جایگاه عقل نزد او چه میزان است؟ **(خرداد ۱۴۰۰)**
۷- نظر دکارت درمورد عقل و جایگاه آن را توضیح دهید. **دی ۱۴۰۰**

دکارت به همه توانایی های عقل، مانند بدیهیات عقلی، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت. او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد و غیرمادی انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او دیگر به عالم عقل به عنوان یک عالم برتر و متعالی درجهان، عقیده ای نداشت و عقل را صرفا همان دستگاه تفکر و استدلال به حساب می آورد که می تواند ابزار شناخت انسان قرار بگیرد.

۸- چهارمورد از ویژگی های موجودات عالم عقول از نظر فلاسفه الهی را بنویسید. **(خرداد ۱۴۰۰)**

۹- دو مورد از ویژگی های «موجودات عالم عقل» را از نظر فیلسوفان الهی بنویسید. **خرداد ۱۴۰۱**
درقید زمان و مکان نیستند- از ماده و جسم مجردند- درافعال خود به ایزامادی هم نیاز ندارند- با حواس ظاهری قابل درک نیستند. علم این قبیل موجودات، از طریق استدلال و کنارهم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه این موجودات حقایق اشیاء را «شهود» می کنند.

۱۰- از نظر اگوست کنت، اعتبار عقل فلسفی و جایگاه آن درتأسیس فلسفه چیست؟ **(شهریور ۱۴۰۰)**
اوگوست کنت، عقل فلسفی و کارکرد عقل را درتأسیس فلسفه کاملاً ذهنی خواند و گفت که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی ناظر برواقعیت نیست؛ بلکه ساخته ذهن آنان و حاصل تأملات ذهنی است.
۱۱- ارسطوقوه عقل را براساس کاری که عقل انجام می دهد به دوقسم تقسیم کرده است آنها را نام برده و تعریف کنید.

خرداد ۱۴۰۱

عقل از آن جهت که درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آنها بحث می کند، عقل نظری نام دارد.

عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او بحث می کند، عقل عملی نام دارد.

۱۲- جایگاه عقل را در دوره «اول» و «دوم» حاکمیت کلیسا و مسیحیت در اروپا، با یکدیگر مقایسه کنید. **خرداد ۴۰۲**
در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا، بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می دانستند حتی آن را امری شیطانی می پنداشتند و می گفتند ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد اما در دوره دوم حاکمیت کلیسا، حکمای مسیحی تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین مسائل عقلانی مسائل دینی روی آوردند که به تدریج به گسترش عقل گرایی و عقب نشینی اندیشه های دینی انجامید.

۱۳- نظر «فرانسیس بیکن» را درباره اعتبار حس و عقل توضیح دهید؟ **خرداد ۴۰۲**

بیکن روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست از فلاسفه می خواست از بت هایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته اند دست بردارند و بیش از گذشته بر تجربه تکیه کنند.

۱۴- نظریه دیوید هیوم و دکارت درباره جایگاه و اعتبار عقل را با هم مقایسه کنید. **شهریور ۴۰۲**
هیوم، تجربه را تنها راه رسیدن انسان به دانش و معرفت می دانست و کاملاً از عقل گرایان جدا شد.
دکارت به مه توانایی های عقل، مانند بدیهیات عقل، استدلال های عقلی محض و نیز تجربه توجه داشت.
او معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا، نفس مجرد و غیر مادی انسان و اختیار او را اثبات کند.

سؤالات درس هشتم (عقل در فلسفه - قسمت دوم)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- دوره تمدن اسلامی یک دوره طلایی در.....شمرده می شود. عقل گرایی
- ۲- ایران در عهد پیش از باستان یکی از کانون های اولیه بوده است و حکیمان قدیم ایران، مردم را به عقل و خرد دعوت می کردند.
عقل گرایی - خردورزی
- ۳- گزارش هایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه و سهروردی در کتاب حکمه الاشراق نشان دهنده آن است که حکیمان پیش از باستان و قدیم ایران هم از عقل به عنوان یک..... آگاه بوده اند. وجود برتر - متعالی
- ۴- حکیمان پیش از باستان و قدیم ایران هم از عقل به عنوان یک وجود برتر و متعالی آگاه بوده اند و..... نامیده اند و هم به عقل به عنوان دستگاه تفکر و تعقل و خردورزی اهمیت می داده اند. خدا - عقل
- ۵- در اندیشه آنان (حکیمان ایران پیش از باستان) آفریدگار، مجموعه جهان را با عقل و..... خود رهبری می کند و «خدا جهان را بر اساس..... می آفریند» خرد - خرد
- ۶- آنان (حکیمان پیش از باستان ایران) می گفتند که «.....» که نام خدای جهان آفرین است، با خرد و اندیشه جان ها و جهانیان و..... انسان ها را آفریده است. مزدا - خرد
- ۷- عقل گرایی و خردورزی که در ایران باستان شکل گرفته بود، به تدریج از قدرتش کاسته شد و در عصر..... و اواخر این عصر به..... گرایید. ساسانیان - ضعف
- ۸- عقل گرایی و خردورزی در اواخر عصر ساسانیان به ضعف گرایید، به طوری که مواردی از عقاید..... در فرهنگ و نظام آنان پدیدار شد. غیر عقلانی
- ۹- وقتی تاریخ تمدن اسلامی را مطالعه می کنیم، می بینیم که علوم..... و به خصوص..... در این تمدن، گسترش فراوان و رشد چشمگیری داشته است. عقلی - فلسفه
- ۱۰- یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام، و..... و عترت گرامی ایشان بود. قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم (ص)
- ۱۱- دعوت قرآن کریم و معصومین (ع) به تفکر و آموزه های..... و..... آنان سبب شد که عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورد و همواره از عقل به تجلیل یاد شود. عقلانی - خردمندانه
- ۱۲- عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورده و همواره از..... به تجلیل، یاد شده است. عقل
- ۱۳- این جایگاه ممتاز (عقل) سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی در حوزه های مختلف شد و عموم شاخه های دانش، از جمله و پیشرفت فوق العاده ای کردند. علم و دانش - فلسفه
- ۱۴- مخالفت برخی از جریان های فکری با عقل، ۱) تنگ کردن محدوده و..... عقل در عین پذیرش آن. اعتبار - کارآمدی
- ۱۵- مخالفت برخی از جریان های فکری با عقل، ۲) مخالفت با..... و..... تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی

- ۱۶- در شکل اول، (جریان مخالفت با عقل) این جریان ها می کوشیدند نشان دهند که برخی روش هایدر مسائل.....کاربردی ندارند. عقلی- دینی
- ۱۷- شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با.....ظهور کرد. فلسفه
- ۱۸- از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه ازوارد جهان اسلام شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و با عقایدسازگار نیست. یونان- اسلامی
- ۱۹- فلسفه دانش و شاخه ای از.....است که هرفردی از هرملت و نژاد می تواند وارد این شاخه از.....شود. معرفت- دانش
- ۲۰- دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحثدر باره.....اشیا است. استدلالی- حقیقت
- ۲۱- در دانش فلسفه بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است. اما این استفاده نیز باید با.....و.....سخنان آن فلاسفه باشد. نقد - بررسی
- ۲۲- در درستی و نادرستی یک دانش فقطاست که داوری می کند. استدلال
- ۲۳- فیلسوفان مسلمان ، عموماً هم درباره عقل ، به عنوان وجودی بر ترو.....در هستی سخن گفته اند و هم درباره عقل، به عنوان قوه استدلال و ابزار متعالی- شناخت
- ۲۴- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از فیلسوفان یونان مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از.....است ، اثبات کرده و نام آن مرتبه را عالمگذاشته اند. ماده- عقل
- ۲۵- از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا.....است که موجودی کاملاًو غیر مادی است. عقل اول- روحانی
- ۲۶- عقول دیگری نیز به ترتیب از.....به وجود آمده اند. عقل اول
- ۲۷- این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالمرا تشکیل می دهند. عقول
- ۲۸- این موجودات مجرد که فوق عالمو.....خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند. عقول طبیعت اند- فیض
- ۲۹- آنان می گویند (فیلسوفان مسلمان) عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد نیز پرتویی از هماناست. عالم عقول
- ۳۰- آنان می گویند (فیلسوفان مسلمان) عقل انسان پرتویی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند.....را آن گونه که آن موجودات درک و شهود می کنند،و شهود نماید حقایق- بیابد
- ۳۱- یکی از عقول عالم عقل، «.....» نام دارد ؛ این عقل ، عاملبه عقل انسان هاست. عقل فعال- فیض رسانی
- ۳۲- این عقل (عقل فعال) عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست ؛ یعنی تمامو.....انسان به مدد این عقل صورت می گیرد. ادراک ها- دانش های
- ۳۳- فارابی درباره نسبت عقل فعال با دستگاه ادراکی انسان می گوید: مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، ماننداست نسبت بهخورشید- چشم
- ۳۴- همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل.....نیز نخست چیزی به قوهادمی می رساند. فعال- عقلی
- ۳۵- آنان می گویند (فیلسوفان مسلمان) «ما فرزندان دلیل هستیم» و هر نظر و هر مکتب و آیینی را که دلایلداشته باشد می پذیریم. استوار عقلی
- ۳۶- ابن سینا می گوید: هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از.....خود خارج شده است. حقیقت انسانی
- ۳۷- فارابی و ابن سینا می گویند عقل در هنگام تولد به صورت یکاست که باید تربیت شود تا رشد کند. استعداد
- ۳۸- اولین مرحله ، عقلیا عقلنام دارد. بالقوه- هیولایی

- ۳۹- اولین مرحله، عقل بالقوه یا عقل هیولایی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ندارد اما استعداد و آمادگی درک را دارد. ادراک عقلی- معقولات
- ۴۰- دومین مرحله را عقل می گویند. بالملکه
- ۴۱- دومین مرحله را عقل بالملکه می گویند. در این مرحله، عقل و بدهی را درک می کند. مفاهیم - قضایای
- ۴۲- سومین مرحله، عقل نام دارد. بالفعل
- ۴۳- دومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شده و به رسیده و با تمرین و تکرار، دانش هایی را کسب کرده است. شکوفا- فعلیت
- ۴۴- دومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، را کسب کرده است. دانش هایی
- ۴۵- چهارمین مرحله عقل نام گرفته است. بالمستفاد
- ۴۶- چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است. زیرا در این مرحله انسان به طوری بر مسلط است که از هر که بخواهد می توان استفاده کند. دانش هایی
- ۴۷- (عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند) پذیرش هراعتقاد و آئینی نیازمند است. استدلال عقلی
- ۴۸- از نظر این فلاسفه (عموم فیلسوفان مسلمان) ایمانی ارزشمند است که که پشتوانه داشته باشد. عقلی
- ۴۹- فیلسوفان مسلمان باینکه اساس پذیرش هراعتقاد و آئینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه و را هم معتبر می شمارند. حس- شهود
- ۵۰- فیلسوفان مسلمان باینکه اساس پذیرش هراعتقاد و آئینی را می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می شمارند. استدلال عقلی - عقل
- ۵۱- آنان (فیلسوفان مسلمان) وحی را عالی ترین مرتبه محسوب می کنند و می گویند که این مرتبه به پیامبران الهی اختصاص دارد. شهود - شهود
- ۵۲- آنان (فیلسوفان مسلمان) وحی را عالی ترین مرتبه شهود محسوب می کنند و می گویند که این مرتبه شهود به اختصاص دارد پیامبران الهی
- ۵۳- آنان (فیلسوفان مسلمان) معتقدند که انبیای الهی از این طریق (وحی) به و دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند. دانش ها- معارف
- ۵۴- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، و هر سه ما را به حقیقت واحد می رسانند. شهود- وحی
- ۵۵- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به می رسانند و تایید کننده و کمک کننده به یکدیگر هستند. حقیقت واحد
- ۵۶- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت واحد می رسانند و به یکدیگر هستند. تایید کننده - کمک کننده
- ۵۷- البته ما انسان ها چون توانمندی های عقلی و داریم ممکن است در استدلال عقلی و یافهم وحی دچار اشتباه شویم و به نتیجه های نادرست برسیم. محدود- متفاوتی

سوالات نهایی

- ۱- فیلسوفان مسلمان عالی ترین مرتبه شهود را می دانند (دی ۹۹) وحی
- ۲- برخی جریان های مخالف عقل در جهان اسلام، معتقد بودند که استفاده از روش های عقلی در مسائل کاربردی ندارد. (شهریور ۱۴۰۰) دینی

۳- از نظر فلاسفه مسلمان «استدلال عقلی»، «شهود» و «.....» هر سه ما را به حقیقت واحد می‌رسانند. **دی ۱۴۰۰ وحی**

۴- از نظر فارابی وابن سینا، اولین مخلوق خداوند نام دارد. **خرداد ۱۴۰۱ عقل اول**

۵- مرحله ای را که در آن، عقل هیچ ادراک عقلی ندارد؛ اما استعداد درک معقولات را دارد، عقل..می نامند. **دی ۱۴۰۰ عقل هیولایی**

۶- حکمای ایران باستان معتقد بودند که..... همان خداوند است و با..... خود جهانیان را آفریده است **(دی ۹۹) مزد- خرد**
فیلسوفان الهی معتقدند که عقول (فرشتگان) حقایق اشیاء را از طریق..... درک می کنند. **(خرداد ۹۹) شهود**

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید

۵۸- دوره تمدن اسلامی یک دوره طلایی در عقل گرایی شمرده می شود. صحیح

۵۹- سرزمین ما ایران، در عهد پیش از باستان یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خردورزی محسوب نمی شود. غلط

۶۰- حکیمان قدیم ایران، مردم را عقل و خرد دعوت نمی کردند بلکه تجربه گرا بودند. غلط

۶۱- گزارش های مانند فردوسی و سهروردی در کتاب حکمه الاشراق نشان دهنده آن است که حکیمان پیش از باستان و قدیم ایران هم از عقل به عنوان یک وجود برتر و متعالی آگاه بودند. صحیح

۶۲- حکیمان پیش از باستان و قدیم ایران خدا را عقل می نامیدند. صحیح

۶۳- در اندیشه حکیمان پیش از باستان، آفریدگار، مجموعه جهان را با عقل و خرد خود رهبری می کند. صحیح

۶۴- حکیمان پیش از باستان ایران، می گفتند که مزد نام یکی از پیامبران است که امت خود را با خرد رهبری می کرده است. غلط

۶۵- عقل گرایی و خرد ورزی شکل گرفته در ایران قدیم در اواخر عصر صفویان ضعیف شد. غلط

۶۶- در اواخر عصر ساسانیان مواردی از عقاید غیر عقلانی در فرهنگ و نظام اجتماعی آنان پدیدار شد. صحیح

۶۷- وقتی تاریخ تمدن اسلامی را مطالعه می کنیم، می بینیم که علوم عقلی و به خصوص فلسفه در این تمدن، گسترش آن چنانی نداشته است. غلط

۶۸- در این دوره (تمدن اسلامی) فیلسوفانی رامشاهده می کنیم که شهرت جهانی ندارند و در طراز چند فیلسوف اول تاریخ قرار نمی گیرند. غلط

۶۹- یکی از زمنه ها و عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام، قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم(ص) و عترت گرامی ایشان است. صحیح

۷۰- عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست نیاورد و همواره از عقل به تجلیل یاد نشده است. غلط

۷۱- تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن؛ یکی از اشکال عمده جریانات فکری مخالفت با عقل است. صحیح

۷۲- مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی کی از اشکال عمده جریانات فکری مخالفت با عقل است. صحیح

۷۳- در شکل اول، جریان مخالفت با عقل، می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربرد دارد. غلط

۷۴- شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با استدلال عقلی ظهور کرد. غلط

۷۵- از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی است که با عقاید اسلامی سازگاری باشد. غلط

۷۶- فلاسفه می گویند، در دانش فلسفه بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است. صحیح

۷۷- در درستی و نادرستی یک دانش فقط استدلال است که داوری می کند نه یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن صحیح

۷۸- فیلسوفان مسلمان، عموماً عقل را به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی می دانند. صحیح

۷۹- فیلسوفان مسلمان، به عقل به عنوان قوه استدلال و شناخت نظری ندارند. غلط

۸۰- فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از فیلسوفان یونان مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات نکرده اند. غلط

- ۸۱- فیلسوفان مسلمان مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است، اثبات کرده و نام آن مرتبه را عالم عقول گذاشته اند. صحیح
- ۸۲- از نظر فارابی وابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیر مادی است. صحیح
- ۸۳- عقول دیگر به ترتیب از عقل اول به وجود نیامده اند. غلط
- ۸۴- فیض خداوند از طریق عقول به عوالم دیگر می رسد و آنها عالم عقول را تشکیل می دهند. صحیح
- ۸۵- فیلسوفان مسلمان می گویند که عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد پرتویی از همان عالم عقول است. صحیح
- ۸۶- فیلسوفان مسلمان معتقدند که حتی اگر عقل انسان تربیت شود و رشد کند نمی تواند حقایق را آن گونه که موجودات مجرد درک و شهود می کنند بیاید و شهود کند. غلط
- ۸۷- یکی از عقول عالم عقل، «عقل فعال» نام دارد. صحیح
- ۸۸- «عقل فعال» عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست. صحیح
- ۸۹- عقل فعال عامل فیض رسانی به عقل انسانهاست یعنی؛ تمام ادراک ها و دانش های انسان به مدد این عقل صورت می گیرد. صحیح
- ۹۰- فارابی نسبت عقل فعال را به انسان مانند آفتاب به چشم تشبیه کرده است. صحیح
- ۹۱- عقل فعال به قوه عقلی آدمی چیزی می رساند طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق می رسد. صحیح
- ۹۲- فارابی می گوید «هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خود خارج شده است» غلط
- ۹۳- فارابی وابن سینا می گویند: عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد نیست و مانند جسم نیست تا مرحله راطی کند و کامل شود. غلط
- ۹۴- اولین مرحله عقل بالملکه نام دارد. غلط
- ۹۵- آن هنگامی که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد دارای عقل بالقوه یا هیولایی است. صحیح
- ۹۶- مثال نوزادی که تازه متولد شده، گرچه استعداد نوشتن را دارد، اما نمی تواند چیزی بنویسد برای مرحله دوم عقل زده شده است. غلط
- ۹۷- دومین مرحله را عقل بالملکه می گویند در آن مرحله عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می کند. صحیح
- ۹۸- در مرحله سوم عقل هست که انسان آمادگی دریافت علم را پیدا می کند و می تواند دانش هایی را کسب کند. غلط
- ۹۹- سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش هایی را کسب کرده است. صحیح
- ۱۰۰- سومین مرحله، عقل بالمستفاد نام دارد. غلط
- ۱۰۱- چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است. صحیح
- ۱۰۲- در مرحله سوم عقل است که انسان بردانش هایی مسلط می شود و هر کدام را که بخواهد می تواند استفاده کند. غلط
- ۱۰۳- در مرحله دوم عقل است که مانند یک استاد ریاضی هر مسئله ای را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند. غلط
- ۱۰۴- پذیرش هراعتقاد و آئینی نیازمند استدلال عقلی است. صحیح
- ۱۰۵- از نظر فلاسفه مسلمان، ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. صحیح
- ۱۰۶- از نظر فیلسوفان مسلمان، عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. صحیح
- ۱۰۷- فیلسوفان مسلمان بر این باورند که، مافقط به کمک عقل نمی توانیم در آیات قرآن بیندیشیم و باین تفکر تدبر، به معارف قرآن پی ببریم. غلط
- ۱۰۸- برخی از فیلسوفان از جمله ملاصدرا و علامه طباطبایی کتاب های تفسیر را بخاطر اینکه معتقدند انسان توانایی تفکر تدبر در قرآن را دارند نوشته اند. صحیح
- ۱۰۹- فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هراعتقاد و آئینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند اما حس و شهود را معتبر نمی دانند. غلط

- ۱۱۰- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت واحد نمی رسانند. غلط
- ۱۱۱- برخی از فیلسوفان مسلمان تلاش می کردند باتربیت خود وتهذیب نفس به معرفت شهودی نیز دست یابند. صحیح
- ۱۱۲- فیلسوفان مسلمان عالی ترین مرتبه شهود را عرفان می دانند. غلط
- ۱۱۳- از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی تاییدکننده و کمک کننده به یکدیگر هستند. صحیح

سوالات نهایی

- ۱- در اندیشه حکمای ایران قدیم، مزداهمان خداوند است. (دی ۹۹ شهریور ۱۴۰۰) درست

سوالات نهایی

گزینه درست را انتخاب کنید.

- ۱- فیلسوفان از طریق (۱: شهود ۲: دلیل وبرهان) وجود «عالم عقول» را اثبات می کنند. (شهریور ۱۴۰۰) دلیل وبرهان
- ۲- در اندیشه حکمای ایران قدیم، (۱: مزد ۲: لوگوس) همان خداوند است. (شهریور ۱۴۰۰) ۱: مزد
- ۳- در اندیشه حکمای ایران قدیم، مزداهمان خداوند است. (دی ۹۹) درست
- ۴- یکی از اشکال مخالفت با عقل در جهان اسلام، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد. (خرداد ۱۴۰۱) درست

سوالات کوتاه پاسخ

- ۱۱۴- یکی از عوامل مهم توجه به عقلانیت در جهان اسلام چه بوده است؟ قرآن کریم، وسخنان پیامبر اکرم (ص) وعترت گرامی ایشان
- ۱۱۵- چه چیزی سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم ودانش در حوزه های مختلف شد؟ جایگاه ممتاز عقل
- ۱۱۶- جایگاه ممتاز عقل در بین مسلمانان سبب چه چیزی شد؟ سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم ودانش در حوزه های مختلف شد.
- ۱۱۷- شکل دوم مخالفت با عقل، به چه صورتی ظهور کرد؟ به صورت مخالفت با فلسفه
- ۱۱۸- از نظر مخالفان عقل، فلسفه از کجا وارد جهان اسلام شده، دربردارنده عقاید چه کسانی است وچه نسبتی باعقباداسلامی دارد؟ یونان- دربردارنده عقاید سقراط، افلاطون وارسطو- باعقاید اسلامی سازگار نیست.
- ۱۱۹- از نظر برخی فیلسوفان اسلامی، چه کسانی می توانند وارد دانش فلسفه شوند؟ هرفردی ازهر ملت ونژادی
- ۱۲۰- آیا می توان در دانش فلسفه، از آراء ونظریات دیگران استفاده کرد، دیدگاه فیلسوفان مسلمان درمورد چیست؟ بله- دراین دانش بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است.
- ۱۲۱- دو مصداق عقل نزد فلاسفه مسلمان را نام ببرید؟ (۱) عقل، به عنوان وجودی برتر ومتعالی درهستی (۲) عقل، به عنوان قوه استدلال وشناخت
- ۱۲۲- فیلسوفان مسلمان، اولین مخلوق خدا را چه چیزی می دانند واز نظر آنان چگونه موجودی است؟ عقل- موجودی کاملاً روحانی وغیر مادی است.
- ۱۲۳- کدام دست از فیلسوفان، روشن تر ودقیق تر از فیلسوفان یونان، موجوداتی را که حقیقت وجودشان عقلی است، اثبات کرده اند؟ فیلسوفان مسلمان
- ۱۲۴- چه موجوداتی عالم عقول را تشکیل می دهند؟ موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند
- ۱۲۵- فیض خداوند از طریق چه موجوداتی به عوالم دیگر می رسد؟ عقول یاموجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند.
- ۱۲۶- فیلسوفان مسلمان عقلی که درانسان هست وبه او توانمندی اندیشیدن می دهد پرتویی از چه عالمی است؟ عالم عقول
- ۱۲۷- در چه صورتی عقل انسان می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد ومشاهده کند؟ اگر تربیت شود ورشد کند.
- ۱۲۸- عقل انسان در صورت تربیت ورشد علاوه براستدلال کردن به چه توانایی خواهد رسید؟ می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند، بیابد ومشاهده کند.
- ۱۲۹- کدام عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست؟ عقل فعال

۱۳۰- فارابی مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان را به چیزی تشبیه نموده اند؟ مانند آفتاب است نسبت به چشم
۱۳۱- این سخن « هرکس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است » از کدام فیلسوف مسلمان است؟ ابن سینا

۱۳۲- طبق دیدگاه ابن سینا کدام صفت انسان را از حقیقت انسانی خارج می کند؟ کسی که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد.

۱۳۳- عموم فیلسوفان مسلمان ، پذیرش هراعتقاد و آیینی را نیازمند چه چیزی می دانند؟ استدلال عقلی

۱۳۴- کدام مبنای مشترک باعث شده ، عموم فیلسوفان مسلمان پذیرش هراعتقاد و آیینی را نیازمند استدلال عقلی بدانند؟ عدم پذیرش سخن بدون دلیل

۱۳۵- به نظر عموم فیلسوفان مسلمان، چه نوع ایمانی ارزشمند است؟ و کدام ایمان ، ارزش چندانی ندارد؟ ایمانی که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از پشتوانه ی عقلی تهی باشد.

۱۳۶- بنابر اعتقاد فیلسوفان مسلمان، به کمک کدام ابزارها، ما می توانیم در آیات و روایات بیندیشیم و احکام و معارف آنها را به دست آوریم؟ عقل - حس - شهود

۱۳۷- فیلسوفان مسلمان کدام ابزار را در کنار قرآن و سنت ، به عنوان یکی از منابع کسب احکام و معارف دین معرفی می کنند؟ عقل

۱۳۸- از نظر فلاسفه مسلمان سه راه برای رسیدن به حقیقت ، وجود دارد ؟ آنها را نام ببرید؟ استدلال عقلی - شهود - وحی

۱۳۹- آیا فیلسوفان مسلمان راه کسب معرفت را به عقل منحصر می دانند؟ خیر - حس و شهود را هم معتبر می دانند.

۱۴۰- از نظر فیلسوفان مسلمان ، عالی ترین مرتبه شهود چیست و به چه کسانی اختصاص دارد؟ وحی - پیامبران الهی

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید:

۱- وظیفه عقل فعال چیست؟ و مقام آن نسبت انسان مانند چیست؟ (شهریور، دی ۹۹) فیض رسانی به عقل انسان ها

۲- فیلسوفان مسلمان اولین مخلوق خداوند را عقل می نامند، سه ویژگی آن مخلوق را بنویسید. (دی ۹۹ خارج کشور)
موجودی کاملاً روحانی و غیر مادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند.

۳- دو ویژگی از ویژگی عقول در فلسفه اسلامی را بنویسید؟ (دی ۹۹)

اولین مخلوق - روحانی و غیر مادی - فوق عالم طبیعت - واسطه فیض رسانی

۴- عقل بالفعل را تعریف کنید؟ (شهریور ۱۴۰۰)

در سومین مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب کرده است.

۵- از نظر فلاسفه مسلمان ۳ راه برای رسیدن به حقیقت وجود دارد که یکی از آنها وحی می باشد دو مورد دیگر را نام ببرید؟ (دی ۹۹)

شهود - استدلال عقلی - وحی

۷- از نظر فیلسوفان مسلمان ، علاوه بر استدلال عقلی، دو روش دیگری که ما را به حقیقت می رسانند، چیست؟ (خرداد ۱۴۰۰)

شهود - وحی

۸- باتوجه به نظر فیلسوفان مسلمان درباره «عقل» به دو سوال زیر پاسخ دهید. (خرداد ۱۴۰۰)

الف) وظیفه آن چیست؟ فیض رسانی به عقل انسان ها (یا واسطه فیض هستی میان مراتب بالاتر از خود و عالم طبیعت و انسان)

ب) مقام آن نسبت به انسان مانند چه چیز است؟ آفتاب نسبت به چشم

۹- از نظر فیلسوفان مسلمان، نام دیگر «عقل هیولانی» چیست؟ ۱- عقل با فعل ۲- عقل بالقوه (خرداد ۱۴۰۱) ۲- عقل بالقوه

۱۰- از نظر فیلسوفان مسلمان، عالی ترین مرتبه شهود چه نام دارد و مختص چه کسانی است؟ **خرداد ۴۰۲** وحی -

پیامبران

۱۱- مخالفت با عقل در جهان اسلام به دو شکل صورت گرفت، آنها را بنویسید. **شهریور ۴۰۲**

۱- محدود کردن دایره و اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن

۲- مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاوردهای یونانی و غیر اسلامی

۱۲- به ترتیب « درک مفاهیم و قضایای بدیهی » و « کسب دانش ها » به کدام مرحله از مراحل رشد و تکامل عقلی انسان

مربوط است؟ **شهریور ۴۰۲** عقل بالملکه - عقل بالفعل

۱۳- فیلسوفان مسلمان علاوه بر استدلال عقلی، از چه ابزارهای معرفتی برای رسیدن به حقیقت استفاده می کنند؟

شهریور ۴۰۲ حس - شهود

سوالات تشریحی

۱۴۱- توجه به عقل و عقلانیت بواسطه قرآن و سخنان پیامبر(ص) و عترت گرامی ایشان ، چه تأثیری بر جایگاه عقل میان مسلمانان گذاشت ؟
درفر هنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورد و همواره از عقل به تجلیل یاد شده است . این جایگاه ممتاز، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد و عموم شاخه های دانش ، از جمله فلسفه رشد و پیشرفت فوق العاده ای کردند.

۱۴۲- دو شکل عمده مخالفت جریانات فکری با عقل را در جهان اسلام بنویسید؟ (۱) تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن؛ (۲) مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی

۱۴۳- شکل اول مخالفت با عقل و عقلانیت « تنگ کردن محدوده اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن » را توضیح دهید؟ در شکل اول، این جریان ها می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند، مرتکب خطا می شوند و به دین آسیب می رسانند.

۱۴۴- شکل دوم مخالفت با عقل در جهان اسلام به چه صورتی ظهور کرد توضیح دهید؟ شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد. از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون ، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقای کسانی مثل مثل سقراط ، افلاطون و ارسطوست و بین عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

۱۴۵- فلاسفه چه پاسخی به سخن که « فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و با عقاید اسلامی سازگار نیست » داده اند؟ فلاسفه در پاسخ می گویند: جدا از اینکه بسیاری از آراء سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیا است، بیندیشد و. دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا است. البته ، همان طور که در سایر شاخه های دانش می توان از آرا و نظرات دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است و لکن باید همراه با نقد و بررسی سخنان آن فلاسفه باشد.

۱۴۶- فیلسوفان مسلمان کدام کار عقل را قبول دارند؟ فیلسوفان مسلمان عموماً، هم درباره عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی سخن گفته اند و هم درباره عقل، به عنوان قوه استدلال و ابزار شناخت

۱۴۷- فیلسوفان مسلمان در مقایسه با فیلسوفان یونان موجودات مجرد از ماده را چگونه اثبات کرده اند؟ دقیق تر و روشن تر و نام آن را عالم عقول گذاشته اند.

۱۴۸- از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ آنان اولیه مخلوق خدا را عقل اول است می دانند که موجودی کاملاً روحانی و غیر مادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از آن به وجود آمده اند.

۱۴۹- در نزد فیلسوفان مسلمان منظور از عالم عقول چیست؟ (ویژگی عالم عقول را بنویسید؟) موجودات مجردی که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد ، عالم عقول را تشکیل می دهند.

۱۵۰- فلاسفه مسلمان عقلی که در انسان هست را پرتویی از چه چیزی می دانند و چگونه می تواند حقایق را درک کند؟ پرتویی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک و شهود می کنند، بیابد و شهود نماید.

۱۵۱- منظور از اینکه گفته شده ؛ وظیفه عقل فعال ، عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست؛ یعنی چه؟ یعنی تمام ادراک ها و دانش های انسان به مدد این عقل صورت می گیرد. به واسطه این عقل است که انسان مفاهیم کلی را می فهمد و درک می کند.

۱۵۲- فارابی نسبت عقل فعال با دستگاه ادراکی انسان را به چیزی تشبیه کرده اند؟ مانند آفتاب است نسبت به چشم ، همان طور که آفتاب نور بخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی می رساند، به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن شود و در نتیجه ، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق می رسد.

۱۵۳- نظر فیلسوفان مسلمان درباره عقل به عنوان دستگاه تفکر چیست؟ فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که عقل، ابزار شناخت انسان و وسیله تفکر و تعقل اوست. این ابزار روش هایی مانند استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض دارد که همه این روش ها در محدوده و جایگاه خود معتبر هستند و قابل استفاده می باشند.

۱۵۴- منظور این گفته فیلسوفان مسلمان که می گویند « مافروندان دلیل هستیم » چیست؟ (سخن فیلسوفان مسلمان درباره جایگاه دلیل عقلی را بنویسید و توضیح دهید؟) یعنی هر نظر و هر مکتب و هر آیینی را که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می پذیریم.

۱۵۵- دیدگاه فارابی و ابن سینا درباره رشد و تکامل عقل بنویسید؟ عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند یعنی همان طور که انسان مراحل کودکی و جوانی را می گذراند و رشد جسمی او تکامل می یابد، عقل نیز با تربیت و مراحل را طی می کند و کامل می شود.

۱۵۶- مراحل چهارگانه رشد و تکامل عقل را از نظر فارابی و ابن سینا نام ببرید؟ مرحله اول: عقل بالقوه یا عقل هیولایی مرحله دوم: عقل بالملکه مرحله سوم: عقل بالفعل مرحله چهارم: عقل بالمستفاد

۱۵۷- مرحله اول از مراحل چهارگانه رشد و تکامل عقل را نام برده و توضیح دهید؟ اولین مرحله، عقل بالقوه یا عقل هیولایی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، به طور مثال ، نوزادی که تازه متولد شده، گرچه استعداد نوشتن را دارد، اما نمی تواند چیزی بنویسد.

۱۵۸- مرحله دوم از مراحل چهارگانه رشد و تکامل عقل را نام برده و توضیح دهید؟ دومین مرحله را عقل بالملکه می گویند. در این مرحله، عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله است که انسان آمادگی دریافت علم را پیدا می کند و می تواند دانش ها را کسب نماید.

۱۵۹- مرحله سوم از مراحل چهارگانه رشد و تکامل عقل را نام برده و توضیح دهید؟ سومین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است، زیرا در این مرحله انسان به طوری برداش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده نماید، مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند.

۱۶۰- عقیده عموم فیلسوفان مسلمان در خصوص رابطه میان دین و فلسفه را بنویسید؟

۱- پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است؛ هر چند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری او می باشد. از نظر این فلاسفه ایمانی ارزشمند اسن که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشانند.

۲- عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. ما به کمک عقل در آیات قرآن می اندیشیم و با این تفکر و تدبر، به معارف قرآن پی می بریم. به همین جهت برخی از فیلسوفان، از جمله ملاصدرا و علامه طباطبائی کتاب های ارزشمندی در تفسیر قرآن نوشته اند و خدمات بزرگی به نشر معارف قرآنی نموده اند.

۳- فیلسوفان مسلمان باینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می شمارند. از این روف برخی از آنان تلاش می کردند تا تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی

نیز دست یابند. آنان همچنین وحی را عالی ترین مرتبه شهود محسوب می کنند و می گویند که این مرتبه شهود به پیامبران الهی اختصاص دارد. آنان معتقدند که انبیای الهی از این طریق به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.

۱۶۱- بنابراین اعتقاد عموم فیلسوفان مسلمان، پذیرش هراعتقاد و آیینی به چه چیزی نیازمند است؟ نیازمند دلیل عقلی است. هرچند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست.

۱۶۲- به نظر عموم فیلسوفان کدام ایمان ارزشمند و کدام ایمان ارزش چندانی ندارد؟ ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. و ایمانی که از چنین پشتوانه ای تهی باشد ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشاند.

۱۶۳- آیا فیلسوفان مسلمان راه کسب معرفت را به عقل منحصر می کنند چرا؟ خیر- آنان حس و مشهود را معتبر می دانند.

۱۶۴- چرا برخی از فلاسفه مسلمان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند؟ فیلسوفان مسلمان با اینکه اساس پذیرش هراعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می دانند، از این رو برخی از آنان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی دست یابند.

۱۶۵- فیلسوفان مسلمان درباره وحی چه دیدگاهی دارند توضیح دهید؟ آنان وحی را عالی ترین مرتبه شهودی می شمارند که به پیامبران الهی اختصاص دارد انبیای الهی از این طریق به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.

۱۶۶- از نظر فیلسوفان مسلمان چند راه برای رسیدن انسان به حقیقت وجود دارد؟ چگونه به یک نتیجه می رسند و موید یکدیگرند؟ از نظر فیلسوفان مسلمان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه مارابه حقیقت واحدی رسانند تایید کننده و کمک کننده به یکدیگر هستند گرچه هر کدام روش خاص خود را دارند و از مسیرهای متفاوتی در جستجوی حقیقت هستند.

۱۶۷- از نظر فیلسوفان مسلمان دلیل اینکه احساس می کنیم که میان دستاوردهای عقلی و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد چیست؟ ما انسان ها چون توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنیم، به نتیجه های نادرست و اشتباه برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد.

۱۶۸- چگونه می توانیم از تعارض های ظاهری میان عقل و وحی بکاهیم؟ باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح نموده و از گمان تعارض میان یافته های عقلی و دستاوردهای وحیانی رهایی یابیم.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کامل دهید:

- ۱- یکی از اشکال مخالفت با عقل در جهان اسلام، مخالفت با فلسفه بود، دلیل این مخالفان چه بود؟ (دی ۹۹)
- ۲- فیلسوفان مسلمان به کسانی که با فلسفه به دلیل یونانی بودن و عدم سازگاری آن با عقاید اسلامی مخالفت می کنند چه پاسخی می دهند؟ (خرداد ۹۹)
- جدا از اینکه بسیاری از آراء فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود.
- ۳- دو شکل مخالفت با عقل را در جهان اسلام بنویسید. (خرداد ۱۴۰۰)
- ۱) تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آ؛ (بابرخی روش های عقلی در مسائل دین کاربردی ندارند)
- ۲) مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی، مخالفت با فلسفه که عالی ترین شکل تعقل است)
- ۴- عقل بالملکه را تعریف کنید؟ (دی ۹۹)

در این مرحله عقل درکی از قضایای ضروری پیدا می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد .
در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند (آمادگی دریافت علم را پیدا کند)

۵- فارابی عقل فعال را به چه تشبیه کرده چرا؟ (خرداد ۹۹)

مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینایی بالفعل شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی افاضه می کند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه ، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق نائل می شود.

۶- از نظر ابن سینا و فارابی، اولین مخلوق خداوند چه نام دارد و دارای چه ویژگی است؟ (شهریور ۱۴۰۰)

۷- از نظر فیلسوفان مسلمان، سه راه رسیدن به حقیقت، که در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه می رسند، کدامند؟ (شهریور ۱۴۰۰)

۸- کسانی که در جهان اسلام با فلسفه مخالفت می کردند، چه دلیلی برای این نظر خود داشتند؟ (شهریور ۱۴۰۰)
دلیل آنها این بود که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده است و دربردارنده عقاید کسانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو است و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

۹- تفاوت «عقل هیولائی» و «عقل بالفعل» را توضیح دهید. (خرداد ۱۴۰۰)

اولین مرحله ، عقل بالقوه یا عقل هیولانی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد ، به طور مثال نوزادی که تازه متولد شده ، گرچه استعداد نوشتن را دارد ، اما نمی تواند چیزی بنویسد.

سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار ، دانش هایی را کسب کرده است.

۱۰- ضمن تعریف «عقل بالملکه» و «عقل بالمستفاد» تفاوت آنها را توضیح دهید؟ (خرداد ۱۴۰۱)

عقل بالملکه: در این مرحله، عقل درکی از قضایای ضروری پیدا می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد . در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند. (آمادگی دریافت علم را پیدا می کند).
عقل بالمستفاد: در این مرحله انسان به طوری بردانش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده نماید. مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ای را جلوی او بگذارند ، به راحتی حل می کند.

۱۱- به چه دلیل برخی جریان های فکری در جهان در عین پذیرش عقل ، دایره اعتبار و کارآمدی آن را محدود می کردند؟
توضیح دهید؟ (خرداد ۴۰۲)

این جریان ها می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند، مرتکب خطا می شوند و به دین آسیب می رسانند.

۱۲- از نظر فیلسوفان مسلمان، تمام ادراک ها و دانش های انسان به کمک کدام یک از عقول عالم عقل حاصل می شود؟
توضیح دهید؟ (خرداد ۴۰۲)

عقل فعال. ان عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان ها است. یعنی به واسطه این عقل است که انسان مفاهیم کلی را می فهمد البته این مدد رسانی در باطن وجود انسان صورت می گیرد و برای خود انسان محسوس نیست.

۱۳- از نظر فلاسفه اسلامی، عقل فعال چه وظیفه ای دارد؟ آن را توضیح دهید. (شهریور ۴۰۲)

این عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست تمام ادراکات و دانش های انسان به مدد این عقل صورت می گیرد به واسطه این عقل است که انسان مفاهیم کلی را می فهمد و درک می کند البته این مدرسانی در باطن وجود انسان صورت می گیرد و برای خود انسان محسوس نیست.

سؤالات درس نهم (آغاز فلسفه در جهان اسلام)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- از توجه به فلسفه و ورود آن به جهان اسلام حدود سیزده قرن می گذرد. این توجه، نتیجه یک «حیات عقلی» دارند که از آن به یک «.....» در جهان اسلام انجامید. حیات فلسفی
- ۲- وقتی که مردم یک جامعه، به عقل و تفکر و اندیشه توجه کنند به طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه درآید، «.....» شکل می گیرد. حیات عقلی
- ۳- توجه به عقل و فکر، حرکت به سوی دانش و رشد شاخه های مختلف علم رابه دنبال دارد و «.....» را پدید می آورد. حیات علمی
- ۴- یکی از شاخه های حیات علمی، «.....» است که به طور طبیعی، جمعی از محققان و اندیشمندان، بدان خواهند پرداخت. حیات فلسفی
- ۵- پس از گذشت حدود دوقرن از ظهور اسلام، به مرحله ای از رشد رسید که اولین فیلسوف مشهور مسلمان به نام «ابویوسف یعقوب بن اسحاق» ظهور کرد. حیات فلسفی
- ۶- اولین فیلسوف مشهور مسلمان به نام ابویوسف یعقوب بن ظهور کرد. و حدود ۲۷۰ کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشت. کندی
- ۷- مورخان علم گزارش داده اند که حیات مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی آغاز شده است. تعقلی
- ۸- پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم «.....» را پایه گذاری کردند و در ایجاد چنین حیاتی از روش هایی خاص و بدیع بهره بردند. حیات عقلی
- ۹- پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم «حیات عقلی» جامعه اسلامی را پایه گذاری کردند و در ایجاد چنین حیاتی از روش هایی خاص و بدیع بهره بردند؛ به طوری که جامعه اسلامی عصر پیامبر اکرم (ص) در زمانی کوتاه به مرتبه ای ممتاز از «.....» رسید. حیات عقلی
- ۱۰- این نهضت (نهضت ترجمه) که از قرن دوم هجری آغاز شد، کمک شایانی به شکل گیری «.....» در جهان اسلام کرد. حیات فلسفی
- ۱۱- «حیات عقلی» در یک جامعه و حضور و احترام به همان زمین آماده ای است که دانه هر شاخه از دانش در آن کاشته شود، درخت تناور خواهد شد و ثمر خواهد داد. عقلانیت- عقل
- ۱۲- این مباحث (اعتقادی)، که بسیاری از آنها از جنس مباحث بودند، سبب شد که در همان قرن اول هجری، دانشمندی ظهور کنند که در مسائل اعتقادی تبحر داشته باشند. فلسفی
- ۱۳- حیات عقلی مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دوقرن، به انجامید. حیات فلسفی
- ۱۴- در فلسفه نیز (مسلمانان) دانش فیلسوفان بزرگ را آموختند و با نقد و بررسی آرای آن حکیمان، نظام نوینی را بخشیدند. فلسفی- سامان
- ۱۵- از همان عصر رسول خدا (ص) بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل آغاز شد. اعتقادی
- ۱۶- (مسلمانان) نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند که ضمن برخورداری از آرای افلاطون و بیشتر در بردارنده اندیشه های بود که تا آن روزگار سابقه نداشت. ارسطو- جدیدی
- ۱۷- فلسفه اسلامی از همان آغاز سرشتی کاملاً داشت و متکی بر آرای بود. استدلالی- ارسطو
- ۱۸- از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز به صورت قوی به خود گرفت. قیاس برهانی- استدلالی
- ۱۹- تلاش های محکم و استوار و نبوغ استدلالی، این صورت استدلالی را با ظریف ترین موشکافی ها آراست و یک نظام فلسفی مستحکم و قوی را پدید آورد. فارابی- ابن سینا
- ۲۰- تلاش های محکم و استوار فارابی و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت استدلالی را با ظریف ترین موشکافی ها آراست و یک نظام مستحکم و قوی را پدید آورد. فلسفی
- ۲۱- این شیوه تفکر فلسفی (استدلالی) به خاطر موسس اول آن، ارسطو، به «.....» معروف شد. حکمت مشاء
- ۲۲- این شیوه تفکر فلسفی (استدلالی) به خاطر موسس اول آن،، به «حکمت مشاء» معروف شد. ارسطو
- ۲۳- ویژگی اصلی حکمت مشاء، همان صورت آن والگو گرفتن از بود. استدلالی- ارسطو

- ۲۴- حکمت از نظر یک فیلسوف مشائی مانند ابن سینا عبارت است از: « فنیو.....که انسان عالم ، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می آورد. استدلالی- فکری
- ۲۵- حکمت از نظر یک فیلسوف مشائی عبارت است از: « فنی استدلالی و فکری انسان عالم ، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می آورد. ونفس خویش را به کمال می رساند و به جهانی.....مشابه جهانتبدیل می شود. عقلی- واقعی
- ۲۶- بزرگ ترین حکمای مشاءو.....محسوب می شوند. فارابی - ابن سینا
- ۲۷- ایشان (فارابی) علاوه بر فلسفه که در آن سرآمد روزگار بود، در حقوق.....، نیز شهرت داشت و به درجه.....رسیده بود. نجوم و سیاست- استادی
- ۲۸- (فارابی) در سیاست نظریه پرداز بود و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاهنزدیک است. فلسفه - افلاطون
- ۲۹- فارابی با میراث فلسفی یونان، به خصوص آرای.....و.....به خوبی آشنا بود. افلاطون- ارسطو
- ۳۰- (فارابی) توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو(ارسطو و افلاطون) را بیابد و در کتابی با عنوان «.....» ارائه کند. الجمع بین رای الحکیمین
- ۳۱- فارابی در کتابی به نام «.....» با دقت و توانایی بسیار ، نظرات ارسطو را شرح می دهد و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد. اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه
- ۳۲- فارابی در کتابی به نام «اغراض ارسطو فی کتاب مابعدالطبیعه» با دقت و توانایی بسیار ، نظراترا شرح می دهد و نکات آن را آشکار می سازد. ارسطو - پیچیده
- ۳۳- کتاب اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه راهنمایدر فهم کتاب ارسطو شد. ابن سینا
- ۳۴- وی (فارابی) به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته های خود را ازو.....و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند. افلاطون- ارسطو
- ۳۵- (فارابی) پس از ارسطو لقب «.....» گرفت و به «.....» شهرت یافت. معلم- معلم ثانی
- ۳۶- فارابی مشاغل سیاسی را پذیرفت و با اهل سیاست معاشرت داشت. غلط
- ۳۷- فارابی هرگز مشاغل، را نپذیرفت و با اهلمعاشرت نداشت. سیاسی- سیاست
- ۳۸- از نظر او (فارابی) انسان موجودی مدنی بالطبع است که بر حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با هموعان خویش زندگی کند. این اولین مبنای وی برای ورود به مباحثو.....است. اجتماعی- فلسفه سیاسی
- ۳۹- به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی اجتماعی می گذرد و به همین جهت باید هدف اصلی جامعه ونیزانسان در دنیا و آخرت باشد. مدینه- سعادت
- ۴۰- به عقیده فارابی ، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگیمی گذرد. اجتماعی
- ۴۱- از نظر فارابی هدف اصلی جامعه و مدینه، در دنیا و آخرت است. سعادت
- ۴۲- بهترین مدینه ها ، از نظر وی (فارابی) مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضایی آراسته اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد و چنین جامعه ای از نظر فارابی «.....» است. مدینه فاضله
- ۴۳- فارابی مدینه فاضله را بهتشبیه می کند. بدنی سالم
- ۴۴- (از نظر فارابی) در مدینه فاضله باید کسی که ویژگی هایدارد، بر مردمکند. ممتازی- ریاست
- ۴۵- از نظر او (فارابی) ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد کهبزرگ وعالی دارد. روحی - سرشتی
- ۴۶- (به اعتقاد فارابی ریاست جامعه) باید به عالی ترین درجاترسیده و می تواند احکام و قوانین.....را دریافت کند. تعقل- الهی
- ۴۷- (از نظر فارابی) رهبر جامعه کسی جز.....نیست. پیامبر خدا
- ۴۸- فارابی مدینه جاهله را در مقابل.....قرار می دهد. مدینه فاضله
- ۴۹- مهمترین تفاوت مدینه جاهله با مدینه فاضله در.....آن است. هدف

۵۰- درمدينه جاهله هدف مردم فقط سلامت.....و.....لذت هاست. جسم - فراواني

سوالات نهايي

۱- سهروردي، كساني را كه هم در صور برهاني به كمال رسيده اند وهم به اشراق و عرفان دست يافته اند «...» مي نامد. (خرداد ۱۴۰۰)

۲- سهروردي درانديشه خود، از مفهوم (۱: نور ۲: وجود) استفاده مي كند. (شهريور ۱۴۰۰) ۱: نور

۳- دانشمنداني كه موضوعات اعتقادي دين را با استدلال و منطق مورد بحث قرار مي دهند،ناميده مي شوند (دي ۹۹)

(متكلم

درستي يا نادرستي عبارت هاي زير را مشخص كنيد .

۵۱- در حقيقت ، سيزده قرن است كه مسلمانان نوعي « حيات فلسفي » دارند كه از آن به « حيات عقلي » تعبير مي كنيم. غلط

۵۲- وقتي كه مردم يك جامعه به عقل و تفكر وانديشه توجه كنند « حيات عقلي » شكل مي گيرد. صحيح

۵۳- توجه به عقل و تفكر، حركت به سوي دانش و رشد شاخه هاي علم را به دنبال دارد و « حيات عقلي » راپديدمي آورد. غلط

۵۴- يكي از شاخه هاي حيات علمي، « حيات فلسفي » است. صحيح

۵۵- پس از گذشت حدود سه قرن اظهور اسلام، حيات فلسفي به مرحله اي از رشد رسيد كه كندي ظهور كرد. غلط

۵۶- زمينه اول رشد فلسفه گسترش مباحث اعتقادي ميان مسلمانان بود. غلط

۵۷- زمينه اول رشد فلسفه: دعوت قرآن كريم و پيامبر اكرم(ص) به خرد ورزي است. صحيح

۵۸- « حيات فلسفي » دريك جامعه و حضور علم و احترام به آن همان زمين آماده اي است كه دانه هر شاخه از دانش در آن كاشته شود، درخت تناوري خواهد شد. غلط

۵۹- مورخان علم گزارش داده اند كه حيات فلسفي مسلمانان با ظهور اسلام و تشكيل جامعه اسلامي آغاز بوده است. غلط

۶۰- پيامبر اكرم(ص) و قرآن كريم « حيات عقلي » جامعه اسلامي راپايه گذاري كردند. صحيح

۶۱- پيامبر اكرم(ص) براي ايجاد حيات فلسفي از روش هاي خاص و بديع استفاده كرد. غلط

۶۲- قرآن كريم و پيشوايان بزرگوار براي حيات فلسفي زمينه سازي كردند ؛ فرصت تفكر وانديشه ورزي براي مردم فراهم آمد. غلط

۶۳- ارزش قائل شدن براي اصل تفكر و خردورزي از جمله زمينه سازي هايي است كه در قرآن و گفتار و رفتار رسول خدا(ص) مشاهده مي شود. صحيح

۶۴- تكريم فلسفه به عنوان ثمره علمي يونان باستان از جمله از جمله زمينه سازي هايي است كه در قرآن و گفتار و رفتار رسول خدا(ص) مشاهده مي شود. غلط

۶۵- طرح مباحث علمي و عقلي و فلسفي ، جزء عوامل زمينه ساز حيات عقلي نيست. غلط

۶۶- زمينه دوم از زمينه هاي رشد فلسفه ، گسترش مباحث اعتقادي ميان مسلمانان است. صحيح

۶۷- بحث و گفت گو در مباحث فلسفي از همان زمان رسول خدا(ص) آغاز شد و به سرعت در ميان مسلمانان گسترش يافت. غلط

۶۸- بسياري از مباحث اعتقادي در زمان رسول خدا (ص) از جنس مباحث فلسفي بودند. صحيح

۶۹- حيات عقلي مسلمانان از همان ابتدای ظهور اسلام آغاز شد و بعد از دو قرن، به حيات فلسفي انجاميد. صحيح

۷۰- نهضت ترجمه متون، كه از قرن دوم هجري آغاز شد، كمك شاياني به شكل گيري « حيات عقلي » در جهان اسلام كرد. غلط

۷۱- نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه نبود و علوم ديگراشامل مي شود. صحيح

۷۲- يعقوب ابن اسحاق كندي مترجم معروف و زبردست دوره نهضت ترجمه بود. غلط

۷۳- حنين بن اسحاق ، مترجم معروف و زبردست زمان نهضت ترجمه بود. صحيح

۷۴- درست است كه مسلمانان در فلسفه دانش فيلسوفان بزرگ يونان را آموختند و آراي آن حكيمان نقد و بررسي وكردند، اما نتوانستند يك نظام فلسفي نويني راسامان ببخشند. غلط

۷۵- فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً عقلانی داشت و متکی بر آراء افلاطون بود. غلط

۷۶- از آنجا که افلاطون در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه می کرد، فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی به خود گرفت. غلط

۷۷- تلاش های محکم واستوار فارابی و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت استدلالی را با ظریف ترین موشکافی ها آراست و یک نظام فلسفی مستحکم و قوی را پدید آورد. صحیح

۷۸- این شیوه تفکر فلسفی (استدلالی) به خاطر موسس اول آن، افلاطون، به «حکمت مشاء» معروف شد. غلط

۷۹- ویژگی اصلی حکمت مشاء، صورت استدلالی آن والگو گرفتن از ارسطو بود. صحیح

۸۰- فارابی و ابن سینا بزرگ ترین حکمای مشاء محسوب می شوند. صحیح

۸۱- حکمت از نظر یک فیلسوف مشائی: « فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آن چنان که هست، به وسیله این فن به دست می آورد و نفس خویش را به کمال می رساند. صحیح

۸۲- فارابی علاوه فقط در فلسفه که در آن سرآمد روزگار بود، در حقوق، نجوم و سیاست شهرت نداشت. غلط

۸۳- فارابی پزشکی را رابه خوبی می دانست و در مداوای بیماران تبحر داشت. صحیح

۸۴- فارابی در سیاست نظریه پرداز و دیدگاه ویژه ای را مطرح کرد که به دیدگاه افلاطون نزدیک بود. صحیح

۸۵- فارابی بامیراث فلسفی یونان، به خصوص آراء افلاطون و ارسطو، به خوبی آشنا بود و توانست نقاط مشترک اندیشه های آن دو را بیابد و در کتابی با عنوان «الجمع بین رأی الحکیمین» ارائه کند. صحیح

۸۶- فارابی در کتاب «اغراض ارسطوفی کتاب مابعد الطبیعه» نظرات ارسطو را شرح داده است. صحیح

۸۷- فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنانهد. صحیح

۸۸- ابن سینا پس از ارسطو لقب «معلم» گرفت و به «معلم ثانی» شهرت یافت. غلط

۸۹- فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت. صحیح

۹۰- فارابی در سیاست بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت. صحیح

۹۱- از نظر فارابی انسان به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با هموعان خود پیش زندگی کند. صحیح

۹۲- به عقیده فارابی، مسیر سعادت و کمال انسان از زندگی سیاسی می گذرد. غلط

۹۳- به عقیده فارابی، باید هدف اصلی جامعه و مدینه سعادت انسان فقط باید در دنیا باشد. غلط

۹۴- بهترین مدینه ها، از نظر فارابی، مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضایی آراسته اند که مجموعه مدینه رابه سوی سعادت می برد و چنین جامعه ای از نظر فارابی «مدینه فاضله» است. صحیح

۹۵- فارابی مدینه فاضله رابه بدنی سالم تشبیه کرده است. صحیح

۹۶- بنا بر عقیده ابن سینا، همان طور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم باید کسی که ویژگی های ممتاز دارد، بر مردم ریاست کند. غلط

۹۷- از نظر فارابی، ریاست جامعه باید برعهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد و به عالی ترین درجات تعقل رسیده و می تواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند. صحیح

۹۸- از نظر فارابی رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدا نیست. صحیح

۹۹- فارابی معتقد است که مهمترین تفاوت مدینه جاهله و فاضله در نحوه رهبری است. غلط

۱۰۰- در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست. صحیح

گزینه درست را انتخاب کنید.

۱۰۱- کدام فیلسوف مسلمان، از بزرگ ترین حکمای مشاء محسوب می شود؟ شهریور ۴۰۲

۱۰۲- هر يك از مطالب مرتبط با ستون سمت راست را از ستون سمت چپ انتخاب کرده و در مقابل آن بنویسید.

خرداد ۴۰۲

- الف) اغراض ارسطو فی کتاب ما بعد الطبیعه ۱ درس ۹
 ب) اشارات و تنبیهات ۴ درس ۱۰
 ج) نویسنده پاورقی های اصول فلسفه و روش رئالیسم ۳ درس ۲
 د) رسالت تشیع ۵ درس ۱۲
 ۱- افلاطون
 ۲- فارابی
 ۳- استاد مطهری
 ۴- آخرین دیدگاه های ابن سینا
 ۵- حاصل مذاکرات هانری کربن با علامه

طباطبایی

سوالات کوتاه پاسخ

- ۱۰۲- الف) نتیجه توجه به فلسفه و ورود آن به جهان اسلام چیست؟ ب) وبه حیاتی انجامید؟ الف) حیات عقلی ب) حیات فلسفی
- ۱۰۳- وقتی که مردم یک جامعه به عقل و تفکر و اندیشه توجه کنند به طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه درآید، چه حیاتی شکل می گیرد؟ حیات عقلی
- ۱۰۴- الف) توجه به عقل و فکر، حرکت به سوی چه چیزی را به دنبال دارد ب) وجه حیاتی را پدیدمی آورد؟ الف) دانش و رشد شاخه های مختلف علم ب) حیات علمی
- ۱۰۵- یکی از شاخه های حیات علمی رانام ببرید؟ حیات فلسفی
- ۱۰۶- اولین فیلسوف مشهور مسلمان کیست؟ چه زمانی ظهور کرد؟ و چند کتاب و رساله از خود به یادگار گذاشته است؟ ابویوسف یعقوب بن اسحاق- پس از گذشت دوقرن از ظهور اسلام- ۲۷۰ کتاب و رساله
- ۱۰۷- زمینه های رشد فلسفه را بنویسید؟ الف) زمینه اول دعوت قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) به خرد ورزی ب) زمینه دوم: گسترش مباحث اعتقادی میان مسلمانان ج) زمینه سوم: نهضت ترجمه متون
- ۱۰۸- حیات عقلی در یک جامعه و حضور عقلانیت و احترام به عقل، به چه چیزی تشبیه شده است؟ زمین آماده ای که دانه هردرخت دانش در آن کاشته شود، آن درخت تناور خواهد شد و ثمر خواهد داد.
- ۱۰۹- طبق گزارش مورخان علم، حیات عقلی مسلمانان از چه زمانی آغاز شده است؟ با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی
- ۱۱۰- «حیات عقلی» جامعه اسلامی چگونه پایه گذاری شد؟ پیامبر اکرم(ص) و قرآن کریم آن را پایه گذاری کردند.
- ۱۱۱- پیامبر(ص) برای ایجاد حیات عقلی از چه روش هایی استفاده کرد؟ روش های خاص و بدیع
- ۱۱۲- منظور از حیات عقلی که قرآن کریم و پیشوایان بزرگوار برای آن، زمینه سازی کردند، چیست؟ فضای فرهنگی و اجتماعی جهت بحث و گفت گوی عقلانی است.
- ۱۱۳- ثمره زمینه سازی قرآن کریم و پیشوایان بزرگوار برای حیات عقلی چه بود؟ فرصت تفکر و اندیشه ورزی برای مردم فراهم آمد و بسیاری از مردم وارد مباحث علمی شدند.
- ۱۱۴- بحث و گفت و گوی عقلی در مسائل اعتقادی از چه زمانی آغاز شد؟ از همان زمان رسول خدا(ص)
- ۱۱۵- چه چیزی سبب شد که در همان قرن اول هجری، در بین مسلمانان، دانشمندی ظهور کنند که در مسائل اعتقادی، از استدلال عقلی استفاده کنند؟ گسترش مباحث اعتقادی که بسیاری از آنها از جنس مباحث فلسفی بودند.
- ۱۱۶- حیات عقلی مسلمانان از چه زمانی آغاز شد و چه زمانی به حیات فلسفی انجامید؟ از همان ابتدای ظهور اسلام- بعد از دو قرن

- ۱۱۷- نهضت ترجمه متون از چه قرنی آغاز شد؟ دوم هجری
- ۱۱۸- یکی از زمینه های رشد فلسفه در جهان اسلام را بنویسید؟ نهضت ترجمه متون
- ۱۱۹- نهضت ترجمه شامل چه علوم می شد؟ فلسفه، منطق، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست
- ۱۲۰- از چه زبان هایی در زمان نهضت ترجمه، کتاب هایی ترجمه شد؟ پهلوی، یونانی، هندی و سریانی
- ۱۲۱- آینه نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه بود؟ خیر- علوم گوناگون را شامل می شد.
- ۱۲۲- کدام مترجم مشهور در عصر نهضت ترجمه، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، زر دریافت می کرد؟ حنین بن اسحاق
- ۱۲۳- یکی از مترجمان عصر نهضت ترجمه رانام ببرید؟ حنین ابن اسحاق
- ۱۲۴- فلسفه اسلامی در آغاز چگونه سرشتی داشت و متکی بر آراء کدام فیلسوف یونانی بود؟ سرشتی کاملاً استدلالی- ارسطو
- ۱۲۵- نظام فلسفی نوینی را که مسلمانان سامان بخشیدند از آراء کدام فیلسوفان برخوردار بود؟ افلاطون و ارسطو
- ۱۲۶- ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به چه چیزی تکیه می کرد؟ قیاس برهانی
- ۱۲۷- نبوغ استدلالی کدام فیلسوف مسلمان، صورت استدلالی فلسفه اسلامی را با ظریف ترین موشکافی ها آراست؟ ابن سینا
- ۱۲۸- کدام شیوه تفکر فلسفی باعث شد بخاطر موسس اول آن، ارسطو، به «حکمت مشاء» معروف شود؟ تفکر استدلالی
- ۱۲۹- چرا شیوه استدلالی در تفکر فلسفی اسلامی به حکمت مشاء معروف شد؟ به خاطر موسس اول آن، ارسطو
- ۱۳۰- کدام فیلسوفان اسلامی، بزرگ ترین حکمای مشاء محسوب می شوند؟ فارابی و ابن سینا
- ۱۳۱- معلم ثانی لقب کدام فیلسوف مسلمان است؟ فارابی
- ۱۳۲- فارابی در کدام دانش سرآمد روزگار بود و در چه علوم شهرت داشت و به درجه استادی رسیده بود؟ فلسفه- حقوق، نجوم و سیاست
- ۱۳۳- فارابی در چه دانشی نظریه پرداز بود و به دیدگاه کدام فیلسوف نزدیک است؟ فلسفه سیاست- افلاطون
- ۱۳۴- فارابی با آراء کدام فیلسوفان یونانی به خوبی آشنا بود؟ و در چه کتابی نقاط مشترک اندیشه های آنان را ارائه کرده است؟ افلاطون و ارسطو- الجمع بین رأی الحکیمین
- ۱۳۵- موضوع کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه» چیست؟ فارابی در آن نظرات ارسطو را شرح داده و نکات پیچیده آن را آشکار ساخته است.
- ۱۳۶- فارابی در چه کتابی نظرات ارسطو را شرح داده و نکات پیچیده آن را آشکار ساخته است؟ کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه»
- ۱۳۷- کدام کتاب فارابی راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو بوده است؟ کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه»
- ۱۳۸- کدام فیلسوف مسلمان هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با هل سیاست معاشرت نداشت؟ فارابی
- ۱۳۹- فارابی در چه موضوعی بسیار اندیشید و آثار متعددی در این زمینه نوشت؟ سیاست
- ۱۴۰- فارابی انسان را چگونه موجودی می داند؟ مدنی بالطبع
- ۱۴۱- از نظر فارابی مسیر سعادت و کمال انسان از کجا می گذرد؟ زندگی اجتماعی
- ۱۴۲- به عقیده فارابی هدف اصلی جامعه و مدینه چیست؟ سعادت در دنیا و آخرت
- ۱۴۳- از نظر فارابی بهترین مدینه ها چه نام دارد؟ مدینه فاضله
- ۱۴۴- فارابی مدینه فاضله را به چه چیزی تشبیه کرده است؟ به بدنی سالم
- ۱۴۵- از نظر فارابی فقط چه کسی می تواند رهبر جامعه باشد و با چه کسی می تواند اتصال دائمی داشته باشد؟ پیامبر خدا- فرشته وحی
- ۱۴۶- از نظر فارابی چرا ریاست جامعه باید برعهده کسی باشد که به عالی ترین درجات تعقل رسیده باشد؟ تا بتواند احکام و شرایع را دریافت کند.
- ۱۴۷- چه عاملی به پیامبران امکان می دهد که جامعه را به درستی و در جهت نیل به سعادت حقیقی رهبری کنند؟ اتصال پیوسته با عالم بالا از طریق فرشته وحی
- ۱۴۸- فارابی مدینه جاهله را در مقابل کدام مدینه قرار می دهد؟ مدینه فاضله
- ۱۴۹- مهم ترین تفاوت مدینه جاهله با مدینه فاضله در چیست؟ در هدف

۱۵۰- هدف مردم در مدینه جاهله چیست؟ فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست.

۱۵۱- ویژگی هایی مانند داشتن روحی بزرگ و سرشتی عالی و رسیدن به عالی ترین درجات تعقل به غیر پیامبر در چه کسانی نیز وجود دارد؟
امامان و دانشینان پیامبر (ص)

سوالات نهایی

به سوالات زیر کوتاه پاسخ بدهید.

۱- مؤسس اولین مکتب فلسفی در جهان اسلام چه کسی بود و به چه لقبی شهرت یافت؟ (دی ۹۹) فارابی - معلم ثانی

۲- درباره حکمت «مشاء» به سوالات زیر پاسخ دهید: (دی ۹۷)

الف) مؤسس آن در جهان اسلام چه کسی بود؟ ب) متکی بر آرای کدام فیلسوف یونانی بود؟ الف) فارابی ب) ارسطو

۳- اصطلاح روبرو را تعریف کنید الف) مدینه فاضله (دی ۹۷)

مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد.

۴- تعریف «مدینه فاضله» از نظر فارابی چیست؟ مهمترین تفاوت آن با «مدینه جاهله» را بنویسید. (خرداد ۱۴۰۱)

مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مدینه را به سوی سعادت می برد. تفاوت آن با مدینه جاهله در هدف آن است.

۵- براساس نظر فارابی هدف مدینه فاضله و مدینه جاهله را مقایسه کنید. (دی ۹۹)

هدف مدینه فاضله رسیدن به سعادت است اما هدف مدینه جاهله فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های دنیایی است.

۶- از نظر فارابی هدف مردم مدینه جاهله چیست؟ چرا؟ (دی ۹۹)

در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت های دنیایی است. آنها گمان می برند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند، به سعادت رسیده اند و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

۷- دو مورد از ویژگی های رئیس مدینه فاضله از نظر فارابی نوشته و بیان کنید این ویژگی ها در چه کسانی وجود دارد؟ (شهریور ۹۹)

۱) روحی بزرگ و سرشتی عالی داشته باشد. ۲) باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده باشد.

سوالات تشریحی

۱۵۲- عوامل زمینه ساز رشد فلسفه که در قرآن کریم و گفتار و رفتار رسول خدا (ص) مشاهده می شود را بنویسید؟

۱) ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خردورزی

۲) تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خردورزی

۳) تکریم پیوسته عالمان و دانشمندان

۴) طرح مباحث علمی و عقلی و فلسفی و به کارگرفتن شیوه های مختلف استدلال

۵) مذمت پیوسته نادانی و جهل، به طوری که در جامعه یک ویژگی منفی تلقی شود

۶) دعوت به یادگیری علم و دانش ملت ها و تمدن ها و دیگر استفاده از آنها

۱۵۳- در قرن اول هجری، دانشمندان (اسلامی)، در کدام یک از مسائل اعتقادی دین تبهر داشته، و از چه استدلالی استفاده می کردند؟ اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و مسئله جبر و اختیار- استدلال عقلی

۱۵۴- آیا نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه بود توضیح دهید؟ خیر- نهضت ترجمه منحصر به دانش فلسفه نبود، بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست را هم شامل می شود در نتیجه آن، کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، هندی و سریانی و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند.

۱۵۵- یکی از موارد اهمیت نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران را بنویسید؟ در آن عصر، نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران، آن قدر اهمیت داشت که گفته اند حنین بن اسحاق، مترجم معروف و زیر دست آن زمان، گاهی معادل وزن کتابی که ترجمه کرده بود، طلا دریافت می کرد.

۱۵۶- نهضت ترجمه چه پیامدها و نتایجی در پی داشت؟ در چنین شرایطی، مسلمانان به زودی معارف پیشینیان را فرا گرفتند و در اغلب رشته های دانش سرآمد ملت های زمان خود شدند، در فلسفه نیز دانش فیلسوفان بزرگ یونان را آموختند و با نقد و بررسی آراء آن حکیمان، نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند که ضمن برخورداری از آراء افلاطون و بیشتر ارسطو، در بردارنده اندیشه های جدیدی بود که تا آن روزگار سابقه نداشت. موضوع کتاب «اغراض ارسطو فی کتاب مابعد الطبیعه» فارابی چیست؟ فارابی در این کتاب با دقت و توانایی بسیار، نظرات ارسطو را شرح داد و نکات پیچیده آن را آشکار می سازد، چنان که بعدها راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو می شود.

۱۵۸- فارابی چگونه توانست فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد؟ فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام، توانست آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظم فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشائی را در جهان اسلام بنا نهد. ۱۵۹- با توجه به فلسفه سیاسی فارابی، انسان چگونه موجودی است؟ فارابی انسان را مدنی بالطبع می داند و معتقد است که به حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می خواهد با هموعان خویش زندگی کند.

۱۶۰- از نظر فارابی بهترین مدینه ها چگونه مدینه ای است؟ بهترین مدینه ها مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد

۱۶۱- مدینه فاضله را تعریف کنید و فارابی آن را به چه چیزی تشبیه کرده است؟ مدینه ای که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که در نهایت آن مدینه را به سوی سعادت رهنمون می سازد.- به بدن انسان

۱۶۲- با توجه به دیدگاه فارابی، چه شباهت هایی میان مدینه فاضله و بدن انسان وجود دارد؟ (۱) هر عضو بدن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد (۲). همان گونه که در اعضای بدن، برخی بر برخی تقدم دارند، برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند؛ مثلاً (۳) همان طور که قلب بر همه اعضای بدن ریاست دارد، در مدینه فاضله هم کسی باید بر دیگران برتری داشته باشد و بر آنان ریاست کند.

۱۶۳- ویژگی های رئیس مدینه فاضله از نظر فارابی چیست و این ویژگی ها در چه کسانی وجود دارد؟ ریاست جامعه باید بر عهده کسی باشد که روحی بزرگ و سرشتی عالی دارد باید به عالی ترین درجات تعقل رسیده باشد که بتواند احکام و شرایع را دریافت کند. رهبر جامعه کسی جز پیامبر خدانیست. پیامبر می تواند با فرشته وحی اتصال دائمی داشته باشد.

۱۶۴- مدینه جاهله را تعریف کنید؟ ویژگی های آن را بنویسید؟ و فارابی آن را در مقابل کدام مدینه قرار می دهد؟ در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامت جسم و فراوانی لذت هاست. آنها گمان می بردند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند به سعادت رسیده و اگر دست نیافتند، به بدبختی افتاده اند.

سوالات نهایی: به سوالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۶۵- با توجه به آیه شریفه «انما یخشی الله من عباده العلماء» توضیح دهید که به نظر ابن سینا، چگونه طبیعت

شناسی می تواند دانشمند و محقق را به خشوع و خشیت در پیشگاه حق تعالی برساند؟ **خرداد ۴۰۲**

از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آن ها می رساند.

۱۶۶- فارابی «مدینه فاضله» را چگونه توصیف می کند و چه ویژگی هایی برای ریاست مدینه در نظر می گیرد؟

شهریور ۴۰۲

مدینه فاضله، مدینه ای است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضائی آراسته اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می برد. رئیس مدینه فاضله باید روحی بزرگ و سرشتی عالی داشته باشد- به عالی ترین درجات تعقل رسیده باشد- بتواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند.

سؤالات درس دهم (دوره میانی)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- حسین بن عبدالله بن سینا در مشرق زمین به «ابن سینا» و «ابوعلی سینا» و با القاب باشکوه «.....» و «.....» شهرت دارد. شیخ الرئيس - حجه الحق
- ۲- (ابن سینا) در اروپا او را «اویسنا» و «.....» و «.....» می نامند. اویست- شاهزاده اطباء
- ۳- این فیلسوف (ابن سینا) زندگی نامه ای که برای شاگرد وفادار خود..... نگاشته مراحل رشد علمی و فلسفی خود را توضیح داده است. ابوعبید جوزجانی
- ۴- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد بود. ابوعبد الله ناتلی
- ۵- ابن سینا خود می گوید: «علم از علوم دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم» طب
- ۶- ابن سینا می گوید: اگر در مسئله ای حیران می مانم و بر..... و..... آن راه نمی بردم، به مسجد جامع می رفتم تا آنکه بر من آشکاری گردید. حد و قیاس
- ۷- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی..... و..... است. عقلی - استدلالی
- ۸- ابن سینا روش عقلی استدلالی را که..... پایه گذاری کرد و بعدها وارد جهان اسلام شد، به اوج رساند و فلسفه را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد. ارسطو- مشائی
- ۹- ابن سینا در طول زندگی نسبتاً کوتاه و پرماجرایی خود بیش از..... کتاب و رساله در شاخه های گوناگون علم و..... نوشت. دویست- فلسفه
- ۱۰- قانون که نوعی فرهنگ نامه است. از آثار..... ابن سینا به شمار می رود. پزشکی- معروفترین
- ۱۱- قسمت الهیات کتاب شفا کامل ترین مرجع است. حکمت مشائی
- ۱۲- نجات بیانی مختصر در ابن سینا..... ست و به بیشترین زبان های زنده دنیا ترجمه شده است. فلسفه
- ۱۳- کتابی که از ابن سیناست و دارای ۲۸ هزار مسئله بوده و در حمله غزنویان به اصفهان به غرات رفته است. و تنها چند جزء آن باقی مانده است. انصاف
- ۱۴- آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را کتاب..... شامل می شود. اشارات و تنبیهات
- ۱۵- کتاب ابن سینا که به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج است و در اصفهان برای علاء الدوله حاکم آن شهر نوشته شده نام دارد. دانشنامه علائی
- ۱۶- از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از..... است که دارای حرکت است رو به مقصدی دارد. هستی- خاص
- ۱۷- علت نامگذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزای این عالم هر کدام و..... خاصی دارند که منشاء حرکات و تغییرات اجرا و افراد عالم طبیعت می باشد. طبع - ذات
- ۱۸- خود این عالم به عنوان یک «.....» طبع و ذاتی دارد که منشاء و مبدا آن است. حرکات و تحولات
- ۱۹- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی و..... مطلوبش سوق می دهد. خیر- کمال
- ۲۰- به نظر ابن سینا هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد. طبیعت

- ۲۱- خداوند ، عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزاء آن چنان ترکیب و تدلیف شده اند که بهترین نظام ممکن ، یعنی تحقق می بخشد. نظام احسن
- ۲۲- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد ؛ به شرط اینکه در راه قرار نگیرد. مانعی - طبیعت
- ۲۳- ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن ، در این عالم با مبداء کل جهان هستی نیز تأمل کنیم. رابطه وجودی
- ۲۴- از نظر ابن سینا ، تأمل در رابطه با و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها ، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند. طبیعت - ماوراء طبیعت
- ۲۵- سهروردی درقریه سهرورد زنجان دیده به جهان گشود . تحصیل خود را در آغاز کرد پس از آن ، به اصفهان رفت و با اندیشه های آشنایی کامل یافت. مراغه - ابن سینا
- ۲۶- سهروردی سفرهای خود را با و در آمیخت و به مجاهدت بانفس مشغول شد. سلوک معنوی - عرفانی
- ۲۷- سهروردی مهمترین کتاب خود «.....» را نوشت و مکتبی جدید در فلسفه ارائه کرد. حکمه الاشراق - اسلامی
- ۲۸- سهروردی در کتاب حکمه الاشراق از شیوه فراتر می رود و حکمت را پایه گذاری می کند. مشائیان - اشراقی
- ۲۹- شیخ اشراق به ابن سینا احترام می گذاشت و از او سپاسگذاری می کرد در عین حال می کوشید حکمت ابن سینا را با چاشنی قلبی به کمال برساند. استدلالی - کشف و شهود
- ۳۰- او (سهروردی) با احیای فلسفه نور و اشراق ایران پیش از باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی، حکمتی نو، به نام «.....» را پایه گذاری کرد. حکمت اشراق
- ۳۱- سهروردی با احیای فلسفه و ایران پیش از باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی ، حکمتی نو به نام «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد. نور - اشراق
- ۳۲- سهروردی با احیای فلسفه نور و اشراق ایران پیش از باستان و تلفیق آن با حکمتی نو به نام «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد. عرفان اسلامی
- ۳۳- سهروردی با احیای فلسفه نور و اشراق پیش از باستان و تلفیق آن با عرفان حکمتی نو به نام ، حکمت اشراق را پایه گذاری کرد. ایران - اسلامی
- ۳۴- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با و قلبی همراه می سازد. سیر - سلوک
- ۳۵- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به و ترتیب اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی همراه می سازد. نیروی عقل - استدلال
- ۳۶- فیلسوف اشراقی می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده با و دریابد. و به ذائقه دل برساند. شهود قلبی - تجربه درونی
- ۳۷- از نظر فیلسوف اشراقی آنچه را از طریق شهود کسب کرده است، با و به دیگران برساند. استدلال - برهان
- ۳۸- از نظر فیلسوف اشراقی آنچه را از طریق کسب کرده است با استدلال و برهان به دیگران برساند. شهود
- ۳۹- از نظر سهروردی تحقیق فلسفی آن تحقیق فلسفی که فقط متکی به شیوه و نتواند به قلب برسد بی نتیجه است. استدلالی محض
- ۴۰- از نظر سهروردی سیر و سلوک روحانی و قلبی بدون همراه کننده می باشد. تربیت عقلانی
- ۴۱- قطب الدین رازی می گوید: حکمت اشراقی ، حکمتی است که اساس و بنیان آن است. اشراق
- ۴۲- قطب الدین رازی می گوید: اشراق عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت است که اهل بوده اند. شرقیانی - فارس

- ۴۳- قطبی الدین رازی می گوید: اشراق عبارت است از کشف و شهود و این حکمت همان حکمت شرقیانی است که فارس بوده اند زیرا حکمت آنها هم بوده است. شهودی- کشفی
- ۴۴- قطب الدین رازی می گوید: این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از و تابش آنها بر نفس انسان های کامل به دست می آید. ظهور- انوار عقلی
- ۴۵- براساس بیانی که شیخ اشراق از «.....» ، مفهوم «.....» رابه جای مفهوم «وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می نماید و همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می کند. اشراق- نور
- ۴۶- براساس بیانی که شیخ اشراق از «اشراق» ، مفهوم «نور» رابه جای مفهوم «وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می نماید و همه مباحث خود را پیرامون و مراتب آن و درجات آن ساماندهی می کند. نور - ظلمت
- ۴۷- شیخ اشراق مبدء جهان و خالق هستی را می داند. نور محض
- ۴۸- شیخ اشراق مبدء جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را می نامد نور الانوار
- ۴۹- شیخ اشراق مبدء جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را نور الانوار می نامد. اشیای دیگر از تابش و پرتو پدید آمده اند. نور الانوار
- ۵۰- شیخ اشراق مبدء جهان و خالق هستی را نور محض می داند و او را نور الانوار می نامد. اشیای دیگر از نور الانوار پدید آمده اند. تابش و پرتو
- ۵۱- (از نظر شیخ اشراق) هر واقعیتی «.....» است اما نه مطلق بلکه درجه ای است از نور. پس ، تفاوت موجودات مربوط به شدت وضعف نورانیت آنهاست. نور- نور
- ۵۲- (از نظر شیخ اشراق) هر واقعیتی «نور» است اما نه نور مطلق بلکه درجه ای است از نور. پس ، تفاوت موجودات مربوط به شدت وضعف نورانیت آنهاست.
- ۵۳- سهروردی می گوید: ذات نخستین و نور مطلق، یعنی پیوسته نور افشانی (.....) می کند و بدین ترتیب متجلی می شود و همه موجودات را به وجود می آورد. خدا- اشراق
- ۵۴- سهروردی می گوید: همه چیز در این جهان نور ذات اوست (خدا) و هر زیبایی و کمالی، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری، عبرت از وصول به این روشنی است. پرتوی - کامل
- ۵۵- در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند ، بلکه در جغرافیای معنایی ویژه پیدا می کنند. عرفانی
- ۵۶- مشرق جهان در جغرافیای سهروردی ، یا محل است. نور محض- فرشتگان مقرب
- ۵۷- مغرب کامل (در جغرافیای سهروردی) نیز جهان یا است که بهره ای از نور ندارد. تاریکی - عالم ماده
- ۵۸- در میان مشرق محض و مغرب کامل، قرار دارد که در آن به هم آمیخته اند. مغرب وسطی- نور و ظلمت
- ۵۹- در میان مشرق محض و مغرب کامل مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.
- ۶۰- مغرب وسطی در میان و قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند. مشرق محض - مغرب کامل
- ۶۱- سهروردی کسانی را که هم در صور برهانی به حد کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند می خواند. حکیم متأله
- ۶۲- سهروردی کسانی را که هم در به حد کمال رسیده اند و هم به دست یافته اند حکیم متأله می خواند. صور برهانی- اشراق و عرفان

سوالات نهایی

۱- سهروردی، کسانی را که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند «.....» می نامد. (خرداد ۱۴۰۰)

۲- سهروردی در اندیشه خود، از مفهوم (۱: نور ۲: وجود) استفاده می کند. (شهریور ۱۴۰۰) ۱: نور

۳- دانشمندانی که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دهند،نامیده می شوند (دی ۹۹ متکلم)

۴- ابن سینا آخرین دیدگاه های خود را در باب حکمت و فلسفه را در کتاب...بیان کرده است. (شهریور ۱۴۰۰) اشارات و تنبیهات

۵- نویسنده کتاب شفا است. (شهریور ۹۹) ابن سینا

۶- کاملترین مرجع حکمت مشاء، کتاب (۱: شفا ۲: انصاف) ابن سینا است. (دی ۹۹) ۱: شفا

۷- کتاب «قانون» ابن سینا یک دائرة المعارف عظیم علمی و فلسفی است. شهریور ۴۰۲ غلط

گزینه مناسب را انتخاب کنید:

۸- از نظر سهروردی، عالمی که آمیخته به نور و ظلمت است چه نام دارد؟ ۱-مغرب وسطی ۲-مغرب کامل

خرداد ۴۰۲ مغرب وسطی

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید .

۶۳- حسین بن عبدالله بن سینا در مشرق زمین به حجه الحق شهرت دارد. غلط

۶۴- ابن سینا را در اروپا به «اوپسنا» و «اوپسن» و «شاهزاده اطباء» می نامند. صحیح

۶۵- ابن سینا از داناترین و پراوازه ترین حکما و دانشمندان ایرانی و از مشاهیر علم و حکمت در سراسر جهان است. صحیح

۶۶- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، شهودی استدلالی است غلط

۶۷- ابن سینا خود می گوید: هر مطلبی به نظرم می آمد، مقدمات آن را می نوشتم، در آن نظر می کردم و شروط آن منظور می داشتم تا آنکه حقیقت آن بر من معلوم می شد. صحیح

۶۸- ابن سینا اگر در مسئله ای حیران می شده مسجدمی رفت و نماز می خواند، نزد مبدع کل تضرع می کرد تا آنکه بر او آشکاری می شد. صحیح

۶۹- به نظر ابن سینا آنچه شر و بدی به نظر می رسد در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند. صحیح

۷۰- روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی، عرفانی شهودی است. غلط

۷۱- کتاب قانون ابن سینا دائرة المعارف حقوقی بود. غلط

۷۲- کتاب شفا ابن سینا مشتمل بر موضوعات پزشکی و در زمینه شفای بیماران بود. غلط

۷۳- نجات شکل مختصر کتاب انصاف است. غلط

۷۴- اشارات و تنبیهات آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت را شامل می شود. صحیح

۷۵- دانشنامه علائی به زبان پارسی است و ابواب مختلف حکمت در آن مندرج شده است. صحیح

۷۶- از نظر ابن سینا تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را به ظاهر آنها می رساند. غلط

۷۷- از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که روبه مقصدی خاص دارد. صحیح

۷۸- علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» بدان جهت است که اجزاء این عالم هر کدام طبع و ذات خاصی ندارند. غلط

۷۹- علت نام گذاری این عالم به «طبیعت» این است که این عالم به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که منشاء و مبداء حرکات و تحولات آن است. صحیح

۸۰- به نظر ابن سینا این عالم به عنوان یک «کل» طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبداء حرکات و تحولات آن است. صحیح

۸۱- به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق نمی دهد حتی اگر مانعی در راه طبیعتش قرار نگیرد غلط

۸۲- شیخ شهاب الدین سهروردی از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی در عصر معاصر است. غلط

- ۸۳- سهروردی سفرهای خود را با سلوک معنوی و عرفانی در آمیخت و به مجاهدت بانفس مشغول بود تا آنکه به مقامات عالی عرفان و برترین درجات حکمت نائل شد. صحیح
- ۸۴- سهروردی در کتاب حکمت الاشراق از شیوه حکمت متعالیه فراتر می رود و حکمت مشائی را پایه گذاری می کند. غلط
- ۸۵- حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها بر پایه شهود قلبی و عرفان تکیه می کند. غلط
- ۸۶- سهروردی با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد. صحیح
- ۸۷- از نظر سهروردی، تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب بی نتیجه است. صحیح
- ۸۸- از نظر سهروردی سیر و سلوک روحانی و قلبی را بدون تربیت عقلانی گمراه کننده نمی داند. غلط
- ۸۹- سهروردی جویندگان معرفت را به چهار گروه تقسیم می کند که اولین گروه آنانی هستند که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند. غلط
- ۹۰- سهروردی اولین دسته از جویندگان معرفت را آنانی می داند که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند. صحیح
- ۹۱- از نظر سهروردی دومین گروه از جویندگان معرفت کسانی اند که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند. صحیح
- ۹۲- از نظر سهروردی چهارمین گروه از جویندگان معرفت کسانی اند که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند. صحیح
- ۹۳- از نظر سهروردی بهترین دسته و گروه از جویندگان معرفت کسانی اند که فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهایی دست یافته اند. غلط
- ۹۴- حکیم متأله از نظر سهروردی کسی است که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته باشد. صحیح
- ۹۵- از نظر شیخ اشراق ریاست تامه و خلیفه و جانشین خدا حکیمی است که غرق در تأله بوده و در بحث نیز استاد باشد. صحیح
- ۹۶- از نظر سهروردی جهان هیچ گاه از حکیمی که غرق در تأله بوده و استاد در بحث باشد، خالی نیست. صحیح
- ۹۷- سهروردی علت خالی نبودن زمین از حکیم متأله، ضروری بودن مقام خلافت می داند که بایستی واسطه امور و حقایق را از حق تعالی دریافت کند. صحیح
- ۹۸- از نظر سهروردی ریاست حکیم متأله از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاهی در ظاهر و گاهی به طور نهانی حاکم است. صحیح
- ۹۹- به نظر سهروردی اگر ریاست جهان به دست حکیم متأله بیفتد زمان وی بس نورانی و درخشان شود. صحیح
- ۱۰۰- به نظر سهروردی اگر جهان از تدبیر حکیم متأله تهی ماند وی بس نورانی و درخشان شود. غلط
- ۱۰۱- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی را علت محض می داند و او را علت العلل می نامند. غلط
- ۱۰۲- از نظر سهروردی اشیاء دیگر از تابش و پرتو نور الانوار پدید آمده اند. صحیح
- ۱۰۳- از نظر سهروردی هرواقعیتی «نور» نیست «نور مطلق» فقط خداست و نوری در جهان نیست. غلط
- ۱۰۴- از نظر سهروردی تفاوت موجودات در عقلانیت آنهاست. غلط
- ۱۰۵- سهروردی می گوید: «ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا پیوسته نور افشانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب متجلی می شود. صحیح
- ۱۰۶- از نظر سهروردی خدا با اشراق متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد. صحیح
- ۱۰۷- در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب معنای زمینی خود را ندارند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند. صحیح
- ۱۰۸- مغرب جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است. غلط
- ۱۰۹- جهان مشرق برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست چون نور محض یا محل فرشتگان است و مجرد از ماده اند. صحیح
- ۱۱۰- مغرب کامل، جهان تاریکی است یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارند. صحیح
- ۱۱۱- در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که دران نور و ظلمت به هم آمیخته اند. صحیح

سوالات نهایی

- ۱- نویسنده کتاب «انصاف» ابن سینا است. (دی ۹۷) درست

۲- از نظر ابن سینا، برخی امور در جهان طبیعت، مصداق شر و بدی هستند. (دی ۱۴۰۰) نادرست

۳- طبق اصول فلسفه اشراق، شناخت عقلی و استدلالی نسبت به آفریدگار جهان به اوج خود می‌رسد. (دی ۹۸) نادرست

۴- در روش اشراقی، شیوه استدلالی محض با سیر و سلوک قلبی همراه می‌شود. (دی ۹۸) درست

۹- حکمت اشراق، شیوه استدلالی محض را با سیر و سلوک قلبی همراه می‌سازد. (شهریور ۹۹) درست

۱۰- کتاب «قانون» ابن سینا یک دائرة المعارف عظیم علمی و فلسفی است. شهریور ۴۰۲ غلط

سوالات کوتاه پاسخ

۱۱۲- ابن سینا در مشرق زمین به چه نام‌هایی شهرت دارد؟ شیخ الرئیس - حجه الحق

۱۱۳- در اروپا ابن سینا را به چه نام‌هایی می‌نامند؟ اویسنا - اویسن - شاهزاده اطباء

۱۱۴- ابن سینا برای کدام شاگرد خود زندگی نامه‌ای نگاشته و مراحل رشد علمی و فلسفی خود را توضیح داده است؟ ابوعبید جوزجانی

۱۱۵- ابن سینا در منطق و ریاضیات شاگرد چه کسی بود؟ ابو عبد الله ناتلی

۱۱۶- ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفی چه روشی داشت؟ روش عقلی و استدلالی

۱۱۷- کدام فیلسوف مسلمان می‌گفت: «اگر در مسئله‌ای حیران می‌مانم و برحد وسط قیاس آن راه نمی‌برم، به مسجد جامع می‌روم و نماز

می‌گزارم و نرد مبدع کل، زاری و تضرع می‌کردم تا آنکه بر من آشکار می‌گردید» ابن سینا

۱۱۸- کدام فیلسوف مسلمان فلسفه مشائی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد؟ ابن سینا

۱۱۹- ابن سینا فلسفه مشائی را به چه صورتی ارائه کرد؟ به صورت مدون و نظام مند.

۱۲۰- مهمترین آثار ابن سینا را نام ببرید؟ شفا - نجات - انصاف - اشارات و تنبیهات - دانشنامه علائی

۱۲۱- کدام فیلسوف روش عقلی و استدلالی را در تحلیل مسائل فلسفی پایه‌گذاری کرد و کدام فیلسوف آن را به اوج رساند؟ ارسطو - ابن سینا

۱۲۲- موضوع کتاب قانون ابن سینا چیست و به چه زبان‌هایی ترجمه شده است؟ نوعی فرهنگ نامه پزشکی - به زبان‌های لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی

۱۲۳- معروفترین اثر ابن سینا کدام است و موضوع آن چیست؟ قانون نوعی فرهنگ نامه پزشکی

۱۲۴- موضوع کتاب شفا ابن سینا چیست؟ دایره المعارف عظیم علمی و فلسفی

۱۲۵- دائرة المعارف عظیم علمی و فلسفی و کامل‌ترین مرجع حکمت مشائی، کدام اثر فلسفی ابن سینا است؟ شفا

۱۲۶- دائرة المعارف عظیم علمی و فلسفی ابن سینا کدام وی می‌باشد؟ شفا

۱۲۷- کدام قسمت کتاب شفا ابن سینا در بردارنده فلسفه است؟ الهیات شفا

۱۲۸- کتاب شفا ابن سینا مشتمل بر چه موضوعاتی است؟ منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی

۱۲۹- کامل‌ترین مرجع حکمت مشائی ابن سینا و مهمترین کتب فلسفی در مرکز علمی و دانشگاهی چه کتابی است؟ شفا

۱۳۰- کدام کتاب ابن سینا مختصر کتاب شفا است؟ نجات

۱۳۱- کدام کتاب ابن سینا شامل آخرین دیدگاه‌های او در حکمت می‌باشد؟ اشارات و تنبیهات

۱۳۲- موضوع کتاب اشارات و تنبیهات ابن سینا چیست؟ آخرین دیدگاه‌های او در حکمت را شامل می‌شود.

۱۳۳- کدام کتاب ابن سینا در حمله به اصفهان به غارت رفته است؟ انصاف

۱۳۴- کتاب دانشنامه علائی به چه زبانی است و برای چه کسی نوشته شده است؟ پارسی - علاء الدوله

۱۳۵- به نظر ابن سینا چیزی که هر شیء را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می‌دهد چیست؟ طبیعت آن شیء

۱۳۶- ابن سینا از ما می‌خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی‌ها و روابط پدیدهای آن درجه چیزی تأمل کنیم؟ در رابطه وجودی این عالم با مبدء کل جهان هستی

- ۱۳۷- از نظر ابن سینا ، تامل در رابطه طبیعت باموراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر عبور داده آن را به چه چیزی می رساند؟ باطن پدیده ها
- ۱۳۸- فایده رسیدن انسان دانشمند و محقق به باطن پدیده ها چیست؟ انسان را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد.
- ۱۳۹- شیخ اشراق سفرهای خود را با چه چیزی درآمیخت؟ باسلوک معنوی و عرفانی
- ۱۴۰- مهمترین کتاب سهروردی کدام است؟ حکمه الاشراق
- ۱۴۱- سهروردی در کدام کتاب از شیوه مشائیان فراتر می رود و حکمت اشراقی را پایه گذاری می کند؟ حکمه الاشراق
- ۱۴۲- کدام فیلسوف مسلمان با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی ، حکمت اشراق را پایه گذاری کرد؟ سهروردی
- ۱۴۳- حکمت اشراق نوعی بحث از چیست؟ وجود
- ۱۴۴- از نظر سهروردی، کدام شیوه ی تحقیق فلسفی بی نتیجه است؟ تحقیق فلسفی به شیده استدلالی محض و بدون رسیدن به قلب
- ۱۴۵- به نظر سهروردی چه نوع سیر و سلوکی گمراه کننده است؟ سیر و سلوک روحانی و قلبی بدون تربیت عقلانی
- ۱۴۶- آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند از نظر سهروردی در کدام گروه از چهار گروه جویندگان معرفت قرار می گیرند؟ گروه اول
- ۱۴۷- بنابر تقسیمات چهارگانه جویندگان معرفت از دیدگاه سهروردی، اولین گروه کدامند؟ آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند.
- ۱۴۸- از نظر سهروردی ریاست تامه و خلیفه و جانشین خدا کیست؟ حکیمی که غرق در تاله بوده و در بحث استاد باشد.
- ۱۴۹- چرا از دیدگاه سهروردی جهان هیچ گاه از حکیم متاله خالی نیست؟ زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه ، از حق تعالی دریافت کند.
- ۱۵۰- به اعتقاد سهروردی چه هنگام ظلمت و تاریکی بر جهان سایه می افکند؟ هرگاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی باشد
- ۱۵۱- شیخ اشراق مبدأ جهان و خالق هستی چه کسی می داند او را چه می نامد؟ نور محض - نور الانوار
- ۱۵۲- از نظر سهروردی اشیاء چگونه بوجود آمده اند؟ از تابش و پرتو نور الانوار
- ۱۵۳- از نظر سهروردی تفاوت موجودات در چیست؟ در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.
- ۱۵۴- از دیدگاه سهروردی هر چیزی در این جهان پرتویی از چیست؟ از نور خدا
- ۱۵۵- منظور از مشرق در فلسفه اشراق سهروردی چیست؟ منظور نور محض یا محل فرشتگان مقرب است.
- ۱۵۶- منظور از مغرب کامل در جغرافیای سهروردی چیست؟ جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.
- ۱۵۷- چرا مشرق جهان (در فلسفه سهروردی) برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست؟ به دلیل تجرد از ماده
- ۱۵۸- منظور از مغرب وسطی در جغرافیای سهروردی چیست؟ در میان مشرق و مغرب کامل قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته است.

سوالات نهایی

- ۱- از نظر سهروردی کسی که هم در صورت برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته ، چه نام دارد؟ (شهریور ۱۴۰۰)
- حکیم متاله
- ۲- در فلسفه سهروردی، عالم ماده (۱: مغرب کامل ۲: مغرب وسطی) نام دارد. (خرداد ۱۴۰۰) ۱: مغرب کامل
- ۳- با توجه به فلسفه سهروردی به سوال های زیر پاسخ بدهید. (دی ۱۴۰۰)
- الف) نام عالم ماده یا جهان تاریکی در جغرافیای عرفانی او چیست؟ مغرب کامل
- ب) تعبیری که برای خداوند به کار برده است ، چه می باشد؟ نور الانوار
- ج) کسی که هم در صورت برهانی و هم در عرفان سرآمد است، چه نام دارد؟
- الف) مغرب کامل ب) نور الانوار ج) حکیم متاله

۴- سهروردی اصطلاح « حکیم متأله » را برای چه کسانی به کار برد؟ **شهریور ۴۰۲** کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند- هم به اشراق و عرفان دست یافته اند.

سؤالات تشریحی

- ۱۵۹- دیدگاه ابن سینا را درباره طبیعت بنویسید؟ (طبیعت شناسی ابن سینا را توضیح دهید؟ از نظر ابن سینا طبیعت مرتبه ای از هستی است که دارای حرکت است و رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد جزء در ذات عالم طبیعت است و از آن جدایی ناپذیر است.
- ۱۶۰- علت نام گذاری عالم طبیعت به « طبیعت » چیست؟ بدان جهت است که اجزای این عالم، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند که منشاء حرکات و تغییرات اجزا و افراد عالم طبیعت می باشد. و خود این عالم نیز به عنوان یک « کل » طبع و ذاتی دارد که منشاء و مبداء حرکات و تحولات آن است.
- ۱۶۱- از نظر ابن سینا خداوند عالم طبیعت را چگونه بوجود آورده است؟ خداوند عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن را تحقق می بخشد.
- ۱۶۲- به عقیده ابن سینا، از عالم طبیعت به چه عنوانی تعبیر می شود چرا؟ نظام احسن- زیرا خداوند عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تألیف شده اند که بهترین نظام ممکن، یعنی نظام احسن را تحقق می بخشد.
- ۱۶۳- نظر ابن سینا در مورد شر و بدی در طبیعت چیست؟ او می گوید: حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند.
- ۱۶۴- از نظر ابن سینا چرا بانگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد؟ به نظر ابن سینا طبیعت هر شیء آن را به سوی خیر و کمال مطلوبش سوق می دهد به شرط اینکه مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند به همین جهت، بانگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد.
- ۱۶۵- از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، چه تأثیری در دانشمند دارد؟ دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق می رساند و مصداق آیه شریفه (انما یخشی الله من عباده العلماء) تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند- می سازد.
- ۱۶۶- ابن سینا درباره عالم طبیعت چه چیزی از ما می خواهد؟ ابن سینا از ما می خواهد که علاوه بر مطالعه عالم طبیعت، برای کشف ویژگی ها و روابط پدیده های آن (که به شکل گیری علوم طبیعی منجر می شود) درباره رابطه وجودی این این عالم با مبدأ کل جهان هستی نیز تأمل کنیم.
- ۱۶۷- از نظر ابن سینا چه چیزی دانشمند و محقق را به خشوع و خشیت در برابر حق می رساند؟ از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند؛ آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق می رساند.
- ۱۶۸- روش تحقیق فلسفی شیخ اشراق را توضیح دهید؟ شیخ اشراق حکمت استدلالی ابن سینا را با چاشنی کشف و شهود قلبی به کمال رساند و با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران پیش از باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی، حکمتی نو، به نام «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد.
- ۱۶۹- سهروردی چگونه توانست حکمت اشراقی را پایه گذاری کند؟ با احیاء فلسفه نور و اشراق ایران پیش از باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی حکمتی نو به نام «حکمت اشراق» را پایه گذاری کرد.
- ۱۷۰- حکمت اشراق سهروردی چگونه حکمتی است توضیح دهید؟ حکمت اشراق نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و ترتیب استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد.

- ۱۷۱- روش تحقیق فیلسوف اشراقی را توضیح دهید؟ فیلسوف اشراقی می گوید آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده باشد قلمی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است با استدلال و برهان به دیگران برساند.
- ۱۷۲- فیلسوف اشراقی باتلاش و کوشش خود در پی چیست؟ آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده باشد قلمی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه را از طریق شهود کسب کرده است با استدلال و برهان به دیگران برساند.
- ۱۷۳- از نظر سهروردی کدام روش تحقیق فلسفی بی نتیجه است و کدام روش گمراه کننده می باشد؟ از نظر سهروردی، آن تحقیق فلسفی که فقط متکی به شیوه استدلالی محض باشد و نتواند به قلب برسد، بی نتیجه است و سیر و سلوک روحانی و قلبی هم بدون تربیت عقلانی گمراه کننده می باشد.
- ۱۷۴- قطب الدین رازی یکی از پیروان اشراق در مورد حکمت اشراقی چه می گوید؟ (دیدگاه قطب الدین رازی را در مورد حکمت اشراق بنویسید؟ حکمت اشراقی از دیدگاه قطب رازی چگونه حکمتی است؟) حکمت اشراقی، حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است. اشراق نیز عبارت از کشف و شهود و این حکمت هان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند، زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است. این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان های کامل به دست می آید.
- ۱۷۵- چرا قطب الدین رازی حکمت اشراقی سهروردی را حکمت شرقانی اهل فارس می داند؟ و چرا اشراقی خوانده شده است؟ زیرا حکمت آنها هم شهودی و کشفی بوده است. این حکمت از آن رو اشراقی خوانده شده که از ظهور و انوار عقلی و تابش آنها بر نفس انسان های کامل به دست می آید.
- ۱۷۶- بیان سهروردی را در مورد اشراق، و جایگزینی مفهوم «نور» به جای «وجود» را بنویسید؟ بر اساس بیانی که شیخ اشراق از «اشراق» دارد، مفهوم «نور» رابه جای «وجود» وارد فرهنگ فلسفی خود می نماید و همه مباحث خود را پیرامون نور و مراتب آن و ظلمت و درجات آن ساماندهی می کند.
- ۱۷۷- جویندگان معرفت از دیدگاه سهروردی چند دسته اند نام ببرید؟ (۱) آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته اند و جویای آن اند (۲) آنان که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند (۳) آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلالی توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهود هایی دست یافته اند. (۴) سرانجام، آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند اینها حکیم متأله اند و بهترین دسته به حساب می آیند.
- ۱۷۸- از نظر سهروردی «حکیم متأله» به چه کسانی گفته می شود؟ آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند. هم به اشراق و عرفان دست یافته اند.
- ۱۷۹- بنا بر نظر سهروردی بهترین گروه از جویندگان معرفت کدام گروه هستند؟ آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده اند و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند بهترین دسته به حساب می آیند.
- ۱۸۰- سهروردی درباره گروه چهارم از جویندگان معرفت که به مقام حکیم متأله رسیده اند چه می گوید؟ هرگاه اتفاق افتد که در زمانی حکیمی غرق در تدله بوده و در بحث نیز استاد باشد او ریاست تامه و خلیفه و جانشین خدا اوست... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست... زیرا برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه، از حق تعالی دریافت کند.
- ۱۸۱- شیخ اشراق مبدأ جهان را چه چیزی می داند و او را چه می نامد؟ و پدیده ها را چگونه بوجود می آورد؟ شیخ اشراق مبدأ جهان، خالق هستی را نور محض می داند و او را «نور الانوار» می نامد. اشیاء دیگر از تابش و پوتو نور الانوار پدید آمده اند.
- ۱۸۲- سهروردی واقعیت اشیاء را چه چیزی می داند و تفاوت موجودات از دیدگاه او در چیست؟ هر واقعیتی «نور» است اما نه نور مطلق، بلکه درجه ای است از نور. پس، تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آنهاست.
- ۱۸۳- باتوجه به دیدگاه شیخ اشراق، ذات نخستین چگونه متجلی می شود؟ «ذات نخستین، نور مطلق، یعنی خدا نور افشانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب، متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد.

۱۸۴- از نظر سهروردی اشراق نور از ذات نخستین چگونه صورت می گیرد توضیح دهید؟ « ذات نخستین ، نور مطلق ، یعنی خدا نور افشانی (اشراق) می کند و بدین ترتیب، متجلی می شسود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه خود به آنها حیات می بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی ، موهبتی از رحمت اوست و رستگاری ، عبارت از وصول کامل به این روشنی است»

۱۸۵- در فلسفه شیخ اشراق ، منظور از مشرق و مغرب چیست توضیح دهید؟ در فلسفه شیخ اشراق، مشرق و مغرب به معنای زمینی نیستند بلکه در جغرافیای عرفانی معنایی ویژه پیدا می کنند. مشرق جهان در جغرافیای سهروردی، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست. مغرب کامل نیز جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد. در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

۱۸۶- دیدگاه شیخ اشراق را در مورد گروه چهارم در دسته بندی جویندگان معرفت، رابنویسید؟ اگر در زمانی اتفاق افتد که حکیمی غرق در تاله بوده و در بحث نیز استاد باشد، او را ریاست تاهه بوده و خلیفه و جانشین خدا اوست... جهان هیچ گاه از حکیمی که چنین باشد، خالی نیست...؛ زیرا برای مقام خلافت الهی ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه ، از حق تعالی دریافت کند و البته مراد من از این ریاست ، ریاست از راه قهر و غلبه نیست بلکه گاه باشد که امام تاله در ظاهر حاکم باشد و گاه به طور نهانی ... در هر حال اوست که ریاست تاهه دارد، گرچه در نهایت گمنامی باشد و چون ریاست واقعی جامعه به دست او افتد، زمان وی بس نورانی و درخشان شود و هرگاه جامعه از تدبیر حکیمی الهی تهی ماند، ظلمت و تاریکی بر آن سایه افکند.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید:

- ۱- به نظر ابن سینا چه چیزی باعث ایجاد خشوع و خشیت در نهاد دانشمند در برابر حق می شود؟ (دی ۹۹)
- از نظر ابن سینا ، تأمل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها ، دانشمند را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آنها می رساند و آنها را به خشوع و خشیت در برابر حق و می دارد.
- ۲- نظر ابن سینا در مورد شر و بدی در طبیعت چیست؟ (شهریور ۹۹ دی ۹۷)
- ۳- نظر ابن سینا در مورد آنچه در طبیعت « شر و بدی» نامیده می شود، چیست؟ (خرداد ۹۹)
- ۳- ابن سینا چگونه وجود شر و بدی را در عالم هستی تبیین می کند؟ به اختصار بنویسید. (شهریور ۱۴۰۰)
- آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می رسد ، مانند پژمرده شدن یک گل یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله ، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند.
- ۴- تعریف طبیعت از نظر ابن سینا چیست؟ (دی ۱۴۰۰)
- طبیعت مرتبه ای از هستی است که دارای حرکت است و رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد جزء ذات عالم طبیعت و از آن جدایی ناپذیر است.
- ۵- از نظر ابن سینا علت نامگذاری عالم ماده به «عالم طبیعت» چیست؟ (خرداد ۱۴۰۱)
- بدان جهت است که اجزای این عالم هر کدام یک طبع و ذات خاصی دارند که منشأ حرکات و تغییرات اجزاء و افراد عالم طبیعت می باشد. خود این عالم نیز به عنوان یک کل بطع و ذاتی دارد که منشأ حرکات و تحولات آن است.
- ۴- با توجه به نظر ابن سینا درباره طبیعت، به دو سوال زیر پاسخ دهید. (خرداد ۱۴۰۰)
- الف) تعریف طبیعت
- ب) علت نامگذاری آن
- الف) طبیعت مرتبه ای از هستی است که دارای حرکت است و روبرو مقصدی دارد و این مقصد جزء ذات عالم طبیعت و از آن جدایی ناپذیر است.

ب) علت نامگذاری این عالم به « طبیعت » بدان جهت است که اجزای آن عالم ، هر کدام طبع و ذات خاصی دارند و منشاء حرکات و تغییرات اجزا و افراد عالم طبیعت می باشد. خود این عالم نیز به عنوان یک « کل » طبع و ذاتی دارد که منشاء و مبداء حرکات و تحولات آن است.

۵- از نظر ابن سینا در چه صورت یک دانشمند مصداق آیه شریفه مقابل می شود؟ « انما یخشی الله من عباده العلماء » **دی ۹۹** خارج کشور

دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آن ها می رساند ؛ آن ها را به خشوع و خشیت در برابر حق وا می دارد و مصداق آیه شریفه « انما یخشی الله من عباده العلماء » - تنها بندگان عالم خداوند خشیت او را به دل دارند- می سازد.

۶- در جغرافیای عرفانی سهروردی ، منظور از « مغرب وسطی » چیست؟ **(دی ۹۷)**

در میان مشرق محض و مغرب کامل ، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

۷- با توجه به جغرافیای عرفانی سهروردی ، مفاهیم مقابل را تعریف کنید؟ الف) مشرق جهان ب) مغرب وسطی **(خرداد ۹۹)**

الف) مشرق جهان ، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده ، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

ب) در میان مشرق محض و مغرب کامل ، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

۸- با توجه به جغرافیای سهروردی ، مفاهیم مقابل را تعریف کنید: الف) حکیم متأله ب) مشرق جهان **(شهریور ۹۹)** **(خرداد ۱۴۰۱)**

الف) کسی که هم در صور استدلالی و طریقه برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته است.

ب) مشرق جهان، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده ، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

۹- با توجه به فلسفه سهروردی، مفاهیم زیر را تعریف کنید: الف) حکیم متأله ب) مغرب کامل **(دی ۹۹)**

الف) کسی که هم در صور استدلالی و طریقه برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته است.

ب) جهان تاریکی با عالم ماده که بهره ای از نور ندارد.

۱۰- با توجه به فلسفه سهروردی، مفاهیم زیر را تعریف کنید: **(دی ۹۹)**

الف) نورالانوار ب) مشرق جهان

الف) مبدأ جهان و خالق هستی یا نور محض (نور مطلق = خداوند)

ب) مشرق جهان، نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده ، برای موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

۱۱- با توجه به فلسفه سهروردی دو مرحله اول از جویندگان معرفت را بنویسید. **(دی ۹۹ خارج کشور)**

آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته و جویای آن اند. آنان که در فلسفه استدلالی به کمالی رسیده اند ولی از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.

۱۲- ابن سینا شروزی همچون سیل و زلزله و پژمردگی گیاهان را در عالم طبیعت چگونه تحلیل می کند؟ **شهریور ۴۰۲**

از نظر ابن سینا شروزی در عالم طبیعت در یک نظام کلی جهانی تاثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می کنند به همین جهت با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی توان درباره آن داوری کلی کرد.

سوالات درس یازدهم (دوران متاخر)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- اگر از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم رادوره..... و از قرن پنجم تا دهم رادوره میانه به حساب آوریم قرن یازدهم تا عصر حاضر را نیز می توانیم دوره..... نام گذاری کنیم. متقدم- متاخر
- ۲- فلسفه در همان ابتدا رقیبی به نام داشت. علم کلام
- ۳- دانشمندان علم کلام را..... می نامند. متکلمین
- ۴- متکلمین می خواستند از طریق عقل واستدلال از..... دفاع کنند. معارف دینی
- ۵- متکلمین می خواستند از طریق..... و..... از معارف دینی دفاع کنند. عقل- استدلال
- ۶- بسیاری از متکلمان با..... بودند و از فیلسوفان..... می کردند. مخالف- انتقاد
- ۷- برخی از این انتقادهای (متکلمان) آن قدر شدید بود که مانع گسترش..... در میان مردم و فلسفه پس از..... در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند. فلسفه- ابن سینا
- ۸- محمد بن ابراهیم قوامی شیرازی معروف به..... و..... از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه است. ملاصدرا- صدر المتالهین
- ۹- میر محمد باقر مشهور به..... شیخ بهاء الدین محمد بن حسین عاملی مشهور به..... میر ابوالقاسم فندرسکی مشهور به..... از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه هستند. میرداماد- شیخ بهائی- میر فندرسکی
- ۱۰- ملاصدرا پس از مرگ پدرش ، که از رجال نامی شیراز بود، به اصفهان رفت؛ میزاث پدر را صرف تحصیل نمود و به عالی ترین مراتب..... رسید. حکمت
- ۱۱- وی (ملاصدرا) ابتدا به حلقه درس شیخ پیوست و سپس به پیشنهاد استاد، به درس فلسفه که بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان بود، وارد شد. بهائی- میرداماد
- ۱۲- وی (ملاصدرا) ابتدا به حلقه درس شیخ بهائی پیوست و سپس به پیشنهاد استاد، به درس میرداماد که بنیان گذار حوزه اصفهان بود، وارد شد. فلسفی
- ۱۳- مشرب این دو استاد گران قدر (شیخ بهائی و میرداماد) که علاوه بر علوم روز، در..... و..... هم از نوادر روزگار بودند. عرفان. انوار قلبی
- ۱۴- مشرب این دو استاد گران قدر (شیخ بهائی و میرداماد) که علاوه بر علوم روز، عرفان و انوار قلبی هم از نوادر روزگار بودند، روح و جان ملاصدرا را با..... و..... نیز آشنا و دمساز کرد. ذوق- عرفان
- ۱۵- ملاصدرا پس از تکمیل تحصیلات و کسب مقام استادی به بازگشت و تدریس را در مدرسه شیراز آغاز نمود. شیراز- مدرسه خان
- ۱۶- او (ملاصدرا) به ناچار عازم قم شد و در یکی از روستاهای آن به نام «.....» حدود پانزده سال از عمرش را به تفکر و عبادت و..... روزگار گذراند. کهک- سیروسلوک
- ۱۷- خلوت گزینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت ها و ریاضت ها به تدریج عقل و جان صدرالدین را برای جهشی در سپهر..... و..... مهیا ساخت. معرفت- حکمت
- ۱۸- انوار حکمت بر او (ملاصدرا) تابید و الطاف الهی پیوسته بر وی جاری گشت. اسرار و رموزی بر او آشکار شد که تا آن زمان آشکار نشده بود. وقتی آنچه رایش از آن به برهان فرا گرفته بود از راه..... به نحو مشاهده کرد. شهود قلبی- برتر
- ۱۹- پس از حدود ۱۵ سال باردیگر به شیراز بازگشت (ملاصدرا) این بار حاکم شیراز سرپرستی «.....» را به او سپرد و او اولین مدرسه را به کانون اصلی علوم..... در ایران تبدیل کرد. مدرسه خان- عقلی
- ۲۰- ملاصدرا تالیفات متعددی دارد که همه آنها در جایگاه خود مهم و منشاء اثر بوده اند مانند «الشواهد الربوبیه» «.....» و «.....» تفسیر القرآن الکریم- المبدء والمعاد
- ۲۱- مهمترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا «.....» می باشد که دائرة المعارف فلسفی ملاصدرا است. الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه
- ۲۲- مهمترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا «الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه» می باشد که ملاصدرا است. دائرة المعارف فلسفی

- ۲۳- این کتاب (الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه) که به «.....» مشهور است و در نه جلد به چاپ رسیده ، با الهام از سفر چهارمرحله ای در چهاربخش اصلی تالیف و تنظیم شده است. اسفار- عارفان
- ۲۴- کتاب اسفار با الهام از سفر چهارمرحله ای تقسیم بندی و تنظیم شده و در نه جلد به چاپ رسیده است. عارفان
- ۲۵- عرفا معتقدند که و انسان را به سوی کمال و تارسیدن به کمال نهایی در چهارسفر انجام می شود. سیر- سلوک
- ۲۶- عرفا معتقدند که سیر و سلوک انسان را به سوی کمال و تارسیدن به در انجام می شود. کمال نهایی - چهارسفر
- ۲۷- سفراول، سفر از به (خدا): در این سفر سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. خلق- حق
- ۲۸- سفراول، سفر از خلق به حق (خدا): در این سفر سالک می کوشد از و عوالم عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. طبیعت - ماورای طبیعت
- ۲۹- سفراول، سفر از خلق به حق (خدا): در این سفر سالک می کوشد از طبیعت عوالم ما و رای طبیعت عبور کند و به واصل شود و میان او و حجابی نباشد. حق- خدا
- ۳۰- ملاصدرا، مباحث فلسفه را در بخش اول کتاب خود قراردادده است. عمومی
- ۳۱- سفردوم، سفر با و در: در این سفر سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید. حق- حق
- ۳۲- سفردوم، سفر با حق و در حق در این سفر سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در و خداوند نماید. اسماء - صفات
- ۳۳- ملاصدرا ، نیز بعد از مباحث عمومی فلسفه به مباحث مربوط به و الهی می پردازد. توحید- صفات
- ۳۴- ملاصدرا ، نیز بعد از مباحث به مباحث مربوط به توحید و صفات الهی می پردازد. عمومی فلسفه
- ۳۵- سفرسوم ، سفر از به سوی همراه با حق است: در این سفر سالک به سوی خلق بازمی گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جاوه او می یابد. حق (خدا) - خلق
- ۳۶- سفرسوم ، سفر از حق (خدا) به سوی خلق همراه با حق است: در این سفر سالک به سوی بازمی گردد در حالی که به توجه دارد و همه چیز را مظهر و جاوه او می یابد. خلق - حق
- ۳۷- ملاصدرا بخش سوم کتاب خود را به افعال و ربوبیت و الهی اختصاص داده است. خداوند- حکمت
- ۳۸- سفر چهارم، سفر در است با : در این سفر سالک می کوشد به کمک حق ، مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید. خلق- حق
- ۳۹- سفر چهارم، سفر در خلق است با حق : در این سفر سالک می کوشد به کمک ، مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه نماید. حق- حق
- ۴۰- ملاصدرا بخش چهارم کتاب خود را به «.....» و مراحل شکل گیری آن تارسیدن به مرحله اختصاص داده است. علم النفس- معاد
- ۴۱- فلسفه ای که ملا صدرا بنیان گذاشت آن را رسما «.....» نامید. حکمت متعالیه
- ۴۲- حکمت متعالیه نتیجه تکاملی دومشرب گذشته، یعنی «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی (ملاصدرا با..... و بود. وحی الهی - قرآن کریم
- ۴۳- حکمت متعالیه نتیجه تکاملی دومشرب گذشته ، یعنی و نیز انس دائمی وی (ملاصدرا) با وحی الهی و قرآن کریم بود. فلسفه مشاء- فلسفه اشراق
- ۴۴- در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و قلبی و قرآنی باهم الفت یافته است. و از این الفت ، فلسفه ای برآمد که سرآمد فلسفه های قبل از خود باشد. شهود- وحی
- ۴۵- نتیجه تکاملی دومشرب گذشته فلسفه مشاء و فلسفه اشراق و نیز انس دائمی ملاصدرا با وحی الهی و قرآن کریم نامیده می شود. حکمت متعالیه

- ۴۶- بهره مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش.....تهی نساخت و بهتبدیل نکرد. فلسفه- عرفان یا کلام
- ۴۷- وی (ملاصدرا) در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، این است که اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع.....یعنی وجود و مسائل آن مربوط باشد. فلسفه- بنیادی
- ۴۸- از جمله منابع حکمت متعالیه :: فلسفه مشاء، -حکمت.....، اسلامی اشراق- اشراق
- ۴۹- فلسفه ملاصدرا یا همان «.....» دارای اصول و پایه هایی است که تا عصر وی یا اساساً کسی بدان نرسیده بود. حکمت متعالیه
- ۵۰- اصول اولیه حکمت متعالیه ۱- اصلت وجود ۲- وحدت.....۳- مراتب داشتن..... وجود- وجود
- ۵۱- اصلت وجود: این اصل بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا است که بر سایر مباحث فلسفی او اثر عمیق گذاشته و به آنها رنگ و بوی «.....» بخشیده است. اصلت وجودی
- ۵۲- اصلت وجود: این اصل بنیادی ترینملاصدرا است که بر سایر مباحث..... او اثر عمیق گذاشته و به آنها رنگ و بوی «فلسفی» بخشیده است. اصل فلسفی- فلسفی
- ۵۳- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا که بر سایر مباحث فلسفی او تأثیری عمیق داشته..... است. اصلت وجود
- ۵۴- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا که بر سایر مباحث فلسفی او تأثیری عمیق داشته و به آنها رنگ و بوی «اصلت وجودی» بخشیده است. به همین جهت گاهی فلسفه صدرایی «.....» هم می خوانند. فلسفه اصلت وجودی
- ۵۵- «اصلت» در این بحث (اصلت وجود) به معنای «.....» است. در مقابل این معنای از اصلت، کلمه «.....» قرار دارد. واقعی بودن- اعتباری
- ۵۶- مقصود ملاصدرا از وجود اصیل است، این است که وجود، یک امرو بیرون از..... است. واقعی- ذهن
- ۵۷- برخی از فیلسوفان، از جمله میرداماد که استاد ملاصدرا بود، گفتند آن امرو خارجی، مصداق است نه وجود واقعی- ماهیت
- ۵۸- برخی از فیلسوفان گفتند امر واقعی و خارجی، مصداق ماهیت است نه وجود؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود. پس «اصلت» باماهیت است. و وجود یک مفهومو..... است. انتزاعی ذهنی- اعتباری
- ۵۹- این «انسان» همان ماهیت است که واقعی است، نه وجود انسانی. کسانی از فلاسفه که این نظر را پذیرفتند «.....» نامیده شدند. اصلت ماهیتی
- ۶۰- شاگرد قدرتمند میرداماد (یعنی ملاصدرا) با کمال تواضع و فروتنی نسبت به استاد خود، موضعی دیگر گرفت و نظر دیگری ابراز کرد و گفت از میان این دو مفهوم «وجود» است کهو..... است. اصیل- واقعی
- ۶۱- (به اعتقاد ملاصدرا) واقعیت خارجی، مابازاء و مصداق است. پس اصلت دارد، نه ماهیت. وجود- وجود
- ۶۲- او می گفت (ملاصدرا) آنچه ما در خارج می یابیم، از آسمان و درخت و آب و حیوان و انسان، همه مصداق وجودند.
- ۶۳- (بنابر اعتقاد ملاصدرا) جهان، چیزی جز «.....» و حقیقت نیست. وجود- وجود
- ۶۴- بنیان دوم فلسفه صدرایی «.....» است. وحدت وجود
- ۶۵- او می گوید (ملاصدرا) هستی یک حقیقت و یک می باشد و آنچه از..... در جهان مشاهده می کنیم، دلیل بر وجودهای مختلف و متکثر نیست، بلکه معنای دیگری دارد. واحد حقیقی- کثرت
- ۶۶- ترجیع بند هاتف اصفهانی (که یکی هست و هیچ نیست جز او) وحده لا اله الا هو) یک ترجیع بند عرفانی است و عقیده..... را در «.....» به تصویر می کشد. عرفا- وحدت وجود
- ۶۷- عارفان از دیر باز معتقد بودند که هستی یکی است و یک است و..... جهان اصلت ندارند. حقیقت - کثرت های
- ۶۸- عارفان که این حقیقت (وحدت وجود) را از طریق به دست آورده بودند، برای اثبات نظر خود کمتر به استدلال متوسل می شدند و بیشتر از طریق به دیگران می رساندند. شهود عرفانی- تمثیل و تشبیه
- ۶۹- آنان (عرفا) می گفتند نسبت حقیقت به این که می بینیم، مانند نسبت آب دریا به امواج است. وجود- کثرت هایی

۷۰- عرفا می گویند: درت وانسان وخورشید وجمله این امور گوناگون مانند همان موج اند که از خود.....و.....جدای از خداوند ندارند و جز خدا، چیزی در عالم نیست. هویتی - وجودی

۷۱- ملاصدرا که خود از.....برجسته بود و این وحدت را کرده بود می خواست که این حقیقت را با برهان فلسفی برای دیگران اثبات نماید. عارفان - شهود

۷۲- ملاصدرا که خود از عارفان برجسته بود و این وحدت را شهود کرده بود می خواست که این حقیقت را با برای دیگران اثبات نماید. برهان فلسفی

۷۳- از هر واقعیتی دو مفهوم به دست می آوریم: وجود- ماهیت

۷۴- مفهوم ماهیت، در هر شیئی با شیء دیگر..... است. متفاوت

۷۵- مفهوم وجود در همه اشیاء..... است. یعنی مفهوم وجود میان همه اشیاست. یکی- مشترک

۷۶- ملا صدرا گفت: حال که واقعیت داشتن واصلت با وجود است، نه باماهیت، و وجود مشترک و واحد میان همه اشیاست، پس..... یکی بیش نیست و جایی برای واقعی در عالم وجود ندارد. حقیقت- تکثر

۷۷- ملا صدرا گفت: واقعیت داشتن واصلت با است، نه باماهیت، و مشترک و واحد میان همه اشیاست. وجود - وجود

۷۸- اکنون ملاصدرا با..... خود به همان حقیقتی رسیده بود که عارفان با شهود دیده بودند و به زبان شعر می سرودند. سلوک عقلی- استدلالی

۷۹- مراتب وجود: تبیین دقیق در عالم است. تعدد- تکثر

۸۰- از نظر ملاصدرا، باینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و است. شدت- ضعف

۸۱- وجود که حقیقت واحدی است، در خود دارای مراتبی می شود تجلیات - ظهورهای

۸۲- وجود که حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهور خود دارای مراتبی می شود و هر مرتبه ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت است. واحد- یگانه

۸۳- در فلسفه صدرایی، «.....» که محور فلسفه مشائی بود و «.....» که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می رسند و یکی می شوند و یک معنا و هویت می یابند. وجود- نور

۸۴- در فلسفه صدرایی، «وجود» که محور فلسفه بود و «نور» که اساس فلسفه..... بود به هم می رسند و یکی می شوند و یک معنا و هویت می یابند. مشائی - اشراقی

سوالات نهایی

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۱- «وجود» که محور فلسفه مائی و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بودند، در فلسفه..... به هم رسیده و یکی

شده. (خرداد ۱۴۰۰)

۲- صدر المتألهین در مکتب فلسفی خویش سه طریق برهان عقلی، و..... را با هم ترکیب نموده و شیوه ای یگانه

در تحقیق فلسفی به وجود آورده است؟ (اسفند ۸۷) شهود قلبی - وحی قرآنی

۳- پیروان اصالت ماهیت را نتیجه انتزاع ذهن می دانند. (دی ۹۸) وجود

۴- طبق نظر ملاصدرا، مصداق مفهوم اصیل است. (شهریور ۹۸) وجود

۵- طبق نظر ملاصدرا، مفهوم..... دارای اصالت است، در حالی که مفهوم... اعتباری می باشد. (دی ۹۷) وجود- ماهیت

۶- «وجود» که محور فلسفه مشائی و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بودند، در فلسفه به هم رسیده و یکی شدند.

(خرداد ۱۴۰۰) صدرائی (یا ملاصدرا یا حکمت متعالیه)

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید

- ۸۵- اگر از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم رادوره متقدم بدانیم و از قرن پنجم تا دهم دوره میانه خواهد بود. صحیح
- ۸۶- بزرگترین فیلسوف دوره متقدم ابن سیناست. غلط
- ۸۷- ابن سینا در ابتدای دوره میانه طلوع کرده است. صحیح
- ۸۸- از قرن ششم تا قرن سیزدهم دوره میانه است. غلط
- ۸۹- فلسفه در همان ابتدا رقیبی به نام علم کلام نداشت. غلط
- ۹۰- دانشمندان علم کلام را متکلمین می گویند. صحیح
- ۹۱- عرفا می خواستند از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع کنند. غلط
- ۹۲- بسیاری از متکلمان با فلسفه موافق بودند و از فیلسوفان انتقاد نمی کردند. غلط
- ۹۳- برخی انتقادهای متکلمین آن قدر شدید بود که مانع گسترش فلسفه در میان مردم شده و فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند. صحیح
- ۹۴- در ایران انتقادات به فلسفه تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند. صحیح
- ۹۵- در اصفهان، علم و دانش رونق گرفت و فیلسوفان یزرگی ظهور کردند که سبب شد فلسفه وارد مرحله جدیدی شود. صحیح
- ۹۶- میراماد، شیخ بهایی، میر فندرسکی و ملاصدرا از فیلسوفان بزرگ عصر صفویه هستند. صحیح
- ۹۷- ملاصدرا به عالی ترین مراتب حکمت نرسید. غلط
- ۹۸- میر داماد، بنیانگذار حوزه فلسفی اصفهان بود. صحیح
- ۹۹- مشرب فلسفی شیخ بهائی و میر داماد در عرفان و انوار قلبی روح و جان ملاصدرا با ذوق و عرفان آشنا کرد. صحیح
- ۱۰۰- ملاصدرا پس از تکمیل تحصیلات و کسب مقام استادی به شیراز بازگشت. و تدریس را در مدرسه خان شیراز آغاز نمود. صحیح
- ۱۰۱- ملاصدرا تمام عمرش را به تفکر و عبادت و سیر و سلوک روزگار گذراند. غلط
- ۱۰۲- خلوت گزینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت ها و ریاضت ها به تدریج عقل و جان صدرالدین را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت. صحیح
- ۱۰۳- ملا صدرا آنچه را پیش از آن به برهان فرا گرفته بودند نتوانست از راه شهود قلبی به نحو برتر مشاهده کند. غلط
- ۱۰۴- «الشواهد الربوبیه» و «تفسیر القرآن الکریم» و «المبدء والمعاد» هر سه از تالیفات علامه طباطبائی است. غلط
- ۱۰۵- مهم ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا «الشواهد الربوبیه» می باشد. غلط
- ۱۰۶- الاسفار الاربعه دایره المعارف فلسفی ملاصدرا است. غلط
- ۱۰۷- الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، به «اسفار» مشهور است. صحیح
- ۱۰۸- کتاب اسفار در نه جلد به چاپ رسیده، با الهام از سفرهای چهار مرحله ای عارفان در چهار بخش تالیف و تنظیم شده است. صحیح
- ۱۰۹- ملاصدرا با الهام از سفر چهار مرحله ای عارفان، کتاب اسفار اربعه را تقسیم بندی و تنظیم کرده است. صحیح
- ۱۱۰- فلاسفه معتقدند که سیر و سلوک انسان به سوی کمال و تا رسیدن به کمال نهایی در چهار سفر انجام می شود. صحیح
- ۱۱۱- سفر اول، از چهار سفر سیر و سلوک عرفا، سفر از خلق به حق (خدا) است. صحیح
- ۱۱۲- سفر دوم، از سفرهای چهارگانه سیر و سلوک عرفا، سفر با حق و در حق است. غلط
- ۱۱۳- سفر سوم، از سفرهای چهارگانه سیر و سلوک عرفا، سفر از حق (خدا) به سوی خلق، با حق است. صحیح
- ۱۱۴- سفر چهارم، از سفرهای چهارگانه سیر و سلوک عرفا، سفر در خلق است با حق صحیح
- ۱۱۵- در سفر اول، از سفرهای چهارگانه سیر و سلوک عرفا، سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. صحیح
- ۱۱۶- در سفر دوم از سفرهای چهارگانه عرفا، سالک به سوی خلق بازمی گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می یابد. غلط

- ۱۱۷- درسفر سوم از سفرهای چهارگانه عرفا، سالک می کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید. غلط
- ۱۱۸- درسفر چهارم از سفرهای چهارگانه عرفا، سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید. غلط
- ۱۱۹- ملاصدرا مباحث عمومی فلسفه در بخش اول کتاب اسفار قرار داده است. صحیح
- ۱۲۰- ملاصدرا بعد از مباحث عمومی فلسفه، مباحث مربوط به توحید و صفات الهی می پردازد. صحیح
- ۱۲۱- ملاصدرا بخش چهارم کتاب اسفار را به افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی اختصاص داده است. غلط
- ۱۲۲- ملاصدرا بخش سوم کتاب اسفار را به «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تارسیدن به مرحله معاد اختصاص داده است. غلط
- ۱۲۳- حکمت متعالیه نتیجه تکاملی دومشرب گذشته فلسفه مشاء و فلسفه اشراق است و نیز انس دائمی ملا صدرا با وحی الهی و قرآن کریم بود. صحیح
- ۱۲۴- فلسفه ملاصدرا ترکیبی از فلسفه مشاء و فلسفه اشراق است. غلط
- ۱۲۵- فلسفه ملاصدرا به نام حکمت متعالیه نتیجه تکاملی، فلسفه مشاء و فلسفه اشراق و انس دائمی با وحی الهی و قرآن کریم بود. صحیح
- ۱۲۶- در شخصیت وجودی ملا صدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی باهم الفت یافته است. صحیح
- ۱۲۷- بهره مندی ملاصدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه ملاصدرا را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی ساخت. غلط
- ۱۲۸- از جمله منابع حکمت متعالیه فلسفه مشاء بود به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا بود. صحیح
- ۱۲۹- حکمت اشراق و اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی از منابع حکمت متعالیه ملاصدرا نبود. غلط
- ۱۳۰- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی جایی در حکمت متعالیه نداشت. غلط
- ۱۳۱- تعلیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار (ع) از جمله منابع حکمت متعالیه هستند. صحیح
- ۱۳۲- حکمت متعالیه دارای اصول و پایه هایی است که قبل از عصر ملاصدرا طرح شده بود. غلط
- ۱۳۳- اصالت وجود بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا است. صحیح
- ۱۳۴- اصالت وجود بر سایر مباحث فلسفی ملاصدرا اثر عمیق نگذاشته و به آنها رنگ و بوی «اصالت وجودی» نبخشیده است. غلط
- ۱۳۵- چون اصالت وجود بر سایر مباحث فلسفی ملاصدرا تاثیر عمیق گذاشته لذا گاهی به فلسفه صدرایی «فلسفه اصالت وجودی» هم گفته می شود. صحیح
- ۱۳۶- «اصالت» در بحث اصالت وجود، به معنای «واقعی بودن» نیست. غلط
- ۱۳۷- در مقابل اصالت به معنای واقعی بودن، کلمه «اعتباری» قرار دارد. صحیح
- ۱۳۸- مقصود ملاصدرا از وجود اصیل است، این است که وجود، یک امر واقعی و بیرون از ذهن است. صحیح
- ۱۳۹- برخی از فیلسوفان، از جمله میرداماد معتقدند که امر واقعی و خارجی، مصداق ماهیت است نه وجود. صحیح
- ۱۴۰- برخی از فیلسوفان از جمله میرداماد، گفتند که اصالت با ماهیت است و وجود، صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است. صحیح
- ۱۴۱- کسانی از فلاسفه که معتقدند، وجود، صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است «اصالت وجودی» نامیده شدند. غلط
- ۱۴۲- ملاصدرا معتقد است که «وجود» اصیل و واقعی است واقعیت خارجی ف مابازاء و مصداق وجود است. صحیح
- ۱۴۳- طبق دیدگاه ملاصدرا آنچه در خارج می یابیم، از آسمان و درخت و آب و حیوان و انسان، همه مصداق ماهیت اند. غلط
- ۱۴۴- بنیان دوم فلسفه صدرایی «اصالت وجود» است. غلط
- ۱۴۵- ملاصدرا می گوید هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی می باشد و آنچه از کثرت در جهان مشاهده می کنیم، دلیل بر وجودهایی مختلف و متکثر نیست بلکه معنای دیگری دارد. صحیح
- ۱۴۶- ترجیع بند هائف اصفهانی «که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو» یک ترجیع بند فلسفی و عقیده فلاسفه رادر «وحدت وجود» به تصویر می کشد. غلط
- ۱۴۷- عرفا از دیر باز معتقد بودند که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارد. صحیح

۱۴۸- عرفا این حقیقت را که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارد از طریق شهود عرفانی به دست آورده بودند. صحیح

۱۴۹- عرفا برای اثبات نظر خود که هستی یکی است و یک حقیقت است ، کمترین استدلال متول می شدند و بیشتر از طریق تمثیل و تشبیه به دیگران می رساندند. صحیح

۱۵۰- فلاسفه می گفتند نسبت حقیقت وجود به این کثرت هایی که می بینیم، مانند نسبت آب دریا به امواج است. غلط

۱۵۱- ملاصدرا که خود از عارفان برجسته بود و وحدت وجود را شهود کرده بود، می خواست که این حقیقت را با برهان فلسفی برای دیگران اثبات نماید. صحیح

۱۵۲- مفهوم ماهیت درهرشیئی با شیء دیگر متفاوت است. صحیح

۱۵۳- ملاصدرا این نکته که مفهوم درهرشیئی باشیئی دیگر متفاوت نیست را با اصالت وجود تلفیق کرد. غلط

۱۵۴- ملاصدرا گفت که حال که واقعیت داشتن واصلت با وجود است ، نه با ماهیت ، وجود هم امرمشترک و واحد همه اشیاست. صحیح

۱۵۵- حقیقت، یکی بیش نیست وجایی برای تكثر واقعی درعالم وجود ندارد. صحیح

۱۵۶- ملاصدرا باسلوک عقلی واستدلالی خود به همان حقیقتی رسیده بود که عارفان باشهود دیده بودند. صحیح

۱۵۷- مراتب داشتن وجود اصل دوم از حکمت متعالیه ملاصدرا است. غلط

۱۵۸- از نظر ملاصدرا، باینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت وضعف است. صحیح

۱۵۹- در فلسفه صدرایی «وجود» که محور فلسفه مشائی بود و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می رسند و یکی می شوند و یک معنا و هویت می یابند.

۱۶۰- ازدیدگاه ملاصدرا، وجود حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی می شود و هر مرتبه ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است. صحیح

سوالات نهایی

۱- از نظر ملاصدرا «وجود» اصیل است و واقعیت خارجی ، ما بازاء و مصداق « وجود» می باشد. (خرداد ۱۴۰۱) درست

۲- از نظر ملاصدرا، وجود حقیقتی واحد است ؛ پس جایی برای تكثر واقعی در عالم وجود ندارد. (دی ۱۴۰۰) درست

سوالات کوتاه پاسخ

۱۶۱- رقیب همیشگی فلسفه ، کدام علم بود؟ علم کلام

۱۶۲- دانشمندان علم کلام را چه می نامند؟ وجه کسانی با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند؟ متکلمین

۱۶۳- متکلمین از چه طریقی می خواستند از معارف دینی دفاع کنند؟ از طریق عقل واستدلال

۱۶۴- چه عاملی پس از ابن سینا ، فلسفه را در بخش هایی از اسلام به رکود کشاند؟ انتقادهای متکلمان از فیلسوفان

۱۶۵- در چه سرزمینی ، انتقادهای متکلمان ، تأثیر کمتری داشت و فلسفه همچنان زنده ماند؟ ایران

۱۶۶- چهار فیلسوف بزرگ دوره صفویه رانام ببرید؟ میرداماد- شیخ بهایی - میرفندرسکی- ملاصدرا

۱۶۷- صدرالمتالهین لقب کدام فیلسوف مسلمان دوره صفویه است؟ محمدبن قوامی شیرازی معروف به ملاصدرا

۱۶۸- صاحب حکمت متعالیه کدام فیلسوف مسلمان است؟ ملاصدرا

۱۶۹- بنیانگذار حوزه فلسفی ف دذر زمان ملاصدرا کیست؟ میرداماد

۱۷۰- دوتن از استادان ملاصدرا رانام ببرید؟ شیخ بهایی- میرداماد

۱۷۱- ملاصدرا به پیشنهاد چه کسی در فلسفه میرداماد وارد شد؟ شیخ بهایی

۱۷۲- بنیانگذار حوزه فلسفی اصفهان چه کسی بود؟ میرداماد

۱۷۳- ملاصدرا بخاطر آزار و اذیت رقیبان ، مجبور شد عازم کدام شهر شود ، چند سال آنجا ماند و به چه کاری مشغول شد؟ عازم قم شد و در روستای کهک حدود ۱۵ سال از عمرش را به تفکر و عبادت و سیر و سلوک روزگار گذراند.

- ۱۷۴- تالیفات ملاصدرا نام ببرید؟ الشواهد الربوبیه- تفسیر القرآن الکریم- المبدء والمعاد- الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه
- ۱۷۵- نویسنده کتاب الشواهد الربوبیه کیست؟ ملاصدرا
- ۱۷۶- مهمترین ومشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا را بنویسید؟ الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه
- ۱۷۷- موضوع کتاب الاسفار الاربعه چیست؟ یک دائره المعارف فلسفی است
- ۱۷۸- کتاب الاسفار الاربعه ملاصدرا با الهام از چه موضوعی تقسیم بندی وتنظیم شده است؟ با الهام از سفر چهارمرحله ای عارفان
- ۱۷۹- کدام کتاب ملاصدرا با الهام از سفر چهارمرحله ای عارفان تقسیم بندی وتنظیم شده است؟ الاسفار الاربعه
- ۱۸۰- کتاب الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه ملاصدرا به چه نامی مشهور است؟ اسفار
- ۱۸۱- به اعتقاد عرفا سیروسلوک به چه سمت وسویی ودر چندمرحله انجام می گیرد؟ به سوی کمال وتارسیدن به کمال نهایی در چهارمرحله انجام می شود.
- ۱۸۲- بنابر اعتقاد عرفا سیروسلوک انسان به سوی کمال ، در چهارمرحله انجام می گیرد آنها را نام ببرید؟ سفر اول، سفر از خلق به حق (خدا) سفر دوم، سفر باحق ودر حق سفر سوم، سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه باحق است سفر چهارم، سفر در خلق است باحق
- ۱۸۳- درسفر اول از اسفار چهارگانه عرفا، سالک این راه چه تلاش وکوششی می کند؟ در این سفر سالک می کوشد از طبیعت وعوالم ماورای طبیعت عبور کند وبه حق واصل شود ومیان او وخدا حجابی نباشد.
- ۱۸۴- در کدام سفر از سفرهای چهار گانه سیروسلوک عرفا، سالک می کوشد از عوالم ماورای طبیعت عبور کند وبه حق واصل شود؟ سفر اول
- ۱۸۵- ملاصدرا در بخش اول کتاب اسفار خود، چه موضوعی را قرارداده است؟ مباحث عمومی فلسفه
- ۱۸۶- سالک درسفردوم از اسفار چهارگانه عرفا، سفر چه کوششی می کند؟ می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء وصفات خداوند نماید.
- ۱۸۷- در کدام سفر از سفرهای چهار گانه سیروسلوک عرفا، سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء وصفات خداوند نماید؟ سفردوم
- ۱۸۸- ملاصدرا بخش دوم کتاب اسفار خود، رابه موضوعی اختصاص داده است؟ مباحث مربوط به توحید وصفات الهی
- ۱۸۹- درسفرسوم از سفرهای چهارگانه عرفا، سالک این راه چه تلاشی می کند؟ در این سفر سالک به سوی خلق باز می گردد درحالی که به حق توجه دارد وهمه چیز رامظهر وجلوه او می یابد.
- ۱۹۰- ملاصدرا بخش سوم کتاب اسفار خود را به چه موضوعی اختصاص داده است؟ افعال خداوند وربوبیت وحکمت الهی
- ۱۹۱- درسفر چهارم از سفرهای چهارگانه سیروسلوک عرفا، سالک طریق چه تلاشی می کند؟ در این سفر سالک می کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند وآنها را نیز سالک راه حق نماید.
- ۱۹۲- ملاصدرا بخش چهارم کتاب اسفار خود را به چه موضوعی اختصاص داده است؟ علم النفس ومراحل شسکل گیری آن تارسیدن به مرحله معاد
- ۱۹۳- فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت آن را رسما چه نانی؟ حکمت متعالیه
- ۱۹۴- حکمت متعالیه ملاصدرا نتیجه تکاملی کدام مشرب های فلسفی گذشته است؟ فلسفه مشاء - فلسفه اشراق ونیزانس دائمی وی با وحی الهی وقرآن کریم
- ۱۹۵- مشرب فلسفی ملاصدرا چه نام دارد؟ وبانی آن کیست؟ حکمت متعالیه خود ملاصدرا
- ۱۹۶- در شخصیت وجودی ملاصدرا کدام ابزارهای معفرت باهم الفت یافته اند؟ برهان عقلی وشهود قلبی و وحی قرآنی
- ۱۹۷- منابع حکمت متعالیه را نام ببرید؟ ۱- فلسفه مشاء ۲- حکمت اشراق ۳- عرفان اسلامی ۴- تعلیم قرآن کریم واحادیث (پیامبر(ص) واهل بیت (ع)
- ۱۹۸- اصول اولیه حکمت متعالیه ملاصدرا را نام ببرید؟ ۱- اصالت وجود ۲- وحدت حقیقت وجود ۳- مراتب داشتن وجود
- ۱۹۹- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا که بر سایر مباحث فلسفی اواثر عمیق گذاشته وبه آنها رنگ وبوی «اصالت وجودی» بخشیده کدام است؟ اصالت وجود
- ۲۰۰- کدامیک از اساتید ملاصدرا ، معتقد بود که امرواقعی و خارجی ف مصداق ماهیت است نه وجود؟ میرداماد

- ۲۰۱- بنابراین عقیده می‌رداماد، امر واقعی و خارجی مصداق ماهیت است یا وجود، و به تعبیری اصالت باماهیت است یا وجود؟ آن امر واقعی و خارجی، مصداق ماهیت است، نه وجود؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود پس «اصالت» باماهیت است نه وجود
- ۲۰۲- شاگرد می‌رداماد که معتقد به اصالت وجود است رانام ببرید؟ ملاصدرا
- ۲۰۳- بنابراین اعتقاد ملاصدرا اصالت یا ماهیت است یا وجود و واقعیت خارجی مصداق و مابازاء کدامیک است؟ ملاصدرا می‌گوید که اصیل واقعی وجود است. واقعیت خارجی، مابازاء و مصداق وجود است.
- ۲۰۴- بنابراین دیدگاه ملاصدرا آنچه ما در خارج می‌یابیم همه مصداق کدام مفهوم هستند؟ وجود
- ۲۰۵- بنیان دوم فلسفه صدرایی چیست؟ وحدت وجود
- ۲۰۶- این ترجیع بندهاتف اصفهانی «که یکی هست و هیچ نیست جز او» وحده لاله الهو» عقیده عرفا در چه خصوص به تصویر می‌کشد و چگونه ترجیع بندی است؟ ترجیع بندی عرفانی و عقیده عرفا را در «وحدت وجود» به تصویر می‌کشد.
- ۲۰۷- دیدگاه عارفان در مورد هستی و کثرت های جهان بنویسید؟ متعند که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارند.
- ۲۰۸- عارفان این حقیقت را که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارند، چگونه به دست آورده اند؟ از طریق شهود عرفانی
- ۲۰۹- عارفان این حقیقت که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارند چگونه اثبات نموده اند؟ عارفان برای اثبات نظر خود کمتر به استدلال متوسل می شدند و بیشتر از طریق تمثیل و تشبیه به دیگران می رساندند.
- ۲۱۰- ملاصدرا می‌خواست وحدت حقیقت وجود را که خود شهود کرده بود چگونه برای دیگران اثبات نماید؟ با برهان فلسفی
- ۲۱۱- از هر واقعتی چند مفهوم به دست می‌آوریم؟ دو مفهوم وجود و ماهیت
- ۲۱۲- از میان دو مفهوم ماهیت و وجود کدامیک، مشترک میان همه اشیا است؟ مفهوم وجود
- ۲۱۳- ملاصدرا حقیقتی را که عارفان باشهود دیده بودند، چگونه به آن رسید؟ با سلوک عقلی و استدلالی
- ۲۱۴- کدام اصل از اصول حکمت متعالیه تبیین دقیق تعدد و کثرت در عالم است؟ اصل مراتب داشتن وجود
- ۲۱۵- در مقام تشبیه، حقیقت واحد مانند چیست؟ مانند یک کانون نور در خشان که دوری و نزدیکی به کانون برابر است با شدت و ضعف که سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در آن می‌گردد.
- ۲۱۶- محور فلسفه مشائی و فلسفه اشراقی چیست؟ وجود- نور
- ۲۱۷- در فلسفه صدرا محور و اساس کدام فلسفه ها به هم می‌رسند و یکی می‌شوند؟ «وجود» که محور فلسفه مشائی بود و «نور» که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می‌رسند و یک معنا و هویت می‌یابند.

سوالات نهایی

- ۱- نویسنده کتاب شواهد الربوبیه کیست؟ (شهریور ۹۸) ملاصدرا
- ۲- کدام گزینه از آثار ملاصدرا می‌باشد؟ ۱- الشواهد الربوبیه ۲- عدل الهی (خرداد ۱۴۰۱) ۱- الشواهد الربوبیه
- ۳- دو مورد از منابع حکمت متعالیه را نام ببرید؟ شهریور ۴۰۲ فلسفه مشاء- حکمت اشراق- عارفان اسلامی- تعالیم قرآن

کریم و احادیث

سوالات تشریحی

- ۲۱۸- دوره متقدم و دوره متأخر در تفکر عقلانی اسلامی به چه دوره هایی اطلاق می‌شود؟ می‌توان از آغاز ظهور اسلام تا ابتدای حکومت صفویان را دوره متقدم بدانیم و از عصر صفویه تا دوره معاصر را دوره متأخر بشماریم
- ۲۱۹- آغاز حکومت صفویه در ایران چه نتایج و پیامدهای مهم فلسفی به همراه داشت؟ پس از دوره ای طولانی از کشمکش های اجتماعی که در پی حمله مغول پیش آمد، با آغاز حکومت صفویه، ایران به نوعی ثبات و پایداری رسید همین امر سبب شد که در پایتخت صفویان، یعنی اصفهان، علم و دانش رونق بگیرد و فیلسوفان بزرگی ظهور کنند و فلسفه وارد مرحله جدیدی شود.

۲۲۰- مشرب فلسفی شیخ بهائی و میرداماد چه تأثیری بر ملاصدرا گذاشت؟ مشرب این دو استاد گران قدر که علاوه بر علوم روز، در عرفان و انوار قلبی هم از نوادر روزگار بودند، روح و جان ملاصدرا را با ذوق و عرفان نیز آشنا و دمساز کرد. در این دوره بود که صدرا به درک جدیدی از علم و معرفت نائل شد.

۲۲۱- چه عاملی فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از ایران به رکود کشاند؟ بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند. برخی از این انقادهای آن قدر شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند.

۲۲۲- خلوت گزینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت ها و ریاضت ها چه تأثیری بر ملاصدرا گذاشت؟ به تدریج عقل و جان صدر الدین را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت انوار حکمت بر او تأیید و الطاف الهی پیوسته بر وی جاری گشت، اسرار و رموزی بر او آشکار شد که آن زمان آشکار نشده بود.

۲۲۳- مشرب فلسفی ملاصدرا را توضیح دهید؟ فلسفه ای که ملا صدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «حکمت متعالیه» نامید، نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته، فلسفه مشاء و فلسفه اشراق و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملا صدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته اند و از این الفت، فلسفه ای برآمده که سرآمد فلسفه های قبل است.

۲۲۴- باتوجه به دیدگاه ملاصدرا، میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا یک سخن چیست؟ اولاً: هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بماهو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد ثانیاً: متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان قلبی

۲۲۵- چرا بهره مندی ملا صدرا از عرفان یا وحی قرآنی، فلسفه وی را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نمی سازد و به عرفان یا کلام تبدیل نمی کند؟ زیرا وی در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن این است که اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بماهو موجود مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیاً: متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی

۲۲۶- منابع حکمت متعالیه را نام ببرید؟ ۱- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا ۲- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی ۳- عرفان اسلامی؛ به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی ۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار

۲۲۷- اصول اولیه و پایه های حکمت متعالیه ملاصدرا، چند نوع هستند توضیح دهید؟ دو نوع: ۱- تاعصر وی یا اساساً بدان نرسیده و ابتکار خود ملاصدرا بود ۲- ملاصدرا آنها را در کنار هم قرار داد و ترکیبی فراهم آورد که به وسیله فیلسوف دیگری انجان نپذیرفته بود.

۲۲۸- نظریه اصالت وجود چه جایگاهی در در فلسفه ملا صدرا دارد؟ (چراگاهی فلسفه صدرایی را فلسفه اصالت وجودی می خوانند؟) این اصل، بنیادی ترین اصل فلسفی ملا صدرا است که بر سایر مباحث فلسفی او اثر عمیق گذاشته و به آنها رنگ و بوی «اصالت وجودی» بخشیده است به همین جهت گاهی فلسفه صدرایی را «فلسفه اصالت وجودی» هم می خوانند.

۲۲۹- از اصول حکمت متعالیه «اصالت وجود» را با ذکر مثال توضیح دهید؟ ملاصدرا موضعی دیگر نسبت به میرداماد گرفت و گفت از میان این دو مفهوم، «وجود» است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی، ماباء و مصداق وجود است. پس وجود اصالت دارد، نه ماهیت. او می گفت: آنچه مادر خارج می یابیم، از آسمان و درخت و آب و حیوان و انسان، همه مصداق وجودند؛ البته وجودهایی متفاوت و با نقص و کمالات متفاوت. ذهن انسان، وقتی به این وجودهای متفاوت نظر می کند، متناسب با تفاوت ها و خصوصیات هر کدام از آنها، تصورات و مفاهیمی از قبیل آسمان، درخت، آب، حیوان و انسان انتزاع می نماید و تفاوت آن وجودها را با این تصورات و مفاهیم و نام گذاری ها مشخص می سازد و الا آنچه در خارج است، وجود است. بنابراین جهان چیزی جز «وجود» و حقیقت وجود نیست.

۲۳۰- چه عواملی باعث شد که ملا صدرا نظریه اصالت وجود را بدهد؟ این که ابن سینا گفته بود که از هر شیء خارجی که با آن مواجه می شویم، دو مفهوم «هستی» و «چیستی» یا «وجود» و «ماهیت» رابه دست می آوریم.

۲۳۱- مقصود ملاصدرا از اصیل بودن چیست و معنای اعتباری بودن را بنویسید؟ «اصالت» به معنای «واقعی بودن» است. در مقابل این معنای از اصالت، کلمه «اعتباری» قرار دارد که در اینجا، به واقعی و خارجی نبودن است. مقصود ملاصدرا از وجود اصیل است، این است که وجود، یک امر واقعی و بیرون از ذهن است.

۲۳۲- ویژگی های اصالت وجود حکمت متعالیه ملاصدرا کدامند؟ ۱- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا ۲- بر سایر مباحث فلسفی ایشان اثر عمیق گذاشته و به آنها رنگ و بوی اصالت وجودی بخشیده است

۲۳۳- بیت شعری که اصالت وجود را نشان دهد رابنویسید و مفهوم آن را ذکر نمایید؟ وجود اندر کمال خویش جاری است تعین ها امور اعتباری است مفهوم بیت: همه عالم واقع را «وجود» پر کرده است و این «وجود» مراتب کمالی مختلفی دارد.

۲۳۴- نظریه «وحدت حقیقت وجود» را از نظر ملا صدرا توضیح دهید؟ بنیان دوم فلسفه صدرایی «وحدت وجود» است. او می گوید هستی یک حقیقت و یک واحد حقیقی می باشد و آنچه از کثرت در جهان مشاهده می کنیم ، دلیل بر وجودهای مختلف و متکثر نیست، بلکه به معنای دیگری دارد ملاصدرا این نکته که « ماهیت هر شیء باشیء دیگر متفاوت است ولی مفهوم وجود در همه اشیاء یکی است» را با اصل اصالت وجود خود تلفیق کرد و گفت : حال که واقعیت داشتن و اصالت با وجود است ، نه با ماهیت ، و وجود امر مشترک و واحد میان همه اشیاست، پس حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تکثر واقعی در عالم وجود ندارد.

۲۳۵- استدلال ملاصدرا را برای وحدت وجود بیان کنید؟ ملاصدرا این نکته ابن سینا را که « ماهیت هر شیء باشیء دیگر متفاوت است ولی مفهوم وجود در همه اشیاء یکی است» با اصل «اصالت وجود» خو تلفیق کرد و گفت: حال که واقعیت داشتن و اصالت با وجود است ، نه ماهیت و وجود هم امر مشترک و واحد میان همه اشیاست ، پس حقیقت ، یکی بیش نیست و جایی برای تکثر واقعی در عالم وجود ندارد

۲۳۶- هاتف اصفهانی در باب «وحدت وجود» کدام بیان عرفانی را گفته است؟ هاتف اصفهانی ترجیع بند عرفانی مشهوری دارد که عقیده عارفان را در باب «وحدت وجود» به تصویر می کشد . هاتف در آخر هر ترجیع این شعر می گوید:

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

۲۳۷- دیدگاه عارفان در باب «وحدت وجود» بنویسید ؟ ((نکات اعتقاد عارفان در باب «وحدت وجود» رابنویسید))؟ ۱- عارفان از دیرباز به وحدت وجود معتقد بودند ۲- آنان می گفتند که هستی یکی است و یک حقیقت (واحد) است و کثرت های جهان اصالت ندارند ۳- عارفان این حقیقت را از طریق شهود عرفانی به دست آورده بودند. ۴- برای اثبات نظر خود کمترین استدلال متوسل می شدند و بیشتر از طریق تمثیل و تشبیه به دیگران می رساندند.

۲۳۸- یکی از تشبیه های و تمثیل های عارفان برای تبیین «وحدت وجود» رابنویسید؟ نسبت حقیقت وجود به این کثرت هایی که می بینیم، مانند نسبت آب دریا به امواج است. امواج دریا گرچه بسیار متکثر و متفاوت هستند اما همه آنها در حقیقت چیزی جز همان آب دریا نیستند. به همین ترتیب ، درخت و انسان و خورشید و همه این امور گوناگون ، مانند همان موج اند که از خود هویتی و وجودی جدای از خداوند ندارند و جز خدا، چیزی در عالم نیست.

۲۳۹- یکی از تمثیل های عارفان برای «وحدت وجود» از زبان حافظ رابنویسید؟

حسن روی توبه یک جلوه که در آینه کرد این همه نقش در آینه او هام انداخت

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود یک فروغ رخ ساقی است که در جام انداخت

۲۴۰- ملاصدرا چگونه «وحدت وجود» عارفان را برهان اثبات فلسفی نمود؟ (ملاصدرا چگونه توانست به همان حقیقتی دست یابد که عارفان در مورد حقیقت وجود شهود کرده بودند؟) ملا صدرا که خود از عارفان برجسته بود ، وحدت وجود را نیز مانند عرفا شهود کرده بودمی خواست که این حقیقت را برهان فلسفی نیز برای دیگران اثبات نماید. نظریه اصالت وجود، کار او را آسان کرده و راه را برای یافتن استدلال باز و هموار نمود لذا بر داشتن یک قدم کوتاه یعنی قیاس اقترانی، به اثبات فلسفی وحدت وجود دست یافت بنابراین ملاصدرا با سلوک عقلی و استدلالی خود به همان حقیقتی رسید که عارفان باشهود دیده بودند.

۲۴۱- مراتب داشتن وجود که از اصول حکمت متعالیه ملاصدرا می باشد را توضیح دهید؟ مراتب داشتن وجود ، اصل سوم از اصول اولیه حکمت متعالیه است که تبیین دقیق تعدد و تکثر در عالم است. از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات ، مراتب و شدت و ضعف است. وجود که حقیقت واحدی است، در تجلیات و ظهورهای خود دارای مراتبی می شود و هر مرتبه ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، دارای آن حقیقت واحد و یگانه است.

۲۴۲- مراتب داشتن وجود را با تمثیل نور، توضیح دهید؟ حقیقت واحد، مانند یک کانون نور درخشان است که اشعه آن به میزانی که از کانون دور می شوند، ضعیف و ضعیف تر می شوند و همین اختلاف در شدت و ضعف سبب تمایز آن ها از یکدیگر و پیدایش کثرت در آن می گردد به عبارتی، وجود، حقیقتی واحد است ولی این حقیقت واحد در تجلیات و ظهورات خود دارای مراتبی می شود. هر مرتبه ای از وجود، به میزان درجه وجودی خود، ظهور آن حقیقت واحد و یگانه است. همان طور که نور حقیقتی یگانه است ولی شدت و ضعف دارد و شدت و ضعف آن به چیزی جز خود آن نور بر نمی گردد، وجود هم همین گونه است. وجود قوی با چیزی خارج از خود ترکیب نشده است زیرا خارج از وجود، چیزی نیست. وجود ضعیف هم به همین ترتیب با چیزی خارج از خود ترکیب نشده است.

سوالات نهایی

به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید؟

- ۱- «وحدت حقیقت وجود» را از نظر ملاصدرا توضیح دهید؟ (دی ۹۹)
بر اساس اصالت وجود، و واحد بودن وجود، وجود خارجی امری واحد است. و موجودات در حقیقت هستی با هم وحدت دارند.
- ۲- نتیجه اعتقاد به «اصالت وجود» را شرح دهید. (دی ۹۸)
حال که واقعیت داشتن و اصالت با وجود است، نه ماهیت، و وجود هم امر مشترک و واحد میان همه اشیاست، پس حقیقت، یکی بیش نیست و جایی برای تكثر واقعی در عالم وجود ندارد. به عبارتی؛ آنچه در خارج است، وجود است. بنابراین، جهان، چیزی جز «وجود» و حقیقت وجود نیست.
- ۳- مقصود از «اصالت وجود» چیست؟ و «میرداماد» طرفدار اصالت وجود بود یا ماهیت؟ (شهریور ۱۴۰۰)
- ۴- اصل مراتب داشتن وجود در فلسفه ملاصدرا را با ذکر تشبیهی که او به کار برده، توضیح دهید؟ (شهریور ۱۴۰۰)
- ۵- در فلسفه ملاصدرا با توجه به این که هستی یک حقیقت واحد است، تعدد و تكثر در عالم چگونه تبیین می شود (بدون ذکر تشبیه) (خرداد ۱۴۰۰)
- ۶- از نظر ملاصدرا، اختلاف موجودات ناشی از چیست؟ با ذکر تشبیه او را در این زمینه بنویسید؟ (خرداد ۱۴۰۱)
از نظر ملاصدرا با این که هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. در مقام تشبیه این حقیقت واحد مانند یک کانون نور درخشان است.
- ۷- سفر «من الخلق الی الحق» به چه معناست و با کدام مبحث اسفار مطابقت دارد؟ (دی ۹۸)
در سفر از خلق به حق سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. ملاصدرا، مباحث عمومی فلسفه را در بخش اول کتاب خود قرار داده است.
- ۸- مباحث عمومی فلسفه در کتاب اسفار ملاصدرا، با کدام مرحله از سیر و سلوک عرفانی تطبیق می کند؟ توضیح دهید. (دی ۹۹)
از خلق به حق: در این سفر سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد.
- ۹- مبحث چهارم در کتاب «اسفار اربعه» ملاصدرا به چه موضوعاتی اختصاص دارد (سفر چهارم عقلی) (دی ۹۷)
به «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص دارد.
- ۱۰- سفر عرفانی «در خلق با حق» با کدام مباحث کتاب اسفار ملاصدرا تطبیق دارد؟ (خرداد ۱۴۰۱)
با بخش چهارم کتاب «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص دارد.
- ۱۱- منابع حکمت متعالیه را بنویسید. (دی ۹۹ خارج کشور)
- ۱۲- دو مورد از منابع حکمت متعالیه را بنویسید. (شهریور ۹۹)

فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا، حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی، عرفان اسلامی به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی، تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار (ع)

۱۳- «اصالت ماهیت» و «اصالت وجود» را تعریف کنید و یک فیلسوف از طرفداران هریک از این دو نظریه را نام ببرید؟
(خرداد ۱۴۰۰)

اصالت ماهیت: امر واقعی خارجی؛ مصداق ماهیت است؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. میر داماد

۱۴- مقصود از «اصالت وجود» چیست؟ و میرداماد طرفدار اصالت وجود بود یا ماهیت؟ (شهریور ۱۴۰۰)

اصالت وجود: از میان دو مفهوم وجود و ماهیت، «وجود» است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی، مابازاء و مصداق وجود است. پس وجود اصالت دارد، نه ماهیت. طرفدار اصالت ماهیت.

۱۵- «اصالت ماهیت» را تعریف کرده و یک فیلسوف پیرو «اصالت ماهیت» نام ببرید. (دی ۱۴۰۰)

۱۶- معنای «اصالت ماهیت» چیست و کدام فیلسوف اصالت ماهیتی بود؟ (دی ۹۹)

اصالت ماهیت: امر واقعی خارجی، مصداق ماهیت است؛ یعنی آنچه واقعی است ماهیت است نه وجود و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. میر داماد

۱۷- سفر عرفانین از حق به سوی خلق همراه با حق» با کدام مبحث کتاب اسفار ملاصدرا تطبیق می کند؟ خرداد ۴۰۲ افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱۸- مباحث «علم النفس» و «معاد» در کتاب اسفار اربعه ملاصدراف با کدام سفر عرفانی مطابقت دارد؟ شهریور ۴۰۲

۱- سفر در خلق با حق سفر در خلق با حق (سفر چهارم) ۲- سفر از خلق به حق

به سوال های زیر پاسخ کامل بدهید؟

۱۹- با بیان نظر ملا صدرا و میرداماد در زمینه مبحث «اصالت وجود و اصالت ماهیت» تفاوت دیدگاه آن دو را شرح دهید؟
خرداد ۴۰۲

از نظر میر داماد آن امر واقعی و خارجی مصداق ماهیت است نه وجود. یعنی آنچه واقعی است ماهیت است؛ پس اصالت با ماهیت است. و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی و اعتباری است. اما ملاصدرا نظر دیگری ابراز کرد و گفت از میان دو مفهوم وجود و ماهیت، وجود است که اصیل و واقعی است. واقعیت خارجی، مابازاء و مصداق وجود است.

۲۰- ملاصدرا با توجه به کدام اصل از اصول حکمت متعالیه، تعدد و تکثر موجودات را در عالم هستی تبیین می کند؟
شهریور ۴۰۲

اصل مراتب داشتن وجود- از نظر ملاصدرا با اینکه هستی یک حقیقت واحد است اما این حقیقت واحد دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. وجود که حقیقت واحدی است در تجلیات و ظهور های خود دارای مراتبی می شود.

سوالات درس دوازدهم (حکمت معاصر)

جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید

- ۱- تفاوت عمده دوره معاصر بادوره قبل همان ورود.....جدیداروپا به جهان اسلام وازجمله، به کشور می می باشد. فلسفه های
- ۲- ورود فکری و.....که درایران، باآغاز نهضت مشروطه به صورت گسترده ای شروع شده بود، تا به امروز ادامه یافت. فلسفی
- ۳- پس از سقوط دولت صفویان نابسامانی ها، حیات علمی و فرهنگی رابه شدت ضعیف کرد وهمه علوم، ازجمله.....را ازرونق انداخت. فلسفه

- ۴- در اواخر حکومت قاجار که یک جنبش فکری واجتماعی در ایران شکل گرفت در حوزه فرهنگ نیز جنب و جوشی پدیدار شد و مسئله های فکری و فلسفی جدیدی مطرح گردید که زمینه را برای حیات مجدد..... فراهم کرد. فلسفه
- ۵- در این دوره (صفویان) فلسفه های وارد ایران شد توجه علاقه مندان را به خود جلب کرد. اروپایی
- ۶- مواجهه بسیاری از فیلسوفان ایرانی و مدرسان فلسفه در ایران با فلسفه های اروپایی بدین صورت بود که تلاش کردند بابت بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند خود فلسفه های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند. فلسفی
- ۷- از این رو تلاش کردند (فیلسوفان ایرانی) باریگر تدریس فلسفه را که به رکود گراییده بود، احیا کنند و رونق بخشند و دوستان را..... را با اندیشه های چون فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر و ملاصدرا آشنا سازند. فلسفه - فیلسوفانی
- ۸- آنان (فیلسوفان ایرانی دوره معاصر) در همان حال می کوشیدند با بازسازی و نو سازی ذخایر گذشته، غنی تر و پربارتر که ناظر به مسئله های روز جامعه باشد، عرضه نمایند. فلسفی - فلسفه ای
- ۹- امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی از استادان برجسته در عصر حاضر به شمار می آین که به رونق فلسفه در ایران معاصر کمک کردند فلسفه
- ۱۰- امام خمینی در دوره جوانی و در طی حدود ۲۰ سال مهم ترین و عمیق ترین کتاب های فلسفی و عرفانی، مانند ملاصدرا و ابن سینا را تدریس می کرده است. اسفار - شفای
- ۱۱- امام خمینی (ره) برای آموختن و به حضور استادان بزرگ آن زمان، از جمله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی رسید. فلسفه - عرفان
- ۱۲- آیت الله شاه آبادی بزرگ مردی است که در شکل گیری شخصیت امام خمینی (ره) در ابعاد گوناگون و واجتماعی نقش اساسی داشته است. فلسفی - عرفانی
- ۱۳- امام خمینی در شرایطی تدریس فلسفه را در حوزه ها آغاز کرد که بسیاری از بزرگان به شدت با تدریس فلسفه و به خصوص فلسفه مخالف بودند و آن را فلسفه ای می دانستند. صدایی - ضد دینی
- ۱۴- قدرت علمی ایشان (امام خمینی (ره)) به گونه ای بود که در همان سنین جوانی کتاب هایی مانند ملاصدرا را تدریس می کردند. اسفار
- ۱۵- امام خمینی (ره) در همان سنین جوانی کتاب های ارزنده ای در مباحث تألیف کردند مانند: « تعلیقات به شرح فصوص الحکم »، « شرح بر مصباح الانس »، « مصباح الهدایه »، « اراده و طلب »، « شرح دعای سحر »، « سرالصلوه » و عرفانی - آداب الصلوه
- ۱۶- نقل شده است که امام خمینی (ره) در تفکر نبوغ خاصی داشتند و در تدریس حکمت متعالیه، بسیاری از مباحث صدر المتألهین را با بیانی بی نظیر تفسیر می کردند. فلسفی - عرفانی
- ۱۷- شاگردان امام خمینی (ره) معمولاً در علوم عقلی و متبحر بودند و مسائل فکری روز را می دانستند و برای ایجاد یک تحول و فرهنگی پیش قدم بودند. فلسفه - فکری
- ۱۸- استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی بزرگ ترین شخصیت معاصر و وارث حکمای اسلامی است. فلسفی - حکمای
- ۱۹- علامه طباطبائی به محضر استادان بزرگ راه یافت و با همتی بلند درجات عالی علم در فقه، فلسفه، کلام، ریاضیات و برخی علوم دیگر را پیمود و استاد برجسته علوم شد. اسلامی
- ۲۰- (علامه طباطبائی) در عرفان و اخلاق به خدمت عارف بزرگ، میرزا علی آقا قاضی رسید و مراتب عالی و را طی کرد و از شاگردان ممتاز ایشان شد. سیر - سلوک
- ۲۱- ایشان (علامه طباطبائی) حتی روش تفسیری خود را که روش تفسیر به است از مرحوم قاضی آموخته بود. قرآن - قرآن
- ۲۲- از جمله اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبائی: تدریس فلسفه، ناظر بر مسائل روز فلسفی
- ۲۳- ایشان (علامه طباطبائی) علاوه بر تدریس شفای ابن سینا و ملاصدرا، تصمیم گرفت یک دوره فلسفه راه سبکی که مسائل روز در آن طرح شده باشد، تدریس و تألیف کند. اسفار - اسلامی

- ۲۴- کلاسی تشکیل داد (علامه طباطبایی) که طلاب برجسته و آشنا به مسائل در آن شرکت می کردند در این کلاس مکتب های به خصوص مورد نقد و بررسی قرار می گرفت. فلسفی - مارکسیسم
- ۲۵- حاصل این جلسات (جلساتی که علامه طباطبایی تشکیل می داد) کتاب «.....» است که شامل متن اصلی و پاورقی های توضیحی است. اصول فلسفه و روش رئالیسم
- ۲۶- کتاب « اصول فلسفه و روش رئالیسم » است که شامل متن اصلی و پاورقی های توضیحی است. متن را نوشته است و پاورقی ها را..... که در آن جلسات حضور داشته ، به اصل مباحث افزوده است. علامه طباطبایی - استاد شهید مطهری
- ۲۷- علامه و مطهری در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم نشان دادند که می توان از ذخیره فلسفی..... بهره گرفت. صدرائی
- ۲۸- ویژگی دیگر این کتاب (اصول فلسفه و روش رئالیسم) که تا آن روز در حوزه..... در ایران سابقه نداشت، نگاه..... به فلسفه بود. فلسفه - تطبیقی
- ۲۹- علامه و استاد مطهری در این کتاب (اصول فلسفه و روش رئالیسم) تلاش می کنند که در مباحث مهمی مثل شناخت و علیت، دیدگاه های فیلسوفان اروپایی و..... را با دیدگاه خود در..... اسلامی مقایسه کنند و ارزیابی خود را ارائه دهند. ماتریالیست - فلسفه
- ۳۰- علامه طباطبایی دو کتاب درسی در دو سطح برای تدریس فلسفه نوشت به نام «.....» که برای تدریس در سطح اولیه است و «.....» که برای تدریس در سطح بالاتر و تخصصی تر بدایه الحکمه - نهایه الحکمه
- ۳۱- ایشان (علامه طباطبایی) دو کتاب درسی در دو سطح برای تدریس فلسفه تألیف کرد به نام «بدایه الحکمه» که برای تدریس در سطح..... است و «نهایه الحکمه» که برای تدریس در سطح..... است. اولیه - بالاتر و تخصصی تر
- ۳۲- ایشان (علامه طباطبایی) برای تبیین بیشتر آیات و برای پیوند با مسائل روز، به مباحث مستقل..... نیز می پردازد و مجموعه ای غنی از مباحث..... را در کنار تفسیر آیات ارائه می دهد. فلسفی - فلسفی
- ۳۳- هانری کربن..... برجسته فرانسوی که حدود ۲۰ سال با دانشگاه تهران همکاری می کرد. فیلسوف
- ۳۴- هانری کربن فیلسوف برجسته فرانسوی در ملاقات های متعددی با علامه طباطبایی ، از نظرات ایشان درباره..... ،..... و مکتب شیعه استفاده کرد. فلسفه - عرفان
- ۳۵- حاصل مذاکرات هانری کربن با علامه طباطبایی، دو جلد کتاب تحت عنوان «.....» و «.....» در دنیای امروز می باشد. شیعه - رسالت تشیع
- ۳۶- آنان که به دنبال تحول در حوزه های علمیه و روزآمد کردن مباحث..... و..... بودند، گرد این استاد (علامه طباطبایی) جمع شدند. فلسفی - فکری
- ۳۷- یک فلسفه الهی نظیر فلسفه افلاطون و فارابی رنگ و بوی معنوی و..... به زندگی می بخشد و یک فلسفه مبتنی بر اصالت..... سبک زندگی مادی را به ارمان می آورد. الهی - اصالت حس و ماده
- ۳۸- ساختار و نظام فکری هرفرد، مشابه با یک درخت است که دارای ریشه و شاخ و برگ و ثمراتی است. ریشه این درخت، مبانی..... پذیرفته شده توسط آن فرد می باشد. فلسفی
- ۳۹- کسانی که کمتر اهل..... هستند و اصولاً یک نظام..... مشخص شده برای خود ندارند اینان زندگی شان را به تقلید از دیگران می گذرانند. اندیشه ورزی - فکری
- ۴۰- کسانی که کمتر اهل اندیشه ورزی هستند زندگی شان را به تقلید از دیگران می گذرانند و تصمیم گیری آنها تابع..... بر جامعه است. جوّ حاکم
- ۴۱- کسانی که وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار..... شده اند اما هنوز آن افکار..... به خوبی در آنها شکل نگرفته و هنوز نمی توانند میان آن افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. فلسفی - فلسفی
- ۴۲- سبک زندگی و آثار مکتوب و غیر مکتوب شهید مطهری نشان دهنده آن است که ایشان موفق شده بر اساس عمیق ترین اندیشه های..... یک نظام..... و عملی خردمندانه را سامان دهد. فلسفی - فکری

سوالات نهایی

۱- کتاب های بدایه الحکمه ونهایه الحکمه از آثار ارزنده.....است. (دی ۹۸) علامه طباطبائی

۲- دو کتابی که علامه طباطبائی برای تدریس فلسفه در دو سطح نوشتند، عبارت بود از.....و..... (خرداد ۱۴۰۱)

بدایه الحکمه - نهایه الحکمه

۳- علامه طباطبائی روش تفسیری قرآن به قرآن را از استاد خود.....آموخت. شهریور ۴۰۲ میرزا علی آقا قاضی

درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید

۴۳- تفاوت عمده دوره معاصر بادوره قبل همان ورودعرفان های جدیداروپا به جهان اسلام وازجمله ، به کشور می می باشد. غلط

۴۴- ورود فکری وفلسفی که درایران ، باآغاز نهضت مشروطه به صورت گسترده ای شروع شده بود، تا به امروز ادامه یافت . صحیح

۴۵- پس از سقوط دولت قاجاریه نابسامانی ها، حیات علمی وفرهنگی رابه شدت ضعیف کرد وهمه علوم ، ازجمله فلسفه رالزرونق انداخت. غلط

۴۶- دراواخر حکومت قاجار مسئله های فکری وفلسفی جدیدی مطرح گردید که زمینه را برای حیات مجددفلسفه فراهم کرد. صحیح

۴۷- برخورد فیلسوفان ایرانی بافلسفه های اروپایی بدین صورت بودکه تلاش کردند بابهره گرفتن ازذخیره ارزشمند دینی خود فلسفه های جدید اروپایی رابفهمند وارزیایی کنند. غلط

۴۸- فیلسوفان ایرانی تلاش کردند باردیگر تدریس فلسفه راکه به رکود گراییده بود، احیا کنند ورونق بخشند ودوستانداران فلسفه را با اندیشه های فیلسوفان اروپایی آشنا نمایند. غلط

۴۹- آنان (فیلسوفان ایرانی دوره معاصر) درهمان حال می کوشیدند با بازسازی ونوسازی ذخایرفلسفی گذشته فلسفه ای غنی تر وپربرتر که ناظر به مسئله های روزجامعه باشد، عرضه نمایند. صحیح

۵۰- امام خمینی دردوره جوانی ودر طی حدود ۲۰سال مهم ترین ومشکل ترین کتاب های فلسفی وعرفانی ، مانند مبداومعادملاصدرا تدریس می کرده است. غلط

۵۱- امام خمینی(ره) برای آموختن فلسفه وعرفان به حضور استادان بزرگ آن زمان، ازجمله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی وآیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی رسید. صحیح

۵۲- آیت الله شاه آبادی درشکل گیری شخصیت امام خمینی(ره) درابعاد گوناگون فلسفی وعرفانی واجتماعی نقش اساسی داشته است. صحیح

۵۳- امام خمینی درشرایطی تدریس فلسفه را درحوزه ها آغاز کرد که بسیاری از بزرگان با تدریس فلسفه وبه خصوص فلسفه صدراپی موافق بودند وآن رافلسفه ای الهی می دانستند. غلط

۵۴- قدرت علمی امام خمینی(ره) به گونه ای بود که درهمان سنین جوانی کتاب هایی مانند اسفارملاصدرا راتدریس می کردند. صحیح

۵۵- امام خمینی (ره) درهمان سنین جوانی کتاب های ارزنده ای درمباحث عرفانی تألیف کردند. صحیح

۵۶- کتاب « تعلیقات به شرح فصوص الحکم» و« شرح برمصباح الانس» ازآثار عرفانی امام خمینی (ره)هستند. صحیح

۵۷- کتاب « مصباح الهدایه»، « اراده وطلب»، « شرح دعای سحر»، « سرالصلوه» ازآثارفلسفی امام خمینی (ره) هستند. غلط

۵۸- امام خمینی(ره) درتفکرفلسفی نبوغ خاصی داشتند ودرتدریس حکمت متعالیه، بسیاری ازمباحث صدرالمتألهین رابا بیانی بی نظیر تفسیرعرفانی می کردند. صحیح

۵۹- شاگردان امام خمینی(ره) معمولاً درعلوم عقلی وفلسفی متبحر نبودند ومسائل فکری روز را نمی دانستند . غلط

۶۰- استاد علامه سید محمد حسین طباطبائی بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای اسلامی است. صحیح

۶۱- علامه طباطبائی به محضر استادان بزرگ راه یافت وفقط درفلسفه به مرحله استادی رسید. غلط

۶۲- علامه طباطبائی درعرفان واخلاق به خدمت عارف بزرگ ، میرزا علی آقا قاضی رسید ومراتب عالی سیر و سلوک را طی کرد وازشاگردان ممتاز ایشان شد. صحیح

۶۳- علامه طباطبائی حتی روش تفسیری خود را که روش تفسیر فلسفی است ازمرحوم قاضی آموخته بود. غلط

۶۴- ازجمله اقدامات علمی وفرهنگی علامه طباطبائی: تدریس فلسفه ، ناظر برمسائل روزسیاسی غلط

۶۵- علامه طباطبایی علاوه بر تدریس شفای ابن سینا و اسفار ملاصدرا، تصمیم گرفت یک دوره فلسفه اسلامی را به سبکی که مسائل روز در آن طرح شده باشد، تألیف کند. صحیح

۶۶- علامه طباطبایی کلاسی تشکیل داد که طلاب برجسته و آشنا به مسائل در آن شرکت می کردند و مکتب های اعتقادی به خصوص سوسیالیسم که در آن ایام رونق داشت مورد نقد و بررسی قرار می گرفت. غلط

۶۷- حاصل جلساتی که علامه طباطبایی تشکیل می داد کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» است که شامل متن اصلی و پاورقی های توضیحی است. صحیح

۶۸- متن کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را علامه طباطبایی و پاورقی های توضیحی را استاد شهید مطهری، به اصل مباحث افزوده است. صحیح

۶۹- علامه و مطهری در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم نشان دادند که می توان از ذخیره فلسفه صدرائی بهره گرفت. صحیح

۷۰- یکی از ویژگی های کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که تا آن روز در حوزه فلسفه در ایران سابقه نداشت، نگاه تطبیقی به منطق بود. غلط

۷۱- علامه و استاد مطهری کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم تلاش می کنند که در مباحث مهمی مثل شناخت و علیت، دیدگاه های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست را با دیدگاه خود در فلسفه اسلامی مقایسه کنند و ارزیابی خود را ارائه دهند. صحیح

۷۲- علامه طباطبایی و کتاب درسی در دو سطح برای تدریس فلسفه تألیف کرد به نام «بدایه الحکمه» که برای تدریس در سطح بالاتر و تخصصی است و «نهایه الحکمه» که برای تدریس در سطح اولیه است. غلط

۷۳- از جمله اقدامات علمی فرهنگی علامه طباطبایی، احیاء تدریس و تفسیر قرآن کریم است. صحیح

۷۴- حاصل مذاکرات هانری کربن با علامه طباطبایی، دو جلد کتاب تحت عنوان «شیعه» و «رسالت تشیع» در دنیای امروز می باشد. صحیح

۷۵- هانری کربن فیلسوف برجسته فرانسوی در ملاقات های متعددی با علامه طباطبایی، از نظرات ایشان درباره قرآن، تفسیر و مکتب شیعه استفاده کرد. غلط

۷۶- استاد مطهری شاگرد ممتاز امام خمینی و علامه طباطبایی بود. صحیح

۷۷- بازوی فکری و فرهنگی نهضت امام خمینی که صدها کتاب در زمینه فلسفه نوشته بودند شاگردان ممتازی مانند «استاد شهید مطهری، شهید دکتر بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله حسن زاده آملی و جوادی آملی و محمد تقی مصباح هستند. صحیح

۷۸- آنان که به دنبال تحول در حوزه های علمیه و روزآمد کردن مباحث فلسفی و فکری بودند، گرد استاد علامه طباطبایی جمع شدند. صحیح

۷۹- یک فلسفه الهی نظیر فلسفه افلاطون و فارابی رنگ و بوی معنوی و الهی به زندگی می بخشد و یک فلسفه مبتنی بر اصالت حس و ماده سبک زندگی مادی را به ارمغان می آورد. صحیح

۸۰- ساختار و نظام فکری هر فرد، مشابه با یک درخت است که مبانی فکری پذیرفته شده توسط آن فرد به منزله آن درخت می باشد. غلط

۸۱- کسانی که کمتر اهل اندیشه و ورزی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند اینان زندگی شان را به تقلید از دیگران می گذرانند. صحیح

۸۲- کسانی که کمتر اهل اندیشه و ورزی هستند زندگی شان را به تقلید از دیگران می گذرانند و تصمیم گیری آنها تابع جو حاکم بر جامعه است. صحیح

۸۳- کسانی که وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار فلسفی شده اند اما نه هنوز آن افکار فلسفی به خوبی در آنها شکل گرفته اینان در حال رشد و پیشرفت هستند. صحیح

۸۴- سبک زندگی و آثار مکتوب و غیر مکتوب شهید مطهری نشان دهنده آن است که ایشان موفق شده بر اساس عمیق ترین اندیشه های اعتقادی یک نظام فلسفی و عملی خردمندانه را سامان دهد. غلط

۸۵- علامه طباطبایی روش تفسیری قرآن به قرآن را از استاد خود.....آموخت. شهریور ۴۰۲ میرزا علی آقا قاضی

سوالات کوتاه پاسخ

۸۶- پس از سقوط کدام دوره در ایران، فلسفه از رونق افتاد و حیات فلسفی شادابی چندانی نداشت؟ صفویان

۸۷- در اواخر دوره قاجار چه چیزی زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد؟ شکل گیری جنب و جوش فکری و اجتماعی و طرح مسئله های فکری و فلسفی

۸۸- فلسفه های اروپایی در کدام دوره وارد ایران شد و علاقمندان را به خود جلب کرد؟ دوره قاجار

۸۹- برخورد فیلسوفان ایرانی در دوره قاجار با ورود فلسفه های اروپایی چگونه بود؟ تلاش کردند بابت بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه های جدید اروپا را بفهمند و ارزیابی کنند.

۹۰- کانون اصلی فعالیت فیلسوفان در دوره قاجاریه کدام شهرها بودند؟ قم و تهران

۹۱- استادان برجسته فلسفه در عصر حاضر کدامند؟ میرزا جهانگیرخان قشقایی، ابوالحسن شعرایی، میرزا مهدی آشتیانی، میرزا ابوالحسن رفیعی، محمد مهدی الهی قمشه ای، سید کاظم عصار، آیت الله محمدعلی شاه آبادی و بالاخره امام خمینی (ره) و علامه طباطبائی

۹۲- مهمترین و مشکل ترین کتابهای فلسفی و عرفانی که امام خمینی در دوره جوانی تدریس می کرده اند کدامند؟ اسفار ملاحدرا و شقای ابن سینا

۹۳- مهمترین و مشکل ترین کتابهایی را که امام خمینی (ره) در دوره جوانی تدریس می کرده اند کدامند و در چه زمینه ای بودند؟ کتاب های اسفار ملاحدرا و شقای ابن سینا در زمینه عرفانی و فلسفی

۹۴- استادان فلسفه و عرفان امام خمینی (ره) چه کسانی بودند؟ سید ابوالحسن رفیعی و آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی

۹۵- سید ابوالحسن رفیعی و آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی استادان امام خمینی (ره) در چه زمینه ای بودند؟ فلسفه و عرفان

۹۶- چه کسی در شکل گیری شخصیت امام خمینی (ره) در ابعاد گوناگون فلسفی و عرفانی و اجتماعی نقش اساسی داشت؟ آیت الله شیخ محمدعلی شاه آبادی

۹۷- آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی در چه زمینه ای و چه نقشی در شکل گیری شخصیت امام خمینی (ره) داشت؟ در ابعاد گوناگون فلسفی و عرفانی و اجتماعی نقش اساسی داشت.

۹۸- امام خمینی (ره) در زمینه عرفان چه کتاب هایی تألیف کرده اند؟ «تعلیقات به شرح فصوص الحکم»، «شرح بر مصباح الانس»، «مصابح الهدایه»، «اراده و طلب»، «شرح دعای سحر»، «سرالصلوه» و «آداب الصلوه

کتاب های «تعلیقات به شرح فصوص الحکم»، «شرح بر مصباح الانس»، «مصابح الهدایه»، «اراده و طلب»، «شرح دعای سحر»، «سرالصلوه» و «آداب الصلوه» از کدام شخصیت و در چه زمینه ای می باشند؟ از امام خمینی (ره) در زمینه عرفان

۹۹- از استادان بزرگ فلسفه نقل است که امام خمینی (ره) در چه زمینه ای نبوغ خاصی داشت؟ در تفکر فلسفی

۱۰۰- امام خمینی در تدریس کدام حکمت و مباحث کدام شخصیت را بایانی بی نظیر تفسیر عرفانی می کرده اند؟ حکمت متعالیه صدر المتألهین

۱۰۱- امام خمینی تدریس حکمت متعالیه را با چه بیانی و چگونه تفسیر می کردند؟ بایانی بی نظیر و تفسیر عرفانی

۱۰۲- شاگردان امام خمینی (ره) معمولاً در چه علوم مبتحر بودند؟ علوم عقلی و فلسفه

۱۰۳- بزرگترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی کیست؟ علامه سید محمد حسین طباطبائی

۱۰۴- علامه طباطبائی در چه علوم به مرحله استادی رسید؟ فقه، اصول، ریاضیات و فلسفه

۱۰۵- علامه طباطبائی در عرفان و اخلاق به خدمت کدام عارف بزرگ رسید و چه مراتبی را طی کرد؟ عارف بزرگ میرزا علی آقا قاضی - مراتب عالی سیر و سلوک

۱۰۶- روش تفسیری علامه طباطبائی چگونه است و از چه کسی آموخته بود؟ روش تفسیر قرآن به قرآن - مرحوم قاضی

۱۰۷- در روزگار معاصر کدام حکما مشعل پرفروغ حکمت را روشن نگه داشتند و به نسل امروز رساندند؟ میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی - میرزا مهدی آشتیانی - آقا میر محمد کاظم عصار - آقا محمد رضا قمشه ای

۱۰۸- کدام جنبه شخصیت امام خمینی (ره) باعث شد تا دیگر ابعاد شخصیت ایشان کمتر آشکار شود؟ جنبه سیاسی و فقهی امام و رهبری معجزه آسای آن بزرگوار در انقلاب اسلامی

- ۱۰۹- شخصیت های فلسفی معاصر، قبل از حضور در درس علامه طباطبایی ، سال ها از درس های فلسفی کدام شخصیتی بهره می بردند؟ امام خمینی(ره)
- ۱۱۰- به نقل یکی از استادان بزرگ فلسفه، امام خمینی(ره) درچه زمینه ای استعدادی کم نظیر داشت؟ در طرح مسائل عرفانی وبرحکمت متعالیه با اصول عرفانی
- ۱۱۱- بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی کیست؟ علامه طباطبایی
- ۱۱۲- شاگردان علامه طباطبایی رانام ببرید؟ شهید مطهری- شهید دکتر بهشتی- شهید دکتر باهنر- آیه الله جوادی آملی- آیه الله حسن زاده آملی- آیه الله مصباح یزدی
- ۱۱۳- کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مشتمل برچه موضوعاتی می باشد؟ نقد ارکان ماتریالیسم- بیان یک دوره فلسفه اسلامی
- ۱۱۴- حاصل جلسات علامه طباطبایی درنقد فلسفه جدید کدام کتاب است؟ اصول فلسفه و روش رئالیسم
- ۱۱۵- کدام فیلسوف اروپایی بعد از اطلاع از مقام علمی علامه طباطبایی ، درجلسات متوالی ومکرری به حضور ایشان رسید؟ هانری کربن
- ۱۱۶- حاصل مذاکرات علامه طباطبایی باهنری کربن درکدام کتاب ها به چاپ رسیده است؟ شیعه- رسالت تشیع
- ۱۱۷- کدام کتاب علامه طباطبایی ازنظر بسیاری ازصاحب نظران ازجمله استادشهید مطهری ، درجهان اسلام نظیر ندارد؟ تفسیر المیزان
- ۱۱۸- یکی از شخصیت های بزرگی که سال ها ازمحضر درس امام خمینی(ره) استفاده کرده وبراساس آن پایه های فلسفی خود را استوار ساخت چه کسی بود؟ استادشهید مطهری

سوالات نهایی

به سوالات زیر کوتاه پاسخ بدهید.

جدول زیر را کامل کنید. (دی ۹۹)

شرح دعای سحر	اصول فلسفه و روش رئالیسم	بدایه الحکمه
الف) مؤلف:	ب) نویسنده پاورقی:	ج) مؤلف
امام خمینی(ره)	شهید مطهری	علامه طباطبایی

۱- کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مشتمل بر چه موضوعاتی است؟ (دی ۹۸)

مقایسه و ارزیابی دیدگاه علامه و استاد مطهری در مباحث مهمی مثل معرفت شناسی و وجود شناسی با فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست ها

سوالات تشریحی

- ۱۱۹- چرا پس از سقوط دولت صفویان حیات فلسفی از شادابی چندانی برخوردار نبود؟ چون پس از سقوط دولت صفویان نابسامانی هایی ایران رافراگرفت که تا مدت های طولانی ادامه یافت . این نابسامانی ها، حیات علمی وفرهنگی رابه شدت ضعیف کرد وهمه علوم، ازجمله فلسفه را از رونق انداخت، لذا باینکه دراین ایام چندفیلسوف نام آشنا به تدریس فلسفه اشتغال داشتند، اما حیات فلسفی از شادابی چندانی برخوردار نبود.
- ۱۲۰- دردوره قاجاریه چگونه زمینه برای حیات مجدد فلسفه فراهم شد؟ دراواخر حکومت قاجار که یک جنبش فکری واجتماعی درایران شکل گرفت ودرحوزه فرهنگ نیز جنب وجوشی پدیدار شد، مسئله های فکری وفلسفی جدیدی نیز مطرح گردید که زمینه رابرای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.
- ۱۲۱- فیلسوفان ایرانی دوره قاجار برای فهم فلسفه های جدیداروپایی چه تلاشی کردند؟(۱) تلاش کردند باردیگر تدریس فلسفه را که به رکود گراییده بود ، احیاء کنند ورونق بخشند ودوستانان فلسفه را با اندیشه های فیلسوفانی چون فارابی ، ابن سینا ف خواجه نصی وملاصدرا آشنا نمایند.(۲) آنان درهمان حال می کوشیدند با بازسازی ونوسازی ذخایر فلسفی گذشته، فلسفه ای غنی تر وپربارتر که ناظر به مسئله های روز جامعه باشد، عرضه نمایند.

۱۲۲- امام خمینی(ره) درچه شرایطی تدریس فلسفه را درحوزه ها آغازکرد وچرا حلقه درس ایشان اختصاص به شاگردان نزدیک داشت وعلنی نمی شد؟ درشرایطی که بسیاری ازبزرگان به شدت باتدریس فلسفه وبه خصوص فلسفه صدرایی مخالف بودند وآن رافلسفه ای ضددینی می دانستند. به همین جهت حلقه درس ایشان اختصاص به شاگردان نزدیک داشت وعلنی نمی شد.

۱۲۳- ازاستادان بزرگ فلسفه که در درس امام خمینی(ره) حاضر می شدند، درباره تفکرفلسفی وتدریس حکمت متعالیه توسط ایشان چه نقلی کرده است؟ آن بزرگوار درتفکرفلسفی نبوغ خاصی داشت ودر تدریس حکمت متعالیه، بسیاری ازمباحث صدرالمألهین رابیانی بی نظیر تفسیر عرفانی می کرد.

۱۲۴- قدرت علمی امام خمینی(ره) دردوره جوانی چگونه بود؟ به گونه ای بود که درهمان سنین جوانی کتاب هایی مانند اسفار ملاصدرا را تدریس می کردند ودرهمان سنین کتاب های ارزنده ای درمباحث عرفانی تأسیس کردندمانند «تعلیقات به شرح فصوص الحکم»، «شرح برمصابح الانس»، «مصابح الهدایه»، «اراده وطلب»، «شرح دعای سحر»، «سراصلوه» و«آداب الصلوه»

۱۲۵- اقدامات علمی وفرهنگی علامه طباطبایی رابنویسید؟ (۱) تدریس فلسفه، ناظر برمسائل روز فلسفی(۲) احیاء تدریس وتفسیر قرآن کریم (۳) کشاندن فعالیت های علمی وفرهنگی فراترازمحدوده حوزه به دانشگاهها وحتی به محیط های جهانی (۴) تربیت شاگردان

۱۲۶- علامه طباطبایی درابتدای ورود به قم دربررسی شرایط علمی ونیازهای فکری وفرهنگی قم به چه نتایجی رسیدند؟

اولا: اندیشه های جدید ومکتب های فلسفی که از اروپا به ایران آمدهف به خصوص تفکرات ماتریالیستی ومکتب مارکسیسم، درحال گسترش است. ثانی: حوزه های علمیه آمادگی لازم برای مواجهه بااین افکار واندیشه ها راندارد وتدریس فلسفه ومباحث فلسفی که می تواند زمینه نقد وارزیابی مکاتب واندیشه های جدید رافراهم کند، همچنان اندک است ومورد استقبال قرارنمی گیرد ودربرنامه درسی طلاب جایگاهی ندارد. پس ازبررسی شرایط حوزه واوضاع فرهنگی ایران، ایشان علمی وفرهنگی راآغازکرد وباپشتکارتی ماندنی باوجودهمه مشکلات، آن اقدامات را ادامه داد.

۱۲۷- ویژگی های کتاب «اصول فلسفه وروش رئالیسم» رابنویسید؟ (۱) علامه طباطبایی وشهیدمطهری دراین کتاب نشان دادند که می توان ازذخیره فلسفی صدرائی بهره گرفت ومتناسب بامهم ترین مسئله های فلسفی روز مجموعه ای تألیف کردکه پاسخگوی نیازهای ما درهمین عصر باشد.(۲) ویژگی دیگراین کتاب که تاآن روز درحوزه فلسفه درایران سابقه نداشت، نگاه تطبیقی به فلسفه بود، علامه واستادمطهری دراین کتاب تلاش می کنند که درمباحث مهمی مثل شناخت وعلیت، دیدگاه های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست ها را بادیدگاه خود درفلسفه اسلامی مقایسه کنند وارزیابی خودرا ارائه دهند.

۱۲۸- نتیجه تدریس علامه طباطبایی درقم چه بود؟ نتیجه تدریس ایشان درقم، تربیت تعداد زیادی شاگرد بود که باعلوم عقلی آشنا بودند، مسائل فکری روز را می دانستندوبرای ایجادتحول فکری وفرهنگی پیش قدم شده بودند.

۱۲۹- فعالیت علمی علامه طباطبایی چه زمانی آغازشد؟ فعالیت علمی علامه طباطبایی درزمانی آغاز شد که اندیشه های جدید ومکتب های فلسفی از اروپا به ایران آمده بودند و تفکرات ماتریالیستی ومکتب مارکسیسم درحال گسترش درایران بود.

۱۳۰- علامه طباطبایی درمقابل گسترش تفکرات ماتریالیستی ومکتب مارکسیسم چه اقدامی انجام داد؟ جلساتی باحضور طلاب بااستعداد تشکیل داد وبه نقد مبانی فلسفه های جدید وبه خصوص مارکسیسم اقدام کرد، حاصل این مباحث کتاب «اصول فلسفه وروش رئالیسم» است با استادان دانشگاهها نیز ملاقات می کرد وبرای آنها جلسات درسی تشکیل می داد.

۱۳۱- هانری کربن چه کسی بود وچه پرسش هایی راباعلامه درمیان می گذاشت؟ یکی از فلاسفه بزرگ اروپایی بود که بعد از اطلاع ازمقام علمی علامه، درجلسات متوالی ومکرری به حضور ایشان رسید؛ پرسش های خود را درباره خود را درباره فلسفه، اسلام وتشیع باعلامه درمیان گذاشت وعلامه به پرسش های وی پاسخ گفت.

۱۳۲- نظام فکری افراد را می توان به چنددسته تقسیم کرد؟ (۵دسته ۱) کسانی که کمتراهل اندیشه ورزی هستند واصولا یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند.اینان زندگی شان رابه تقلید ازدیگران می گذرانند وتصمیم گیری آنها تابع جوحاکم برجامعه است.

(۲) کسانی که وارد عرصه تفکرشده ودارای افکار فلسفی شده اند، امانه هنوز آن افکار فلسفی به خوبی درآنها شکل گرفته ونه هنوز می توانند آن افکار ومسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. اینان درحال رشد وپیشرفت هستند.

(۳) گروهی ازافراد نیزهستندکه هم ریشه درخت فکری رابه درستی انتخاب کرده اند وپایه های استواری برای نظام فکری خودساخته اند وهم بادقت وتأمل فراوان وباعقلانیت بالا، شاخ وبرگ های سالم وقوی واستواری ازآن ریشه استنباط واستخراج کرده اند.

(۴) بسیاری هم هستند که مبنا وریشه خوبی برای ساختمان اندیشه ای خود انتخاب کرده اند، اما آن قدرت عقلی وتفکری راندارند که میان این مبانی وتصمیم گیری های زندگی، درسیاست، خانوادهدف اقتصاد ونظایر آن پیوند ایجادکنندلذا درخت اندیشه آنها شاخ وبرگ های شاداب ومناسبی ندارد.

۱۳۳- سبک زندگی وآثارمکتوب شهیدمطهری نشان دهنده چیست؟ (چگونه می توان دیدگاه های فلسفی شهیدمطهری رامشاهده کرد؟)

سبک زندگی و آثار مکتوب و غیر مکتوب شهید مطهری نشان دهنده آن است که ایشان موفق شده براساس عمیق ترین اندیشه های فلسفی که بانبوغ فکری خود از دو استاد و حکیم بزرگ آموخته بود و با تفکر و تدبیر در قرآن و سخنان معصومین کسب کرده بود، یک نظام فکری و عملی خردمندانه را سامان دهد که در عین اتکای به میراث فکری و عملی تمدن اسلامی، پاسخگوی نیازهای زمان و عصر حاضر ماباشد

۱۳۴- شهید مطهری چگونه توانست یک نظام فکری و عملی خردمندانه را سامان دهد که در عین اتکای به میراث فکری و عملی تمدن اسلامی، پاسخگوی نیازهای زمان و عصر حاضر ماباشد؟ سبک زندگی و آثار مکتوب و غیر مکتوب شهید مطهری نشان دهنده آن است که ایشان موفق شده براساس عمیق ترین اندیشه های فلسفی که بانبوغ فکری خود از دو استاد و حکیم بزرگ آموخته بود و با تفکر و تدبیر در قرآن و سخنان معصومین کسب کرده بود، یک نظام فکری و عملی خردمندانه را سامان دهد که در عین اتکای به میراث فکری و عملی تمدن اسلامی، پاسخگوی نیازهای زمان و عصر حاضر ماباشد

۱۳۵- کدام مکتب فلسفی به عنوان آخرین دستاورد فلسفه اسلامی در مرکز علمی و آموزشی محور تدریس قرار گرفت؟ فلسفه ملاصدرا (حکمت متعالیه)
۱۳۶- در روزگار معاصر کدام حکما مشعل پرفروغ حکمت را روشن نگه داشتند و به نسل امروز رساندند؟ میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی- میرزا مهدی آشتیانی- آقا میر محمد کاظم عصار- آقا محمد رضا قمشه ای

۱۳۷- کدام جنبه شخصیت امام خمینی (ره) باعث شد تا دیگر ابعاد شخصیت ایشان کمتر آشکار شود؟ جنبه سیاسی و فقهی امام و رهبری معجزه آسای آن بزرگوار در انقلاب اسلامی

۱۳۸- شخصیت های فلسفی معاصر، قبل از حضور در درس علامه طباطبایی ریا، سال ها از درس های فلسفی کدام شخصیتی بهره می بردند؟ امام خمینی (ره)
۱۳۹- به نقل یکی از استادان بزرگ فلسفه، امام خمینی (ره) در چه زمینه ای استعدادی کم نظیر داشت؟ در طرح مسائل عرفانی و برط حکمت متعالیه با اصول عرفانی

۱۴۰- بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی کیست؟ علامه طباطبایی
۱۴۱- شاگردان علامه طباطبایی را نام ببرید؟ شهید مطهری- شهید دکتر بهشتی- شهید دکتر باهنر- آیه الله جوادی آملی- آیه الله حسن زاده آملی- آیه الله مصباح یزدی

۱۴۲- کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مشتمل بر چه موضوعاتی می باشد؟ نقد ارکان ماتریالیسم- بیان یک دوره فلسفه اسلامی
۱۴۳- حاصل جلسات علامه طباطبایی در نقد فلسفه جدید کدام کتاب است؟ اصول فلسفه و روش رئالیسم
۱۴۴- کدام فیلسوف اروپایی بعد از اطلاع از مقام علمی علامه طباطبایی، در جلسات متوالی و مکرری به حضور ایشان رسید؟ هانری کربن
۱۴۵- حاصل گفت و گوی علامه طباطبایی با هانری کربن در کدام کتاب به پاپ رسیده است؟ شیعه
۱۴۶- کدام کتاب علامه طباطبایی از نظر بسیاری از صاحب نظران از جمله استاد شهید مطهری، در جهان اسلام نظیر ندارد؟ تفسیر المیزان
۱۴۷- یکی از شخصیت های بزرگی که سال ها از محضر درس امام خمینی (ره) استفاده کرده و براساس آن پایه های فلسفی خود را استوار ساخت چه کسی بود؟ استاد شهید مطهری

۱۴۸- فعالیت علمی علامه طباطبایی چه زمانی آغاز شد؟ فعالیت علمی علامه طباطبایی در زمانی آغاز شد که اندیشه های جدید و مکتب های فلسفی از اروپا به ایران آمده بودند و تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم در حال گسترش در ایران بود.

سوالات نهایی

۱- دو مورد از اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی را نام ببرید. (خرداد ۱۴۰۱)

تدریس فلسفه ناظر بر مسائل روز فلسفی- احیای تدریس و تفسیر قرآن کریم- ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی- تربیت شاگردان

۲- بگویید که سبک زندگی کدام دسته از افراد براساس تقلید از دیگران شکل می گیرد؟ (دی ۹۹)

کسانی که کمتر اهل اندیشه ورزی هستند و اصولا یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند. اینان زندگی شان را به تقلید از دیگران می گذارند و تصمیم گیری آنها تابع جو حاکم بر جامعه است.

۳- سبک زندگی افرادی که به نظام فکری سالم و استواری دست یافته اند را توصیف کنید. خرداد ۴۰۲

گروهی از افراد هم ریشه درخت فکری خود را به درستی انتخاب کرده اند و پایه های استواری برای نظام فکری خود ساخته اند و هم

با دقت و تأمل فراوان و با عقلانیت بالا، شاخ و برگ های سالم و قوی و استواری از آن ریشه استخراج کرده اند.
۴- کسانی که به سبک زندگی معیوب و ناسالمی رسیده اند، چه نظام فکری و عملی را انتخاب کرده اند؟ توضیح دهید؟

شهریور ۴۰۲

افرادى هستند که در انتخاب ریشه درخت و پایه نظام فکری خود، دچار حطا و اشتباه شده اند و ریشه اى ناکارآمد و ناسالم در زمین زندگى خود قرار داده اند.

سیدرحیم موسوی نسب سرگروه فلسفه و منطق استان خوزستان